یی‌چینگ

کتاب تقدیرات

پیشگفتار: ک.گ. یونگ

مترجم: سودابه فضایلی

چاپ جدید با تجدید نظر و اصلاحات

یی‌چینگ

یی چینگ
یا
کتاب تقدیرات

کهن‌ترین کتاب حکمت و فالنامه‌ی چینی

تنظیم به‌انگلیسی از آلفرد داگلاس

پیشگفتار از کارل گوستاو یونگ

ترجمه‌ی سودابه فضایلی



I Ching

or

THE ORACLE OF CHANGE

How to cousult the I Ching

by

ALFRED DOUGLAS

LONDOON

VICTOR GOLLANCZ LTD

Second impression

1974

یی چینگ

یا «کتاب تقدیرات»

آلفرد داگلاس

ترجمه‌ی سودابه فضایلی

ناشر: نشر ثالث

طرح جلد و صفحه آرایی: ارشاسان

چاپ هفتم: ۱۳۷۶ · ۵۵۰۰ نسخه

چاپ: سازمان چاپ احمدی

خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه - خیابان ۱۲ فروردین - شماره ۱۱ - طبقه دوم - تلفن: ۶۴۶۰۱۴۶

ISBN 964-6404-03-0 شابک ۰-۰۳-۶۴۰۴-۹۶۴

ISBN: 9789646404038 ای.اِی.ان ۹۷۸۹۶۴۶۴۰۴۰۳۸

مقدمه بر چاپ پنجم

غنیمتی شد که از برای دو عارف بر حقایق، تفألی بزنم، برای هر دو شمارهٔ ۱۷ به دست آمد. فرمودند: تشابه شمارهٔ شش خطی برای ما دو، خود نشانه از منبع الهی این کتاب است. رسیدن کتاب به چاپ پنجم نیز تأییدی است بر همین امر، چرا که همگان با آن بر هر مشکلی و سؤالی تفألی می‌زنند، و چون دیوان حافظ آن را گرامی و عزیز می‌دارند. چه بسیار پیغام داشتم از افراد، و دیدار با کسانی که از اندرز مرد برتر برخوردار شده بودند، و در مشورت با یی‌چینگ مشکلات روحی - روانی و یا مشکلات روزمره خود را حل کرده بودند و یا بر تردیدی، گاه مهلک، فائق آمده بودند.

با این وجود، چون کتاب از متن انگلیسی ترجمه شده بود، و از سوی دیگر، متنی برای ترجمه برگزیده شده بود که تنها به ابیات اصلی و کهن آن اکتفا کرده بود، و تعبیر و تفسیرهای دیگری مثلاً تفاسیر ویلهلم مترجم یی‌چینگ به زبان آلمانی را در بر نداشت، هرچند که ابیات اصلی با ترجمهٔ ویلهلم مقایسه شده بود، از این رو همواره آرزو داشتم ترجمهٔ فارسی یی‌چینگ با متن اصیل چینی مقایسه شود.

به لطف خداوند، دوست عزیز و دانشمند آقای دکتر مظفر بختیار به سمت ریاست دانشکدهٔ ایرانشناسی دانشگاه پکن و استاد زبان فارسی آن دانشکده، عازم پکن شد و تقاضای مترجم این کتاب را از برای مقایسه متن ترجمه با متن اصلی چینی اجابت فرمود، بخشی از نامهٔ ایشان نقل می‌شود:

«ترجمهٔ یی‌چینگ به زبان فارسی برای چینی‌ها بسیار قابل توجه بود و تأثیر بسیار خوب داشت. همانطور که سودابه خانم قبلاً خواسته بودند، ترجمهٔ فارسی را با آقای چنگ تنگ (Cheng Tang) که کارشناس برجستهٔ یی‌چینگ است از لحاظ آوانویسی کلمات چینی به فارسی مقابله کردیم، و چند نفر از استادان فارسی‌دان چینی نیز مورد مشورت قرار گرفتند، خوشوقت شدم که جز در چند مورد (آوانویسی) اختلاف مهمی نیست، که صورت آنها در برگهٔ پیوست تقدیم می‌شود. آن بند از یی‌چینگ را هم که خانم اشاره فرموده‌اند (ص ۲۸۰) که در ترجمه‌های خارجی اختلاف هست از آقای چنگ درخواست کردم زیر نظر یکی از استادان چینی زبان فارسی از متن قدیم چینی به فارسی ترجمه شود که دیگر تردیدی در میان نباشد. قسمت‌هایی از ترجمهٔ فارسی هم به وسیلهٔ همین فارسی‌دانان و کارشناسان به طور نمونه‌یی با متن قدیمی چینی مقابله و مقایسه شد، عجب است با آنکه در دو زبان گشته تا به فارسی درآمده، اختلاف مهمی نداشت و ترجمه دقیق بود.»

از این که اشتباهی در معانی کتاب نبوده است الحق دلم قوی شد و شکر بسیار گزاردم و بیش از پیش معتقد شدم که در ترجمهٔ هر متنی وجه الهامی باعث انتخاب معنی یا مترادفی از یک کلمه می‌گردد، و در مورد یی‌چینگ منبع الهی آن یاری‌بخش بوده است، و مترجم هیچ سهمی در صحت آن ندارد.

در مورد آوانویسی که فهرست ضمیمهٔ جناب آقای دکتر بختیار عیناً نقل می‌شود، نتیجه این شد که اگر بخواهم آوانویسی حروف چینی را در تمام کتاب تغییر دهیم

مشکلات بسیار پیش خواهد آمد، بخصوص که به گوش خوانندهٔ ایرانی واژه‌های چینی، آشنا نیستند، تا تغییر آوانویسی چندان لازم باشد، معهذا برای آشنایان به زبان چینی و همچنین اهل تحقیق و علاقمندان به فرهنگ چین عین تصحیحات چاپ می‌شود.

همراه با نامهٔ دکتر بختیار «یی‌چینگ» به زبان چینی دریافت شد، که در سال ۱۹۸۸ پس از سالها اجازهٔ نشر گرفته و از طرف دانشگاه پکن چاپ شده، و به مترجم فارسی این کتاب مرحمت شده است؛ این کتاب به اهتمام «سویو» و شامل بر ۹۱ صفحه است، و تفاسیر کنفوسیوس و شاگردانش که در متن فارسی ترجمه شده، حذف شده است، و فقط نام شش خطی، حکم، تصویر و خطوط آمده‌اند. در این کتاب هرشش‌خطی به‌صورت قرینه‌آمده و یک شماره خورده، به مثل شش خطی ۱۵ یکبار به‌صورت و یکبار به‌صورت برعکس آن یعنی آمـــده است، هر دو شمارهٔ ۱۵ دارند، حال اینکه در یی‌چینگ فارسی که مبتنی بر متن قرن سومی وانگ‌پی است این شش خطیها تحت شماره ۳۱ و ۳۲ است. آنچه به توسط ویلهلم به غرب معرفی شد، جز یی‌چینگ کهن و تفسیرهای شاه‌ون، امیرچو، کنفوسیوس و وانگ‌پی، تفاسیری است که خود او بر کتاب یی‌چینگ افزوده است، زیرا ذهن غربی به دور از نمادگرایی شرق، چنین توضیحاتی را لازم داشته است، لکن در ترجمهٔ فارسی.تفاسیر ویلهلم ضروری نبود زیرا ذهن شرقی نیازی به این تفاسیر، برای فهم نمادگرایی یی‌چینگ نداشت. هرچند زحمتی که ویلهلم برای

ترجمهٔ یی‌چینگ به زبان آلمانی کشیده، بسیار حائز اهمیت است، اما آنچه مکان یی‌چینگ را در جهان امروز تعیین و تثبیت کرده است، توجه یونگ بدان بوده است و یافتن جایگاه یی‌چینگ در مقولهٔ روحشناسی و روانشناسی است.

در مورد عنوان کتاب یی‌چینگ که جناب دکتر بختیار تأکید بر واژهٔ یی‌جینگ داشتند، خدمتشان نوشتم که ترکیب یی‌چینگ به عمد انتخاب شد، زیرا در گوش ایرانی ترکیب آوای «ج» با «غ» یا «ق» و یا «گ» و «ک» همواره بازگو کنندهٔ صدایی ناخوشایند است، مثلاً جیغ، جغجغه، جیرجیرک، جنگ، چزق، جیرینگ، جرجر، حال اینکه ترکیب «چ» و «گ»، صدایی خوشایند را به ذهن می‌آورد چون چنگ و به هر حال ترکیب واژهٔ چین در آن است و اصل چینی یی‌چینگ را می‌رساند. از طرفی هیچیک از زبانهای انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی و ایتالیایی و ... وفادار به اصل کلمهٔ «یی‌جینگ» نبوده‌اند، چنانچه انگلیسی زبانان ان را «آی چینگ» فرانسویها «یی‌کینگ» و غیره تلفظ کرده‌اند.

یکی از نکات بسیار جالب نامهٔ جناب آقای دکتر بختیار در باب خط چینی واژهٔ یی‌چینگ بود. «نکته‌یی در مورد جلد کتاب هست و آن اینکه کلمهٔ یی‌چینگ، به خط چینی غلط نوشته شده که البته ناشی از اشتباه گرافیست‌های فرنگی است، کلمه‌یی که بر جلد فارسی آمده و عیناً آنرا بر جلد ترجمهٔ ویلهلم نیز دیده‌ام فقط کلمه‌گونه‌یی از جزء اول عنوان کتاب یعنی «یی» است به خطی بسیار ناشیانه و نقاشی شده که در چشم آشنای با خط چینی. کاملاً مشخص است که یک غیر چینی آن را نوشته و مهمتر

از آن غلط املایی است که یک هیروگلیف به دو جزء تقسیم شده. بهرحال از خود آقای چنگ تنگ که ضمناً خوشنویس زبده‌یی هم هست درخواست کردم عنوان یی‌چینگ را به خط ستینگ شو، که معمولاً آثار متون ادبی را به آن می‌نویسند با خط بسیار زیبای خود بنویسند که در صورت تمایل در تجدید چاپ از آن استفاده شود. خطی نوشته که به تصدیق خبره با معیارهای خوشنویسی چینی بسیار ممتاز است. و با توجه به اینکه خود او استاد «یی‌چینگ» هم هست، بسیار متناسب است، در اینجا به کار برود. این خط را عیناً برایتان به همان صورت خواهم فرستاد.»

این خط نوشته را که اثر جناب آقای «چنگ تنگ» است و بر روی کاغذهای دست‌ساز قدیمی با قلم‌مو نگاشته شده، بر پشت جلد کتاب و در صفحهٔ اول ملاحظه می‌کنید.

در اینجا سپاس می‌گویم محبت بی‌دریغ جناب آقای «چنگ تنگ» را، و از خداوند مسئلت دارم تا توفیق دهد، بتوانم لطف جناب آقای دکتر بختیار را جبران کنم.

س.ف

تهران ـ دیماه ۱۳۷۱

تلفظهای پیشنهاد شده

تلفظی که در کتاب آمده	تلفظ چینی
تونی	دوئی
سون	شون
کن	یین yin
چن	جن
چ، ین	چیان
ص ۹۵ چون	تون Tu'n
ص ۱۰۳ هسو	شو
ص ۱۴۴ پی	بی bl
ص ۱۳۴ ت،یونگ‌جن	ثونگ ژن (البته دقیقتر تون ژن است، زیرا همیشه حرف گاف بعد از «ن» در چینی تلفظ هنه nasal دارد، چنانچه خود «ئی جینگ» را هم خود چینیان «نی‌جین» تلفظ می‌کنند. ولی بهرحال نوشتن و گذاشتن این اِ غیر ملفوظ تقریباً در آوا نویسی چینی به همهٔ زبانها معمول است و اشکالی ندارد.)
ص ۱۵۴ کیو	گو gu
ص ۲۲۶ چیاجن	جیاژن jia ren (در چینی r نیست و در فونتیک آن را به جای ژ می‌گذارند.)

«یی‌چینگ» یا «کتاب تقدیرات»، کتاب مقدس چینیان است، و کهن‌ترین متن به‌جا مانده از چین باستان. این کتاب مقدس که بیش از چهار هزار سال قدمت دارد، از آیینهای اولیه‌ی چین باستان نشات گرفته است، و از شصت و چهار علامت، و تفسیر این علائم تشکیل شده است. اعتقاد چینیان قدیم بر این بوده که تمام تحولاتی که در درون و برون آدمی رخ می‌دهد، در این شصت و چهار علامت خلاصه می‌شود.

این کتاب طی قرنها، نسل اندر نسل مورد تکریم چینیان بوده است، و چنان نفوذی در زندگی و اندیشه‌ی آنان داشته که فرزانگان چینی، چون «شاه ون»، «لائوتسه» و «کنفوسیوس» کوشیده‌اند تا روابط درونی و علائم رمزآمیز این کتاب را کشف و تفسیر کنند، و از آن حکمتی روشن برای زندگی آدمیان و جامعه، ارائه دهند. به این ترتیب، متنهای بسیار در شرح و تفسیر یی‌چینگ نوشته شده است. در واقع این مجموعه محصول کار جمعی حکیمان چینی طی قرنهاست، و از اینرو، ریشه‌ی اصلی شناخت فرهنگ چین و یکی از ریشه‌های اصلی شناخت فرهنگ شرق است.

در «یی چینگ» علم و نظر به هم درآمیخته است، چرا که برای دریافت مفاهیم تمثیلی این کتاب مقدس، می‌باید از قواعد ریاضی بهره جست، و در عین حال شناختی عرفانی نسبت به هر لحظه از تقدیر، و مفهوم خاص نمادها در آن لحظه داشت، تا اشارات و هشدارهای یی‌چینگ را درک کرد، و با اندرزها و رهنمودهای آن، فراز و نشیبهای درون و برون خود را، و تغییرات پیچیده‌ی جهان هستی را شناخت. با این شناخت آدمی می‌تواند خود را با این تغییرات هماهنگ کند، آماده‌ی مقدرات شود، و حتی از بعضی مقدرات پیشگیری کند. تجربه‌ی این مرحله با «یی چینگ» کلید رمز عرفان و اندیشه‌ی حکمی شرق دور است، که طی هزاران سال، از ورای همه‌ی حوادث ویرانگر یا سازنده، چهره‌ی خود را حفظ کرده است. و همچنان تعادلی را میان علم حصولی و نظر اشراقی نگاه داشته است. و با بکاربردن این دو وجه علم و نظر، «یی‌چینگ» لایه‌های پیچیده‌ی روان و ذهن را باز می‌کند، و عمق خواستنها و هجرانهای آنرا روشن می‌کند.

شاید ازینروست که «کارل گوستاو یونگ» حدود سی‌سال بر این کتاب مطالعه‌ی مستمر داشته و معتقد بوده است که «یی چینگ» با ناخودآگاه فردی و قومی انسان سروکار می‌یابد. و ازین طریق انسان را به خودشناسی رهنمون می‌شود. همچنین عرفان‌گرایان غربی، چون «هرمان هسه» همواره ازین کتاب تعلیم گرفته‌اند و آنرا مبنای اعتقاد خود به عرفان شرق و مبنای فهم خود از جهان قرار داده‌اند.

شاید بتوان این کتاب مقدس مذهبی-عرفانی را در ادبیات و فرهنگ ما، با دیوان خواجه‌ی شیراز قیاس کرد، چه از نظر عمق حکمی و عرفانی آن، و چه از نظر اعتقادی که مردم قرون بر آن بسته‌اند، و آنرا مرجع تفال و سؤال قرار داده‌اند. اگرچه برای تفال با «یی‌چینگ» می‌بایست سلسله اعمالی انجام داد که بر اصول ریاضی مبتنی است، اما «لحظه‌ی تفال»، «نیت فال‌گیرنده» و «قسمت» در آن مؤثرند، و این هر سه عامل در تفال و سؤال از خواجه حافظ نیز دارای اهمیتی ویژه است. نمادگرایی و اشارات و کنایات «یی چینگ» هم برای ما ایرانیان چندان غریبه نیست، چون که ما اندکی تفاوت، همین نمادگرایی در ذهنیت حکمی ما وجود دارد. بنابراین، در دو نمونه‌های والای فرهنگ ایرانی و چینی، چون آینه‌های مقابل، رمزهای وجود خود را روشن می‌بینیم، که ما حافظ را لسان‌الغیب میدانیم، و چینیان معتقدند «یی چینگ» روحی دارد که ناظر بر روح مردمان است.

در صد سال اخیر، این کتاب به زبانهای مختلف جهان ترجمه شده‌است، و یکی از شناخته‌ترین کتابهای حکمی جهان است، و از پرانتشارترین کتابها. از «یی چینگ» به هر زبان، روایتهای مختلفی چاپ شده است که از میان آنها، دو روایت ماخذ قرار گرفته. یکی روایت «آلفرد داگلاس» و دیگر روایت «ریچارد ویلهلم» که روایت ویلهلم، روایتی است کلاسیک، شامل شروح مختلف، و متن اصلی با نثری مقطع ترجمه شده، و از معتبرترین ترجمه‌های «یی چینگ» به زبان آلمانی، سپس به انگلیسی‌است. اما روایت داگلاس، به نثر معمول‌تری ترجمه شده، همچنین شرحها را خلاصه‌تر و گزیده‌تر آورده است. و در تنظیم

روال متنها و مراحل معرفی «یی چینگ» ساده‌تر و قابل‌فهم‌تر بوده است. برای نخستین آشنایی با «یی چینگ» بهتر آن بود که متنی ساده‌تر انتخاب شود، پس متن داگلاس مبنا قرار گرفت. و هرجا که لازم بود، با متن اصلی و تفسیرها از روایت ویلهلم مقایسه شده است.

و اما واژه‌ی «یی‌چینگ» را در برخی ترجمه‌ها و تلفظها در ایران، «آی چینگ» آورده‌اند. که به تلفظ انگلیسی از واژه‌ی اصلی اسم این کتاب است، و «ای‌کینگ» هم تلفظ فرانسوی آن، لکن در اصل «یی‌جینگ» است که «ج» تلفظی بین «چ» و «ج» است. پس در اینجا تلفظ «یی چینگ» به خاطر نزدیکی به‌اصل وسهولت‌تلفظ، پیشنهادشده‌است. «یی» به‌معنای کتاب‌است‌و«چینگ» یا «جینگ» به‌معنای تغییر یا دیگر شدن، و منظور تغییری‌است‌که در زندگی و سرنوشت حادث می‌شود. چون واژه‌ی تغییر در فارسی، معنایی به این وجه ندارد، برخی مترجمان به فارسی مقدرات ترجمه کرده‌اند، و در اینجا «کتاب تقدیرات» پیشنهاد شده است تا مفهوم تقدیری تغییر اراده شود. اگر دست‌زدن به چنین مهمی، خود خطرکردنی است، اما امیدواریم این نخستین گام، پذیرفته شود، و بر ضعفهای آن که قدر مسلم از انتخاب و کار مترجم است، ببخشایند و هر خطایی که رفته تذکر دهند، که مترجم به دیده منت دارد.

پیشگفتار روانشناس بزرگ، «کارل گوستاو یونگ» از مقدمه‌ی کتاب ویلهلم نقل شده. که طرز نگرش یونگ بر «یی چینگ» تأییدی «این‌زمانی» است، بر علمی از آن هزاران سال پیش. مقاله‌ی یونگ شیوه‌ی برخورد با «یی چینگ» را روشن می‌کند، اما شاید پس از مطالعه‌ی کامل مجموعه، خواندن دوباره‌ی این پیشگفتار، روشنگری بیشتری در بر داشته باشد، که ارتباط حکیمانه‌ی حکیمی ازین قرن با حکیمان باستان، می‌تواند آشتی‌دهنده‌ی ما با خویشتن ما باشد، و به هر تقدیر پویندگان راه حقیقت در همه‌ی زمانها و در سراسر جهان، ارتباطی دارند، که همواره رو به گسترش است، و ما ازین ارتباط می‌توانیم پرتوی بر زندگی خویش و بر این جهان تاریک داشته باشیم.

مترجم

گفتاری بر «یی‌چینگ»

کارل گوستاو یونگ

از آنجایی که من چین‌شناس نیستم، نوشتن مقدمه‌ای بر «کتاب تقدیرات»[1] تنها می‌تواند شهادت‌نامه‌ای باشد بر تجربه‌ی شخصی من از این کتاب عظیم و منحصر به فرد.[2]

اگرچه مفهوم «کتاب تقدیرات» به آسانی قابل‌فهم نیست و وجود مقدمه‌ای بر این کتاب لازم است، اما من این مقدمه را برای قابل فهم ساختن «یی‌چینگ» تحریر نکرده‌ام، بلکه آن را در جواب به آن دسته از پژوهشگران و محققان غربی نوشته‌ام که کتاب را به دلیل وجود نکات مبهمش جزو «اوراد جادویی» به حساب آورده‌اند. و یا آن را غامض‌تر از آن پنداشته‌اند که درك‌پذیر باشد، و یا اصلا آن را فاقد هرگونه ارزش خوانده‌اند. درحالیکه من بیش‌از سی سال صرف وقت کرده‌ام تا فنون کتاب«یی‌چینگ» یا روش آن را در کشف ناخودآگاه دریابم، چرا که به نظرم می‌رسید «یی‌چینگ» مفهومی غیرمعمول دارد.

من زبان چینی نمی‌دانم، و هرگز در چین نبوده‌ام. اما می‌توانم به خوانندگان اطمینان بدهم که روی هم رفته آسان نیست که یکی از مظاهر اندیشه‌ی چینی را که سخت با طریقه‌ی تفکر ما متفاوت است،

۱ـ این گفتار مقدمه‌ایست که یونگ بر ترجمه‌ی «ریچارد ویلهلم» از اصل چینی نوشته.

۲ـ چند سطری که راجع به نحوه‌ی ترجمه‌های اولیه‌ی یی‌چینگ به آلمانی و انگلیسی بود، ازین گفتار حذف شد.

درک کنیم، مگر اینکه تعصبات ذهنیت غربی را کنار بگذاریم.

البته جای شگفتی است که چرا یک‌چنین مردمان بـا استعداد و هوشیاری چون چینی‌ها، هرگز در آنچه مـا علم می‌نـامیم، پیشرفتی نکرده‌اند. اگرچه علم ما، بر مبنای اصل علیت‌است، و علیت‌را حقیقتی بدیهی دانسته‌ایم، اما تناقضی عظیم در دیدگاه ما وجـود دارد. آنچه موجب شکست «نقد خرد محض» کانت است، کمال یافتن فیزیک جدید است که بدیهی بودن علیت را در زیربنا متزلزل کرده است. ازین‌رو، ما اکنون می‌دانیم آنچه را ما قوانین طبیعی نامیده‌ایم، صرفاً حقایق آماری هستند، و بدین‌ترتیب باید لزوماً استثنائات را به حساب آورد، هرچند ما هنوز وجود استثنا را به حد کافی جدی نگرفته‌ایم. درحالیکه باید بدانیم طبیعت، آزمایشگاهی با محدودیت‌های خشک و قاطع‌نیست که هدف آن اثبات‌تغییرناپذیربودن قـوانین طبیعت باشد، بلکه اگـر چیزها را به طبیعت واگذار کنیم، تصویری کاملاًمتفاوت‌خواهیم‌داشت. و می‌بینیم که هر جریانی، به‌طور کلی یا جزئی، با مداخله‌ی بخت و اقبال همراه است، و قوانین ویژه‌ی مدون در مورد وقایع، به‌ندرت و به‌طور استثنایی با جریان طبیعی وقایع منطبق می‌شود.

ذهنیت چینی، بدانگونه که من آن را ضمن کار بر «یی‌چینگ» دریافته‌ام، به‌طور گسترده‌یی با وجـه تصادفی رویدادهـا در ارتباط است. آنچه را ما تصادف می‌نامیم، مرکز توجه این ذهنیت خاصه است، و آن چیزی را که ما به عنوان قانون علیت تقدیس می‌کنیم، تقریباً بی‌آن‌که‌مورد توجه قرار دهد، نادیده می‌گیرد.

در اینجا لازم است در مورد اهمیت شدید تصادف و اقبال سخن بگـویم. بخش عظیمی از کـوشش بشر، متمرکز شده است بـر اینکه صدمات یا خطراتی را که ناشی از تصادف است، محدود کند، یا با آن بجنگند، درحالیکه آن اعتباری که ما برای نظریه‌ی علیت قائلیم، اغلب در قیاس با نتایج عملی تصادف و اقبال بی‌رنگ و گردگرفته به نظر می‌آید. وقتی می‌گوییم بلورهای کوارتز یـا سنگ چینی، منشورهای شش‌پر است، این جمله در صورتی کاملا درست است، که سنگ چینی ایده‌آل منظور باشد. اما در طبیعت هیچ دو سنگ چینی را دقیقاً شبیه به هم پیدا نمی‌کنیم، اگرچه همه‌ی آنها بدون شک منشورهای شش‌پر هستند.

به این ترتیب، بـه نظر می‌رسد شکل عملی بیشتر مطلوب نظر

حکمای چینی است، تا شکل ایده‌آل. حکمای چینی به‌درهم‌آمیختگی‌قوانین طبیعی که واقعیتی تجربی به وجود می‌آورد، بیشتر اهمیت می‌دهند، تا به توصیفات علت و معلولی وقایع، که در ضمن می‌بایست از همدیگر جدا باشند، تا بتوانند به‌طور کامل مورد بررسی قرار گیرند.

روشی که «یی‌چینگ» برای نگریستن به واقعیت اتخاذ می‌کند، بدانگونه است که گویی ترتیب علت و معلولی را بی‌اعتبار می‌داند. در چشم یك چینی قدیمی، لحظه‌یی کـه فعلا مورد ملاحظه است، بیشتر نشانه‌ی تصادف است تا نتیجه‌ی روشن و مشخص از همساز شدن سلسله جریانهای علت و معلولی، گویا آن هیاتی موضوع توجـه است که در لحظه‌ی مورد ملاحظه، از حوادث اتفاقی شکل گرفته، و اصلا براساس دلایل فـرضی نیست، که ظاهـراً حوادث را تـوجیه می‌کنند. ذهنیت غربی خوب وارسی می‌کند، توزین می‌کند، انتخاب می‌کند، دسته‌بندی می‌کند، و مجزا می‌کند، اما تصویری که چینی از لحظه ارائه می‌دهد، همه‌چیز را در غیرمنطقی‌ترین جزئیات آن دربر می‌گیرد، چرا که همه‌ی اجزاء با هم لحظه‌ی مورد نظر را می‌سازند.

ازینروست که وقتی کسی سه سکه‌ی «یی چینگ» را می‌اندازد، یا ۴۹ ساقه‌ی درخت بومادران را تنظیم می‌کند، این جزئیات تصادفی در تصویر لحظه‌ی مورد ملاحظه وارد می‌شود و قسمتی از آن را شکل می‌دهد. قسمتی که از نظر ما بی‌مفهوم است، اما برای ذهنیت چینی دارای بالاترین معناست. برای ما این سخن، مبتذل و تقریباً بدون معناست (حداقل در صورت ظاهرش) گفتن اینکه هرآنچه اتفاق می‌افتد در یك لحظه‌ی خاص به‌طور گریزناپذیری کیفیت خاصه‌ی آن لحظه را در بر دارد. این امر، مجرد و منتزع نیست، بلکه کاملا عملی است. بعضی افراد خبره هستند که می‌توانند صرفاً از روی ظاهر، مزه، و حالت یك شراب، محل تاکستان و سال این شراب را به شما بگویند. عتیقه‌شناسانی هستند که تقریباً با دقتی غریب، محل و زمان و اصل و سازنده‌ی یك شیئی هنری، یا یك قطعه از اثاثه را فقط با نگاه‌کردن به آن، می‌گویند، و حتی منجمانی هستند که بدون هرگونه دانش قبلی نسبت به تاریخ‌تولد شما، می‌گویند در لحظه‌ی تولد شما، کدام‌یك از صور فلکی در افق برآمده. در مقابل یك چنین حقایقی، باید پذیرفت که لحظات آثار طولانی‌مدت بر جای می‌گذارند.

به عبارت دیگر، هر آنکسی که «یی‌چینگ» را اختراع کرده‌است،

باور داشته که «شش خطی» که در یك لحظه‌ی خاص به دست می‌آید، نه‌تنها از نظر زمانی با این لحظه‌ی خاص متقارن است، بلکه به همان اندازه از نظر کیفی هم با این لحظه تقارن دارد. برای این مخترع، «شش‌خطی» توصیفگر آن لحظه‌یی است که در آن لحظه سکه‌ها ریخته شده‌اند ــ حتی بیش‌از آن‌حدی که ساعات و تقسیمات‌تقویم‌می‌توانستند توصیفگر آن باشند ــ تا به حدیکه باور می‌شد «شش‌خطی» نشانگر وضعیت اساسی آن لحظه‌ی خاص است.

این فرضیه بعضی اصول غریب دیگر را شامل می‌شود، که من آن را، «انطباق»[1] می‌خوانم. این مفهوم نقطه‌نظری را به وجود می‌آورد که کاملا مغایر نقطه‌نظرهای مبتنی بر علیت است. از آنجاییکه علیت صرفاً یك حقیقت آماری است و حقیقتی مطلق نیست، یك‌نوع فرضیه‌ی عملی است از اینکه چگونه وقایع یکی از درون دیگری ایجاد می‌شوند. درحالیکه «انطباق» تقارن وقایع را در فضا و زمان به عنوان تصادف محض تلقی نمی‌کند، بلکه آنرا وابستگی وقـایع عینیْ بـه همدیگر و به حالات ذهنی (روانی) مشاهده‌گر یا مشاهده‌گران، می‌داند.

ذهن چینیان قدیم، در تأمل بـر کهکشان، شبیه است بـه ذهن فیزیکدانهای جدید، زیرا فیزیکدانهای جدید، نمی‌توانند منکر آن باشند که الگویشان از دنیا، دارای ساختی روانی‌ـجسمی[2] است. بر این اساس همانطور که شرایط روانی در کل یك وضعیت زودگذر مؤثر است، یا واقعه‌یی بسیار جزیی[3] در مشاهده‌گر مؤثر می‌شود، به همان اندازه واقعیت پنهان در پشت «یی‌چینگ» هم در ذهنیت مؤثر است.

همانطور که قانون علیت مراحل وقایع را تشریح می‌کند، به‌همان نسبت «انطباق» هم در ذهنیت چینی، با تقارن وقایع در ارتباط‌است. بینش «علیت‌گرا» داستانی نمایشی بـرایمان معرفی می‌کند از اینکه چگونه **د** به وجود آمد: اصل آن **ج** است که قبل از **د** می‌زیسته، **ج** هم به نوبه‌ی خود پدری بـه نام **ب** داشته و غیره. بینش انطباقی هم از سوی

1 Synchronicity
2 Psychophysical
3 Microphysical

دیگر می‌کوشد یك تصویر بامعنی از تقارن به دست دهد: چه اتفاقی افتاد که الف و ب و ج و د و غیره، همگی در یك لحظه، و در یك مکان ظاهرشدند؟ در مرحله‌ی اول چون وقایع‌مادی[1] الف و ب ازهمان‌کیفیتی برخوردارند که وقایع روانی ج و د، و دیگر اینکه چون همگی بیانگر همان یك وضعیت زودگذر هستند. بدین ترتیب فرض بر اینست که ازین وضعیت تصویری قابل فهم و روشن ارائه شود.

با این توصیف، شصت و چهار «شش‌خطی» «یی‌چینگ» وسیله‌یی هستند که توسط آنها می‌توان معانی شصت‌وچهار وضعیت نوعی[2] مختلف را مشخص کرد. این تفسیرها معادل توضیحات مبتنی بر علیت هستند. اگرچه ارتباطات مبتنی بر علیت از نظر آماری لازم هستند و ازینرو می‌توانند موضوع تجربه واقع شوند. لکن از آنجائیکه وضعیت منحصر به فرد است و نمی‌تواند تکرار شود، پس تجربه کردن «انطباق» در شرایط معمولی غیرممکن به نظر می‌رسد. در اینحال، برای «یی چینگ»، تنها معیار صحت متن «شش‌خطی»، و انطباق آن با وضعیت روانی شخص، نظر خود مشاهده‌گر است. تصور می‌رود که حاصل ریختن سکه‌ها، یا نتیجه‌ی تقسیم دسته چوب‌های بومادران، لزوما در «وضعیت» موجود همانست، که می‌بایست باشد، تا بدان حد که هرآنچه در آن لحظه اتفاق می‌افتد، به عنوان بخش ضروری تصویر محسوب می‌شود. اگر یك مشت چوب کبریت بر زمین بیفتد، شکلی شاخص آن لحظه به دست می‌دهد. اما چنین حقیقت بدیهی تنها وقتی طبیعت پرمعنای خود را ظاهر می‌سازد که خواندن این شکل ممکن باشد، و تفسیر آن قابل تشخیص باشد. این تشخیص، بخشی توسط دانش مشاهده‌گر از موقعیت ذهنی و عینی انجام می‌شود، و بخشی توسط وقایع قبلی. به‌طور یقین، این روش کار، برای ذهنیتی که نقاد است و به تحقیق تجربی وقایع یا شواهد واقعی عادت کرده، جالب نیست، بلکه برای کسی است که دوست دارد به جهان از همان زاویه‌یی بنگرد که چین قدیم می‌نگریست. برای چنین شخصی ممکنست «یی‌چینگ» گیرنده باشد.

البته مبحث فوق، برای ذهنیت چینی اصلا قابل طـرح نیست.

1— Physical
2— Typical

برعکس، بنابر سنت قدیم، «شفاعت روحانی» که بـه طریقی مرموز عمل می‌کند، به چوب‌الف‌ها جوابی پرمعنا می‌دهد. این قدرت‌ها، انگار که روح زنده‌ی کتابند. گویی کتاب یك نوع موجود جاندار باشد. بنا بر سنت، هر کس می‌تواند از «یی چینگ» سؤال کند، و انتظار دریافت جوابهای خردمندانه داشته باشد. بدینترتیب به مغزم خطور کرد که شاید افراد ناآشنا با «یی چینگ» بخواهند عملکرد «یی‌چینگ» را ببینید. بدین منظور تجربه‌یی کردم که به‌شدت مطابق با طرز تلقی چینی بود: من کتاب را به صورت شخصی مجسم کردم. و قضاوت او را راجع بـه موقعیت کنونی پـرسیدم. مثلا پرسیدم در معرفی «یی چینگ» به دنیای جدید، چه هدفی باید داشته باشم.

اگرچه این روش‌کار با مفروضات‌فلسفه‌ی «تائویست»، هماهنگ است. معهذا به نظر ما غربـی‌ها بی‌نهایت عجیب و غریب می‌نماید. لکن حتی پندار بیهوده و عجیب و غریب دیوانگان، و یا خرافات بدوی برای من هرگز غریب نبوده است، من همواره کوشش کرده‌ام که درعین کنجکاوبودن از تعصب بری باشم. چرا به محاوره‌یی با یك کتاب قدیمی اعتماد نکنیم، کتابی که مدعی است جان دارد؟ هیچ زیانی از آن به ما نمی‌رسد، و ممکن است خواننده ناظر بر جریانی روانشناسانـه باشد، جریانی که در طول زمان صورت گرفته است و طی هزاره‌ی تمدن چینی، به «کنفوسیوس»ها و «لائوتسه»ها که هر دو بیان غایی مکتبی معنوی و رمزی فلسفی بودند، عرضه شده است. من روش سکه‌ها را به کار بستم، و جواب به دست امده، «شش‌خطی» شماره‌ی ۵۰، (تینگ)، «دیگ» بود.[1]

بنابر ترتیبی که سؤال من عنوان شده بود، متن «شش‌خطی» باید به گونه‌یی خوانده می‌شد که گویی خود «یی چینگ» شخص گوینده است. پس خود را به عنوان دیگ توصیف می‌کرد. یعنی، بـه مثابه یك ظرف آئینی، که حاوی غذای طبخ‌شده است. اینجا غذا را، باید تغذیه‌ی معنوی به حساب آورد. «ویلهلم» دراین‌باره می‌گوید:

«دیگ، بـه عنوان یك ظـرف، وابسته است بـه یك تمدن ظریف و پالوده، و از اطعام و تغذیه‌ی مردان قادر سخن می‌گوید، مردانی که حافظ منافع مملکت‌اند. ما در اینجا، شاهد تمدنی هستیم که مذهب در ان به کمال خود رسیده است. «دیگ» برای تقدیم قربانی به پیشگاه

۱ـ متن یی‌چینگ در مقدمه‌ی یونگ بنابر روایت داگلاس گذاشته شد.

خداوند است... تجلیات غایی خداونـد در پیغمبران و اولیاء بـروز می‌کند. احترام و ستایش نسبت بـه آنان احترام و ستایش نسبت به خـداوند است. خـواسته‌ی خداوند، آنگونه که از طریق آنان متجلی می‌گردد، می‌باید بافروتنی پذیرفته شود.»

بنابر فرض ما، باید نتیجه بگیریم که «یی چینگ» در اینجا در مورد خویشتن شهادت می‌دهد.

هنگامی که ارزش هریك از خطوط «شش‌خطی» بدست آمده شش یا نه باشد، بدین معنی است که بر آنها به‌طور ویژه‌یی تاکید شده و بنابراین در تفسیر از اهمیتی خاص برخوردار است. در «شش‌خطی» من، «شفاعت روحانی» تاکید را بر عدد ۹ قـرار داده، یعنی خطوط دوم و سوم. «شش‌خطی» متن می‌گوید:

خط دوم ۹: «دیگ پر از غذاست. دشمنان خنثی شده‌اند و نمی‌توانند صدمه‌یی بر او وارد کنند. مساعدت بخت.»

پس «یی‌چینگ» درباره‌ی خودش می‌گوید: «من محتوی غذایی (معنوی) هستم.» از آنجاییکه سهیم بودن در چیزی بزرگ حسادت ــ برانگیزست، اتفاق کلمه در حسادت، بخشی از تصویر است. حسود می‌خواهد مایملك بزرگ «یی چینگ» را از دستش به‌در آورد، یعنی می‌خواهد مفهوم و معنای آن را بدزدد، یا آن را نابود کند. اما دشمنی آنها بیهوده است، غنای معنای «یی چینگ» متیقن است، یعنی بـه اکتسابات مثبت خود یقین دارد، اکتساباتی که هیچکس نمی‌تواند ازو دور کند، متن چنین ادامه می‌دهد:

خط سوم ۹: «دسته‌های دیگ را برداشته‌اند، ازینرو حرکت‌کردن در مسیر زندگی مشکل است. گوشت چرب قرقـاول خورده نشده، اما باریدن باران، تأسف را خواهد زدود. و در آخر کامیابی و خوش‌اقبالی خواهد آورد.»

دسته‌های دیگ قسمتی است که به وسیله‌ی آن می‌توان دیگ را گرفت. پس نشانگر برداشتی است که شخص از «دیگ» دارد. در طول زمان این برداشت ظاهراً تغییر کرده است، به‌نحوی که امروزه ما دیگر نمی‌توانیم «یی چینگ» را درك کنیم. به این ترتیب است که «حرکت کردن در مسیر زنـدگی مشکل است.» ما دیگر بـا مشورت خردمندانه و نگاه نافذ «یی چینگ» حمایت نمی‌شویم، بدینجهت ما

دیگر نمی‌توانیم راه خود را در میان پیچ و خم‌های سرنوشت و پیچیدگی‌های طبیعت خود پیدا کنیم. گوشت چرب‌قرقاول، یعنی بهترین و مغذی‌ترین قسمت یك ظرف غذا، خورده نشده. اما هنگامی که زمین تشنه دوباره از باران سیراب می‌شود، به این معنی است که در این مرحله خواسته برآورده شده، واژه‌ی «تأسف» به معنی اندوهی است که از نبودن خرد بر آدمی مستولی می‌گردد، لکن این اندوه برطرف می‌شود و آنگاه نوبت کامیابی فرا می‌رسد. «ویلهلم» توضیح می‌دهد:

«این امر نشانگر آنست کـه وقتی کسی، در یك تمدن توسعه‌یافته، در محلی جای می‌گیرد که هیچکس به‌او توجه نمی‌کند، و او را تشخیص نمی‌دهد، یعنی در مؤثر بودن، مانعی جدی بر سر راه دارد».

«یی‌چینگ» شکایت‌می‌کند، انگار کیفیت‌های‌متعالی‌آن موردتوجه واقع نمی‌شود و تشخیص داده نمی‌شود، و بجای‌آن نهال دروغ کاشته می‌شود، لکن با امید به اینکه به زودی شناخته خواهد شد، خود را تسلی می‌دهد.

در این دو خط خاص، به سؤالی که من از «یی‌چینگ» کرده بودم پاسخی داده شده، که بـه هیچ‌تفسیر زیـرکانـه، استادی و دانش غیرمعمولی برای درك آن نیاز نیست. هرکس با شعور اندکی می‌تواند مفهوم این پاسخ را درك کند. این پاسخ از آن کسی است که به خود معتقد است، لکن ارزش‌های ان، نه به طور عمومی مشخص شده، و نه حتی شناخته شده است. تمثیل‌هایی که در پاسخ امده، مفاهیم جالبی دارد. «یی چینگ» به خود، چون ظرفی می‌نگرد، که در ان ندورات به خدایان تقدیم می‌شود، غذائی آیینی برای خوردن. در مورد خود معتقد است که وسیله‌یی است برای نیایش، برای تهیه‌ی غذاهای معنوی، برای عوامل یا نیروهای ناآگاه («شفاعت روحانی») که به صورت خدایـان تصویر شده‌اند، به عبارت دیگر باید به این نـ وها به‌گونه‌ای شایسته، توجه شود، تادر زندگی هر فرد، سهم خود را ایفا کند، در واقع این امر همان معنی اصلی کلمه‌ی Religio است که به معنای تأملی دقیق‌است، و ازکلمه‌ی Relcgere به معنی ماوراءالطبیعه آمده‌است.

روش «یی چینگ» در واقع کیفیت خصوصی را در اشیاء و افراد در نظر می‌گیرد، و همچنین کیفیت‌های خصوصی افراد را در ناآگاه خود آنها.

من سؤال خود را از «یی چینگ» به آن‌صورت مطرح کردم، که گویی ازدوستی که می‌خواهم او را به‌دیگران معرفی کنم، بپرسم، آیا مایل است به دوستان معرفی شود. «یی چینگ» در پاسخ، راجع به اهمیت مذهبی خود سخن گفت و در مورد اینکه در حال حاضر ناشناخته مانده، و دچار سوء قضاوت است، و اینکه آرزو دارد به مقام محترم خود، نایل شود. هنگام بیان این آرزو، به‌طور یقین «یی‌چینگ» بر گفتاری که هنوز ننوشته بودم، نگاهی دورنگر افکنده بود.

این کار عکس‌العملی کاملا قابل‌فهم بود، همان چیزی بود که می‌توانستیم از شخصی در شرایط مشابه انتظار داشته باشیم.

اما چگونه این عکس‌العمل حادث شد؟ چون من سه سکه را در هوا انداختم و منتظر ماندم تا بر زمین بیفتد، روی زمین بچرخد و سرانجام ساکن شود، خط یا شیر بنماید. این واقعیت عجیب است که نتیجه‌ی پرمعنایی که به دست می‌آید، بازتاب عمل ماست، و ناشی از حرکتی است، که به نظر می‌اید ظاهرا به‌کلی خالی از معناست، اما همین امر بزرگترین دستاورد «یی چینگ» است. مثالی که هم‌اکنون آوردم، تنها نمونه نیست، جوابهای نغز و پرمعنا، معمول «یی‌چینگ» است. چین‌شناسان غربی، و محققین برجسته‌ی چینی، زحمت بسیار بر خود هموار می‌کردند تا به من بقبولانند که «یی‌چینگ» مجموعه‌یی منسوخ و مهجور از «اوراد جادویی» است. در خلال این مباحثات منتقدان «یی چینگ»، گاهی می‌پذیرفتند که مثلا یك «تائـویست»، برایشان از «یی چینگ» تفالی بزند، البته اینکار ممکن بود فقط «مزخرفات» خوانده‌شود. اما غریب اینکه، جوابی که به دست می‌آمد به‌طور مشخصی با نقطه‌ی کور روانشناسانه‌ی[1] سؤال‌کننده منطبق می‌شد.

من با نظر غربی موافقم که‌هر تعداد جوابی به سؤال من ممکن بود. ولی به طور یقین نمی‌توانم ادعا کنم که هر جواب دیگری می‌توانست به همین حد پرمعنی باشد. اگرچه، جوابی که دریافت شد اولین و تنها جواب بود، و ما هیچ‌چیز از جوابهای دیگری که ممکن بود داده شود نمی‌دانیم. این جواب مرا خوشنود و راضی کرد. پرسیدن همین سؤال برای بار دوم خارج از ادب و نزاکت بود و به همین جهت

1— Psychological Blind Spot

من این کار را نکردم، چرا که «استاد تنها یك بار سخن می‌گوید.» به نظر من کفر محض است که به نحوی بی‌روح و عاری از سلیقه، برای تعلیم‌گرفتن به مقوله‌ای نزدیك شویم، و بکوشیم که پدیده‌های غیرعقلی آنرا در الگوهای از پیش ساخته‌ی عقلی بگنجانیم. به راستی، چنین چیزهایی، چون این جواب، وقتی برای بار اول به چشم می‌آیند، باید همانطور که بوده‌اند، باقی بمانند، چرا که تنها آن زمان است که ما می‌فهمیم که طبیعت چه می‌کند، وقتی به خود رها می‌شود، بدون اینکه با فضولی و دخالت انسان دچار مزاحمت گردد. برای مطالعه در مورد زندگی نباید حتماً به غارها رفت. به علاوه، تکرار تجربه غیرممکن است، به دلیل این منطق ساده که شرایط اولیه و اصلی را نمی‌توان بازساخت. بنابراین در هر لحظه فقط یك جواب خاص وجود دارد و بس.

برگردیم بر سر موضوع «شش‌خطی» خودمان: نباید تعجب کرد، که تمام مضمونی را که «تینگ» (دیگ) می‌خواهد توصیف و تأکید کند، در دو خط مشخص «شش‌خطی» اعلام شده.۱ خط پائینی چنین می‌گوید :

«دیگ» وارونه شده، تا مواد فاسد خالی شود. عیبی‌ندارد
اگـر صیغه‌ای دست‌وپا کند، چـون پسری خواهد آورد.»

دیگی که واژگون شده است، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. پس «یی چینگ» همانند دیگی است که از آن استفاده نمی‌شود، و چنانکه خطوط می‌گویند، واژگون‌کردن آن به خاطر خالی‌کردن موادفاسد بوده. درست مثل مردی که چون همسرش پسری نیاورده، صیغه‌ای می‌گیرد. بنابراین هنگامی به «یی چینگ» رجوع می‌شود، که هیچ راه دیگری نمانده است. با وجود لایحه‌ی به‌تقریب قانونی صیغه‌گرفتن در چین، در واقع صیغه‌گرفتن چاره‌یی غیر استادانه و سرهم بندی شده است. پس بدین‌ترتیب در این مورد شیوه‌ی کار «یی چینگ»، تدبیری است که ممکن است برای هدفی والاتر مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه این عمل تمهیدی استثنائی است، لکن «عیبی ندارد». درباره خط دوم و سوم هم‌اکنون بحث کردیم. خط چهارم چنین می‌گوید:

۱ـ چینی‌ها فقط خطوط متغیر را در شش‌خطی به دست آمده تفسیر می‌کنند. به نظر من در اغلب موارد، همه‌ی خطوط شش‌خطی روشنگر هستند.

«پایه‌های دیگ شکسته است. غذای امیرزاده ریخته،
و هیکلش را آلوده، ناکامی و بداقبالی پیش خواهد آمد.»

در اینجا از دیگ استفاده شده، اما به ترتیبی شلخته‌وار، یعنی، «یی چینگ» مورد سوءاستفاده واقع شده، یا غلط‌تعبیرشده بدین‌ترتیب غذای روحانی گم شده، و شخص شرمسار می‌شود. «لگ»[1] به این‌ترتیب ترجمه می‌کند: «جسم او بدانگونه ساخته خواهد شد که هرگاه شرم کند، سرخ می‌شود.» سوء استفاده از یك وسیله‌ی آئینی پرستش نظیر «تینگ» (به عنوان مثال «یی چینگ») کفرگویی ناهنجاری است. واضح است که «یی‌چینگ» در اینجا از شرافت خود به عنوان یك ظرف آئینی دفاع می‌کند و بر اینکه به گونه‌یی کفرآمیز مورد استفاده قرار گیرد، اعتراض می‌کند.

خط پنجم می‌گوید:

«دیگ دارای دسته‌های زرد، با حلقه‌های طلایی
چسبیده به آنست. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده
است.»

به نظر می‌رسد که «یی چینگ» با درك جدید و درستی (زرد) روبرو شده است، یعنی برداشتی جدید، که از طریق این برداشت «یی‌چینگ» قابل درك است. این برداشت ارزشمند (طلایی) است. در واقع چاپ جدیدی به زبان انگلیسی، کتاب را بیشتر از پیش در دسترس دنیای غرب قرار داده است.

خط بالایی می‌گوید:

«دیگ حلقه‌هایی از سنگ یشم دارد، کامیابی و
خوش‌اقبالی عظیمی وجود خواهد داشت، و هر عملی مفید
فایده است.»

یشم به خاطر زیبایی و برق و جلایش ممتاز است. اگر دسته‌های دیگ از یشم باشد، بر زیبایی، اعتبار و ارزش ظرف افزوده می‌شود. در اینجا «یی چینگ» نه تنها خود را کاملا راضی نشان می‌دهد بلکه کاملا خوشبین به نظر می‌رسد. پس تنها می‌توان منتظر وقایع بعدی ماند، و در عین حال از نتیجه‌ی خوش‌آیندی که «یی چینگ» در چاپ جدید خود به دست خواهد آورد، خوشنود بود.

۱ـ Legge . نخستین مترجم فرانسوی یی‌چینگ.

من در این مثال به‌طور عینی نشان داده‌ام کـه چگونـه «کتاب تقدیرات» به نسبت سؤال مطرح شده، حرکت می‌کند، بنابراین روش کار «یی چینگ» مطابق با ترتیبی که سؤال را مطرح می‌کنیم، تغییر می‌کند. مثلا اگر شخصی به شرایط گیج‌کننده‌یی دچار شده، ممکن است خود او در «یی‌چینگ» به‌صورت گوینده سخن بگوید. یا، اگر سؤال درمورد ارتباط با شخصی دیگرست، ممکنست آن شخص بـه صورت گوینده، سخن بگوید. اگرچه هویت گوینده، کاملا بـر ترتیبی کـه سؤال‌مطرح می‌شود بستگی ندارد، همانطور که رابطه‌ی ما با رفقایمان همواره توسط آنان و به صورت یك‌جانبه شکل نمی‌گیرد. اغلب رابطه‌ی ما به صورتی استثنائی به شرایط ما بستگی دارد، اگرچه شاید کاملا نسبت به آن ناآگاه باشیم. بنابراین اگر یك فرد از نقش خود، در یك رابطه آگاه نباشد، احتمالا به تعجب دچار می‌شود. باری، برخلاف انتظار، احتمال‌دارد سؤال‌کننده به صورت عامل اصلی مطرح شود، این امر گاهی به وجهی واضح در متن نشان داده شده. در ضمن ممکن است ما وضعیتی را شدیداً جدی بگیریم و آن را سخت مهم بشماریم، حال اینکه جوابی که پس از مشورت با «یی‌چینگ» به دست می‌آوریم توجه ما را به بعضی وجوه غیرمنتظره‌ی دیگر که به طور ضمنی در سؤال وجود داشته جلب کند.

چنین اشاراتی شاید در ابتدای امر باعث شود که شخص فکر کند که «یی چینگ» سفسطه‌آمیز است. گفته شده کنفوسیوس فقط یکبار جوابی بی‌ربط دریافت کرد. مثلا «شش‌خطی» ۲۲ «آراستگی» ـ یك «شش‌خطی» زیبایی‌گراست. این مطلب یادآور اندرزی است که دیو۱ به سقراط می‌دهـد: «تو باید بیشتر موسیقی بنوازی» و در نتیجه سقراط شروع به نواختن نی کرد. کنفوسیوس و سقراط برای حائز شدن به مقام اول در منطقی‌بودن و داشتن روش تعلیماتی در زندگی با هم در مسابقه‌اند؛ اما بعید به نظر می‌رسد که هریك ازیندو خود را به «آراستن محاسن» مشغول کنند، چنانچه خط دوم از «شش‌خطی» اندرز می‌دهد. متأسفانه، منطق و تعلیمات همواره فاقد کشش و جاذبه و آرایش لازم هستند، و خلاصه اینکه «یی چینگ» غلط نگفته است.

بار دیگر بر سر موضوع «شش‌خطی»خود بازگردیم. اگرچه به‌نظر

1— Daemon

می‌رسد که «یی‌چینگ» نه‌تنها از چاپ جدید راضی است، بلکه حتی با خوش‌بینی بر آن تأکید دارد. معهذا این «شش‌خطی» در مورد اثری که این کتاب بر خوانندگانش خواهد گذارد، هیچ نظری نمی‌دهد. از آنجاییکه ما دو خط «یانگ» در این «شش‌خطی» داریم که‌با ارزش ۹ بر آنها تأکید می‌شود، ما قادریم تمیز دهیم که «یی چینگ» به چه ترتیب درمورد خود مآل‌اندیشی می‌کند. خطوطی کـه ارقام ٦ یـا ۹ برایشان در نظر گرفته شده، بنا بر عقیده‌یی قدیمی، به دلیل وجود یك کشش درونی به خط مقابل خود تبدیل می‌شوند. یعنی، یانگ، به ین، و برعکس. و از طریق این تبدیل ما «شش‌خطی» ۳۵، «چین»، (پیشرفت) را به‌دست می‌آوریم.

موضوع این «شش‌خطی»، شخصی است که در صعود خود با انواع تغییرات و تحولات اینده برخورد می‌کند، و متن توضیح می‌دهد که او چگونه باید رفتار کند. «یی‌چینگ» هم در موقعیتی مشابه است. او مثل خورشید طلوع می‌کند، و خود را ظاهر می‌سازد، اما عقب نگاه داشته می‌شود، و هیچ اطمینانی نمی‌یابد. «پیشروی می‌کند، اما همچنان متأثر است» «این برکت از طرف جده‌اش بـه او می‌رسد.» روانشناسی می‌تواند برای روشن شدن این قطعه‌ی مبهم، به ما کمك کند. در خوابها و قصه‌های پریان، مادربزرگها و جده‌ها همواره معرف ناخودآگاه هستند، چرا که اینها جزء ترکیبی مؤنث در روان آدمی هستند. اگر «یی چینگ» را خودآگاه قبول نمی‌کند، حداقل ناخودآگاه آن را تا حدی می‌پذیرد، و «یی چینگ» بیشتر با ناخودآگاه تلاقی می‌کند تا با طرز فکر عقلایی خودآگاه. از آنجاییکه ناخودآگاه اغلب در خوابها با هیکل زنان جلوه می‌کند، این نکته ممکنست توضیحگر این «شش‌خطی» باشد. شخص مؤنث شاید که مترجم «یی‌چینگ» باشد، که‌بر کتاب مهر و مراقبتی مادرانه روا داشته، و این امر ممکن است به سادگی برای «یی چینگ» به صورت «خوش‌اقبالی» تجلی کند. «یی چینگ» درك عمومی را پیش‌بینی می‌کند. اما از سوءاستفاده می‌هراسد. «او چون جانور جونده‌ی کوچکی، به سرعت حرکت‌می‌کند.» اما او نسبت به تذکر و سرزنش دوستان اندیشناك است، «او دیگر لازم نیست نگران موفقیت یا عدم موفقیت خـود بـاشد.» او از «انگیزه‌های جنگجویانه» خلاص می‌شود، و به کسی حمله نمی‌کند.

بنابراین «یی‌چینگ» با آینده‌ی خود، در بازار کتاب غرب، به

آرامی روبرو می‌شود، و خود را مانند هر شخص منطقی دیگری نشان می‌دهد که می‌خواهد سرنوشت چنین کار بحث‌انگیزی را ببیند. این پاسخ بسیار منطقی و پر معنی است، تا بدانحد که یافتن جوابی مناسبتر سخت مشکل می‌نماید.

تمامی اینها تا قبل از نوشتن جمله‌های فوق بود. وقتی به این نقطه رسیدم خواستم بدانم طرز تفکر «یی چینگ» راجع به‌موقعیت جدید چیست، چرا که با آنچه تا به‌کنون نوشته بودم، مسایل قابل‌قبول شده بود، و همین امر به نسبت مرا متعهد و درگیر می‌کرد، بنابراین انتظار داشتم چیزی در ارتباط با عمل خودم بشنوم. باید اعتراف کنم که‌در جریان نوشتن این مقدمه چندان احساس خشنودی نمی‌کردم، چرا که، به عنوان فردی با احساس مسئولیت در مقابل علم، عادت ندارم از چیزی دفاع کنم که نمی‌توانم آن را ثابت کنم یا حداقل آن را به نوعی معرفی کنم که برای منطق قابل قبول باشد. به راستی که این عملی فریب‌آمیز است که آدمی کوشش کند که به جامعه‌ی نقاد امروزی، مجموعه‌یی از «اوراد جادویی» باستانی را معرفی کند. با این قصد که آنها را کمابیش قابل قبول سازد. من این عمل را بر عهده گرفته‌ام، چون شخصاً فکر می‌کنم که‌در روش اندیشه‌ی چینی چیزی بیش از آنچه به چشم می‌نماید، وجود دارد. اما برای من ناراحت‌کننده است که باید به نیت خوب و تخیل خواننده ملتجی شوم، تا جائیکه ناچار می‌شوم او را با ابهام یك ائین کهن جادویی‌درگیرکنم. متأسفانه من کاملا از بحث و جدلهایی که در اطراف ان به راه خواهد افتاد آگاهم. ما حتی مطمئن نیستیم که در سفینه‌یی که ما را بر دریاهای ناشناخته می‌برد، آیا سوراخی ایجاد نشده است؟ ایا این متن قدیم تحریف نشده است؟ آیا ترجمه‌ی المانی با اکلاسی دقیق است؟ آیا ما در توضیحات خود گمراه نشده‌ایم؟

«یی چینگ» در طول کتاب بر خودشناسی اصرار می‌ورزد. اما در روش خودشناسی امکان هر نوع سوء استفاده وجود دارد، پس این روش خودشناسی، نه برای افراد سبك‌مغز و نابالغ است، و نه برای روشنفکرنمایان و عقل‌گرایان محض، بلکه برای مردم اندیشمند و متفکر است که دوست دارند راجع به انچه می‌کنند و آنچه برایشان پیش می‌آید، بیاندیشند، و ترجیح می‌دهند که تفکرشان با اندیشه‌یی ناسالم و مالیخولیائی، مخدوش نشود. این مسایل وقتی مطرح می‌شود،

که بخواهیم کتاب «یی‌چینگ» را با مجموعه‌ی قوانین عملی مورد قبول خودمان هماهنگ کنیم، و چنانکه ذکر کرده‌ام، من جوابی به اینهمه مساله ندارم. اما لازم به توضیح نیست که در اینجا نباید «یی چینگ» را به عنوان یك «علم خفیه» در نظر گرفت، بلکه منظور من در این مسأله، جنبه‌ی عملی آن است. و آن نظم شدیدی که استفاده‌ی عملی این طرز فکر را به من آموخت، روانکاوی و روانپزشکی بود. احتمالا در هیچ زمینه‌ی دیگری، ما با اینهمه کیفیت‌های ناشناخته روبرو نبوده‌ایم، و هیچ کجای دیگر اینهمه معمول نبود که روشهایی به کار گرفته شود که گرچه مؤثر است و کاربــرد دارد، لکن شاید برای مدتــی مدید ندانیم تأثیر آن به چه‌دلیل است. ممکن است معالجات غیرمدللی، موجب بهبود غیرمنتظره‌ی بیمار گردد، و از روش مورد اعتماد و مورد دفاعی، شکستی فاحش پدید آید. در کشف ناخودآگاه، ما به چیزهای بسیار غریب برخورد می‌کنیم، چیزهایی که یك عقل‌گرا با وحشت از آن روی‌گردان، و سر آخر هم مدعی می‌شود کــه هیچ چیز ندیــده است. ناشناختگی غیرعقلانی زندگی، همواره به من آموخته است که هرگز چیزی را رد نکنم، حتی اگر بر علیه تمام نظریه‌های ما باشد (کــه عمرشان اینهمه کوتاه است)، یا اینکه هیچ توضیح آنی برایش نتوان یافت. البته این کار اضطراب‌آورست، و آدمی مطمئن نیست که آیا دارد به هدف نزدیك می‌شود یا نه، اما امنیت، اطمینان و آرامش بــه کشفیات منتهی نمی‌شوند. این موضوع در مورد شیوه‌ی «یی چینگ» هم صادق است، وبه طور واضح هدف این روش، خودشناسی است. اگرچه در همه‌ی دوره‌ها از آن استفاده‌های خرافی نیز کرده‌اند.

من کاملا از ارزش خودشناسی، آگاه هستم، اما آیا فایده‌یی دارد که یك‌چنین درون‌بینی و بصیرتی را توصیه کنیم، حال اینکه داناترین افراد طی دوره‌ها، نیاز به آن را موعظه کرده‌اند و هــرگــز موفق نشده‌اند؟ حتی‌درچشم یك‌سونگرترین‌افراد، این کتاب، به‌طور واضحی، موشکافی دقیق خصلت، رفتار و انگیزه‌ها را توصیه می‌کند.

این‌موضوع است که مرا بر آن داشت تا این مقدمه را بنویسم. یکبار هم، در نطق یادبودی که برای بزرگداشت مترجم آلمانی این کتاب (ریچارد ویلهلم) داشتم، با توجه به این مسأله‌ی «یی چینگ» نظر خود را بیان کردم. به‌جز آن من سکوتی محتاطانه درین مورد داشتم. این مطلب به‌هیچوجه ساده نیست که آدمی احساس کند، که مسیرش یك

ذهنیت مهجور و مرموز است مثل ذهنیتی که پشت «یی چینگ» نهفته است. به آسانی نمی‌توان مغزهای بزرگی چون لائوتسه و کنفوسیوس را نادیده گرفت، اگر شخص به هیچوجه قادر نباشد، کیفیت افکاری را که ایندو عرضه می‌کنند، قدر بداند. به سختی ممکن است، بتواند حقیقت «یی چینگ» را درک کند، حقیقتی کــه سرچشمه‌ی اصلی الهامات ایندوست. من می‌دانم که پیش ازین، جرات نمی‌کردم مطلب خود را در مورد مسأله‌یی اینچنین نامطمئن، بدین روشنی بنویسم. اما اکنون می‌توانم خطر کنم، چرا که در هشتمین دهه‌ی عمر خود هستم، و دیگر گوناگونی عقاید آدمی، به سختی مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. افکار این استادان قدیم برای من ارزشی بالاتر از تعصبات فلسفی ذهن غربی دارد. من نمی‌خواهم بــا این نظریــات شخصی موجب تصدیع خواننده‌ام شوم. اما، چنانچه هم‌اکنون ذکر کردم، پاسخ «یی‌چینگ» اغلب شخصیت فرد را دربر می‌گیرد. در واقع، وقتی سؤالم را تنظیم می‌کردم تا مطرح کنم، حتی از «یی چینگ» خواستم تا به‌طور مستقیم نسبت بــه عمل من اظهار نظر کند. جــواب «شش‌خطی» ۲۹ بــود، «ك، ان»، «گودال هول‌انگیز». تاکید خاص به خط سوم داده شده. بدین خاطر که خط با عدد شش مشخص شده است. خط چنین می‌گوید:

«گودال در گودال. او چه بالا رود چــه پــایین، درگیر گودال است. ترس او را فراگرفته، نمی‌تواند ارام گیرد. جد و جهدش در گریز از این خطر او را بیش از پیش به درون چاله می‌کشاند.

ازین طریق نباید عملی انجام‌داد. تنها باید منتظر ماند.»

سابق بر این بی هیچ قید و شرطی من این اندرز را می‌پذیرفتم که «ازین طریق نباید عملی انجام داد» و از ابراز هرگونه عقیده‌یی در مورد «یی چینگ» خودداری می‌کردم. تنها بدین دلیل که عقیده‌یی نداشتم. اما اکنون مشورت‌می‌تواند نمونه‌یی به‌دست‌دهدکه «یی‌چینگ» چگونه عمل می‌کند. واقعیت دارد که وقتی شخص درباره‌ی «یی چینگ» تفکر آغازمی‌کند، مسائل «یی چینگ» چون «گودال در گودال» می‌نماید و شخص باید در میانه‌ی خطرات اندیشه‌یی بی‌پایان و بحرانی، ناگزیر «ابتدا مکث و صبر کند»، وگرنه حتماً راهش را در تاریکی گم خواهد کرد. آیا موقعیتی از نظر روشنفکری نگران‌کننده‌تر از شناور بودن در هوای رقیقی از احتمالات اثبات ناشده وجود دارد، از ندانستن

اینکه آیا آنچه می‌بیند حقیقت است یا توهم؟ این فضای رویاگونه‌ی «یی چینگ» است، و در آن آدمی هیچ اتکایی بجز قضاوت ذهنی جایزالخطای خود ندارد.

من تنها می‌توانم تاکید کنم که خط سوم «شش‌خطی» ۲۹ به گونه‌ای دقیق احساس مرا به هنگام نوشتن قطعه‌ی قبلی بازگو می‌کند. بخش دیگری در این «شش‌خطی» که کاملا با شرایط من همخوان است، شروع آرام‌بخش این «شش‌خطی» است: «اگر با آن در کمال صداقتی شرافتمندانه برخورد کنیم، نتیجه‌ی آن کامیابی خواهد بود» ـ می‌بینم که این جمله نشان می‌دهد که عامل تعیین‌کننده در اینجا خطر بیرونی نیست، بلکه شرایط ذهنی است، یعنی، اینکه واقعاً کسی خود را صادق بداند یا نه.

در این موقعیت، این «شش‌خطی» حرکتی پویا را با حالت آبی عامبانگر مقایسه می‌کند. که از هیچ مکان خطرناکی هراس ندارد بلکه چاله‌ها و گودالهایی را که بر سر راهش است از آب پرمی‌کند (ك، آن، ... اب هم هست). این راهی‌ست که «مرد برتر» در آن عمل می‌کند، و به «اموزشهای خود به دیگران، ادامه می‌دهد». به‌طور قطع «ك، ان» یکی از نامطبوع‌ترین «شش‌خطی‌ها»ست. شرایطی را توصیف می‌کند که‌در آن شخص در خطری عظیم است، خطر آنکه گرفتار گودالهای مختلف گردد. درست همانطوری که خوابی را تعبیر می‌کنیم، باید متن خواب را با نهایت دقت دنبال کنیم، پس در مشورت با «یی‌چینگ»، باید در ذهن داشته باشیم که سؤال را چگونه مطرح کرده‌ایم، چرا که شکل مطرح شدن سؤال، محدودیت مشخصی در تفسیر جواب ایجاد می‌کند. اولین خط «شش‌خطی» حضور خطر را اعلام می‌کند: «در عمق گودال، وارد غاری می‌شود.» خط دوم هم همینطور، فقط اضافه می‌کند که: «تنها در مسائل کوچك موفقیتی نصیب او خواهد شد». من ظاهراً با محدود کردن خودم به نوشتن مقدمه‌یی بر این اندیشه پیشی گرفتم، تا نشان دهم کـه «یی‌چینگ» چگونـه در ذهنیت چینی عمل می‌کند، و به این دلیل از برنامه‌هایی جاه‌طلبانه‌تر برای نوشتن یك شرح روانشناسی بر تمام کتاب چشم پوشیدم.

خط چهارم چنین می‌گوید:

«تنها پیمانه‌یی از اشربـه، سبدی برنج و کماج‌ها. او به فرمانروای خود به بهترین وجه ممکن آموزش می‌دهد، در

آخر اشتباهی مرتکب نشده است.»

«ویلهلم» مترجم آلمانی چنین توضیح می‌دهد:

«اگرچه از نظر عرف معمول یك صاحب‌مقام است که قبل‌از انتصاب هدایائی چند منباب معارفه تقدیم کند لیکن در اینجا همه‌چیز به نهایت مختصر شده. هدایا، بی‌اهمیت هستند، کسی در التزام او نیست، او شخصاً خود را معرفی‌می‌کند. بااینهمه، اگر قصد شرافتمندانه‌ای برای کمکی دوجانبه در مقابل خطر وجود دارد، نباید این مراسم را حقیر شمرد.»

به نظر می‌رسد که انگار تا حدی موضوع این خط، خود کتاب است. خط پنجم مضمون محدود بودن را ادامه می‌دهد. اگر کسی طبیعت آب را مطالعه کند، می‌بیند که آب گودال را فقط تا لبه‌ی آن پر می‌کند و بعد از آن سرریز می‌شود، در آنجا نمی‌ماند تا اسیر گردد:

«هنوزگودال آنقدرپرنیست‌که‌سرریزکند، فقط تا لبه پرشده.»

پس اگر شخصی بخواهد خطر کند، و با وجود اینکه قلباً به «یی چینگ» اطمینان ندارد، اصرار کند که با کوشش خاصی و به اجبار خود را به «یی چینگ» متقاعد سازد، مثلا با شماره‌های خیلی متفاخر و امثالهم، این شخص دچار اشکال خواهد شد. خط بالایی این «شش‌خطی» این مساله را بسیار دقیق، به صورت شرایط در هم پیچیده و محصور مانده، توصیف می‌کند، به راستی که خط بالایی اغلب نشاندهنده‌ی حالتی است که وقتی شخص مفهوم «شش‌خطی» را قلباً باور نکرده، بروز می‌کند.

در «شش‌خطی» ما خط سوم ین است و عدد ان شش است. این خط تنشی فزاینده دارد، و به این دلیل به خط یانگ تبدیل می‌شود، بدینترتیب «شش‌خطی» جدیدی شکل می‌گیرد، که نقش‌ها و امکانات جدیدی به‌وجودمی‌آورد. ما اکنون «شش‌خطی» ۴۸ را داریم، «چینگ»، «چاه»، چاله‌ی آب دیگر به معنای خطر نیست، بلکه، به عکس، چاه چیز نسبتاً سودمندی است:

«مرد برتر بـه مردم رفـاه می‌دهد و به آنها می‌آموزد که به همدیگر کمك کنند.»

تصویر مردم که به همدیگر کمك می‌کنند به‌نظر می‌رسد مربوط

به بازسازی چاه باشد، چرا که چاه فرو ریخته و پر از گل و لای شده است. حتی حیوانات هم از آب آن نمی‌نوشند. ماهیهایی در آن زندگی می‌کنند، می‌توان ازین ماهیها شکار کرد، اما آب چاه قابل نوشیدن نیست، یعنی به درد انسان نمی‌خورد. این توضیح یادآور «دیگ» (تینگ) واژگون شده و غیرقابل مصرف است، که دسته‌ی‌جدید برایش درست می‌کنند. به‌علاوه، این چاه، مثل دیگ، تمیز شده است، اما کسی از آن نمی‌نوشد.

«این مورد غم‌آور است.

[چون] همه‌چیز ممکن‌بود نافع باشد.»

چاله‌ی خطرناک آب، یا گودال، و همچنین چاه، به «یی چینگ» اشاره دارد. اما چاه معنایی مثبت دارد: چون حاوی آب حیات است. باید ترمیم شود تا قابل استفاده گردد، اما کسی هیچ تصوری از آن ندارد، هیچ‌وسیله‌یی ندارد تا با آن اب بکشد، دلو شکسته و آب پس می‌دهد. دیگ احتیاج به دسته‌یی جدید دارد و حلقه‌هایی که با آن بتوان حملش کرد. چاه هم باید از داخل محافظت شود، چرا که «آب چاه خنك است و زلال، مثل آب خنك چشمه‌یی، گوارا‌است.» می‌توان از آن آب کشید، چرا که قابل اطمینان است.

واضح است که در ایـن تأویـل، موضوع سخن دوباره خـود «یی چینگ» است، که خود را به صورت منبع آب حیات معرفی می‌کند. «شش‌خطی» قبلی، جزء به جزء خطراتی را توصیف کرد که شخصی که به‌طور اتفاقی در چاهی افتاده با آنها مواجه می‌شود، او باید راه خلاص خود را پیدا کند، بدین ترتیب که بفهمد این یك چاه قدیمی و خرابه است، و پر از گل و لای، اما می‌توان آن را ترمیم کرد و دوباره مورد استفاده قرار داد.

من دو سؤال مطرح کردم و روش سکه‌ها را به کار بردم، سؤال دوم وقتی مطرح شد که من تحلیل خود را در مورد جواب سؤال اول نوشته بودم. سؤال اول، بدان صورتی که بود، خطاب به «یی چینگ» بود: در مورد تصمیم من برای نوشتن مقدمه، چه نظری داشت؟ سؤال دوم در مورد عمل خود من بود، یا در واقع، موقعیتی که من در آن عمل‌کننده بودم و در «شش‌خطی» اول مورد بحث قرار گرفته بود. به سؤال اول «یی چینگ» با مقایسه‌ی خود با یك دیگ جواب داد، دیگ که ظرفی آئینی است و نیاز به نوسازی دارد، ظرفی که تنها به ترتیبی

مشکوك مورد التفات مردم است. در مورد سؤال دوم، پاسخ این بود که من دچار مشکلات خواهم شد، چونکه «یی چینگ» یك چاله آب خطرناك و گودی را نشان می‌داد که آدمی ممکن بود به آسانی در منجلاب بیفتد، اگرچه این چاله‌ی آب ثابت شد که یك چاه قدیمی است که فقط احتیاج به بازسازی دارد تا که بار دیگر مورد استفاده‌ی عموم قرار گیرد.

در میان این چهار «شش‌خطی» سه‌تای آنها (ظرف، چاله، چاه) ارتباط موضوعی دارند، و از نظر محتوای عقلایی‌شان به نظر پرمعنی می‌رسند. اگر یك انسان چنین جوابهایی می‌داد، من بـه عنوان یك روانکاو، مجبور بودم اعلام کنم که او از عقل سلیم برخوردار است، حداقل برمبنای موادی که به او داده شده است. در واقع، من نتوانستم در این چهار سؤال چیزی کشف کنم که به نظرم ناشی از هذیان‌گوئی، بلاهت و یا بیماری دوشخصیتی باشد. با در نظر گرفتن سن بسیار زیاد «یی چینگ» و اصل چینی‌اش، من نمی‌توانم زبان شکوفای آن را باستانی (ارکائیك)، نمادگرا (سمبولیك) یا غیرعادی بخوانم. برعکس، من می‌بایستی به این آدم فرضی تبریك می‌گفتم، به خاطر درون‌بینی و ژرف‌نگری‌اش نسبت به وضعیت پرتردید من که آشکار نبود. از سوی دیگر هر آدم باهوش و بااستعدادی می‌تواند روی دیگری از موضوع را ببیند: و بگوید چگونه من در نمادگرایی «شش‌خطی» موضوعات ذهنی خـودم را منعکس کـرده‌ام. چنین تنقیدی اگـر از نقطه‌نظـر عقل‌گرایی غربی فاجعه‌آمیز است، اما به کاربرد «یی‌چینگ» لطمه‌یی نمی‌زند. برعکس، حکیم چینی با لبخند به من خواهد گفت:

«نمی‌بینی «یی چینگ» چقـدر مفیـد است کـه بـا نمادگرایی عمیقی ترا بر ان داشت تا افکار خود را که تاکنون بر خودت هم پوشیده بوده، به میان ببینی. امکان داشت مقدمه‌ات را بنویسی، بی‌انکه هرگز متوجه شوی که این مقدمه ممکن بود، چه سوءتفاهم عظیمی‌برانگیزد.»

دیدگاه چینی با موضعی که شخص در مقابل «یی چینگ» اختیار می‌کند، ارتباط ندارد، این فقط ما هستیم که‌مساله و سؤال داریم، چرا که ما با مراجعه به «یی چینگ» از زمان فراتر می‌رویم، لکن دوباره به تعصبات خود که از ذهنیت علت و معلولی ریشه گرفته، بازمی‌گردیم. خرد قدیم شرقی، بر این واقعیت تأکید می‌کند که هر فرد مستعد و باهوشی بر خواسته‌های خود آگاه است. لکن بر شیوه‌های

به تحقق رساندن این خواسته‌ها ابرامی ندارد، از اینرو لازم است که با «یی چینگ» مشورت کند، به این ترتیب هرچــه شخص در مــورد چگونگی نظریه‌های «یی چینگ» کمتر فکر کند، آرامش بیشتری خواهد داشت.

به نظرم می‌رسد که بر مبنای نمونه‌ای که در این مقاله داده‌ام، یك خواننده‌ی غیرمتعصب این آمادگی را خواهد داشت که حداقل یك بار در مورد عمل‌کرد «یی چینگ» ازو نظر بخواهد.[1] از مقدمه‌یی ساده بیش از این نمی‌توان انتظار داشت. اگر من با این توضیحات موفق شده باشم، پدیده‌شناسی روانشناسانه‌ی «یی‌چینگ» را روشن کنم، به هدف خود نائل شده‌ام. این کتاب البته هزاران سؤال، تردید و نقادی برمی‌انگیزد، کــه من قادر نیستم به هیچیك جواب گویم. «یی‌چینگ» خود را با ادله و براهین معرفی نمی‌کند. در مورد خود لاف نمی‌زند، و نزدیك شدن به آن آسان نیست. مثل بخشی از طبیعت، صبر می‌کند تا کشف شود. «یی چینگ» نه وقایع را به‌دست می‌دهد نه از قدرت می‌گوید، بلکه برای جویندگان خودشناسی و خرد ــ اگر چنین کسی وجود داشته باشد ــ به نظر می‌رسد کتاب مناسبی باشد. برای یکی روح این کتاب به روشنی روز است، برای دیگری، سایه‌دار چون هوای تاریك‌روشن و برای سومی تاریك است چون شب. آنکسی که از آن لذت نمی‌برد، مجبور نیست از آن استفاده کند، و آن کسی که با آن مخالف است، مجبور نیست در حقیقت آن باور آورد.

بگذارید «یی‌چینگ» برای استفاده‌ی آنانی که می‌توانند معنایش را دریابند، در جهان گسترش یابد.

زوریخ ۱۹٤۹

۱ــ اگر خواننده نگاهی به هر چهار «شش‌خطی» مقدمه بیندازد و همه‌ی آنها را با توضیح مناسبش بخواند، خالی از فایده نیست.

بخش اول
معارفه

۱

کتاب تقدیرات

«یی چینگ»، یا «کتاب تقدیرات»، یکی از قدیمترین کتابهای دنیاست. اگرچه اصل و مبدأ آن، در اسطوره‌های ماقبل تاریخ چین گم شده است، اما بدون شك اجزاء اصلی این فلسفه‌ی عمیق بیش از ۴۰۰۰ سال عمر دارد.

هدف «یی چینگ» منعکس‌کردن آن تغییر و تبدیلاتی است که به طور مداوم، در تمام سطوح کیهان عمل می‌کنند، حلقه‌ها و امواج بخت را به وجود می‌آورند، و ما باید بیاموزیم چگونه بر این امواج سوار شویم، تا مراد مطلوب را به‌دست آوریم.

این کتاب حکمت کهن چینی برای ما میسر می‌سازد، که چیزی ازین ضرب آهنگ مرموز را ببینیم، و به زنـدگی خود نظمی بدهیم که با قوانین طبیعت هماهنگ‌تر باشد.

«یی چینگ» به شخص امکان می‌دهد تا نیروهایی که بخت را رهبری می‌کنند ببیند، و او را از جریانی که در طول زندگی رخ می‌دهد آگاه می‌سازد، و به او امکان می‌دهد که با اطمینان پیش برود، و به او گوشزد می‌کند که در چه هنگام می‌تواند این جریان را به نفع خود بگرداند.

«یی چینگ» کاربردی دیگر هم دارد؛ که روشن‌ساختن دنیای پنهان پشت ظواهر است. «یی چینگ» چون‌بلدی در برابر پیچیدگی‌های ناخودآگاه عمل می‌کند. افعال و تفکر آگاهانه، تا حدود وسیعی، منتج از انگیزه‌های ناخودآگاه است، و در مشورت با «یی چینگ»، اگر عقیده و احترام به آن محکم باشد، بینشی الهامی به دست می‌آید تا زوایای پنهان درون خود را به روشنی ببینیم.

«یی چینگ» نمی‌گوید چه چیزی رخ خواهد داد، بلکه در عوض، روشن می‌کند چرا چیزها بدینگونه هستند، و روشی را که باید اتخاذ شود، پیشنهاد می‌کند. تصمیم‌گیری نهایی با خود شخص است، و نهایتاً خود اوست که فاعل بر بخت خویشتن است.

دو مکتب عظیم فلسفی چین، «تائویسم» و آئین «کنفوسیوس» را می‌توان در خلال صفحات «یی چینگ» یافت. «لائوتسه» بنیانگذار تائویسم و یکی از همعصران کنفوسیوس، مبنای تعلیمات خود را بر خرد «یی چینگ» گذارده بود. و محتمل است که کنفوسیوس شخصاً اولین مجموعه‌ی توضیحات «یی‌چینگ» را نوشته باشد. این توضیحات (که بنا بر عرف و احادیث همه را منسوب به کنفوسیوس می‌دانند) تقریباً نیمی از مجموعه‌ی آخر «یی چینگ» را تشکیل می‌دهد.

برطبق آنچه در منتخبات[1] (بخش هفت، باب شانزدهم) آمده، یکبار کنفوسیوس گفت:

«اگر چند سال بر زندگی من افزوده می‌شد، من پنجاه سال آن را به مطالعه‌ی «یی چینگ» اختصاص می‌دادم، و بدین‌ترتیب ممکن بود از ارتکاب اشتباهات فاحش خودداری کنم.»

کنفوسیوس زمانی که این گفتار را ایراد می‌کرد، هفتادسالی از عمرش گذشته بود، و روایت است که طی سال‌های آخر عمر، اغلب اوقات را به مطالعه و تفسیر «یی چینگ» می‌پرداخته است، تا به حدی که کتاب جلد چرمی «یی چینگ» او را، سه بار به صحافی دادند، زیرا آنقدر مستعمل و فرسوده شده بود، که محتاج جلدی جدید بود.

«یی چینگ» شهرت گسترده‌ی خود را طی قرون گذشته حفظ

---

1 Analects

کرد. در هر دوره‌یی فیلسوفان چینی، دولتمردان، سلحشوران و عامه‌ی مردم هنگامی که در مقابل تصمیمی مهم، یا تعهدی عظیم قرار می‌گرفتند، از رهنمودهای «یی چینگ» مدد می‌جستند.

این رسم اگرچه امروزه از نظر رسمی در کشور چین مهجور شده است، اما همچنان در بسیاری از جوامع حفظ شده است. «یی چینگ» به‌طور گسترده‌یی در دانشگاههای جدید ژاپن مورد مطالعه است. در بخش‌هایی از جنوب شرقی آسیا برای معاملات تجاری مورد مراجعه است.

کتاب تقدیرات تا سال ۱۸۸۲ عملا در غرب ناشناخته بود، و در این سال اولین متن انگلیسی‌آن که توسط «جیمز لگ[2]» ترجمه‌شده‌بود، انتشار یافت. کتاب لگ، کاربردهای کتاب را مطرح نکرده بود، و توضیح نداده بود که چگونه می‌توان از آن برای نظرخواهی نسبت به [illegible] استفاده کرد، و [illegible] همه‌ی دقیق و آموزنده‌ی او، هرگز به‌طور گسترده [illegible] نشد، و تنها جزء آثار هنری عجیب و ارزشمند [illegible] قرار گرفت.

با این‌وصف علاقه به «یی چینگ» در سالهای اخیر به شدت افزایش یافت، و این امر بیشتر مدیون کشفیات روانشناس بزرگ دکتر «ك. گ. یونگ» بود.

یونگ کشف کرد که جوابهای «یی چینگ» به سؤالات او، همواره پرمعنی بوده، و همواره نظری عمیق را نسبت به مسأله‌ی مطرح شده، نشان می‌داده است. یونگ می‌گفت که نظر و بینش «یی چینگ» گاهی آنقدر شگفت‌آور بود، که او به تقریب متقاعد شده بود که موجودی زنده، و خردمند دردرون صفحات این کتاب مأوی دارد.

یونگ در زندگینامه‌ی خود «خاطرات‌رویاها و اندیشه‌ها»[3] اولین سفر خود را به دنیای «یی چینگ» چنین توصیف کرده است:

«من ساعتها زیر درخت صدساله‌ی گلابی می‌نشستم، و «یی چینگ» در کنار من بود، و ازطریق دقتدر نتیجه‌ی تفأل، و تداخل سؤال‌ها و جواب‌ها، از یکی به دیگری، شیوه‌ی «یی‌چینگ» را تمرین می‌کردم. تمام نتایجی که

2— James Legge

3— Memories, Dreams, Reflections

به نحوی غیرقابل انکار شاخص بودند، ارتباطی پرمعنا با جریان افکار من به وجود می‌آورد، ارتباطی که من قادر به توضیح آن نبودم.»

یونگ عقاید خود را در مورد «یی‌چینگ» در گفتاری بر ترجمه‌ی آلمانی کتاب «ریچارد ویلهلم»، که اولین بار در سال ۱۹۲۹ انتشار یافت، به تحریر درآورد.[۴] کتاب حاضر روایتی جدید از «یی چینگ» است که متن اصلی «شاه ون»[۵] و توضیحات پسرش «تان»[۶]، امیر «چو» را در بر دارد، این قطعات است که قلب کار را تشکیل می‌دهد، و محقق شده است که بیش از ۳۰۰۰ سال از عمر آن‌ها می‌گذرد، علاوه بر این گزیده‌ای از تفسیرها هم آمده است.

در صفحات آتی هرآنچه برای نظرخواهی از «یی‌چینگ» لازمست ذکر شده، تا اندرزی معتبر، رهنمودی روشن و بصیرتی عمیق نسبت به سؤال به دست آید.

۴ـ این گفتار در آغاز کتاب حاضر آمده است.

5— King Wên

6— Tan, The Duck of Chou

۲

تاریخچه‌ی یی چینگ

۴۰۰۰ سال پیش، در عصر «لونگ شان»[7]، چینی‌ها روشهای ساده‌ای برای طالع‌بینی داشتند. مثلا استخوان شانه‌ی گاوی را می‌سوزاندند، و در همان زمان مسأله‌ی مورد سؤال را طرح می‌کردند. حرارت، موجب ترك خوردن استخوان می‌شد، و معبری ماهر، با ملاحظه‌ی وضعیت و اشکال استخوان به سؤال جواب می‌گفت.

این روش، با گذشت زمان آدابی خاص و آئینی ویژه یافت. ابتدا روی استخوان شانهٔ گاو، فرورفتگی دایره‌واری ایجاد می‌کردند، بعد سر یك میله‌ی برنزی داغ را روی فرورفتگی قرار می‌دادند، سپس سؤال را با طمأنینه مطرح می‌کردند، آنگاه ترکی را که بر اثر حرارت میله در هر دو طرف استخوان ایجاد می‌شد، تحلیل و تفسیر می‌کردند.

روش رایج دیگر، سوزاندن لاك سنگ‌پشت بود، و تفسیر شکافهایی که در اثر آتش، بر روی آن ایجاد می‌شد.

لاك‌پشت نماد ثبات و عمر دراز بود، و ازینرو بسیار مورد احترام. لاك آن، یکی از اشیاء مقدسی بود که از جانب آسمان، به

7— Lung Shan

عنوان وسیله‌ای برای دیدن طالع مقدر شده بود.

بنا بر نظریه‌یی، خطوط روی لاك سنگ‌پشت، یکی از ریشه‌های «یی چینگ» است. بنابر روایتی بسیار قدیمی، هشت «سه‌خطی» «یی چینگ»، روی لاك یك سنگ‌پشت مقدس کشف شده است.

کشف این هشت «سه‌خطی» بـه «فوهسی»۸ اولین امپراطـور اسطوره‌یی چین که می‌گویند ۴۵۰۰ سال پیش می‌زیسته، منسوب است.

یکی از تفسیرهای قدیمی «یی چینگ» پیدایش آن را اینگونه توصیف می‌کند:

«در زمـان بـاستان، هنگامی‌که سلسله‌ی «پـائـوهسی»۹ (به‌مثل فوهسی) بر همه‌چیز در زیـر آسمانها حکومت می‌کرد، او به بالا می‌نگریست و اشکال نورانی آسمان را مشاهده می‌کرد، سپس به پائین می‌نگریست و شکل زمین را مورد بررسی قرار می‌داد.

او نقوش تـزئینی روی پـرنـدگـان و حیوانـات، و خصوصیات ویژه‌ی مکان‌های آنان را یادداشت می‌کرد.

نخست او بدن خود را مورد مطالعه قـرار داد، و بعد چیزهای دوردست را مشاهده کرد.

از تمامـی اینهـا او هشت «سه‌خطی» مشخص کـرد، تا از گردش ملکوتی طبیعت پرده بردارد، و خصلت همه‌چیز را دریابد.»

اگرچه ممکن است این اسطوره از نظر تاریخی قابل قبول نباشد، اما نوع اشتیاقی را که منجر به ابداع کتاب تغییرات شد، نشان می‌دهد.

خطوط به دو دسته‌ی ممتد و منفصل تقسیم شدند، تا نمایانگر اصول حیاتی و اساسی وجود باشند. خط ممتد ——— ، آسمان یا «یانگ»۱۰ خوانده می‌شود، و نشانگر قطب مثبت، مذکر و فعال طبیعت است. خط منفصل — — زمین یا «ین»۱۱ خوانده می‌شود، و نشانگر قطب منفی، مؤنث و منفعل طبیعت است.

برای نشان‌دادن رابطه‌ی درونی این دو متضاد، هر دو خط با هم ترکیب شدند تا ین و یانگ‌های کوچکتر را نشان دهند.

8— Fu Hsi　　9— Pao Hsi
10— Yang　　11— Yin

یانگ بزرگتر	⚌	ین بزرگتر	⚏
یانگ کوچکتر	⚎	ین کوچکتر	⚍

بعد خط دیگری اضافه شد، و هشت شکل به وجود آورد، که هر یك از این اشکال یك «سه‌خطی»[12] خوانده می‌شود. و به هریك از «سه‌خطی»ها نامی داده شد و بعضی صفات ویژه بدانان منسوب گردید.

☰	چ، ین	Ch'ien	اسمان	فعال	پدر
☱	تویی	Tui	دریاچه	شادان	دختر کوچکتر
☲	لی	Li	اتش	پیوستگی	دختر دوم
☳	جن	chên	تندر	برانگیختگی	پسر بزرگتر
☴	سون	sun	باد	آرام	دختر بزرگتر
☵	ك، ان	K'an	آب	خطرناك	پسر دوم
☶	کن	Kên	کوه	ساکن	پسر کوچکتر
☷	ك، اون	K'un	زمین	پاسخگو	مادر

«سه‌خطی» «چ، ین» نشانگر جوهر مذکر آسمان، یا یانگ اصیل، از سه خط ممتد تشکیل شده است. «سه‌خطی» «ك، اون» نشانگر جوهر مؤنث زمین، یا ین اصیل است، و از سه خط منفصل تشکیل شده است.

شش «سه‌خطی» دیگر، ترکیبات دیگری از ین و یانگ می‌سازند. زیرا «ین» و «یانگ» اگرچه متضاد هستند، اما مکمل یکدیگر نیز هستند. ین و یانگ وجوه «تائو» هستند، که تائو هسته‌ی اصلی جهان است. و بنابراین، هشت «سه‌خطی» را به صورت یك خانواده، شامل پدر، مادر و شش فرزند پنداشته‌اند.

هشت «سه‌خطی» در شکل اولیه‌ی «یی‌چینگ» به کار می‌رفت، و

12— Trigram

اغلب آنرا در هنر چینی به صورت شعاعهای یک‌دایره‌ی همیشه گردان رسم می‌کنند که به‌دور نمادهای درهم‌قفل‌شده‌ی ین و یانگ قرار گرفته



بخش سیاهرنگ (ین) از دایره‌ی داخلی، نقطه‌یی سفیدرنگ دارد، و قسمت روشن (یانگ) نقطه‌یی سیاهرنگ دارد. این امر نشان می‌دهد که هر قطب در کاملترین و خالصترین شکل خود، دانه‌یی از دیگری در بر دارد. و می‌بینیم که عمل تغییر، در همین مرحله‌ی ابتدایی دوقطبی (ین و یانگ) شکل می‌گیرد.

مرحله‌ی مهم بعدی پیشرفت «یی چینگ»، در حدود سال ۱۱۵۰ قبل از میلاد رخ داد. در اواخر سلسله‌ی «شانگ»۱۳، آخرین امپراطور این سلسله، «چوهسین»۱۴ نام داشت، که حکمروایی بی‌کفایت بود، و در زمان حکومت او، قسمت اعظم امپراطوری به هرج و مرج و بی‌نظمی دچار گردید.

در این سالهای سخت، ایالات غربی چین تحت حکمروایی امیری به نام «ون»۱۵ قرار گرفت، که مدیری لایق بود و بسیار محبوب. در آن دوران لیاقت و محبوبیت امتیازی بود، که موجب می‌شد مردم به چنین افرادی متکی و وابسته شوند. ازین‌رو در سال ۱۱۳٤ قبل از میلاد، امپراطور دستور دستگیری «ون» را صادر کرد. «ون» دستگیر شد و در شهر «ین»۱۶ که پایتخت امپراطوری بود (و در ایالت «هونان»۱۷ فعلی واقع بود) زندانی شد.

«ون» در زندان، وقتی در انتظار مرگ به‌سر می‌برد، درباره‌ی این هشت «سه‌خطی» رازآمیز مطالعه و تحقیق کرد.

---

13 – Shang　　14 – Chou Hsin
15 – Wên　　16 – Yin
17 – Honan

با ترکیب کردن هشت «سه‌خطی» و جفت کردن هریك از آنها با دیگری، شصت و چهار «شش‌خطی»۱۸ به دست آورد. آنگاه هریك ازین «شش‌خطی»ها را نامگذاری کرد، و حکمی بر آن افزود. هر حکم از ترکیب مفهوم دو «سه‌خطی» با یکدیگر مشتق بود.



مثلا «شش‌خطی» شماره‌ی ۱۱ که به نام صلح موسوم شد ترکیبی است از



«سه‌خطی» «ك، اون»، پاسخگو



روی «سه‌خطی» «چ، ین» فعال



و «شش‌خطی» شماره‌ی ۵۳ که به نام پیشرفت تدریجی موسوم شد ترکیبی است از



«سه‌خطی» «سون»، ارام



روی «سه‌خطی» «کن»، ساکن

«ون» یکسال زندانی بود، سپس به کوشش دوستانش آزاد شد. طولی نکشید که سپاه «چو» بر علیه امپراطور شورش کرد. در ۱۰۲۷ قبل از میلاد پایتخت تسخیر شد، و امپراطور کشته شد، و سلسله‌ی «شانگ» خاتمه یافت.

اما جنگ به همینجا خاتمه نیافت، و پس از دوره‌ی کوتاهی از صلح، گروه‌های متخاصم برای به دست آوردن تاج و تخت به جنگ پرداختند، و وقتی صلح حکمفرما شد که دیگر از شهر «ین» به جز ویرانه‌یی نمانده بود.

پیروزی نهایی نصیب پسر «ون»، «تان» امیر «چو» شد، که در واقع بنیانگزار سلسله‌ی «چو» است.

چهل سال پس از به‌وجود آمدن «شش‌خطی»ها، امیر چو آثار پدرش را بسط داد و پس‌از مطالعه‌ی متن «ون» درمورد «شش‌خطی»ها، تفسیر خود را در مورد هر خط برآن افزود، که مجموعه‌یی‌از سیصد و

۱۸ـ Hexagram. فهرست کامل ٦٤ شش‌خطی را در صص ۷۸ـ۸٤ ببینید.

هشتاد و چهار قطعه بود.

این اثر، که شامل ٦٤ «شش‌خطی» «شاه ون» می‌شد، باضافه‌ی متن همراه آن و تفسیر خطوط امیر «چو»، در سراسر امپراطوری چو منتشر شد و به نام کتاب چو (چویی)[۱۹] معروف گردید.

در اوایل قرن پنجم پیش از میلاد، کنفوسیوس «چویی» را مطالعه کرد، و محتمل است بعضی از تفسیرات «یی چینگ» را او نوشته باشد. توضیحات و تفسیرهای دیگر، توسط شاگردان و پیروان متأخر این حکیم دانا تدوین شده و بدان افزوده گشته، تا سرانجام این کتاب مجموعه‌یی‌شده‌دوبرابر قطرکتاب‌اولی‌که«ون» و امیر«چو» نوشته‌بودند.

از آن پس کتاب «یی چینگ»، به طور رسمی، یکی از پنج کتاب درسی کنفوسیوس شد، و موسوم به «یی چینگ»، یا «کتاب تقدیرات» گردید. «یی چینگ» کنفوسیوسی شدیداً مورد احترام بود، فلسفه‌ی آن اثری عمیق بر بسیاری از وجوه زندگی چینی گذاشت. معلم بزرگ «لائوتسه» (که احتمالا همدوره‌ی کنفوسیوس است) به طور حتم در «یی چینگ»، فلسفه‌یی نزدیك به تعلیمات خود می‌دیده است. تصمیمات مهم در هر سطح بر مبنای اندرزهای این کتاب اتخاذ می‌شد، و افراد کوشش می‌کردند زندگی خود را با احکام آن مطابق کنند.

در زمان سلسله‌ی «چ، این»[۲۰] و «هان»[۲۱] (از قرن سوم قبل از میلاد تا قرن سوم بعد از میلاد) مکاتب پرقدرت کیمیاگری به وجود آمد، که در علوم خفیه‌ی تائویسم تتبع می‌کردند، و تحقیقات خود را به یافتن اکسیر جاودانگی تخصیص داده بودند.

«یی چینگ» مورد قبول اینان بوده، و آن را در پـرتـو نظرات عرفانی خود تعبیر و تفسیر مجدد کردند. در نیمه‌ی دوم قرن سوم پس از میلاد، سالك جوان و تیزهوش به نام «وانگ‌پی»[۲۲] بر زمینه‌ی عرفانی کتاب اصلی «یی چینگ» مطالعه و تحقیق کرد، و بر ارزشهای آن به‌عنوان فلسفه‌ی زندگی تأکید کرد.

«یی‌چینگ»ی که امروزه در دست ماست، در اصل همان روایت «وانگ‌پی» است، که به زبان چینی جدید تدوین شده، و سپس بـه زبانهای خارجی ترجمه گردیده است.

19— Chou I
20— Ch'in
21— Han
22— Wang pi

۳

خرد یی‌چینگ

جهان اصغر

«یی‌چینگ» توصیف ساده و در عین‌حال عمیقی از طبیعت جهان و زندگی درونی این طبیعت، به دست می‌دهد.

ریشه‌ی همه‌ی موجودات «تایی‌چی»[۲۳] است. «تایی‌چی» چشمه‌ی غایی و غیرقابل شناخت زندگی است. همه‌چیز از «تایی‌چی» می‌آید و به «تایی‌چی» برمی‌گردد. «تایی‌چی» بر همه‌چیز محیط است، و محاط است در همه‌چیز.

نزدیکترین راه برای رسیدن به «تایی‌چی» و درك آن، از طریق تنها وجه دائمی زندگی است: پدیده‌ی تغییر. در جهان، همه‌چیز در وضعیت نوسانی است. همه‌چیز در حال تغییر به چیز دیگری‌ست. هیچ چیز آخرین چیز نیست. تغییرات یکی پس از دیگری، در دوایری همواره گردان می‌چرخند، و هر پایانی، خود شروعی است.

مسیر تغییرات را می‌توان همه‌جا دید، در جزر و مد امواج، در حرکت اهله‌ی قمر، در گردش فصول، و در اقبال آدمی.

23— T'ai Chi

یکی از تفسیرهای کنفوسیوس بر «یی‌چینگ»، چنین می‌گوید:

«خورشید می‌رود و ماه می‌آید. ماه می‌رود و خورشید می‌آید. خورشید و ماه جانشین یکدیگر می‌شوند. و ثمر آن درخشش آنهاست.

سرما می‌رود و گرما می‌آید، گرما می‌رود و سرما می‌آید، با این دوره‌ی گردش سرما و گرما، سال کامل می‌شود.

آنچه در گذشته بوده، کمتر و کمتر می‌شود، و آنچه در آینده است، بیشتر و بیشتر می‌شود، این انقباض و انبساط، بر هم اثر می‌گذارند، و پیشرفتی سودمند حاصل می‌شود.»

تغییر، از تداخل دو نیروی اولیه‌ی «یانگ» و «ین»، که عناصر مثبت و منفی وجودند، ناشی می‌شود. جریان پیچیده‌ی درونی نیروهای میان ایندو قطب، منتج به ایجاد و استحاله‌ی همه‌چیز می‌شود.

این نیروی نمونه، که دائم در حال تغییر است، این سرمنشاء حیات، «تائو»[24] نامیده می‌شود، و به معنای راه و طریقت است. «تائو» نیروی حیات است، نیرویی که در پشت نیروهای طبیعت وجود دارد. همه‌چیز توسط «تائو» خلق می‌شود. و همه‌چیز توسط «تائو» تجزیه می‌شود.

«ین» و «یانگ» که دو اصل به‌وجود آورنده‌ی یی چینگ هستند، مفاهیمی متضاد و درعین‌حال مکمل دارند. از ایندو، هشت «سه‌خطی» به وجود آمد، که نمایانگر مراحل بنیانی دایره‌ی‌تغییر است. با ترکیب جفت به جفت این هشت «سه‌خطی»، شصت و چهار «شش‌خطی» به‌وجود آمد، که هریك بخش کوچکی از این دایره‌ی تغییر را نشان می‌دادند.

بعدها، به هریك از خطوط «شش‌خطی» مفهومی‌خاص اختصاص یافت. و بدینترتیب طالبان، برای یافتن راز خطوط متغیر ۳۸۴ نشانه‌ی ارزشمند دیگر به دست آوردند.

«یی چینگ» به وجود آمده بود، تا تمام سطوح جریانهای تغییر و استحاله‌ی جهان را منعکس کند. از خلقت گرفته، تا به رشد، بلوغ، مرگ، تجزیه، و خلقت دوباره. این کتاب بازتابی کامل است از نظم طبیعی، اما به صورت صفرایی[25] آن.

24— Tao 25— Miniature

«حکیم دانا به‌بالا می‌نگرد، و پدیده‌ی آسمان را ملاحظه
مــی‌کند، سپس بـه پائین می‌نگـرد، و طرح زمین را
می‌آزماید، و بدین‌ترتیب علت و سبب تاریکی و روشنائی
را می‌آموزد.
او چیزهارا از شروع تا پایان دنبال‌می‌کند، و بدینترتیب
مفهوم زندگی و مرگ را درمی‌یابد.
او ملاحظه می‌کند که چگونه وحدت میان جوهر و نفخه،
به چیزها شکل می‌دهد، و چگونه هیبت «ذات»، تجزیه و
فساد چیزها را ایجاد می‌کند، و بدینترتیب ساختمان
خلقتی «ارواح» بالاتر و پایین‌تر را درمی‌یابد.»

«یی‌چینگ» و زمان : فصول

«یی‌چینگ» بیش از ۳۰۰۰ سال در چین مورد استفاده قـرار گرفته، تا دایره‌ی گردش فصول، و گشت سالانه‌ی فعالیتهای بشری را نشان دهد.

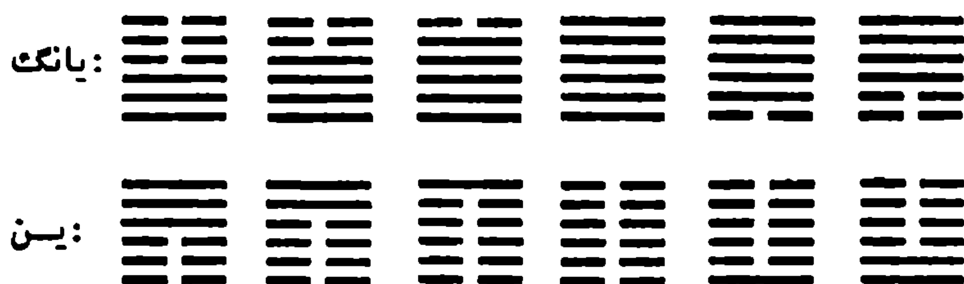
تقویم سنتی چین، سال را به دو نیمه تقسیم می‌کند، شش ماه اول سال تحت حکومت «یانگ» است، و شش ماه دوم، تحت حکومت «ین». سال جدید در اسفندماه آغـاز می‌شود، یعنی یکماه پیش از نقطه‌ی اعتدال ربیعی در بهار، و بر شش ماه فعالیت خلاق، که تحت استیلای نیروهای یانگ است، راه می‌گشاید. طی این مدت، تمام پیشه‌های مردانه، چون کشاورزی، شکار، خانه‌سازی، و ازدواج بسیار خوب است.

نقطه‌ی اوج دوره‌ی یانگ در تحویل تابستان است، پس از آن رو به نقصان می‌گذارد، و سرانجام توسط نیروهای «یـن» سرکوب می‌شود. نیروهای ین درست قبل از نقطه‌ی اعتدال خریفی در مهرماه، استیلای خود را از دست می‌دهد.

در نیمه‌ی دوم سال، موقع مناسب فعالیتهای آرامتر زنانه است. کارهایی چون، بافتن، تفریح و تجدید قـوا، برنامه‌ریزی برای سال آتی، و زایمان.

نقطه‌ی اوج دوره‌ی ین، قبل از تحویل زمستان در ماه آذر است. پس از آن دوباره نیروهای یانگ وارد مبارزه می‌شوند، تا اینکه در آخر ماه اسفند، یعنی در آغاز سال نو کاملا مستولی می‌شوند.

هریك از دوازده ماه سال تحت استیلای یك «شش‌خطی» است، که موسوم به «بزرگ شش‌خطی» می‌باشد. این دوازده «بزرگ شش خطی» صعود و فرود نیروهای یانگ و ین را در طول سال نشان می‌دهند:



دانستن ویژگی‌های «بزرگ شش‌خطی‌ها» ارزشمند است، زیرا کمکی است از برای شروع برنامه‌یی، یا به پایان رساندن کاری، و یا تعیین ساعت سعد، برای یك عمل آتی.

چنانچه در نیتی که دارید مساله‌ی زمان از اهمیتی خاص برخوردار باشد، و از قضا یکی ازین دوازده «شش‌خطی» به دست اید، بسیار پرمعنی است. اما باید به‌خاطر داشته باشید که جواب کامل را به حساب آورید، چرا که اغلب مساله‌ی زمان در متن توضیحی «شش خطی» حل می‌شود.

در اینجا جدول راهنمای تقویم چینی چاپ شده است. ماه‌ها از نظر سنتی به دو «پانزده روزه» تقسیم شده‌اند، که هریك موسوم به اسمی است، این اسم مشخص‌کننده‌ی آن پدیده‌ی طبیعی اصلی است که در آن دوره از زمان باید منتظرش بود.

روایت شده که این اسامی، به نحوی کاملا دقیق، نشاندهنده‌ی تغییرات فصل در شمال چین است. در جدول زیر، مدار متناوب یانگ و ین، به گونه‌یی ساده و روشن نشان داده شده.

تقویم باستانی چین

ماه	بزرگ شش خطی		پانزده روزه	تاریخ آغاز
۱	䷊	ت، ایی	آغاز بهار باران	۱۶ بهمن ۱ اسفند
۲	䷡	تاچوانگ	بیداری مخلوقات اعتدال ربیعی	۱۶ اسفند ۲ فروردین
۳	䷪	کوایی	روشن و درخشان ریزه باران	۱۷ فروردین ۱ اردیبهشت
٤	䷀	چ، ین	شروع تابستان فراوانی کمتر	۱۶ اردیبهشت ۱ خرداد
۵	䷫	کو	دانه‌یی در گوش تحویل تابستان	۱۷ خرداد ۱ تیر
٦	䷠	تون	گرمای کمتر گرمای بیشتر	۱۷ تیر ۲ مرداد
۷	䷋	پی	آغاز پائیز پایان گرما	۱۷ مرداد ۲ شهریور
۸	䷓	کوان	شبنم‌های سپید اعتدال خریفی	۱۷ شهریور ۲ مهر
۹	䷖	پو	شبنم‌های سپید یخهای نازک شیشه یی	۱۷ مهر ۲ آبان

۱۰	کث، اون	آغاز زمستان برف کمتر	۱۷ آبان ۲ آذر
۱۱	فو	برف بیشتر تحویل زمستان	۱٦ آذر ۱ دی
۱۲	لین	سرمای کمتر سرمای بیشتر	۱٦ دی ۱ بهمن

جدول زمان، علامت بروج نجومی و ستاره‌ی هر شش‌خطی

شماره‌ی شش‌خطی	زمان	برج	ستاره
۱	۱۱ اردیبهشت	عقرب	اورانوس
۲	۱۰ آبان	سرطان	ماه
۳	۱۶ آذر	دلو	ونوس/زهره
۴	۲۱ دی	قوس	مارس/مریخ
۵	۱۸ بهمن	میزان	ژوپیتر
۶	۲۲ اسفند	عقرب	خورشید
۷	۲۴ فروردین	قوس	نپتون
۸	۳۰ فروردین	سرطان	مرکوری/عطارد
۹	۱۵ اردیبهشت	میزان	ساتورن/زحل
۱۰	۴ تیر	سنبله	اورانوس
۱۱	۱۲ بهمن	میزان	ماه

* این جدول مأخوذ است از
The Iching and its Associations. Diana ffarington Hook. RKP. 1980. P 132.

شمارهٔ شش‌خطی	زمان	برج	ستاره
۱۲	۱۰ مرداد	اسد	ونوس/زهره
۱۳	۲۸ تیر	جوزا	مریخ/مارس
۱۴	۱۷ اردیبهشت	عقرب	ژوپیتر
۱۵	۲۱ آذر	دلو	خورشید
۱۶	۱۶ اسفند	سرطان	نپتون
۱۷	۲۴ بهمن	حوت	مرکوری/عطارد
۱۸	۲۸ اسفند	حمل	ساتورن/زحل
۱۹	۱۱ دی	اسد	اورانوس
۲۰	اردیبهشت/خرداد/تیر	سرطان	ماه
۲۱	۲۷ مهر	حوت	ونوس/زهره
۲۲	۳ شهریور	ثور	مریخ
۲۳	۹ مهر	سرطان	ژوپیتر
۲۴	۱۰ آذر	دلو	خورشید
۲۵	۱۸ شهریور	حوت	نپتون
۲۶	۲۸ مرداد	میزان	عطارد
۲۷	۲۸ آبان	دلو	زحل
۲۸	۳ آبان	ثور	اورانوس
۲۹	آذر/دی/بهمن	قوس	ماه
۳۰	۱۰ شهریور	جوزا	ونوس
۳۱	۴ خرداد	جدی	مریخ
۳۲	۱۶ تیر	حمل	ژوپیتر
۳۳	۱۰ تیر	جدی	خورشید
۳۴	۱۰ اسفند	میزان	نپتون
۳۵	۳۰ بهمن	اسد	عطارد
۳۶	۲۸ شهریور	ثور	زحل
۳۷	۲۳ اردیبهشت	جوزا	اورانوس
۳۸	۲۸ آذر	سنبله	ماه
۳۹	۲۲ آبان	دلو	ونوس
۴۰	۱۶ اسفند	قوس	مریخ

شمارهٔ شش‌خطی	زمان	برج	ستاره
۴۱	۳ مرداد	اسد	ژوپیتر
۴۲	۲۹ دی	حوت	خورشید
۴۳	۱۲ فروردین	عقرب	نپتون
۴۴	۱۱ تیر	ثور	عطارد
۴۵	۵ فروردین	اسد	زحل
۴۶	۴ دی	حمل	اورانوس
۴۷	۳ مهر	عقرب	ماه
۴۸	۲۹ اردیبهشت	حمل	ونوس
۴۹	۲۲ مرداد	جوزا	مریخ
۵۰	۱۷ خرداد	ثور	ژوپیتر
۵۱	اسفند/فروردین/ اردیبهشت	حوت	خورشید
۵۲	۱۵ مهر	دلو	نپتون
۵۳	۵ بهمن	جدی	عطارد
۵۴	۱۶ شهریور	سنبله	زحل
۵۵	۲۳ خرداد	جوزا	اورانوس
۵۶	۱۸ فروردین	جدی	ماه
۵۷	۱۶ مرداد	حمل	زهره
۵۸	شهریور/مهر	سنبله	مریخ
۵۹	۲۹ خرداد	قوس	ژوپیتر
۶۰	۲۲ تیر	اسد	خورشید
۶۱	۴ آذر	سنبله	نپتون
۶۲	۱۷ دی	جدی	عطارد
۶۳	۲۱ مهر	ثور	زحل
۶۴	۱۶ آبان	عقرب	اورانوس

«یی چینگ» نشان می‌دهد که وقایع به ترتیبی خودمختار و هرج و مرجی اتفاق نمی‌افتند، و چنانچه در خلال قوانین خطوط متغیر معلوم‌شد، وقایع راه تغییرناپذیر تائو را دنبال‌می‌کنند. همه‌چیز تغییر می‌کند، اما به طریقی معین، و در زمانی معلوم. وقتی مدار خاص یك تغییر به مرحله‌یی خاص می‌رسد، «یی‌چینگ» به ما نشان می‌دهد که می‌توان آن مرحله‌یی را دید که به‌طور اجتناب ناپذیر به دنبال خواهد آمد.

اگر یی‌چینگ درشرایط دایم‌التغییر زندگی به‌کار گرفته شود، آنگاه می‌توان از تزلزل و عدم‌اطمینان وجود بشری اجتناب کرد. همچون ناخدای یك کشتی صید، که به دلیل آگاهی‌اش نسبت به امواج و بادها، می‌تواند از آنها به نفع خود استفاده کند، و بدینترتیب به مقصد مورد نظرش برسد، به همان ترتیب آن کسی که در موقع تردید و بی‌تصمیمی از کتاب «یی‌چینگ» سؤال می‌کند، می‌تواند در طول عمر خود، در راهی مطمئن گام بردارد.

چنین شخصی در کتاب «یی‌چینگ» با نام «مرد برتر» توصیف شده است. تفسیر بزرگ چنین می‌گوید:

> «هنگامی که مرد برتر می‌خواهد دست به انجام عملی بزند، چه عملی خصوصی یا عمومی، او به «یی‌چینگ» رجوع می‌کند. با جمله‌یی سؤال می‌کند. «یی‌چینگ» پیام او را می‌شنود، و جواب می‌آید، به گونه‌یی که انگار پژواك سؤال بوده است. مرد برتر در مورد هر سؤال و موضوعی، چه این موضوع درباره‌ی آینده‌ی دور باشد، یا نزدیك، مرموز باشد یا عمیق، بی‌درنگ می‌تواند دریابد که چه نتیجه‌ای بدست خواهد آمد.»

یی‌چینگ روشن می‌کند که هیچ چیز ساکن نیست، هیچ چیز همیشگی نیست، و برای هر چیز زمانی خاص وجود دارد. آن کسی که نمی‌کوشد تا قبل از وقت به کامیابی برسد، آن کسی که می‌تواند نقصان‌ها و فرودهای غیرقابل اجتناب را تاب آورد، به خشنودی واقعی

خواهد رسید. اگر از وسط جاده‌ی پیشرفت برود، از درگیریها اجتناب خواهد کرد و خود را با ضرب آهنگ متوازن طبیعت تطبیق خواهد داد، و سرانجام با تائو به وحدت خواهد رسید.

او زندگی خود را بر مبنای نگرش یی‌چینگ نسبت به دوایر تغییر، تنظیم می‌کند. و آگاه است که ناچیزترین حرف یا عملش، موجی کوچك در اقیانوس تائو پدید می‌آورد، که ممکنست اثراتی غیرقابل احتساب در سرنوشت او داشته باشد. مرد برتر در همه‌ی اوقات در کمال فروتنی و احتیاط طی طریق می‌کند.

«حرفها از یکنفر بیرون می‌جوشد، و ادامه می‌یابد تا مردم را تحت تأثیر قرار دهد. اعمال از نزدیك شروع می‌شود، و اثرات آن در دوردست دیده می‌شود. حرفها و اعمال، لولا و فنر مرد برتر هستند. حرکت این لولا و فنر، اعتبار یا عدم اعتبار او را مشخص می‌کند. حرفها و اعمال او، آسمان و زمین را به حرکت درمی‌آورد، آیا می‌تواند نسبت به آنها بی‌توجه باشد؟»

یی چینگ در زمانی به وجود آمده، که پیوند انسان با سطوح عمیقتر روانش، بسیار قویتر و روشنتر از امروز بوده است. این کتاب مرکز نیروی محرکه‌ی تصاویر روانی است، که می‌تواند مانند پلی میان ذهن خودآگاه و اعماق ناخودآگاه ما عمل کند.

لزوم وجود چنین پلی را باید در عدم توانائی اندیشه جستجو کرد، که حتی قادر به حل مسائل اساسی وجود بشری هم نیست. علم می‌تواند به ما نشان دهد چگونه، اما تنها الهام، و قوه‌ی ذهنی ناخودآگاه است که می‌تواند بگوید چرا.

یی‌چینگ جاده‌یی است که‌میان دو قطب همزاد «ین» و «یانگ» کشیده شده، در دنیایی که همه‌چیز «یك» است، و «یك» همه‌چیزست، جایی که کشمکش فرونشسته، و زندگی بی‌زمان است:

«هنگامی که از نزدیك در طبیعت و علل چیزها غور می‌کنیم، تا حدی که به جوهر روح‌وار و غیرقابل نفوذ آن وارد می‌شویم، به استفاده‌یی عملی از آنها به بهترین وجه توفیق می‌یابیم. زمانی که این استفاده، بی‌واسطه و مستقیم شد، و آسودگی خاطر تضمین گردید، فضایل ما تقویت می‌شود.»

مرد برتر از طریق تجارب خود می‌داند که این امر واقعیت دارد، ازینرو خود را به مدارهای کهکشان متصل می‌کند، و صاحب اختیار سرنوشت خود می‌شود:

«مرد برتر کسی است که در کیفیت‌های خود، هماهنگ با آسمان و زمین است، درخشش او، همانند درخشش آفتاب و ماه، نظم او همانند نظم چهارفصل، و ارتباط او با سعد و نحس همانند خدایان است.»

«ممکنست مرد برتر از آسمانها پیشی گیرد ،اما آسمان با او مخالفتی نخواهد کرد، او ممکنست از آسمان تبعیت کند، و درست همانطور عمل کند که آسمان عمل می‌کند. اگر آسمانها با او مخالفتی نمی‌کنند، پس چگونه‌ممکنست مردمان و خدایان با او مخالفت کنند!»

روابط و نشانه‌ها[۲۶]

درهر «شش‌خطی»، حکم شاه «ون» درباره‌ی کل «شش‌خطی»است، و موقعیتی که این «شش‌خطی» مشخص می‌کند. اما تفسیر امیر «چو» از خطوط، درباره‌ی لحظاتی است که این تغییرات حادث می‌شوند. بر همین اصل در هر «شش‌خطی»، خطوط متغیر (اعداد ٦ و ٩) مبنای کل تفسیر است.

«سه‌خطی»ها را در یك «شش‌خطی» باید در ارتباط با همدیگر در نظر گرفت، «سه‌خطی» پایینی نشانه‌ی زیر، درون و پشت است. بدین جهت به صورت واقعه‌یی که اتفاق افتاده تفسیر می‌شود. حال اینکه «سه‌خطی» بالایی نشانه‌ی بالا، بیرون، و جلو است. بدین جهت به صورت واقعه‌یی که در آینده رخ خواهد داد، تفسیر می‌شود.

هر «شش‌خطی» به سه نیروی اولیه تقسیم می‌شود: آسمان، زمین و انسان. دو خط پایینی نشانه‌ی زمین، دو خط میانی نشانه‌ی انسان،

۲۶ـ از اینجا تا آخر این‌بخش، از منبع‌دیگر، بویژه کتاب ریچارد ویلهلم به متن افزوده شده

و دو خط بالایی نشانه‌ی آسمان است.

بنا بر قاعده، پایین‌ترین و بالاترین خط بدون زمان‌اند، بیرون از موقعیت‌اند و اندرزگو هستند. خط بالایی جای پیر داناست، کسی که درگیر مسایل دنیایی نیست یا بهرحال فردی متشخص و عاقل است و اندرزهایش راهگشاست. درحالیکه چهار خط میانی دارای محدودیت زمانی‌اند، و نسبت به سؤال، چگونگی تفسیر آنها تعیین می‌شود.

دو خط وسطی، یعنی خط سوم و چهارم، از همه مهمترند. خط دوم و پنجم در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارند. خط سوم که بالاترین خط «سه‌خطی» پایینی است موقعیتی موقتی دارد. خط چهارم از نظر اهمیت بالاتر از خط دوم قرار دارد. خط سوم و پنجم جایگاه اقتدار است، خط چهارم جایگاه وزیر است و خط پنجم جایگاه حاکم. گاهی بنا بر موقعیت خط پنجم نشانگر شوهر، خط چهارم نشانگر زوجه، خط دوم نشانگر پسر است. خط دوم و چهارم جایگاه افراد اداری، پسران و زنان است. خط دوم و پنجم ارتباط کارمندی با رئیسش، پسری با پدرش، و یا زنی با شوهرش را نشان می‌دهد.

مفهوم نمادها (سمبل‌ها).

آسمان : نشانه‌ی روح، نشانه‌ی پدر، و مرد است. همچنین نشانه‌ی صبح است. نشانه‌ی عشق است که با اصل نور پیوند دارد.
آسمان نشانه‌ی وحدت است.
آسمان نمودار خوش‌اقبالی و بداقبالی، هردوست. وقتی آفتاب، ماه و ستارگان در اسمان باشند، خوش‌اقبالی و کامیابی پیش خواهد آمد. وقتی ستاره‌ی دنباله‌دار و کسوف و امثال آنها در آسمان دیده شود، نشانه‌ی بداقبالی و ناکامی خواهد بود.

زمین : نشانه‌ی زندگی است. زمین مادر است، طبیعت است. زمین نشانه‌ی عصر است، نشانه‌ی تاریکی است. راستی و درستی علامت زمین هستند. زمین مراقب است که همه‌ی مخلوقات اطعام شوند.
همچنین زمین نشانه‌ی کثرت است.

اژدها : نمادی الهی است، نیروی زندگی و تجلیات زندگی‌است. اژدها عنصر اصلی «چ، ین»، اصل آسمان و حامی باران است، که نشانه‌ی حاصلخیزی است. هر یك از شش خط «چ، ین» شش اژدهاست که به ارابه بسته‌اند.
خون اژدها، سیاه و زردرنگ است. که رنگهای باستانی آسمان و زمین هستند.

اسب : یی‌چینگ کیفیات اسب را نیرو و سرعت می‌داند. اسب گاهی مرکب رب‌النوع باد است. گاهی مرکب عنصر هوا.
اسب «یانگ» است و به معنای زندگی طولانی است. اسبهای مختلف نشانگر قدرت، بردباری و استحکام هستند.

مادیان : نشانه‌ی رام بودن و قوی بودن است.

فلز و سنگ‌های قیمتی : نشانه‌ی خلوص و استحکامی بدون خدشه‌اند.

میوه : نشانه‌ی تغییر کردن طی زمان، و رسیده شدن است.

سگ : نگهبان باوفاست.

جاده‌ی عظیم : راه جهانی زندگی را در بهار نشان می‌دهد.

نی خیزران : علامت فراوانی و سرعت رشد است.

عبور از رودخانه‌ی بزرگ : یعنی برعهده گرفتن کاری خطیر.

پا گذاشتن روی دم ببر : خود را دچار خطر کردن.

روزه‌داری : یعنی برای رسیدن به هدف خود، به خدا پناه بردن.

شکار در جنوب : یعنی به انجام رسیدن عملی بزرگ.

خون‌گریستن در رودخانه : نهایت ترس و تحقیر.

نگاه یك پسربچه : نماد فردی بی‌فکر که نمی‌تواند دور را ببیند، و تنها مناظر ساختگی را باور می‌کند.

امیر : نشانه‌ی پیر دانا، پدر، رییس و هر آن کسی است که ما امتیازی خاص بر او قایلیم.

امیرزاده : همچون امیر، شخصی ممتاز است، که در زندگی خود به نحوی از او پیروی می‌کنیم.

جهات اربعه و فصول

هشت «سه‌خطی» اصلی، هر یك نماد یکی‌از جهات جغرافیایی‌اند. و هر جهتی نشانگر یکی از فصول است.

تویی : این «سه‌خطی» نشانگر غرب است. و درنتیجه با پاییز و خرابی در ارتباط است. خرد شدن و تکه‌تکه کردن یکی از علائم این «سه‌خطی» است اما در میانه‌ی پاییز همه‌ی مخلوقـات شادی می‌کنند.

چـن : این «سه‌خطی» نشانگر شرق است. و رشدی بهاره را نشان می‌دهد. به معنای بهار و عشق امده است.

چ، ین : این «سه‌خطی» نشانگر شمال غربی است. نشانگر سرما و یخ. و نشانگر انکه در این «سه‌خطی» تاریکی و روشنایی همدیگر را برمی‌انگیزند.

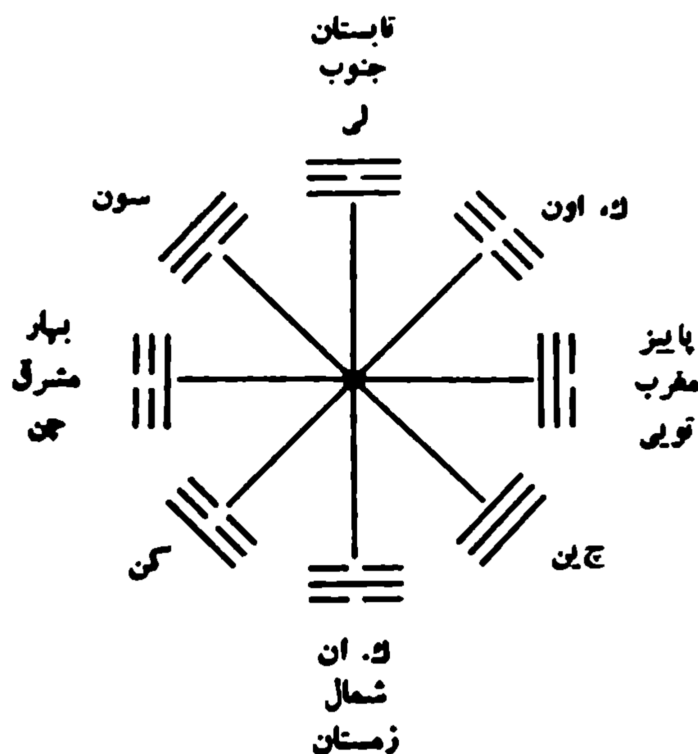
سون : این «سه‌خطی» نشانگر جنوب شرقی است و نشانگر کمال‌یافتن است. کمال به معنای اینکه تمام مخلوقات خالص و کامل می‌گردند.

کن: این «سه‌خطی» نشانگر شمال شرقی است که شروع و ختم هر مخلوقی در آنجاست.

ک، ان : این «سه‌خطی» نشانگر شمال است. و نشانــه‌ی زمستان، و سه خطی رنج و زحمت است.

لی: این«سه‌خطی»نشانگر جنوب است، و درخششی است که در پرتو آن همه‌ی مخلوقات همدیگر را درک می‌کنند

ک اون: این«سه‌خطی»نشانگر جنوب شرقی است. پاسخگو و پذیرا، یعنی زمین. او مراقب است که تمام مخلوقات اطعام شوند.



این نمودار توسط شاه ون تنظیم شده است.
باید توجه داشت که در چین قدیم جنوب را در بالا قرار می‌دادند.

اعضای بدن

همچنین هشت «سه‌خطی» اصلی، هریك نشانگر یکی از اعضای بدن هستند:

چ، ین : نشانگر سر: بر تمام بدن حکومت می‌کند. جایگاه اندیشه و تصمیم‌گیری است.

ك، اون : نشانگر شکم: برای ذخیره کردن است. نشانه‌ی فرزند آوردن و ثمر داشتن، یا انبار کردن.

چـن : نشانگر پا: پا بر روی زمین قدم می‌گذارد، و پیش می‌رود، نشانه‌ی عمل کردن و پیشروی است.

سون : نشانگر رانها : رانها پوشیده‌انـد، و هدف خـود را ظاهر نمی‌کنند، اما از «چن» پیروی می‌کنند، و پیش‌می‌روند.

ك، ان: نشانگر گوش: گوش در بیرون خالی است، اما اگر چیزی به خوبی شنیده شود، از یاد نمی‌رود. نشانه‌ی اندرزپذیری است.

لـی : نشانگر چشم: چشم از داخل توخالی است. یعنی نباید فقط به دیده‌هاکفایت کرد. نشانه‌ی عینی بودن و سطحی بودن است.

کـن : نشانگر دست: دستها محکم می‌چسبند و سخت کار می‌کنند، یا متوسل می‌شوند. نشانه‌ی کوشش و توکل با هم است.

تویـی : نشانگر دهان: دهان وقتی از روبرو دیده شود، گویی رو به بالا باز می‌شود، در حالیکه از نیم رخ گویی رو به پایین باز مـی‌شود، ازین‌رو، هم نشان از بهشت دارد، هـم نشان از جهنم. یعنی دارای هر دو خاصیت نیکی و بدی است.

رنگ‌ها

سفید : نشانه‌ی زمین است. و نشاندهنده‌ی سحر، رنگ «دین» است.

آبی : رنگ صبح است، رنگ آسمان و روح، و در عالم جسم، نشانه‌ی اندیشه.

زرد پررنگ : نشانه‌ی غروب آفتاب، تواضع، صحت و درستی.

زرد کم‌رنگ : رنگ‌نور، رنگ طلا، رنگ الهام.

سبز : رنگ طبیعت، رنگ ایمان.

قرمز : رنگ خون، هوس، احساسات و عشق زمینی است.

قرمز پررنگ : رنگ نور است وقتی تشدید شود.

سیاه : رنگ شب است.

٤

چگونه بایی‌چینگ فال می‌گرفتند

چینیان هرگاه بخواهند با یی‌چینگ فالی بگیرند، وقتی را به اینکار اختصاص می‌دهند که فراغتی داشته باشند، چیزی مزاحم آنها نشود تا بر «شش‌خطی» و تفسیر آن تأثیر بگذارد. معتقدندکه تمرکزی مداوم و راسخ لازمست تا خطوط «شش‌خطی» به دقت حساب شود، و در عین حال باید نیت کاملا روشن باشد.

معتقدند کلماتی که با آن سؤال را می‌پرسند از اهمیت بسیار برخوردار است. سعی می‌کنند سؤال خود را به نحوی مطرح نمایند که جوابی قطعی امکان‌پذیر باشد. اگر نیت در مورد انتخاب میان دو موضوع بود، مثلا: «آیا شغل الف را قبول کنم، یا شغل ب را؟» سؤال را به دو قسمت بخش می‌کنند، ابتدا سؤال می‌کنند: «اگر شغل الف را انتخاب کنم، چه نتایجی به دست خواهد آمد؟» بعد سؤال می‌کنند «اگر شغل ب را انتخاب کنم، چه نتایجی به دست خواهد آمد؟» بعد با مقایسه‌ی دو جواب به‌دست آمده، یکی از دو شغل را انتخاب می‌کنند.

اگر بخواهند که جواب، اشاره‌یی به زمان داشته باشد، در سؤال خود محدوده‌یی زمانی مطرح می‌کنند، مثلا: «آیا عاقلانه است که تا دو هفته‌ی دیگر سفری به خارج از کشور بروم.» یا، «تا سه ماه دیگر

کارم چطور خواهد شد؟»

معتقدند اندرزهای «یی‌چینگ» هنگامی که در شروع کاری هستند، بسیار پرارزش است. چون در این مرحله هنوز قادرند تصمیم بگیرند از کدام راه بروند و می‌توانند کاملا بر اوضاع مسلط شوند.

چینیان می‌پندارند وقتی در مورد وقایع آینده با رهنمودهای یی‌چینگ مجهز باشند، بهترین راه مقابله‌ی با آنها را می‌دانند، و بیشتر احتمال موفقیت وجود دارد، تا وقتی که در تفال یی‌چینگ تأخیر کنند، که آنگاه در خطر بحرانی جدی باشند، و برای نجات، اقدامی شدید لازم شود.

اگر جوابی که دریافت می‌کنند به نظر گنگ یا بی‌تناسب برسد، آن را کنار نمی‌گذارند. بلکه آن را مطالعه می‌کنند، و سعی دارند به آن فکر کنند. چرا که ممکنست یکباره، نشانه‌ها روشن شود، و از طبیعت واقعی یکی از عمیقترین مشکلات انسان پرده بردارد، و راه حل آن را نشان دهد.

به نظر آنها اغلب گویی که یی‌چینگ قدرت دارد سطح ظاهر اشتغالات ذهنی را بشکافد و در مورد مشکلات پنهانی اشخاص اندرز بدهد، مشکلاتی که عمیق‌تر و اساسی‌تر هستند. اگر آدمی ازین مشکلات آگاه نباشد، بعید نیست که در نظر اول، معنی واقعی این جواب را درک نکند.

حکیمان چینی به شاگردان خود توصیه می‌کنند، اگر جواب‌مطابق طبع شما نبود، البته می‌توانید ان را نادیده بگیرید و از هر راهی که می‌خواهید، بروید. اما تجارب مکرر، در طول قرنهای متمادی به بسیاری از مردم آموخته است، که پذیرفتن پاسخ یی‌چینگ بهتر است و نهایتاً بیشتر مقرون به صواب است.

یی‌چینگ برای چینیان، کتابی مقدس است و از اینرو در عرف آنان، نسبت به یی‌چینگ احترام بسیاری رعایت می‌شود، و از آن محترمانه نگاهداری می‌کنند. آنها، کتاب را عموماً درپارچه‌ی ابریشمی سیاهی می‌پیچند، و آن را در طاقچه‌یی می‌گذارند که بالاتر از شانه، و رو به شمال باشد.

برای فال گرفتن با یی‌چینگ سه روش وجود دارد. روش چوبهای‌بومادران، روش سه سکه، و روش شش قطعه‌ی چوب.

میان این سه روش، قدیمی‌ترین و پیچیده‌ترین، و بدون شك بهترین، روش چوبهای بومادران است.
فال گرفتن با چوبهای بومادران احتیاج به تمرین، نوعی مهارت و صبر زیاد دارد، اما نتیجه‌ی آن ارزش زمان مصرف‌شده را دارا است.
حکیم چینی می‌گوید روش تفال از کتاب تقدیرات مساله‌یی جدی است که نباید آن را سرسری گرفت. این کار یکی از آن نظامهاست که هرچه تمرکز و کار بیشتری در موردش انجام شود، نتیجه‌ی امر کیفیت بهتری خواهد داشت.

روش چوبهای بومادران

طبق سنت پنجاه چوب بومادران برای این روش مورد لزوم است. این چوبها، شاخه‌های خشك بومادران، یا هزاربرگ است.۲۷
برای چینیان باستان گیاه بومادران مقدس بوده، و یکی از اشیاء «روح‌وار»، و صاحب فضایل ویژه بوده، از اینرو برای استفاده در موارد طالع‌بینی بکار می‌رفته است. تا همین قرن حاضر، گیاه بومادران روی قبر کنفوسیوس و اطراف آن کاشته می‌شده است.
در عمل شاخه‌های چوبی، به طول ۱۲ تا ۱۸ اینچ، به‌خوبی می‌تواند کاربرد داشته باشد.
چوبها را در جعبه‌یی‌مناسب می‌گذارند و درکنارکتاب نگاهداری می‌کنند.
اینك ببینیم یك فرد چینی با اعتقاد، چگونه تفأل را شروع می‌کند: او روکش ابریشمی سیاه را از دور یی‌چینگ باز می‌کند آن را بر میزی پهن می‌کند و کتاب را روی آن قرار می‌دهد. در مقابل کتاب، رو به شمال می‌ایستد و سه‌بار در مقابل آن تعظیم می‌کند.
در کنار کتاب عودی، در عوددانی مناسب روی میز می‌سوزاند، و چوبهای بومادران را از درون جعبه به‌در می‌آورد.
در مدت اجرای مراسم کوشش می‌کند مغز خود را از افکار پریشان خالی کند، و تنها روی نیت خود متمرکز شود.
حکیم چینی، به شاگردان تازه‌کار خود در اجرای این شیوه

27— Achillea millefolium

توصیه می‌کند که این کار را بدون شتاب انجام دهید، و اگر در جایی گیر کردید، نگران نباشید. بعد از اینکه چند باری با چوبهای بومادران تفال زدید، می‌بینید چوبها را به‌طور خودکار جابه‌جا می‌کنید، و می‌توانید کاملا بر سؤال خود متمرکز شوید.

شیوه‌ی فال گرفتن با چوب‌های بومادران به این ترتیب است:

۱ــ دسته چوبها را می‌گیرند، و یکی از آنها را جدا می‌کنند و به جعبه باز می‌گردانند این چوب نقشی ندارد، و تنها هدف آن، رساندن تعداد مجموعه‌ی چوبها به عدد جاذب و پرمعنای ۵۰ است.

۲ــ ٤۹ چوب باقی را جلوی خود دسته می‌کنند.

۳ــ با دست راست خود، چوبها را با حرکتی ناگهانی به دو دسته تقسیم می‌کنند، و این دو دسته را جدا از هم قرار می‌دهند.

٤ــ با دست راست یك چوب از مجموعه‌ی دست‌راستی برمی‌دارند و آن را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت کوچك (خنصر) دست چپ قرار می‌دهند.

٥ــ حال به مجموعه‌ی چوبهای سمت چپ توجه می‌کنند. با دست راست‌خود، ازین‌مجموعه، چهارتاچهارتاکنارمی‌گذارند، ودرسمت‌چپ قرارمی‌دهند. تاوقتی‌ازمجموعه،چهارتاچوب، یاتعدادکمتری‌باقی‌بماند.

٦ــ چوبهای باقیمانده (یا یك چوب باقیمانده) را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت وسطی دست چپ قرار می‌دهند.

۷ــ حال با دست راست، از مجموعه‌ی دست راستی هم چهارتا چهارتا جدا می‌کنند و کنار می‌گذارند تا از مجموعه، چهارتا چوب، یا تعداد کمتری باقی بماند.

۸ــ چوبهای باقیمانده را میان انگشت وسطی و سبابه‌ی دست چپ قرار می‌دهند.

حال میان انگشتان دست چپ، مجموعه‌یی از ٥ یا ۹ چوب قرار دارد: (۳+۱+۱، ۱+۳+۱، ۲+۲+۱، یا ٤+٤+۱). این چوبها را با دقت کنار می‌گذارند.

حال چوبهایی را که قبلا به دو دسته تقسیم کرده بودند جمع می‌کنند. این چوبها را به دست می‌گیرند (۴۹ منهای ۵ یا ۹ چوب روی هم). تمام جریان را دوباره از مرحله‌ی (۳) شروع می‌کنند:

یك چوب از مجموعه‌ی دست راستی برمی‌دارند و آن را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت کوچك دست چپ قرار می‌دهند!

چهارتا چهارتا از مجموعه‌ی چوبهای دست چپ کنار می‌گذارند، تا چهار یا کمتر از چهارتا چوب باقی بماند.

چوبهای باقی‌مانــده را میان انگشت چهارم (بنصر) و انگشت وسطای دست چپ قرار می‌دهند.

از مجموعه‌ی چــوبهای دست راست، چهارتــا چهارتــا کنار می‌گذارند، تا چهارتا چوب یا کمتر باقی بماند.

اینچوبها را میان انگشت وسطی وسبابه دستچپ قرارمی‌دهند.

حالا تعداد چوبهایی که میان انگشتها مانده‌اند، ٤ عدد یا ٨ عدد هستند (٢+١+١، ١+٢ +١، ٣+٤+١، و یا ٤+٣+١).

این چوبها را در کنار، اما کمی جدا از اولین دسته‌ی ٥ یا ٩ قرار می‌دهند.

یکبار دیگر چوبهای باقی مانده را جمع می‌کنند، البته دسته‌ی ٥ یا ٩تایی و دسته‌ی ٤ یا ٨تایی را با آن مخلوط نمی‌کنند.

حال تمام جریان را یکبار دیگر برای بار سوم از مرحله‌ی (٣) شروع می‌کنند. اینبار هم تعداد چوبهای باقیمانده در دست، در آخر (مرحله‌ی ٨) ٤ یا ٨ عدد است.

وقتی این کار کامل شد، سه دسته چوب کنار گذارده به دست می‌آید که شامل ٥ یا ٩ چوب، ٤ یا ٨ چوب، و سرانجام ٤ یا ٨ چوب است. از اینجا خط پائین «شش‌خطی» به دست می‌آید. شماره‌های به دست آمده را با جدول زیر مقایسه می‌کنند.

یك خط یانگ پیر	——O——	٥ + ٤ + ٤
یك خط ین پیر	——X——	٩ + ٨ + ٨
یك خط یانگ جوان	————	٥ + ٨ + ٨ ٩ + ٨ + ٤ ٩ + ٤ + ٨
یك خط ین جوان	—— ——	٥ + ٤ + ٨ ٥ + ٨ + ٤ ٩ + ٤ + ٤

چنانچه در جدول فوق می‌بینید چهار نوع خط ممکن است به دست آید. وقتی خطوط مناسب با اعداد پیدا شد، و یادداشت گردید، همه‌ی ۴۹ چوب را جمع می‌کنند، و یکبار دیگر تمام جریان را تکرار می‌کنند، تا خط دوم در «شش‌خطی» خود را (از پائین) به‌دست آورند.

شش‌بار تمام این جریـان انجام می‌شود، تـا تمام خطوط «شش‌خطی» (به‌ترتیب از پایین به بالا) به‌دست آید. وقتی «شش‌خطی» کامل شد، چوبها را جمع می‌کنند و به جعبه بازمی‌گردانند.

خطوط به دست آمده‌ی «شش‌خطی» را نگاه می‌کنند تا ببینند آیا خطوط «پیر» یا «جـوان» هستند، اگـر «شش‌خطی» فقط از خطوط

« یـانگ » جـوان (———) ، و «ین» جوان (—— ——)، تشکیل‌شده‌باشد، فقط حکم، توضیح و تصویر آن «شش‌خطی» را در متن می‌خوانند. تفسیر خطوط را مناسب سؤال نمی‌دانند.۲۷

اگـر «شش‌خطی» بـه دست آمـده شامل خطوط «یانگ» پیر (——O——) بـا خطوط « ین » پیر (——X——)، باشد

علاوه بر حکم و توضیح، تفسیرهای «امیر چو» را درباره‌ی خطوط متغیر به‌دست آمده می‌خوانند.

خطوط پیر، خطوط متغیر هم خوانده می‌شود، زیرا وقتی متغیری به دست می‌آید، باید ان را به شکل مقابلش تغییر داد، و شکلی دیگر تشکیل داد، مثلا: ——O—— یانگ پیر، هم به‌صورت یانگ ——— عمل می‌کند و هم تبدیل به «ین جوان —— ——

می‌شود، ین‌پیر ——X—— هم به‌صورت ین —— —— عمل می‌کند و هم تبدیل به یانگ‌جـوان ——— مـی‌شود، جریان خطوط متغیر، یك «شش خطی» جدید به دست می‌دهد.

متن اصلی، حکم، توضیح و تصویر این «شش‌خطی» جـدیـد (اما نه تفسیر خطوط) نور تازه‌یی بر سؤال می‌تاباند.

به هر چهار نوع خط، شماره‌یی آئینی داده شده.

شمارەی آئینی ٦ (خط متغیر)	——X——
شمارەی آئینی ۷ (ساکن)	————
شمارەی آئینی ۸ (ساکن)	—— ——
شمارەی آئینی ۹ (متغیر)	——O——

بدینجهت است که تفسیر امیر «چو» بر هر خط با یکی از دو شمارەی ٦ یا ۹ همراه است. شمارەهای آئینی ٦ و ۹ مربوط‌به دوخط متغیر است.

حال برای آشناتر شدن باروش فال‌گرفتن‌از یی‌چینگ، نمونه‌یی ببینیم. به فرض‌نیت کرده‌اند، و چوبهای بومادران را ریخته‌اند، و نتایج زیر به دست آمده:

خط ششم	(بالایی)	۸ + ۸ + ٥	=	————
خط پنجم	(از پایین)	٤ + ٤ + ۹	=	—— ——
خط چهارم	(از پایین)	٤ + ٤ + ٥	=	——O——
خط سوم	(از پایین)	۸ + ٤ + ۹	=	————
خط دوم	(از پایین)	۸ + ۸ + ۹	=	——X——
خط یکم	(پایینی)	۸ + ۸ + ٥	=	————

اولین «شش‌خطی» به دست آمده، «شش‌خطی» شمارەی ۳۰ خواهد بود.



لی: زیبایی درخشنده

محل این «شش‌خطی» را با مراجعه به جدول راهنما (ص ۷۷) پیدا می‌کنند، یعنی سه‌خطی پایینی ☲ را در ستون عمودی و سه‌خطی بالایی ☲ را در ستون افقی. محل تلاقی این دو سه‌خطی شمارەی ۳۰ است (ص ۲۰۰). حکم و توضیح و تصویر به‌اضافەی تفسیر دو خط دوم و چهارم امیر چو را می‌خوانند.

این دوخط، خطوط‌متغیر «شش‌خطی» است.

آنگاه دو خط متغیر این «شش‌خطی» را به خطوط مقابلشان تغییرمی‌دهند. خط‌دوم ——X—— تبدیل‌به ———— می‌شود، و خط‌چهارم ——O—— تبدیل به —— —— می‌شود.

در نتیجه «شش‌خطی» شماره‌ی ۲۶ به نام تا، چ او(ص ۱۸۵) به‌معنی «نیروی عظیم رام‌کننده» به دست می‌آید که به‌شکل زیر است:



حکم، توضیح و تصویر این «شش‌خطی» را مطالعه می‌کنند، و رجوع به تفسیر خطوط را لازم نمی‌دانند.

و سرانجام، آنچه خوانده‌اند باز می‌خوانند. و سعی می‌کنند قسمتهایی از آن را در مورد سؤال خود به اجرا درآورند. اغلب جوابی که به دست می‌آید شامل مطالبی است که در خواندن اول، به نظر غریب و بی‌تناسب می‌رسد، اما آنها که ممارست دارند، به زودی در می‌یابند که قسمت اعظم اندرزهای کتاب، به نحوی شگفت‌انگیز، با سؤال مطابقت دارد.

حکیم چینی به شاگردان می‌گوید:

یی‌چینگ متنی بسیار قدیمی است، و امکان دارد که گفتارهای آن ظاهراً چندان تناسبی با مساله‌ی امروز، و یا با دنیای امروز نداشته باشد. برای درك آنچه کتاب به شما پیشنهاد می‌کند، نخست باید حال و هوای این متن را در کل احساس کرد، برای اینکار فال خود را به آهستگی بخوانید، و به تصاویر سرشار و غنی آن اجازه دهید که در ذهن ناخودآگاه شما فوران کند.

سپس یکبار دیگر آن را بخوانید و کوشش کنید پیام پنهان پشت کلمات را به طور الهامی درك کنید.

هنگامی می‌رسد که در اثر آشنایی بیشتر با این کتاب، خواهید توانست «کلمات بین خطوط» را بخوانید، و در قطعه‌های گوناگون، هرچه بیشتر عمق مفاهیم را درك کنید.

روی سخن یی‌چینگ با ذهنیتی است پخته‌تر، عمیقتر، و دور از منطق دنیایی. و ازین سطح است که روشنی فکر پدید می‌آید.

اگر میان معنای متن «شش‌خطی»، و مفاهیم خطوط متغیر آن تفاوتی عظیم دیدید، بدین معنی است که جواب اصلی به ترتیبی، در شرایط خاص و در وقایع خاصی، با سؤال شما تطبیق خواهد یافت.

اگر دیدید که «شش‌خطی دوم»، متضاد شش‌خطی اولست، بدان معنی است که «شش‌خطی» اول درباره‌ی حوادث نزدیکتر است، و شش خطی دوم، در مورد پیشرفت دورتر و دیرتر حوادثی است با روحیه‌یی کاملا مغایر اولی.

روش سه سکه

روش سه‌سکه بسیار ساده‌تر از روش قدیمی‌تر چوبهای بومادران است، تنها شش بار، سه سکه را بر زمین می‌ریزند، و نتایج به دست آمده را یادداشت می‌کنند، تا بدون کوششی آنچنانی، «شش‌خطی» به دست آید.

بنابر رسم قدیم، صحیح‌ترین سکه برای استفاده، سکه‌های قدیمی برنزی است، که فقط در یك طرف نوشته دارد، و سوراخی در وسط سکه تعبیه شده. البته این سکه‌ها امروزه یافت نمی‌شوند، و در نتیجه چینیان معمولا از سکه‌های رایج استفاده می‌کنند.

برای شروع، سه سکه‌ی یك اندازه انتخاب می‌کنند، و تعیین می‌کنند که کدام طرف سکه نماینده‌ی طرف نوشته شده‌ی سکه‌ی قدیم چینی باشد. معمولا طرفی که ارزش سکه بر روی آن حك شده، انتخاب می‌شود.

سه سکه را آزاد در دست می‌گیرند و تکان می‌دهند، بعد آنها را بر روی سطحی هموار و صاف می‌ریزند.

یادداشت می‌کنند که سکه‌ها از کدام طرف افتاده‌اند.

اگر «خط» آمد، شماره‌ی ۲ را حساب می‌کنند، و اگر «شیر» آمد، شماره‌ی ۳. بنابراین، اگر هر سه سکه خط آمد، رویهم برابر ۶ خواهدشد، که شماره‌ی آئینی خط «ین» پیر —— —— است.

اگر هر سه سکه شیر آمد، رویهم برابر ۹ خواهد شد که شماره‌ی آئینی خط «یانگ» پیر ——ө—— است.

اگر دو سکه خط و یك سکه شیر آمد، رویهم برابر ۷ خواهد شد که شماره‌ی آئینی خط یانگ جوان ———— است.

اگر دو سکه شیر و یك سکه خط آمد، رویهم برابر ۸ خواهد شد، که شماره‌ی آئینی خط ین جوان —— —— است.

اولین شماره‌یی که از ریختن سکه‌ها به دست می‌آید، خط زیرین «شش‌خطی» خواهد بود.

سکه‌ها را دوباره در دست تکان می‌دهند و می‌ریزند، تا خط دوم از پائین به دست آید، و به همین ترتیب ادامه می‌دهند تا هر شش خط به دست آید. بعد خطوط به دست آمده را در جدول راهنما (ص ۷۷) پیدا می‌کنند اگر یك یا چند خط متغیر در «شش‌خطی» به دست آمده وجود داشت، «شش‌خطی» دیگر را هم پیدا می‌کنند، که در واقع شاهد «شش‌خطی» اولست، و متن آن را چنانچه در قسمت تفأل زدن به روش چوبهای بومادران ذکر شد، می‌خوانند.

روش شش‌قطعه چوب

روش شش قطعه چوب، آسانترین روش برای تفأل‌زدن با یی‌چینگ است. فقط این شش قطعه چوب را دردست می‌گیرند و یکبار آنها را روی میز می‌ریزند، و نتیجه را یادداشت می‌کنند، و «شش خطی» بلافاصله به‌دست می‌آید. معتقدند برای شروع، این بهترین روش است. وقتی با ترتیب اصطلاحات علمی و فنی کتاب تقدیرات بیشتر آشنا شدند، با روشهای دیگر تفأل می‌زنند.

برای این روش شش‌قطعه چوب مخصوص تهیه می‌شود.

این شش‌قطعه طولی حدود ۸ سانتیمتر در عرض ۱ سانتیمتر و ضخامتی حدود یك‌هشتم سانتیمتر دارد. در عهد قدیم، این قطعات معمولا از ماده‌یی گرانبها نظیر عاج، لاك لاك‌پشت یا چوبهای کمیاب

ساخته می‌شد. اما اکنون آنها را به سادگی از چوبهای معمولی، به اندازه‌ی مناسب تهیه می‌کنند.

این قطعات چوب از یك طرف کاملا سیاه‌رنگ می‌شود و از طرف دیگر، سیاهرنگ با نواری سفیدرنگ به پهنای ۵ر۱ سانتیمتر درست در وسط آن.

بدینترتیب این ٦ قطعه‌چوب، از آن طرفی‌که سیاهـرنگ است نشانگر خطوط«یانگ» ——— و از آن طرفی کـه نـوار سفید دروسطدارد نشانگرخطوط «ین» —— —— است. برای‌به‌دست آوردن یك «شش‌خطی» چوبهارا پشت‌سر می‌برند ودرهم قاطی‌می‌کنند، بعد آن‌ها را روی میزی در مقابل می‌ریزند. قطعه‌چوب نزدیکتر، خط پائینی خواهد بود و اگر روی سیاه آمده باشد، یانگ است، و اگر روی با نوار سفید، ین است، و به همین ترتیب به نسبت نزدیکی و دوری، خطوط را از پایین به بالا مشخص می‌کنند، تا «شش‌خطی» به دست آیـد. «شش‌خطی» را در جـدول راهنما (ص ۷۷) به تـرتیب ذکـــر شده در روشهای قبلی، پیدا می‌کنند. حکم، توضیح و تصویـر را می‌خوانند. و جواب سؤال داده می‌شود.

این روش ساده‌ترین روش تفأل زدن با یی‌چینگ است. امـا جواب سؤال فقط منحصر به یك «شش‌خطی» می‌شود. و از آنجائیکه هیچ «خط متغیری» وجود ندارد، تفسیرهای امیر چو روی خطوط قابل استفاده نخواهد بود، و در نتیجه «شش‌خطی» دومی (به عنوان شاهد) وجود نخواهد داشت.

روش شش قطعه چوب را در شروع کار با یی‌چینگ، وقتی‌هنوز آمادگی ندارند که از عهده‌ی معمای خطوط متغیر برآیند، یا وقتی سخت عجله دارند، به کار می‌بندند، اما خود معتقدند که فایده‌ی آن محدود است.

و اگر بخواهند که یی‌چینگ به بهترین وجه جواب بدهد، باید آمادگی کار روی آن را داشته باشند. بهرحال اگر با شش قطعه چوب شروع می‌کنند، همواره کوشش دارند که بالاخره روزی بـا چوبهای بومادران تفأل بزنند.

۵

معرفی متن‌های «یی‌چینگ»

خواندن متن‌های یی‌چینگ

هر یك از شصت و چهار «شش‌خطی» چندین متن توضیحی‌دارند، که هر یك از آنها بر ارزش کلی پیام «شش‌خطی» چیزی می‌افزایند.

اولین و قدیمترین توضیح، «حکم» خوانده شده (به چینی ت، او ان)۲۸. «حکم» تفسیر مختصر و موجزی از مفهوم اصلی «شش‌خطی»، و نوشته‌ی «شاه ون» است.

«توضیح» که تفسیر «حکم» است، از روی‌توضیحات و تفسیرهای متأخر کنفوسیوسی ساخته شده. «توضیح»، تفسیرهای «شاه ون» را بسط می‌دهد و در مورد آن بحث می‌کند.

سومین متن، «تصویر» نامیده شده (هسیانگ)۲۹. و «شش‌خطی» را به امور بشری ربط می‌دهد. «تصویر» از چگونگی عملکردهای مرد برتر سخن می‌گوید، و بدینوسیله اندرز می‌دهد که سؤال‌کننده در چنین شرایطی چگونه باید رفتار کند.

این سه متن پیام کلی «شش‌خطی» را کامل می‌کند.

متن‌چهارم از توضیح‌های «امیر چو» در مورد هریك از خطوط

28— T'uan 29— Hsiang

شش‌خطی تنظیم شده، این قطعات کوتاه (به نام یائو)۳۰ در ارتباط با مفهوم کلی «شش‌خطی»، اغلب مبهم و مشکل است.

متن پنجم، و آخرین متن، تفسیر جملات امیر «چو» در مورد هر خط است. توضیح و تفسیر مربوط به خطوط متغیر را باید با دقت مطالعه کرد. متن‌های «شش‌خطی‌ها» به زبان ناخودآگاه نوشته شده، و توسط الهام شخص بهتر درك می‌شود، تا به عقل و خرد معموله‌ی او.

جملات کلیدی در یی‌چینگ

پس از مراجعه به کتاب خواهید دید که بعضی قطعات دایم تکرار می‌شوند. این جملات تکراری، عموماً از اهمیتی خاص برخوردارند، و جوهر پیام یی چینگ را در بر دارند. در اینجا فهرستی از مهمترین جملات کلیدی را می‌آوریم، همراه با توضیحی در باب اینکه چگونه می‌توان آنها را تفسیر کرد:

«موفقیتی عظیم» : آرزوها کاملا برآورده می‌شود. این جمله نشان می‌دهد که اعمال شخص با مدارهای مسلط تائو هماهنگ است.

«صحت عمل و ثبات‌قدم مفید فایده است». پیشرفتی رضایت‌آمیز میسر است. اما شخص باید پافشاری کند. و در مسیری گام بردارد که با خواست آسمانها هماهنگ‌باشد. چگونگی این‌مسیر به‌طور معمول در توصیفی که از اعمال مرد برتر می‌دهد، نمایان می‌شود.

«عبور از آب بزرگ» : این جمله را می‌توان به سفری به آنسوی آبها تفسیر کرد، و همچنین آن را فائق امدن بر هر مشکل عظیمی دانست.

30— Yao

در زمانی که یی‌چینگ تصنیف می‌شد، «آب بزرگ» رودخانه یانگ‌تسه[31] بود، این رودخانه جریانی وسیع و سریع‌الحرکت از آب بود که فقط در مواقع مهم از آن عبور می‌کردند.

«مرد برتر» : کسی که اعمالش بـا تائـو در کمال هماهنگی است. یی‌چینگ او را به عنوان غایت خرد و فضیلت، الگو قرار داده است.

«مرد بزرگ» : اگرچه گاهی چون مترادف مرد برتر به کار می‌رود، به طور معمول اشاره به کسی دارد که موقعیتی متنفذ و مقتدر دارد، و می‌تواند به شخص کمك کند، یا کار شخص را به عقب بیندازد و آزارش بدهد.

«حکیم دانا»: بالاتر از مرد برتر است و با تائو به وحدت رسیده است، و ازینرو از گناهان بشری مبری است.

«خطایی نخواهد رفت» : اگرچه ممکنست وقایع بدانسان که شخص آرزو دارد، رخ ندهد، با اینهمه اعمال شخص در جریان صحیح خود واقع است، و نهایتاً موفقیت از آن او خواهد بود.

«پافشاری شدید» : شخص باید در مقابل نـابرابریها پـافشاری و ایستادگی کند.

«ناکامی و بداقبالی» : اگر شخص در مسیر فعلی خـود ادامـه دهـد نتیجه‌یی نامساعد خواهد داشت. باید نیروی خود را در جایی دیگر به کار گیرد.

«نکبت پیش خواهد آمد» : شخص در موقعیتی بسیار خطرناك است. اگر بخواهد از بدبختی اجتناب کند باید به سرعت اقدام‌کند.

«جای تأسف و پشیمانی» : اگر شخص همانطوریکه قصد داشته ادامه

31— Yang Tse

دهد، از انجام آن متأسف خواهد شد.

«ترس و مخاطره» : شرایط اطراف، هشدار می‌دهد که با مراقبت تمام رفتار بشود.

«گناه» : اگر شخص ادامه دهد، نه‌تنها شکست می‌خورد، بلکه به از دست دادن اعتبار و حیثیتش منجر می‌شود.

«تقصیری نیست» : ممکنست شخص شکست بخورد، اما به خاطر کاری که انجام داده مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد.

«فایده‌یی دربر نخواهد داشت» : پافشاری و ایستادگی نفعی ندارد، باید دست از کوشش برداشت.

جدول راهنمای «شش‌خطی»ها

در اینجا جدول پیدا کردن «شش‌خطی»ها را می‌بینید. بـرای یافتن «سه‌خطی» بالایی به ستون افقی جدول مراجعه می‌شود، و بعد «سه‌خطی» پائینی را در ستون عمودی پیدا می‌کنند. محل تلاقی این دو «سه‌خطی»، شماره‌یی است، که شماره‌ی «شش‌خطی» مطلوب است.

به عنوان مثال، اگر «شش‌خطی» مورد نظر، «شش‌خطی» زیر باشد:



ابتدا محل‌سه‌خطی‌بالایی را در ستون افقی پیدا می‌کنند (سون درستون‌افقی)، بعدمحل «سه‌خطی» پایینی رادرستون عمودی پیدا می‌کنند، (لی در ستون عمودی)، محل تلاقی ایندو، مربع شماره‌ی ۳۷ است که شماره‌ی «شش‌خطی» موردنظرخواهدبود.(ص۲۲۶)

سه‌خطی / ▶ بالایی / ▼ پایینی	چ، ین	جن	ک، ان	سون	ک، اون	سون	لی	تویی
چ، ین	١٣	٥٨	٤١	٦٣	١٣	١٣	٦٣	٦٣
چن	١٣	٥٨	٦٣	٦٣	١٣	١٣	٥٨	٦٣
ک، ان	١٣	٥٨	٦٣	٤١	٤١	٤١	٥٨	٥٨
کن	١٣	٥٨	٦٣	٦٣	١٣	١٣	٦٣	٦٣
ک، اون	١٣	٥٨	٤١	٤١	١٣	١٣	٥٨	٥٨
سون	٤٤	٤١	٤١	٤١	٤١	٤٤	٤١	٥٨
لی	١٣	٦٣	٦٣	٦٣	١٣	١٣	٦٣	٦٣
تویی	٤١	٤١	٤١	٤١	٤١	٤١	٤١	٥٨

جدول راهنمای «شش‌خطی‌ها

فهرست شصت و چهار «شش خطی»

تذکر: در آوانگاری واژه‌های چینی از روش «وید»[1] استفاده شده است. اگرچه ترتیب هجی این واژه‌ها دقیقاً برابر صدایی که در اصل چینی ادا می‌شود، نیست، معهذا چون برای استفاده‌ی بین‌المللی تنظیم شده، در سراسر جهان مورد قبول است.

1— Wade

شماره	«شش‌خطی»	نام	مفهوم
۱	䷀	چ، ین	خلاقیت
۲	䷁	کث، اون	سکون
۳	䷂	چون	دردهای زایش
٤	䷃	منگ	بی تجربگی
۵	䷄	هسو	به انتظار ماندن
٦	䷅	سونگ	ستیزه
۷	䷆	شیح	سپاه
۸	䷇	پی	اتحاد
۹	䷈	هسیائو چ، او	محدود شده توسط ضعیف
۱۰	䷉	لو	گام برداشتن

۱۱	䷊	ت، ایی	صلح
۱۲	䷋	پ، ای	رکود
۱۳	䷌	ت، یونگ جن	رفاقت
۱٤	䷍	تایو	دارایی
۱۵	䷎	چ، ین	فروتنی
۱٦	䷏	یو	اعتمادی عمیق
۱۷	䷐	سویی	دنباله روی
۱۸	䷑	کو	پوسیدگی
۱۹	䷒	لین	نزدیک شدن
۲۰	䷓	کوان	نظاره
۲۱	䷔	شیح هو	گاز زدن

۲۲	پی	آراستگی
۲۳	پو	فرو افتادگی
۲٤	فو	بازگشت
۲۵	وو، وانگ	درستی محض
۲٦	تاچ، او	ذخیره اندوختن از طریق خویشتن داری
۲۷	یی	اطعام
۲۸	تاکیو	فزونی
۲۹	کت، ان	گودال هول انگیز
۳۰	لی	زیبائی درخشنده
۳۱	هسی ان	کشش دو جانبه
۳۲	هنگ	بقا

۳۳	تون	عقب نشینی
۳۴	تاچونگ	نیروی شدید
۳۵	چین	پیشرفت
۳۶	مینگ یی	تاریکی گرفتن نور
۳۷	چیاجن	خانواده
۳۸	کوئی	مخالفان
۳۹	چی ین	موانع
۴۰	هسیه	خلاصی
۴۱	سون	کاهش
۴۲	یی	افزایش
۴۳	کوای	پیشروی مجدد

٤٤	کو	برخورد ناگهانی
٤٥	تس اویی	گرد هم آمدن
٤٦	شنگ	صعود
٤٧	ک، اون	محدودیتی فرساینده
٤٨	چینگ	چاه
٤٩	کو	انقلاب
٥٠	تینگ	دیگ
٥١	چن	تندر
٥٢	کن	سکون
٥٣	چی‌ان	پیشرفت تدریجی
٥٤	کوای می	عروس خانم

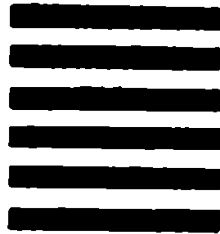
٥٥	فنگ	سعادت بسیار
٥٦	لو	غریبه‌ی مسافر
٥٧	سون	رسوخی آرام
٥٨	تویی	شادی
٥٩	هوان	پراکندگی
٦٠	چیه	قانون
٦١	چونگ فو	صمیمیت بی اندازه
٦٢	هسیائو کوئو	موفقیت‌های ناچیز
٦٣	چی چی	پس‌از تکامل
٦٤	وی چی	پیش‌از تکامل

بخش دوم

متن‌های یی چینگ

تذکر : شماره ردیف خطوط «شش‌خطی»
از پایین به بالا خوانده می‌شود،
شماره‌ی اولی که در تفأل به‌دست
می‌آید، خط‌پایینی از«شش‌خطی»
است و بهمین ترتیب تا خط
ششم که خط بالایی است.
دو عدد ٦ و ٩ که کنار شماره‌ی
خطوط می‌آید، ارزش این‌خطوط
است، ٦ نشانه‌ی ین، ٩ نشانـه‌ی
یانگ است.

شش خطی
۱



乾

ch'ien

چ،ین

سه‌خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه‌خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

خلاقیت

حکـــــــم : خلاقیت. موفقیتی چشمگیر. ثبات قـدم در راهی درست، موجب نیکبختی می‌شود.

توضیح : خلاقیت نخستین، نیرویی عظیم دارد. سرچشمه‌ی همه‌چیزست و بر مفهوم آسمان دلالت می‌کند. ابر حرکت می‌کند، و باران می‌بارد، و همه‌چیز به شکلی مناسب درمی‌آید.
عاقلان رابطه‌ی میان آغاز و پایان را درك می‌کنند، و اینکه چگونه خطوط «شش‌خطی»، هریك در جای خود به کمال می‌رسند. اگر بر آنها در زمانی مساعد سوار شویم، آنها به آسمانها خواهند راند گویی با شش اژدها می‌رانند.
خلاقیت تغییر می‌کند و مستحیل می‌گردد، تا هر چیزی بتواند بنابر خواسته‌ی آسمانها، به طبیعت حقیقی خود دست یابد. آنگاه ممکنست به هماهنگی عظیمی نائل شود، که ثبات در صحت‌عمل، پیشرونده است.
حکیم دانا، بر بلندی ظاهر می‌شود، و برای هر قلمروی صلح می‌آورد.
اگر مطابق با وزن آهنگ جهان عمل کند، به آرزوهایش خواهد رسید. فقط زمانی ممکنست موفقیتی عظیم به دست آورد، که موقع آن رسیده باشد. زمان دشمن نیست که بر آن غالب شوند، بلکه متفقی است که باید صبورانه با آن کار کرد.

تصویر : مرد برتر می‌کوشد که خود را با دگرگونی‌های‌آسمانی هماهنگ کند، و بدینترتیب بخت موافق شود، و موفقیت چشمگیر به دست آید.

خطوط

یکم ـ ۹ : اژدها پنهان در ته چاله خوابیده. از انجام هر عملی، اجتناب کنید.

تفسیر : باید مثل اژدهایی بود که پنهان در ته چاله‌ی آب خوابیده، یعنی باید به دقت نیروی خود را هنگام پیشرفت وقایع بسنجد، و آماده باشد تا هنگامی که لحظه‌ی مساعد فرا می‌رسد، اقدام کند.

دوم ـ ۹ : اژدها در مزرعه ظاهر می‌شود. ملاقات با مرد بزرگ مفید است.

تفسیر : مانند اژدهایی که در مزرعه ظاهر می‌شود، مرد بزرگ در جهان آشکار می‌شود. آشنایی با چنین مردی مفید فایده است.

سوم ـ ۹ : مرد برتر در طول روز فعال و هوشیار است، و در غروب باید مواظب باشد. خطر او را احاطه می‌کند، اما مرتکب اشتباه نخواهد شد.

تفسیر : موقعیت او آسیب‌پذیر است. بنابراین باید ضمن اینکه در طول روز موقعیت خود را با فعالیت پیش می‌برد، بیدار و گوش به زنگ باشد، و از خطرهایی که حتی در شب او را احاطه کرده است، آگاه باشد.

چهارم ـ ۹ : اژدها در نقطه‌یی است که انگار می‌خواهد به بالا بجهد، اما بی‌حرکت در ته چاله می‌ماند. دچار اشتباه نخواهد شد.

تفسیر : مرد برتر شاهد ماجراست، بی‌آنکه خود اقدامی کند. اکنون برای طرح برنامه‌های درازمدت، وقتی مساعد است.

پنجم ـ ۹ : اژدها در اسمان به پرواز است. ملاقات با مرد بزرگ مفید است.

تفسیـــر : زمانی خجسته و مبارك است تا محافظه‌کاری را از خود دور کند و علناً با مرد بزرگ متفق شود، یعنی با کسی که اهدافش همانند اوست متحد شود.

ششـم ـ ۹ : اژدهای بی‌پروا دلیلی برای ندامت خواهد داشت.

تفسیـــر : او در خطر آنست که اسیر جاه‌طلبی زیاده‌از حـد شود. مرد برتر می‌داند چه هنگام عقب‌نشینی کند و چه‌هنگام پیش‌روی کند؛ چه‌هنگام به‌چنگ آورد و چه هنگام رها کند؛ چه‌هنگام چیره شود و تسخیر کند، و چه هنگام آزاد سازد.

•

شش خطی
۲



坤

K'UN

ک، اون

سه خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

سکون

حکـــــــم : «سکون. موفقیتی عظیم. مرد برتر، همچون مادیانی که قــوی است، استوار است و رام، قــدم اول را خــود برنمی‌دارد، بلکه درکمال وفاداری، در خدمت آنهایی

است که بتوانند به بهترین وجه از هوش و استعداد او بهره گیرند. پیدا کردن دوستانی در جنوب و غرب، و از دست دادن دوستانی در شمال و شرق پرفایده خواهد بود. استقامت در سکوت، بامساعدت بخت همراه است.

توضیح : نیروی سکون (ك، اون) عظیم است. او در کمال اطاعت نیروهای خلقت را دریافت می‌کند، و همه چیز، تولد خود را به او مدیون است.
او همه چیز را در آغوش می‌گیرد. و نیروی نامحدود خلقت را کامل می‌کند. از طریق فراوانی و برکت نورانی او، همه چیز می‌تواند به رشد کامل خود برسد.
مادیان هم رام و هم قوی، و مناسب خدمت به انسان است. نیروی خاموش مادیان، نشانگر زمین است، همان‌طور که خلاقیت‌فعال اژدها نشانگر آسمانهاست.
مرد برتر، چون مادیان، استادی حقیقی پیدا می‌کند، و دوستان خود را از میان آنانی که طبیعتشان موافق طبیعت خود اوست انتخاب می‌کند. نیروی او، در سکونش نهفته. استقامتی که بدان اشاره شده، طبیعتی زمینی و پذیرا دارد، مانند طبیعت مادیان.

تصویر : «ك،اون»، نمایانگر نیروی پذیرش زمین است. مرد برتر همه چیز را در سایه‌ی فضایل خود حمایت خواهد کرد.

خطوط

یکم ـ ٦ : قدم بر روی خورده یخ می‌گذارد. اما قطعات سفت و

منجمد یخ در راه است.

تفسیر : زمان خطر فرارسیده است. وقتی شخصی بر خورده یخ راه می‌رود، مراقبتی بسیار، و ظرافت در حرکات لازم است. شخص عاقل می‌داند که قطعات ضخیم و سفت یخ، در موقع مقتضی، و پس از خورده یخها خواهد آمد، او برنامه‌های خود را بر این مبنا طرح می‌ریزد. دراین‌مرحله، این عاقبت اندیشی لازم‌است.

دوم ـ ٦ : اگر هدف او مستقیم و منصفانه و والا باشد. بدون کوششی بسیار به نتیجه خواهد رسید.

تفسیر : نظم طبیعت، مستقیم، بدون شتاب، و با اینهمه، عظیم است. بدون کوششی آنچنانی همه‌چیز به سرانجامی موفقیت‌آمیز می‌رسد. مرد برتر، طبیعت را الگوی خود قرار می‌دهد. او در رفتار و منش خود گشاده‌روست، در افعال خود آرام است، و بدینترتیب بدون کوشش زیادبه مراد خواهد رسید.

سوم ـ ٦ : او برتری خود را پنهان می‌دارد، اما بشدت آنرا حفظ می‌کند. اگر به خدمت امیر درآید، کارها و وظایف خود را به نحوی انجام می‌دهد که نتیجه‌یی مطلوب به دست آید. معهذا مدعی هیچگونه اعتباری برای خود نیست.

تفسیر : مرد برتر از هوش و استعداد خود لاف نمی‌زند، اما به مفیدترین وضع آن را به کار می‌گیرد. وقتی شخصی بالاتر استخدامش می‌کند، او به آرامی در حاشیه کار می‌کند و اجازه می‌دهد که امتیاز کار او نصیب شخص بالاتر از او شود. و در این راه‌موفقیت او بدون کوششی آنچنانی به دست می‌آید.

چهارم ـ ۶ : در کیسه سفت بسته شده. جایی برای تشویق یا تنبیه نیست.

تفسیـــر : همچون کیسه‌یی کـه سرش سفت بسته شده، شخص باید بتواند چیزهای ارزشمند خـود را در وقت خطر پنهان کند. یك چنین احتیاطی نقشه هـای دشمنان جاه‌طلب را خنثی می‌کند، و همچنین او را از متکی شدن به حسن نیت دیگران، محفوظ میدارد.

پنجـم ـ ۶ : زیرپوش زرد. بخت چندان یار نیست.

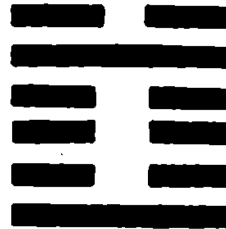
تفسیـــر : مرد برتر متواضع و فروتن است؛ او فضایل خود را صریحاً آشکار نمی‌کند، چون فضایل او مثل زیرپوشی زرد و شاهوار نیست، بلکه فضایل او بـه وجهـی طبیعی از طریق رفتار و منش او پدیدار می‌شوند.

ششـم ـ ۶ : اژدهایان در بیابان می‌جنگند، خون آنان ارغوانی و زرد است

تفسیـــر : اگر کسی ناراضی باشد و در پـی آن برآید که از خود دفاع کند، جنگی عظیم با شخصی بالاتر برایش پیش خواهد آمد. هنگامی کـه دو اژدهـا در بیابان بجنگند، تنها نتیجه‌ی ممکن از یك چنین داوری‌غلطی، خونریزی است.

(تذکر: ارغوانی و زرد رنگهای مقدس زمین و آسمان هستند، هنگامی که زمین می‌کوشد تا مقام آسمان را غصب کند، هر دو به رنج و زحمت دچار می‌شوند.)

شش خطی
۳



屯

CHUN

چون

سه‌خطی‌بالایی: ك،ان: آب، خطر.
سه‌خطی‌پایینی: چن:تندر، برانگیختگی.

دردهای زایش

حکـــــــم : دردهای زایش. پیشرفت و موفقیتی عظیم. اگر ثبات قدم و صحت عمل داشته باشید، مفید خواهد بـود. اما هیچ حرکتی به جلو نباید ساده گرفته شود. به کار

گماشتن امیرزادگان مفید فایده است.

توضیح : هنگامی که قوی (چن) و ضعیف (ك، ان) می‌خواهند متحد شوند، دردهای زایش پی‌آمد این اتحاد خواهد بود، اقدام به کاری مخاطره‌آمیز، در آغاز همواره همراه با مبارزه و مشکل است، و تنها در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که شخص صبور و مصر باشد.
چنان است که گیاه به سختی با زمین مبارزه می‌کند، و به‌تدریج هنگامی‌که استقامتش مورد قبول واقع‌شود و متبرك گردد، از زمین خواهد رویید.
ایجاد نظم از درون هرج و مرج، وظیفه‌یی است که نباید با روشی سبکسرانه شروع شود، و مفید فایده است که یاری دهندگانی لایق به‌کار گماشته شوند.

تصویر : ترکیب ابر (ك، ان) و تندر(چن) نشاندهنده‌ی دردهای زایش است. مرد برتر با توجه به این دردها، مصالح لازم را تهیه‌می‌کند و از بی‌نظمی، نظم ایجاد می‌کند.

خطوط

یکم ـ ۹ : مشکلات رو به‌افزایش‌اند. صحت عمل و ثبات قدم و همچنین به‌کار گماشتن امیرزادگان، مفید فایده است.

تفسیر : مشکلات در پیشند. اما اگر با احتیاط آماده شوید و آهسته پیشروی کنید امکان فائق آمدن بر این مشکلات به‌وجود خواهد آمد. به‌کارگماشتن دستیاران متعهد عاقلانه است.

دوم ـ ٦ : او گرفتارمشکلات است و مجبور به بازگشت می‌شود.

با ارابه و اسبهایش عقب می‌نشیند. دختـر از دست مردی که می‌خواهد او را بـه زنی بگیرد، بـه ستوه می‌آید، اما اگـر قاطع و بـه شیوه‌ای صحیح رفتار کند، می‌تواند پیشنهاد او را رد کند. و پس از ده سال ازدواج خواهد کرد و صاحب فرزند خواهد شد.

تفسیـــر : هر اقدامی برای پیشروی بـه محنت و عقب نشینی منتهی می‌شود. پیشنهاد کمکـی غیر منتظره، کـه از مرکزی مظنون عرضه می‌شود، بهترست طرد گردد. وقتی زمانش فرا برسد، به گونه‌ای معقول، پیشنهاد کمکی می‌شود، که موفقیت را تضمین خواهد کرد

ســوم ـ ٦ : او بدون کمك جنگلبان به شکار گوزن می‌رود، و در میان جنگل گم می‌شود. مرد برتر از مخاطره‌ی این‌کار آگاه است، و تصمیم می‌گیرد شکار را کنار بگذارد. پیش رفتن موجب پشیمانی است.

تفسیـــر : نمی‌توان به‌پیشرفتی‌موفقیت‌آمیز ادامه داد. راهنمایی مجرب مورد احتیاج است، و چون چنین راهنمایـــی فراهم نیست، معقول‌تر آنست که شخص نقشه‌ی خود را کنار بگذارد.

چهارم ـ ٦ : اسبهای ارابه‌ی دختر عقب می‌نشیند و او قادر بـه اداره‌ی آن نیست. او به‌جستجوی کمك آنکسی است که می‌خواهد او را بـه زنـی بگیرد. نتیجه موفقیت آمیزست، و او موفق‌می‌شود یکبار دیگر پیشروی‌کند.

تفسیـــر : موقعیت غیرقابل اداره است. اما کمکـی در دسترس هست. باید این کمك را پذیرفت، حتی اگر با ضرری توأم باشد.

پنجـم ـ ۹ : او به سختی می‌تواند انتظارات دیگران را برآورده

سازد. عمل صحیح موجب موفقیت در کارهای کوچك است، اما در کارهای بزرگ، منجر بـه بدبختی و فاجعه می‌شود.

تفسیـــر : چون او در موقعیتی برتر قـرار دارد و از قـدرت برخوردار است، بنابراین از او انتظار می‌رود که در حد وسیعی از منافع صرفنظر کند. اما بـرای تحکیم آنچه به دست آمده، زمان لازم است، هنـوز نبایـد اقدام به سرمایه‌گذاریهای بزرگ کرد.

ششـم ـ ٦ : او مجبور به عقب نشینی می‌شود. و ارابه و اسبهایش را با خود می‌برد. رودخانه‌یی از اشك و خون ازو جاری است.

تفسیـــر : اشتباه در پیش است. عقب‌نشینی اجتناب‌ناپذیر است و نومیدی از پس آن می‌آید.

شش خطی
٤



蒙

MENG
منگ

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

بی‌تجربگی

حکـــــم : بی‌تجربگی. پیشرفت و موفقیتی خواهد بود. من به جستجوی جوانان و بی‌تجربه‌ها نیستم. بلکه آنها به جستجوی من هستند. نزدیکی خالصانه و متواضعانه‌ی

شخص مرا بر آن می‌دارد که راهنمایی کنم و آموزش دهم؛ اما اگر به دنبال این آموزش گمـراهی بیاید، آنگاه ادامه‌ی این آموزش، زحمتی بیش از انـدازه خواهد بود. استقامت لازم است. چه حتی، پیشرفتهای جزیی و گاه به گاه هم به موفقیتی نهایـی منتهی خواهد شد.

تـوضیـــح : در دامنه‌ی کوه (کن) گودال خطرناك پرآبی (ك، ان) قرار دارد. این‌تصویر نشان‌دهنده‌ی لجاجت احمقانه‌ی جوانی بی‌تجربه است. بی‌تجربگی یك جوان تقریباً شبیه به جوانه‌ی گیاهی است که تازه موفق شده‌است پس از تقـلای بسیار سر از زیر خـاك به درآورد. چنین وضعیتی به خودی خود نکبتبار نیست. اما نیاز به مراقبت و نظارت معلمی‌متبحر دارد، تا با موفقیت به انجام برسد. در ضمن همکاری مشتاقانه‌ی خـود شخص لازم است.

تصـویـــر : مرد برتر می‌کوشد تا با منشی راسخ و مصمم، سلوك کند، و چنان فضایل خود را تقویت می‌کند که گویی چشمه‌یی است (ك، ان) بر دامنه‌ی یك کوه، (کن).

خطـــوط

یکـــم ـ ٦ : برای دور کردن جهالت، و رفع مـوانع مغز، تنبیه مفید فایده است. اما افراط در تنبیه موجب‌پشیمانی است.

تفسیـــر : اگر بخواهیم به کسی آموزش دهیـم انضباط لازم است، و برای فائق شدن بر جاهلی لجوج و خودسر گاهی تنبیه لازم‌است. اما در این‌کار نباید زیاده‌روی کرد.

دوم ـ ۹ : رفتاری آرام و صلح‌آمیز با نادانان به نیکبختی می‌انجامد و شکیبائی و مدارا با زنان خوشبختی می‌آورد، با مراعات این قوانین، پسر قادرخواهد بود خانواده‌اش را اداره کند.

تفسیــــر : مدارا، و قدرت تشخیص کیفیت‌های درست و خوب در مردان فرودست، خود خصلتی است‌که با آن‌می‌توان فشارهای عمومی را تاب آورد.

ســوم ـ ٦ : شخص نباید با زنی ازدواج‌کند که‌وقتی مرد مالداری را می‌بیند بی‌طاقت می‌شود. چنین زنی هیچ امتیازی ندارد.

تفسیــــر : باید از ازدواج با آن زنی خودداری کرد، که قضاوت او بر مبنای مال و منال مردان است.

چهارم ـ ٦ : او چنان اسیر جهل خویش است که گویی او را با زنجیر بسته باشند. مواقعی از پشیمانی پیش می‌آید.

تفسیــــر : مقاومت سرسختانه برای دور کردن جهل به اشتباه و شکست منجر می‌شود. اما گاهی این جریان دردناك لازمست تا شاگردی پیشرفت کند.

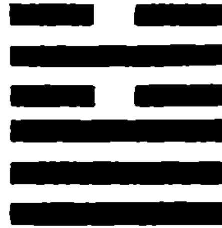
پنجـم ـ ٦ : جوانی معصوم. بختیاری و کامروایی وجود خواهد داشت.

تفسیــــر : مساعدت بخت با جوانی است که تجربه‌یی ندارد اما عاقلانه به جستجوی آموزش است.

ششــم ـ ۹ : او جوانی جاهل را تنبیه می‌کند، اما زخمی کردن او کاری مفید نیست، و مفید آنست که او را از زخمی شدن حفاظت کنیم.

تفسیــــر : به‌جای آنکه به تنبیه جوانان خودسر ادامــه دهیم، بیش از آن حدی کــه مفید باشد، می‌باید مراقب الراتی باشیم که یك چنین خشونتی بر خود شخص و بر رابطه‌اش با شاگرد خواهد گذارد.

شش خطی
۵



需

hsu

هسو

سه خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

به انتظار ماندن

حکـــــــم : به انتظار ماندن، به‌طور یقین منجر بـه موفقیتی درخشان خواهد شد. ثبات قدم موجب خوشبختی‌است. عبور از آب بزرگ مفید فایده است.

توضیح : خطر (ك، ان) در راه است، اما علیرغم انگیزه‌ای که برای فعالیت (چ، ین) وجود دارد، او خود را درگیر موقعیتی خطرناك نخواهد کرد.
ابرامی شدید در جهت درست مسایل، موفقیتی عظیم را تضمین می‌کند. اما آن نیرو و تصمیم‌گیری که در پیشرفت یك مسیر لازمست، اکنون درحال عمل‌است.
اکنون برای شروع یك کار عظیم، زمانی فرخنده و مبارك است.
مردان قوی، هنگامی که با خطر مواجه می‌شوند، میل دارند از خطر پیشی بگیرند، و بدون وقفه، با ان مبارزه‌کنند؛ اما در اینجا عاقلانه اینست‌که صبر کنند تا موفقیتشان تضمین شود.

تصویر : توده‌های ابر (ك، ان) در پهنه‌ی آسمان (چ، ین)، انگار در انتظارند. مرد برتر بدین خاطر می‌نوشدومی‌خورد، جشن‌می‌گیردوخودراسرگرم‌می‌کند.

خطوط

یکم ـ ۹ : او بر سر مرز به انتظار است. اگر هدف خود را دایماً حفظ کند، اشتباهی رخ نخواهد داد.
تفسیر : با آرامش از اقدام به هر عملی خودداری کنید، در این‌زمان، این‌کار بهترین‌روش است. او وقتی عملی نمی‌کند، هدف‌غایی‌اش را در ذهن پنهان‌می‌کند، و از برانگیختن مخالفتهای نابهنگام با نقشه‌هایش‌اجتناب خواهد کرد.

دوم ـ ۹ : او روی ریگ‌ها، در کنار رودخانه‌ای کوهستانی به انتظاراست. او از بدگوئی‌های‌دیگران آزار می‌بیند،

اما در آخر بخت یاری خواهد کرد.

تفسیر : با جد و جهد برای موفقیت می‌کوشد، و بدانگونه که در کناره‌ی رودخانه‌یی طغیانگر باشد، در آماج انتقادهای آزاردهنده خواهد بود. علیرغم آن، موفقیت نهایی او تضمین شده است.

سوم ـ ۹ : در ساحل رودخانه در وسط گل و لای به انتظار است او نزدیکی بلا را احساس می‌کند.

تفسیر : او در موقعیتی نیست که به حد کافی محکم باشد، تا برای جستی عظیم خود را به مخاطره اندازد.

چهارم ـ ٦ : درمیان‌خون به‌انتظار. اما ازپرتگاه بیرون‌خواهدآمد.

تفسیر : جنگی مرگبار حتمی‌الوقوع است. این جنگ گریز ناپذیر است، اما عزمی جزم موجب فتح او خواهدبود.

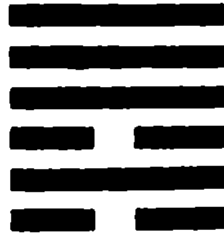
پنجم ـ ۹ : او در میان مجلس ضیافتی به انتظار ایستاده. ثبات قدم و درستی او موجب کامروایی‌اش می‌شود.

تفسیر : او باید از آرامش میان جنگها استفاده کند تا در جشن و خنده تجدید قوا کند، اما مسائل‌جدی‌مطروحه باید همیشه به شدت در ذهن حفظ شود.

ششم ـ ٦ : او وارد پرتگاهی می‌شود. سه مهمان‌ناخوانده نزدیك می‌شوند. اگر با احترام با آنها برخورد کند، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : جنگ آغاز می‌شود و به نظر می‌رسد که او هم‌اکنون درهم خواهد شکست. اما کمکی غیرمترقبه در راه است، اگر او شم آنرا داشته باشد که این کمك را با احترام بپذیرد، از خطر نجات خواهد یافت.

شش خطی
۶



訟

SUNG
سونگ

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

ستیزه

حکـــــم : ستیزه. او اگرچه صمیمی است، امـا مورد مخالفت قرار می‌گیرد و برایش اشکالتراشی می‌کنند. اگر او با احتیاط عمل کند، با مساعدت بخت همراه خواهد

بود. اما اگر بــه مشی فعلی ادامه دهــد، نکبت و بدبختی پیش خواهد آمد. دیدار با مرد بزرگ مفید فایده است، اما از آب بزرگ عبور نکنید.

تــوضیـــح . «سه‌خطی» بالای «سونگ» نشانگر قدرت «چ، ین»، و سه خطی پایین آن نشانگر خطر «ك، ان» است، و ترکیب ایندو موجب ستیز می‌شود.
اگر چه او صمیمی است و یقین دارد که راه صحیح می‌رود، معهذا پافشاری تنها به ستیز می‌انجامد. مرد بزرگ آرام است و آماده مذاکره است، مهیا است که مساله‌ی خود را به‌مقامی بالاتر تفویض کند، و عقیده دارد که باید عدالت اجرا شود. شروع معامله‌یی در ایندوره، عاقلانه نیست.

تصــویـــر : آسمان (چ، ین) و آب (ك، ان) با یکدیگــر مقابــله می‌کنند و به ستیز می‌انجامد. مرد برتر وقتی درحال شروع معامله‌یی است، قــدمهای اول را با احتیاط برمی‌دارد.

خطــوط

یکـــم ـ ٦ : او پیشروی‌نمی‌کند. ازو بدگویی می‌شود، اما پایانی کامروا خواهد داشت.

تفسیـــر : کنار گذاردن مشی فعلـی‌اش مستلزم از دست دادن محبوبیت است، اما نتیجه‌ی نهایی آن دلخواه است.

دوم ـ ۹ : دو طرف در ستیزه برابر نیستند. اگر او عقب‌نشینی کند، مردم شهرش از آسیب مصون می‌مانند.

تفسیـــر : وسایل و سلاحهای او کافی نیست. با وقار به محلی امـن عقب می‌نشیند، و خـود و وابستگانش را از ستیزه‌یی زیان‌آور می‌رهاند.

ســوم ـ ٦ : او با استحکام در جایی که حق خود می‌داند مقاومت می‌کند. موقعیت او خطرناك است، اما سرانجام بخت یار او خواهد شد. لکن اگر به خدمت امیر درآید، آنچه حق اوست به او داده نخواهد شد.

تفسیـــر : چنین موقعیت خطرناکی نباید شخص را بـه عملی عجولانه وادارد. در موقعیتی امن باقی مانـدن، بـه مساعدت بخت منجر می‌شود. به جستجوی منصبی مهم بودن، باعث اعتباری می‌شود کـه به نومیدی منتهی خواهد شد.

چهارم ـ ٩ : نابرابر در مقابل رقیب، عقب می‌نشیند، به‌مطالعه‌ی راه آسمانها می‌پردازد. آرزوهایش را تغییر می‌دهد، و به آزامی اصرار و ابرام می‌کند. بخت مساعـد خواهد بود.

تفسیـــر : هدفی ثابت را بدون اندکی مهارت و ظرافت دنبال کردن، تنها به ستیزه و جنگ می‌انجامد. اما اگـر انگیزه‌های خود را دوباره بررسی کند، و پس از آن در جهتی عاقـلانه‌تر و هماهنگتر کـوشش نماید، ممکنست بخت با او یاری کند و کامروا گردد

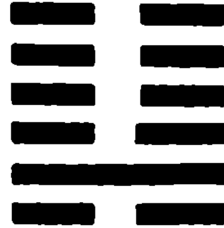
پنجـم ـ ٩ : ستیزه ادامه می‌یابد، بخت به شدت مساعدت می‌کند.

تفسیـــر : اگر هدفی، بدون تزلزل دنبال شود به موفقیتی عظیم می‌رسد. شرایط غالب، اعمال‌شدید را تاییدمی‌کند.

ششم ـ ۹ : کمربند چرمی افتخار توسط امیر به‌او اعطا می‌شود. اما سه بار در یکروز، ازو پس گرفته می‌شود.

تفسیر : تقلایی سخت‌کوش و بی‌امان، به پیروزی و افتخار می‌انجامد، اما چندان طولی نمی‌کشد، منافع آن به سرعت به پایان خواهد رسید، در حالیکه مخالفان همچنان پافشاری می‌کنند.

شش خطی
۷



師

shih
شیح

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: ك، ان: آب، خطرناك.

سپاه

حکـــــــم : سپاه، در صورت صحت عمل و ثبات قدم، و همچنین با داشتن رهبری مجرب، بخت مساعدت خواهد کرد. خطایی نخواهد رفت.

توضیح : خط ممتد میانی در «سه‌خطی» پایینی نشانگر قدرت است، و دیگر خطوط به آن جواب می‌گویند. اعمال شدید به وجود آورنده‌ی خطر است، اما مردم به دنبال خطر می‌روند. چنین اعمالی موجب پریشانی و اندوه سراسر کشور است، اما مردم از کسی که باعث این پریشانی است، تبعیت‌می‌کنند، با چنین‌بخت‌مساعدی، چه خطایی ممکنست رخ دهد؟
رهبری سالخورده و مجرب، که می‌تواند انضباطی شدید بر زیردستان خود حکمفرما کند حمایت همه، چه بالادستان و چه زیردستان را به دست خواهد آورد. اما چنین موضع‌پرقدرتی، نباید به سوءاستفاده از قدرت منجر شود. ثبات قدم، و اصول صحیح‌باید انگیزه‌ی همه‌ی اعمال باشد.
تنها در صورتی باید جنگید، که پایانی عادلانه مورد درخواست باشد، و پس از آن جنگ را به ویژه در شروع، باید به روشی صحیح رهبری کرد.

تصویر : آب (ک، ان) در میانه‌ی زمین (ک، اون). مرد برتر مردم را اطعام می‌کند و به آنان فرهنگ می‌آموزد، و در نتیجه سپاهی نیرومند از پیروان به دور خود جمع می‌آورد.

خطوط

یکم ـ ٦ : سپاه، مطابق دستور پیش می‌رود. اگر این دستورات عاقلانه نباشد، دچار بدبختی و نکبت خواهد شد.
تفسیر : سپاهی که در جنگ پیشروی می‌کند باید دلیل جنگ را بداند، و برنامه‌ی جنگی‌اش کارگر افتد، وگرنه همه‌چیز به شکست منتهی خواهد شد.

دوم ـ ۹ : رهبر در میان سپاه است. بخت مساعدت مـی‌کند و و اشتباهی رخ نخواهد داد. امیر سه بار به او حمایل و نشان خواهد داد.

تفسیـــر : سرکرده‌یی خوب در میان گروهش دیده شده، یعنی در جایی که به بهترین وجه می‌تواند سپاهیان را هدایت کند، جایی که آنها از حضور او الهام می‌گیرند.

ســوم ـ ٦ : سپاه رهبرانی بی‌کفایت دارد. نکبت پیش می‌آید.

تفسیـــر : اگر فرماندهی میان چند تن تقسیم شود، قدرت و اتحاد در رهبری به طور یقین از دست مـی‌رود. و نتیجه‌ی آن فاجعه‌آمیز خواهد بود.

چهارم ـ ٦ : سپاه عقب‌نشینی می‌کند، اشتباهی رخ نمی‌دهد.

تفسیـــر : عقب‌نشینی منضبط درمقابل یك نیروی‌برتر، نشانه‌ی ضعف نیست. اگر مسیری صحیح در موقعیت‌هـای مختلف اتخاذ شود، نشانه‌ی رهبری نیرومند است.

پنجـم ـ ٦ : پرندگان در مزارع هستند، جستجو و نابود کـردن آنان مفید است. دراین صورت اشتباهی رخ نخواهد داد. اگر پسر بزرگتر سپاه‌را رهبری‌کند وکوچکترین پسر فقط اجساد را حمل کند، نکبت پیش‌خواهدآمد.

تفسیـــر : چپاولگران باید نابودشوند، به گونه‌یی که‌پرندگانی که به مزارع حمله مـی‌کنند، قلع و قمع می‌شوند. فرماندهی مجرب باید انتخاب‌شود، تا ماموریت را به انجام برساند. اگر مسئولیت فرماندهی بـه مردان جوانتر واگذار شود، آنها بدون لزوم موجب طولانی شدن جنگ خواهند شد

ششـم ـ ٦ : حاکم‌بزرگ فرامین‌خود را اعلام‌می‌کند، فرمانداران ایالات را منصوب می‌کند و سران قبیله را مشخص می‌سازد. مـردان فـرودست را نباید بـرای چنین مقامهایی درنظر گرفت.

تفسیـــر : امیرزاده‌ی فاتح، به آنهایی که چنین فتحی برای او به دست آورده‌اند، جایزه می‌دهد. به آنهایی که خود را متعهد و مسؤل‌نشانداده‌اند، مقام و قدرت‌تفویض می‌کند، به افراد پائینتر جایزه‌هایی‌می‌دهدکه نتوانند از آن سوء استفاده کنند.

شش خطی
٨



比

pi

پی

سه خطی بالایی: ك. ان: آب، خطرناك.
سه خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسخگو.

اتحاد

حکـــــــم : اتحاد. بخت مساعد. بگذارید دوباره بخت خود را به وسیله‌ی پیشگویی بیازماید. و ببیند آیا در اهداف خود شایسته، مقاوم و محکم هست. اگر جواب مساعد

بود، هیچ خطایی رخ نخواهد داد. آنانی که مشکلی دارند، به او رجوع خواهند کرد، آنها که دیرتر آمده‌اند، با بداقبالی روبرو خواهند شد.

توضیح : اتحاد، نشانگر مساعدت بخت از طریق همکاری و معاونت‌است. در این«شش‌خطی» زیر دستها (خطوط منفصل) از مافوق خود (خط ممتد پنجم) اطاعت و تبعیت می‌کنند. با آنکه بخت مساعد است، اما اگر می‌خواهد از اشتباه اجتناب کند، باید قبل از هر چیز با دقت استعدادهایش را تشخیص بدهد. وقتی این امر اتفاق افتاد، کسانی که اکنون نسبت به او تردید دارند، به دور او جمع می‌شوند و ازوحمایت خواهند کرد. کسی که زیاده تاخیر کند، از خوش اقبالی عمومی بهره نخواهد برد.

تصویر : آب (ك، ان) روی زمین (ك، اون). امیران قدیم، در ارتباط با این تصویر، ایالات مختلفی بنیان می‌گذاردند و روابط حسنه با فرمانداران آنجا برقرار می‌کردند.

خطوط

یکم ـ ٦ : او با استفاده از صمیمیت خود به جستجوی اتحاد است، اتحاد با کسانی که در اطراف او هستند. خطایی‌نخواهد بود. بگذار سینه‌ی‌او مملو از صمیمیت باشد، همانطور که ظرفی سفالی مملو از محتوای خود است، بعدها نتایج بیشتری هم به دست خواهد آورد.

تفسیر : او در تمام اعمالش صمیمیت نشان می‌دهد و از

اینراه به موفقیت خواهد رسید. اگر تمام انگیزه‌هایش بر مبنای صمیمیت و خلوص باشد، خوشبختی غیرمنتظره‌یی به دنبال خواهد آمد.

دوم ـ ٦ : اقدام برای نیل به اتحاد از درون سرچشمه می‌گیرد. پافشاری شدید موجب مساعدت بخت خواهد شد.

تفسیــــر : وقتی به دنبال تفاهم عمیقتری با دیگران هستید، باید ارتباطی قلبی با آنها برقرار کنید. پافشاری در جهت درست به خوشبختی می‌انجامد.

ســوم ـ ٦ : او به دنبال اتحاد با کسانی است که قابل معاشرت نیستند.

تفسیــــر : اگر با کسانی که اهدافشان ناموافق با اهداف خود اوست، متحد شود، هیچ نفعی از کوشش‌هایش بــه دست نمی‌آورد.

چهارم ـ ٦ : او به دنبال اتحاد با مردمانی بالاتر از سطح خویش است. پافشاری صحیح به مساعدت بخت می‌انجامد.

تفسیــــر : اتخاذ روش‌شرافتمندانه، برای به‌دست آوردن‌پیوندی نزدیکتر با افراد بالاتر، به موفقیت می‌انجامد.

پنجــم ـ ٩ : به‌هم پیوستن. امیر تعقیب شکار را فقط از سه طرف دستور می‌دهد، و اجازه می‌دهد که همه‌ی حیوانات از پیش او فرار کنند. مردم شهر به یکدیگر خبر نمی‌دهند، تا از فرار شکار جلوگیری شود. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

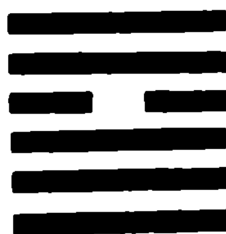
تفسیــــر : او نمی‌تواند به تنهایی به موفقیت برسد مثل امیری که شکاری را تعقیب می‌کند، که این شکار فقط از

سه طرف محصور شده است، در اینصورت او شکار را می‌گذارد تا بگریزد، چرا کــه مردم آن بالا خبر نشده‌اند، تا مراقب باشند. اگــر او می‌خــواهد از همکاری اساسی بهره‌مند شود باید مقصود خود را ابراز کند. بهر تقدیر استحکام این خط به ترتیبی است که موفقیتی غایی بی‌شبهه است.

ششــم ـ ٦ : او به دنبال اتحاد است، اما قدمهای اول را برای به دست آوردن این اتحاد برنداشته است. بلا در پیش است.

تفسیـــر : کوشش برای متحد شدن با کسانی‌که در اطراف او هستند، بدون اینکه از ابتدا راه را آمــاده کــرده باشد، و رهبری شدیدی کرده باشد، تنها یك نتیجه دارد: شکست.

شش خطی
۹



小
畜

hsiao ch'u

هسیائو چ، او

سه خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

محدود شده توسط ضعیف.

حکـــــــم : محـدود شده توسط ضعیف. مـوفقیت و پیشرفتی وجود ندارد. ابرهای غلیظ دیده می‌شود. امـا در سواحل غربی، بارانی نمی‌بارد.

توضیح : در اینجا خطی منفصل موضع قدرت را اشغال می‌کند، و خطوط ممتد بالا و پایین پاسخگوی آن هستند. که نشانگر قدرت همراه با آرامش است. خطی قوی، مرکز هر «سه‌خطی» را اشغال می‌کند. و نشان می‌دهد که پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.

قوی (چ، ین) به آرامی توسط ضعیف (سون) محدود می‌شود. پیشرفت و موفقیتی نهایی وجود دارد، اما وقفه‌یی که در این لحظه وجود دارد اجتناب‌ناپذیر است. اگر مطیع باشد و در طرز تفکر خود انعطاف داشته باشد، به موفقیت خواهد رسید. درست مانند آنست که کسی منتظر باران باشد، و مشاهده کند که ابرهای غلیظ در غرب متراکم می‌شوند، و دریابد که آنچه انتظارش را می‌کشیده، سرانجام نزدیک می‌شود.

تصویر : باد (سون) در پهنه‌ی آسمان (چ، ین) می‌وزد. مرد برتر فضایل خود را به نمایش می‌گذارد تا همه آن را ببینند.

خطوط :

یکم ـ ۹ : او بازمی‌گردد و طریق خود را دنبال می‌کند، چطور ممکنست اشتباه کرده باشد؟ بخت مساعد است.

تفسیر : اگر هنگامی که قدم به پیش می‌گذارد با مانعی عظیم برخورد کند، بهترین راه اینست که به موقعیت قبلی خود بازگردد، تا شاید راهی در اطراف او مشخص شود. یک‌چنین کف نفسی به موفقیت می‌رسد.

دوم ـ ۹ : مجبور می‌شود به مسیر خاص خودش بازگردد. بخت

مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : این زمان، زمانی فرخنده برای پیشرفت موفقیت‌آمیز نیست. او باید به همراهی مردم همفکر عقب نشینی کند.

سوم ـ ۹ : پره‌های چرخ ارابه گم شده است. شوهر و زن با چشمانی که نسبت به هم بیگانه‌اند به هم می‌نگرند.

تفسیر : شرایط برای حرکت به جلو و یا رسیدن به توافق مناسب نیست. کوشش برای پیشرفت، به اشتباه و شرمساری منتهی می‌شود.

چهارم ـ ٦ : او صمیمی است، بهمین دلیل خطر خونریزی دفع می‌شود، وتصورات او به‌نظر بی‌اساس می‌رسد. اشتباهی نخواهد بود.

تفسیر : عملکرد همراه با اعتماد به نفس و صمیمیتی مسلم اگرچه نتیجه‌ی کار را به خطر می‌اندازد، لیکن نکبت را دفع می‌کند.

پنجم ـ ۹ : او صمیمی است و بدین خاطر دیگران نسبت به او جلب می‌شوند. به‌خاطر کاردانی‌هایش، همسایگانش را به خود علاقمند می‌کند.

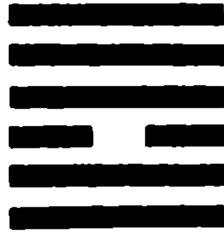
تفسیر : مردم وقتی در کسی صمیمیت مشاهده می‌کنند، به سوی او جلب می‌شوند، و درآمد خود را در خدمت مسایل مشترک و عام قرار می‌دهند.

ششم ـ ۹ : باران‌می‌بارد و پیشرفت متوقف‌می‌شود. اما فضیلت‌ها پایدار می‌ماند. پافشاری شدید زن را به موقعیتی مخاطره‌آمیز دچار می‌کند. مثل ماه که به بدر نزدیک

می‌شود. اگر مرد برتر در چنین موقعی در قصد خود پافشاری کند، نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیـــر : باران باریده؛ موفقیت تا حدی به دست آمــده. اما وقتی ماه بدر کامل می‌شود،محاق‌باید از دنبال‌بیاید. اگر او قبل از زمــان مناسب، در مقاصد خــود پافشاری کند، خطر از دست دادن به دست آمده‌هایش وجود خواهد داشت. اطاعت و خویشتن‌داری توصیه می‌شود.

شش خطی
۱۰



履

Lü

لو

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

گام برداشتن

حکم : گام برداشتن. او پا بر دم ببر می‌گذارد، اما ببر او را گاز نمی‌گیرد. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.

توضیح : در اینجا (در «سه‌خطی» پائینی) ضعیف روی قوی گام می‌گذارد. «سه‌خطی» پایینی، نشانگر شادی و رضایت است، و به «سه‌خطی» بالایی پاسخ می‌گوید، که نشانگر قدرت است.
افراد خطرناکی که کارهاشان قابل حدس نیست نمی‌توانند به آن کسی صدمه بزنند که وقتی به جلو حرکت می‌کند، با احتیاط و آرامی گام برمی‌دارد. با رعایت آداب و نزاکت، ممکنست که شخص در میان صحنه‌های بی‌نظم و خطرناك، به سلامت گام بردارد. ضعیف بر سر قوی نشسته، اما چون این عمل را به آرامی، و با روشی پرنزاکت انجام داده، ناراحتی به وجود نمی‌آید، و این عمل بدون اشتباه است.

تصویر : آسمان (چ، ین) بالاست، و دریاچه (تویی) پایین، مرد برتر بالا و پایین را مشخص می‌کند، و مقاصد مردم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

خطوط :

یکم ـ ۹ : او در جاده‌ی معموله‌اش گام برمی‌دارد. اگر به جلو برود خطایی نخواهد بود.
تفسیر : در جاده‌یی سالم و معموله گام برداشتن اجبار و قیدی را نپذیرفتن، او را بیرون از موقعیتهای خطرناك نگاه خواهد داشت

دوم ـ ۹ : او در جاده‌یی که هموار و آسان است گام برمی‌دارد. با مردی آرام و تنها، اگر محکم و درست باشد، بخت مساعد خواهد بود.
تفسیر : بخت با آن راهبی همراه است که با خویشتن‌داری

رفتار می‌کند، و در کمال عقل در میانه‌ی جاده راه می‌رود.

سوم ـ ٦ : مردی یک چشم می‌تواند ببیند، مردی لنگ می‌تواند راه برود، اما کسی که بر روی دم ببر پا می‌گذارد به دندان پاره پاره می‌شود. بدبختی و فلاکت. لافزنی خودستا، نقش حاکمی بزرگ را بازی می‌کند.

تفسیر : مرد یک‌چشم‌می‌تواندهمچنان‌ببیند،مرد لنگ می‌تواند همچنان راه برود، اما آنکسی که قدرت خود را، در تسلط بر موقعیتهای خطرناک، بیش از حدی که هست به حساب می‌آورد، در موقعیت مردی قرار دارد که بر دم ببر پا می‌گذارد، او با بدبختی و نکبت روبرو می‌شود.

چهارم ـ ۹ : او پای بر دم ببر می‌گذارد، اما این عمل را همراه با بیمناکی و احتیاط‌می‌کند. در پایان بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : از کسی که عمداً پای بر دم ببر می‌گذارد، احتیاطی بسیار انتظار می‌رود؛ هنگام برداشتن قدمی خطرناک، در راهی که پیش روی است، همین حد از احتیاط و مراقبت ضروری است. هرچند چنین شجاعت حساب شده‌یی، در این زمان، درست است، و نتیجه‌ی آن همراه با نیکبختی خواهد بود.

پنجم ـ ۹ : با عزمی جزم گام برمی‌دارد. اگرچه ثابت قدم و صحیح‌العمل‌است، معهذا نکبت و بلا پیش‌خواهد آمد.

تفسیر : اگرچه با مراقبت کامل، و به بهترین روش ممکن، اقدام می‌کند، اما خطر بر سر راه است. برای‌احتراز از نکبت و بلا، احتیاط بسیار لازم است.

ششم ـ ۹ : به مسیری‌که در پنج خط قبلی طی‌شده‌است، بنگرید. و پیشگویی‌های آن را بررسی کنید. اگر این مسیر بدون اشتباه‌طی‌شود، بخت مساعدت‌تمام خواهد کرد

تفسیر : همانطوریکه به پیش می‌رود، اگر با مراقبت گام بردارد، و تمام راه زمین را برای نشانه‌یی مفید، مورد آزمایش قرار بدهد، به نتیجه‌یی موافق خواهد رسید.

شش خطی
۱۱



泰

T'Ai

ت، ایی

سه خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

صلح

حکـــــــم : صلح. انحرافی ناچیز، و نزدیکی و دسترسی بسیار. بخت بشدت مساعدت‌می‌کند، و با پیشرفت و موفقیت همراه است.

توضیح : این «شش خطی» مشارکت نزدیك زمین و آسمان را با یکدیگر نشان می‌دهد. در نتیجه همه چیز از بالا و پایین، برتر و فرودست، ممزوج می‌شوند و یك‌هدف پیدا می‌کنند. «سه خطی» پایینی از خطوط ممتد قوی تشکیل‌شده (چ،ین) و «سه‌خطی» بالا از خطوط منفصل ضعیف (ك، اۏن). «سه‌خطی» پایین نشانه‌ی قدرت و «سه خطی» بالا نشانه‌ی فرمانبرداری و اطاعت است. «سه‌خطی» پایین نشانگر مرد برتر است، و «سه‌خطی» بالا نشانه‌ی مرد کوچك.
بدینترتیب نفوذ مرد برتر افزوده می‌شود، و از نفوذ مرد کوچك کاسته می‌گردد.

تصویر : آسمان (چ، ین) و زمین (ك، اون) شریك شده‌اند. امیر، در ارتباط با این تصویر، مسیرهای آسمان و زمین را شکل می‌دهد، و کامل می‌کند. او ثمرات این کار را بیشتر در خدمت مردم می‌گذارد.

خطوط :

یکم ـ ۹ : وقتی گیاهی از زمین‌ریشه‌کن می‌شود، با خود خورده علفهایی را درمی‌آورد که به آن چسبیده است. پیشروی خوب است.

تفسیر : این خط زمانی مساعد برای حرکت به جلو را نشان می‌دهد. شخص وقتی نقشه‌ی پیشروی را می‌چیند، می‌تواند روی وفاداری دوستان همفکر خود حساب کند.

دوم ـ ۹ : در ارتباط با بی‌فرهنگها و بی‌سوادها صبور است، با اعتماد به نفس بدون قایق از رودخانه عبور

می‌کند، فاصله را فراموش نمی‌کند، به‌هیچوجه در دوستی خودخواه نیست. در نتیجه در میانه‌ی جاده حرکت می‌کند.

تفسیر : شرایط غالب آنقدر خجسته و مبارك است، که او می‌تواند همه وقت بدون کوشش آنچنانی به ترتیبی صحیح عمل کند.

سوم ـ ۹ : هیچ دشت هموازی نیست که به سرازیری نرسد، هیچ صلحی نیست که به‌اغتشاش نرسد. هیچ سفری نیست که بازگشتی نداشته باشد. با اینهمه وقتی کسی مستحکم و صحیح‌العمل است، از آنچه پیش خواهد آمد آگاه است، و هیچ اشتباهی مرتکب نخواهد شد. در جریان بعضی تغییرات، جایی برای اندوه نخواهد بود. با وفق دادن خود با این تغییرات، شادی کنونی، طولانی‌تر خواهد شد.

تفسیر : پدیده‌ی تغییر نباید اندوه به بار آورد. به خاطر داشته باشید که پایداری در زمانهای سخت، موجب می‌شود که فشارها به خوشی و کامروایی بیانجامد. آنکسی که می‌تواند در مقابل فراز و نشیب زندگی بایستد، بدون پاداش نخواهد رفت.

چهارم ـ ٦ : ثروت خود را نادیده می‌گیرد، و بی‌ریا و تکلف همسایگان خود را با روشی‌صمیمی و اطمینان بخش فرا می‌خواند.

تفسیر : وقتی اطمینان متقابل وجود دارد، مردم از سطوح مختلف به ترتیبی ساده و صمیمی با هم اختلاط می‌کنند.

پنجم ـ ٦ : امیر دخترش را به زنی، به کسی از سطح پایینتر

می‌دهد، و فرمان می‌دهد که دخترش از شوهر خــود اطاعت کند. خوشبختی و مساعدت بخت نتیجه‌ی آن است.

تفسیـــر : نتیجه‌ی شادی‌آور به دنبال رفتاری صحیح فرامی‌رسد رفتاری که در مسیر موقعیتی عاطفی نشانداده شده است.

ششـم ـ ٦ : دیوار شهر در خندقی فرومی‌ریزد. اکنون زمان آن نیست که به جنگ‌برود، بلکه وقت آنست که وضعیت را برای اهالی شهر، به‌روشنی توضیح دهد. پیشروی به ترتیبی اجباری، به پشیمانی منجر می‌شود.

تفسیـــر : دشمن نزدیك می‌شود، و نمی‌توان او را دفع کــرد. در موقعیت فعلی کوشش برای بیرون راندن مصیبت، هیچ سودی نخواهد داشت. بهترین کار آنست که از همکــاران، حمایتی دوستانــه تقاضا شود. سپس در مقابل آنچه باید پیش آید، تسلیم شود.

شش خطی
۱۲



否

p'i

پ، ای

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسخگو.

رکود

حکـــــم : رکود. میان مردان نوعی عدم تفاهم وجود دارد. یك چنین شرایطی برای‌مرد برتر، دلخواه نیست. بزرگان می‌روند، فرودست‌ها نزدیك می‌شوند.

توضیح : رکود، از این واقعیت برمی‌خیزد، که آسمان و زمین با همدیگر در ارتباط نیستند و در نتیجه هیچ چیز با هم ممزوج‌نمی‌شود. بالا و پایین، برترها و فرودست‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنند، و هیچ‌ایالتی به خوبی اداره نمی‌شود.
خطوط پایینی از خطوط منفصل و ضعیف تشکیل شده‌اند، و نشانه‌ی ضعف و مرد فرودست است، سه خط بالا از خطوط ممتد و قوی تشکیل شده‌اند، و نشانه‌ی قدرت و مرد برتر است. بدینترتیب دیده می‌شود که مردان فرودست افزون می‌شوند، درحالیکه از نیروی مرد برتر کاسته می‌شود.

تصویر : آسمان (چ، ین) و زمین (ك، اون) در ارتباط‌نیستند. مرد برتر فضایل خود را پنهان میدارد، و از نکبت و بدبختی که او را تهدید می‌کنند، اجتناب می‌کند. او اجازه نمی‌دهد که ثروتی به او تقدیم شود.
کار اثرات فزاینده به پایان رسیده، و مسیر رشد به آخر خود منتهی شده است. حال باید منتظرشرایط پوسیدگی و زوال بود که رو به افزایش است

خطوط :

یکم ـ ٦ : وقتی گیاه ریشه‌کن شود، با خود خورده علفهایی می‌آورد که در زیر زمین به هم پیچیده‌اند. با صحت عمل شدید، بخت مساعدت خواهد کرد، و موفقیت پیش خواهد آمد.
تفسیر : هنگامی که مرد برتر به دلیل شرایط ناسازگارمجبور می‌شود از مقام خود کناره‌گیری کند، با خود مردان همفکری را می‌برد که درستکار و وفادارند.

دوم ـ ٦ : او در مقابل خواسته‌های زمان صبور و مطیع است. برای مردان کوچك بختی مساعد پیش خواهد آمد، و مردان بزرگ هم موفقیت خواهند داشت.

تفسیــــر : شرایط، دلخواه مردان کوچك است، مادامی که کوچك بمانند. اما برای مرد برتر چیزهای برتری مورد تقاضاست. او بایـد با مبارزه‌یی کـه درگیر آنست در کمال شکیبائی و پایمردی روبرو شود، و از جماعت معمولی جدا شود.

ســوم ـ ٦ : او خجالت خود را پنهان می‌کند.

تفسیــــر : او ازاعمال سبك وجلف خود احساس خجالت می‌کند، و سعی می‌کند آنها را بپوشاند.

چهارم ـ ۹ : او مطابق با فرامین آسمان رفتار می‌کند، و مرتکب هیچ اشتباهی نمی‌شود.همراهان و همدمان اومی‌آیند و در شادی‌اش شریك می‌شوند.

تفسیــــر : به انجام رساندن دستوراتی که اولیای بالاتر صادر کرده‌اند، نعمت و خوشبختی به بار می‌آورد. همکاران هم در این پیشرفت شریك خواهند شد.

پنجـم ـ ۹ : مرد بزرگ، پریشانی، مشکلات و موانع را برطرف می‌کند. اما همچنان باید بگوید «ما ممکنست نابود شویم! ما ممکنست نابود شویم!» به‌این ترتیب‌شرایط محکم و ثابت خواهند شد. مثل یك خوشه‌ی محصور شده از شاخه‌های توت.

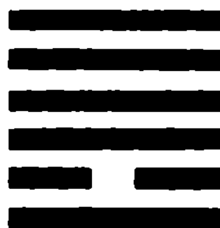
تفسیــــر : مرد بزرگ در موقعیتی است که به بدبختی عمومی پایان‌دهد، اما لازم است‌که او در دوره‌ی انتقالی میان بی‌ثباتی و امنیت، مراقب و هوشیار بماند. او باید

در حرکتی پیشرونده محصور شود همانطورکه درختان
توت را برای تقویت محصور می‌کنند.

ششم ـ ۶ : رکود، مغلوب گشته و دور رانده شده، و بدینترتیب
رکود قبلی به شادی بدل گردیده.

تفسیر : نزدیک است که بر رکود غالب شود، و راه خوشی و
پیشرفت باز شود. این امر اجتناب ناپذیر است،
سرانجام همه‌ی شرایط به اضداد خود امکان وجود
می‌دهند.

شش خطی
۱۳



同人

T'UNG JEN

ت، یونگ، جن

سه خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه خطی پایینی: لی: آتش، پیوسته.

رفاقت

حکـــــم : رفاقت. یك چنین اتحادی را درمیان مردان، در نقاط دورافتادهٔ کشور پیدا می‌کنیم. پیشرفت و موفقیت نشان داده شده است. عبور از آب بزرگ مفید فایده

است، و داشتن پشتکاری چون مرد برتر، سودمند.

تـوضیـــح : در اینجا ضعیف (خط دوم) در موضع قدرت است و به قوی (خط پنجم) جواب می‌گوید و بدین خاطـر عنوان رفاقت گرفته. رفاقت توسط نیـروی آسمان پیش می‌آید. خط محکم پنجم از پائین، نشانه‌ی مرد برتراست، تنها او می‌تواند تعقیب همه‌ی تحت‌الافلاک را درك کند و بر آن تاثیر بگذارد.
رفاقت نظیر آنچه ما می‌توانیم در نقاط دورافتاده‌ی کشور پیدا کنیم، در خدمت پیشرفت و موفقیت‌است.
اگر از مطلوب‌مرد برتر، که بدور از خودخواهی‌است، تبعیت کنیم، به موفقیت خواهیم رسید.
رفاقت باید کاملا روی بررسی‌ها و مشاهدات عمومی پایه‌گذاری‌شود، بدون‌رنگی از خودخواهی،درینصورت است که به کامیابی خواهد رسید. چنین رفاقتی را می‌توان در نقاط دور افتاده‌ی مملکت ملاحظه کرد، جائیکه مردم سفسطه‌گر نیستند، و از اثرات فاسد و تباه‌کننده‌ی اجتماعات بزرگ به دور هستند. چنین رفاقتی می‌تواند حریف بزرگترین مشکلات شود.

تصـویـــر : آسمان (چ، ین) و آتش (لی) از روی رفاقت به هم نزدیك می‌شوند. مردبرتر چیزها را مطابق با انواع و طبقاتشان تشخیص می‌دهد.

یکـــم ـ ۹ : رفـاقت از دروازه وارد می‌شود. خطایـی نخواهد رفت.

تفسیـــر : سرآغاز دوستی به ترتیبی سخاوتمندانه است. هیـچ زیانی از پذیرفتن آن پیش نخواهد آمد.

دوم ـ ۶ : رفاقت با قوم و خویش. مواقعی از پشیمانی وجود خواهد داشت.

تفسیـــر : به خاطر بعضی وفاداری‌های شخصی، دوستی همگانی محدود شده است و این مسأله گاهی پشیمانی بار می‌آورد.

ســوم ـ ۹ : او سلاح خود را در انبوه علفهــای بلند، پنهــان می‌کند، اما تا سه سال حمله نمی‌کند.

تفسیـــر : مانند کسی که سه سال تاخیر می‌کند، و نمی‌تواند تصمیم بگیرد و به دشمن حمله کند، او هم تــردید می‌کند، تردیدی که در این مرحله به پشیمانی منجر می‌شود. او یا باید جرأت کند و حمله کند، یا نقشه را از سر دور کند و به خانه بازگردد.

چهارم ـ ۹ : او دیــوار شهر را ارزیابــی مــی‌کند، اما از حمله خودداری می‌کند. بخت مساعد است.

تفسیـــر : او از بالای دیوار قوی و امن خود دشمن را می‌پاید، و تشخیص می‌دهد که به حد کافی مسلح نیست تا در حمله‌یی کامل موفق شود. ارزیابی آرام موقعیت در این زمان، به‌مساعدت بخت‌می‌انجامد. متارکه‌ی جنگ درست است.

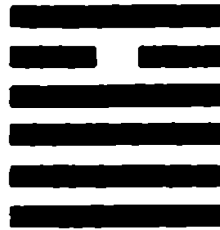
پنجـم ـ ۹ : دوستان گریه و زاری می‌کنند، بعد می‌خندند. سپاه بزرگ آنها فاتح‌می‌شود، و آنها باهم صلح می‌کنند.

تفسیـــر : بعد از ضدیت بسیارو نگرانی و پریشانی، پیروزی به‌دست می‌آید. گروههای متخاصم صلح می‌کنند، و صدای خنده شنیده می‌شود.

ششــم ـ ۹ : دوستی با افرادی از روستاهای اطراف. جایی برای ندامت و توبه باقی نمی‌ماند.

تفسیــــر : در این دوره، تنها در میان افرادی‌که دم دست هستند ممکن است به رفاقت دست یـافت. دوستی کلـی و عمومی هنوز امکان‌پذیر نیست، اما دوستی مـوجود جایی برای تاسف باقی نمی‌گذارد.

شش خطی
۱٤



大有

TA YU

تایو

سه خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی
سه خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

دارایی

حکـــــــم : دارایی. پیشرفتی عظیم، و موفقیتی بزرگ.

توضیح : در اینجا خط ضعیف در موضع شرافت و احترام قراردارد، و درمرکزسه‌خطی‌بالایی‌قراردارد، وخطوط قوی بالا و پایین آن جوابگوی این خط هستند. و از همین رو عنوان آن دارائی است.
از ویژگی‌های «تایو» قدرت‌است و خلاقیت، ظرافت و درخشندگی. او به آسمان جواب می‌گوید، و در نتیجه همه‌ی اعمالش در زمان درست به وقوع می‌پیوندد. بنابراین نشانگر پیشرفتی عظیم و موفقیتی بزرگ است.
«تایو» به سعادت و فراوانی و دولتی منجر می‌شود که ممکن است غروری خطرناك را موجب شود. اما در اینجا موفقیت با تواضع بسیار، و انضباط، همراه است. هیچ خطایی صورت نمی‌گیرد.

تصویر : آتش (لی) در پهنه‌ی آسمان (چ، ین). مرد برتر آنچه نکبتبار است سرکوب می‌کند، و آنچه نیکوست ممتاز می‌کند، و مطابق فضایل آسمانی خود رفتار می‌کند.

خطوط

یکم ـ ۹ : او به‌آنچه زیان‌آور است نزدیك نمی‌شود، و در نتیجه از اشتباه احتراز می‌کند. اگر او از مشکلاتی که در پیش روی اوست، آگاه باشد، تا به آخربی گناه خواهد ماند.

تفسیر : وقتی خطر تهدید می‌کند، به هیچ روی نباید خطر کرد. اگر این وضعیت را بتوان حفظ کرد، هیچ سوء اتفاقی رخ نخواهد داد.

دوم ـ ۹ : یك کاروان عظیم با بارهایش. در هرجهتی‌که حرکت

کند اشتباهی رخ نخواهد داد.

تفسیـــر : مانند کسی که مالك یك کاروان عظیم است، و باری از کالا دارد، نباید از درماندگی بترسد. اگر، مثـل قطار کاروان، قدرت و فایده‌رسانی او به راهی با ارزش بیفتد، بدون شك موفقیت به‌دنبال خواهد بود.

ســوم ـ ۹ : امیرزاده هدایای خودرا تقدیم «پسرآسمان» می‌کند. مردی کوچك در مقابل این وظیفه بـی‌ترتیب عمل می‌کند.

تفسیـــر : برای امیرزاده‌یی بزرگ به‌جاست کـه بهره‌یـی از ثروت خود را به امپراطور تقدیم کند. چنین عملی بالاتر از توانایی مردان فرودست است. شخص قبل از آنکه نقشه‌ای باشکوه را به منصه‌ی عمل درآورد، می‌باید نسبت به توانایی خود اطمینان داشته باشد.

چهارم ـ ۹ : او منابع عظیم خود را محدود می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــر : از خطایی عظیم می‌توان اجتناب کرد، چنانچه شخص خودداری کند از اینکه ثروت خود را به عنوان اهرمی برای کسب قدرت، مصرف کند. تادیب نفس به‌شدت توصیه می‌شود.

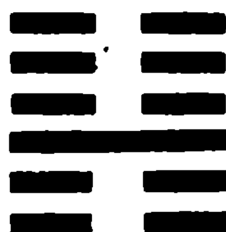
پنجـم ـ ٦ : رفتار صمیمانه‌ی خود را متقابلا از اطرافیان خود می‌بیند. اگـر با بزرگـی و وقار رفتار کند، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیـــر : اگر نیکخواهی و سخاوت او، با وقار و بزرگی کافی همراه نباشد، افرادی که پایینتر ازو هستند، احترامی را که برای او داشته‌اند از دست خواهند داد. باید تعادلی صحیح میان سخاوت و جدیت نگاهداشته شود،

ششـم ـ ۹ : آسمان کمک خود را به‌سوی او می‌فرستد. بختی‌مساعد و فایده‌یی همه‌جانبه وجود خواهد داشت.

تفسیــر : پیش‌بینی موفقیتی عظیم. حتی آسمان موهبت خود را نثار خواهد کرد،تنها، نظارتی منضبط بر لــروت، می‌تواند چنین موقعیتی را در کارها ارزانی دارد.

شش خطی
۱۵



謙

CH'IEN

چ، ین

سه خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

فروتنی

حکـــــــم : فروتنی. موفقیت و پیشرفت، مرد برتر، گرچه قوی است. با اینهمه فروتنی و تواضع مـی‌کند. بـدین ترتیب به خوشبختی دائمی دست می‌یابد.

توضیح : این طریقه‌ی آسمانهاست که تاثیرات خود را به زیر نازل می‌کند و در آنجا این تاثیرات با درخشش تمام می‌درخشد. این طریقه‌ی زمین است که پست باشد و تاثیرات خود را قبل از هر عملی به بالا فرستد.
این طریقه‌ی آسمانهاست که‌فزون را بکاهد، و فروتن را عزت دهد. این طریقه‌ی زمین است که فزون را براندازد، و فروتن را اعتبار بخشد. تواضعی که در موقعیتی والا انجام شود، تشعشعات افتخار و احترام را افزون می‌کند، و اگر، در موقعیتی پست تواضع شود، افراد آن را تواضع نمی‌انگارند. ازینرو مرد برتر، درتمام شرایط با مساعدت بخت‌مواجه‌می‌شود.

تصویر : کوه (کن) در میانه‌ی زمین (ك، اون). مرد برتر آنچه بیش از اندازه است کم می‌کند، و آنچه کم است‌زیاد می‌کند، و بدینترتیب تعادلی متوازن ایجاد می‌کند، هم در درون خود و هم در اطراف و بیرون خود.

خطوط :

یکم ـ ٦ : او بر فروتنی همیشگی خود بازهم می‌افزاید. او ممکن است از آب بزرگ عبور کند، و این عمل با مساعدت بخت همراه خواهد بود.
تفسیر : او در ابتدا جاه‌طلبی خود را محدود می‌کند، و به موقعیت یك فروتنی واقعی دست می‌یابد. او قادر است در کمال موفقیت به‌کاری‌مخاطره‌آمیز اقدام‌کند.

دوم ـ ٦ : او فروتنی خود را نشان می‌دهد. در صورت صحت عمل و ثبات قدم بخت مساعدت خواهد کرد.
تفسیر : فروتنی واقعی در اعمال دنیایی یك نفر، مانند

بانگ خروس سالم علنی است. یك چنین ادب درونی‌یی، شرایط کامروایی دایمی‌را فراهم می‌کند.

سوم ـ ۹ : فضایل شناخته شده‌ی مرد برتر، موفقیت او را تا به انتها نگاهمیدارد و از همراهی‌بخت بهره‌مندمی‌شود.

تفسیر : لیاقتهای واضح مرد برتر، مردم را به سوی او جلب می‌کند. مردم سخت به او خدمت می‌کنند و موفقیت طبیعتا پس از آن فرامی‌رسد.

چهارم ـ ٦ : قصد انجام هر عملی را داشته باشد، اگر فروتنی در مدت انجام آن اعمال شود، نافع خواهد بود.

تفسیر : موفقیت غایی را نمی‌توان درمورد کسی که واقعا فروتن است نادیده گرفت. با تشویق‌کردن کارآنهایی که در اطراف او هستند، او تایید و اعتماد آنها را به دست می‌آورد.

پنجم ـ ٦ : او همسایگان خود را استخدام می‌کند، بی‌آنکه ثروت خود را متظاهرانه به رخ بکشد. در این زمان می‌توان در صورت لزوم، به‌اعمال‌زور متوسل شد. تمام اعمال او نافع است.

تفسیر : مرد برتر، اگرچه غنی است، اما چون فروتن است، قادر است با همسایگان خود به ترتیبی نرم و آرام رفتار کند. چون ضدیت را در اطرافیان خود برنمی‌انگیزد، پس تایید آنها را، حتی وقتی اعمال زور می‌کند، به دست می‌آورد.

ششم ـ ٦ : فروتنی او را تشخیص می‌دهند. اکنون برای گسیل سپاه، زمان مساعدی است. اما فقط برای‌مطیع کردن

شهر و حومه‌ی شهر خود.

تفسیـــر : خوبی ذاتی و اینکـه شخصیتی پـوچ نـدارد عموما تشخیص داده می‌شود. مرد برتر قادرست که نقشه‌های خود را برای‌پیشرفت، بر کسانی‌که کمتر ازو هستند تحمیل کند، و این حقیقت که در مقابل او مقاومتی نخواهدشد، یا اینکه انگیزه‌های‌او مورد سؤال‌نخواهد بود، به او اعتماد به نفس می‌دهد. انضباط نفس او، مانع می‌شود که از حد خود پای را فرا بگذارد.

شش خطی
۱۶



豫

yü

یو

سه خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه خطی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

اعتمادی عمیق

حکـــــــم : اعتمادی عمیق. ممکـن است امیرزادگـان منصوب شوند، و سپاه با موفقیت گسیل می‌شود.

تـوضیـــح : در اینجا تمام‌خطوط جوابگوی تنها خط قوی‌هستند، و می‌توان تمام نیات را عملی ساخت. این امر موجب اعتمادی عمیق می‌گردد.
چنین‌اعتمادی اعمالی‌را باعث‌می‌شودکه مطابق‌باطریق آسمانها و زمین است، بنابـراین بـرای انتصاب امیرزادگان، و برای گسیل‌داشتن سپاه مناسب است.
به دلیل حالت اعتماد عمیقی که میان آسمانها و زمین وجود دارد، خورشید و ماه از مـدار خود منحـرف نمی‌شوند وچهارفصل ازنظم‌معین‌خود خارج‌نمی‌شود.
عاقلان از این قانون تبعیت می‌کنند، و بدینترتیب کیفرهایی که تعیین می‌کنند، صحیح است، و مردم با کمال میل به آنها گردن می‌نهند. بهراستی زمانی که این «شش خطی» نشان می‌دهد، زمانی متبرك و عظیم است!
طی چنین شرایطی‌که هماهنگی‌کلی و رضایت عمومی حاکم است، انتصاب‌های مهم به نحو صحیح انجام می‌گیرد، و نوسازیهای‌گستردهشروع‌می‌شود. رئیس‌ـ الوزرا مورد اعتماد حاکم است، و همه‌ی افراد مادون نسبت به او احترام و اطاعت دارند.

تصـویـــر : تندر (چن) با صدایی‌بلند از زمین(ك،اون)برمی‌آید. امیران زمانهای‌قدیم موسیقی‌می‌نواختند، و به‌فضایل احترام می‌گذاردند. در مـراسمی در کمال سخاوت قربانی‌ها را بر نیاکان‌خود تقدیم می‌کردند. و تمامی پرستش خود را نسبت به باریتعالی بجا می‌آوردند.

خطـــوط :

یکـــم ـ ٦ : او انبساط خاطر و رضایت خود را اعلام می‌کند. بلا و نکبت خواهد بود.

تفسیر : خوشی حاکم می‌شود، اما خودپسندی، لاف‌زنی و گزاف‌نمایی، نشان می‌دهدکه چندان نخواهد پایید.

دوم ـ ٦ : او به استحکام یك صخره‌است. او قبل‌از اینکه نتیجه را ببیند، آن را می‌داند، با عزم جزم او، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیر : در سکوت، با استحکام، و با شیوه‌ای دورنگر، مسیر صحیح خود را دنبال می‌کند. بخت مساعد برایش تضمین شده است.

سوم ـ ٦ : او به بالا خیره می‌شود، در حالیکه در احساس لذت و رضایت زیاده‌روی می‌کند. اگر اقلا می‌فهمید، اگر اندکی مکث می‌کرد، فرصتی می‌داشت برای توبه کردن.

تفسیر : به بالا نگریستن از برای مطلوبی دوردست و بالا دست، در حالیکه در همان زمان غیرفعال و تن‌آسا باقی مانده است، موجب پشیمانی است. فقط درك سریع این خطر، ممکنست بدبیاری را دور کند.

چهارم ـ ٩ : او اعتمادی عمیق از خود ساطع می‌کند، و بدینطریق به کامیابی عظیمی نائل می‌شود. او اگر تمام تردید هایش را از خود دور کند، دوستان به دور او جمع خواهند شد.

تفسیر : هماهنگی و رضایت نزدیك می‌شود. با به دست آوردن و حفظ اعتماد به نفس، و غالب شدن بر تردیدها و سوءظن‌ها، دوستان گرد می‌آیند و موفقیت تضمین می‌شود.

پنجم ـ ٦ : با وجود بیماری مزمن، به زندگی ادامه می‌دهد،

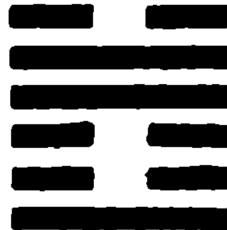
بی‌که بمیرد.

تفسیـــر : بیماری پیش‌بینی شده، اما منتهی به مرگ نخواهد شد. موقعیت فعلی او خطرناك است، اما پیروزی‌غایی دیده شده.

ششـم ـ ٦ : بدون تعقل، او خود را وقف رضایت و لذتی آنی می‌کند. اما اگر روش خود را، حتی پس‌از پیشروی در این کار عوض کند، باز هم خطا نخواهد بود.

تفسیـــر : کاملا درگیر لذتی زودگذر، بی‌اراده به سوی نکبت و بدبختی می‌راند. اما حتی در ایـن زمان بسیار دیر هم، حرکتی عاجل ممکنست او را نجات دهد.

شش خطی
۱۷



隨

sui

سویی

سه خطی بالایی: توی: دریاچه، شادان.
سه خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

دنباله‌روی

حکـــــم : دنباله‌روی. پیشرفت و کامیابی عظیم. صحت عملی با ثبات قدم مفید فایده خواهد بود. خطایی نخواهد رفت.

توضیح : در اینجا قوی می‌آید و خود را پشت ضعیف جای می‌دهد، در «سه‌خطی»ها ویژگی‌های انگیختگی و شادی را می‌بینیم، که نشانگر دنباله‌روی است.
پیشرفت عظیم، صحت عملی با ثبات قدم، بدون ارتکاب اشتباه: همگی را در این زمان، زیر آسمان می‌توان یافت. به‌راستی‌که این «شش خطی» به‌زمانی متبرك اشاره دارد.
قدرت انعطاف و تطابق با شرایط، به موفقیت منتهی می‌شود. کسی که گوش به حس درونی خود می‌دهد، تا راه درست را پیدا کند؛ کسی که می‌تواند دنباله‌روی کند و هنگامی که شرایط ایجاب می‌کند، می‌تواند رهبری کند، کسی است که به کامیابی عظیمی نائل خواهد شد. وقتی شرایط هماهنگ است، مردان از روی یقین دنباله‌روی می‌کنند، اما به هیچوجه از کسی که مورد باورشان نیست دنباله‌روی نخواهند کرد.

تصویر : تندر (چن) در میانه‌ی دریاچه (توبی). مرد برتر، وقتی هوا تاریك می‌شود، به خانه‌اش می‌رود، و استراحت می‌کند.

خطوط

یکم ـ ۹ : او موضوع توجه خود را تغییر می‌دهد. اگر ثابت قدم و صحیح‌العمل باشد بخت مساعدت خواهد کرد. بیرون‌رفتن از خانه و ملاقات‌با مردم موجب‌شایستگی او خواهد شد.

تفسیر : تغییر حرفه توصیه شده است. این تغییر حرفه را باید از درون الهام گرفت، و پس از این تغییر،عزمی جزم آن را به انجامی موفق خواهد رساند. در راهی

جدید راه سپردن، به مناسباتی شایسته می‌انجامد.

دوم ـ ۶ : او پسران کوچك را انتخاب می‌کند و مردان مسن و باتجربه را طرد می‌کند.
تفسیر : او به خاطر بی‌عقلی در انتخاب همراهانش، در خطر است.

سوم ـ ۶ : او مردان باتجربه را انتخاب می‌کند، و پسران کوچك را مرخص می‌سازد. با اینکار او به آنچه جستجو می‌کند خواهد رسید. مفید است که همواره به آنچه مستحکم و صحیح است متکی باشد.
تفسیر : یك چنین تصمیم عاقلانه‌یی، به برآورده شدن آرزوهایش منتهی خواهد شد. اما به دنبال آرزوهایش، نباید احتیاط را از دست بدهد.

چهارم ـ ۹ : او پیروانی به دست می‌آورد. حتی اگر او مستحکم و صحیح‌العمل باشد، بلا و نکبت خواهد آمد. اما اگر کاملا صادقانه رفتار کند، به چه خطایی دچار خواهد شد؟
تفسیر : از رفتار خودخواهانه‌ی پیروان، خطری به‌وجود می‌آید. اگرچه رهبر از چنین اعمالی دور خواهد ماند، اما ممکنست که بی‌خبر با انها مربوط شود تنها با نشان دادن درستی و بی‌عیبی خود، به ترتیبی روشن و شبهه‌ناپذیر می‌توان از آن اجتناب کرد.

پنجم ـ ۹ : او تمام چیزهایی را که عالی است، صمیمانه دنبال می‌کند. بخت مساعدت خواهد کرد.
تفسیر : صمیمیت حاکم در اعتقاد پیروانش منعکس می‌شود.

ششـم ـ ٦ : به‌خاطر صمیمیتش پیروان به او ملحق می‌شوند، انگار به اینکار مجبور شده باشند. امیر قربانی خود را در کوه غربی تقدیم می‌کند.

تفسیـــر : اگر در عین صمیمیت، از آنچه درست است پیروی کند، ایمان مردم را جلب می‌کند، بـه همین جهت امیر نذر و نیازهایش را در کوه‌غربی صرف‌می‌کند. اگر با استحکام و ثبات قدم، راه درست دنبال شود، شخص به مقام رهبری می‌رسد. اما این کار ممکنست به ریشه‌کن کردن مافوق قبلی او منجر شود.

شش خطی
۱۸





KU

کیو

سه خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه خطی پایینی: سون: باد، آرام.

پوسیدگی

حکـــــم : پوسیدگی. پیشرفت و موفقیت. عبور از آب بزرگ مفید فایده خواهد بود. اما او بایـد سه روز قبل، و سه روز بعد از شروع، دربارهٔ آن تفکر و تامل‌کند.

تـوضيـــح : در اینجا قوی بالا و ضعیف پایین است. «آرام» بـا «ساکن» ترکیب می‌شود. این امر نشانگر مـوفقیتی عظیم است. زیر آسمان ها، در همه چیز نظمی درست وجود دارد. آن‌کسی‌که باسختی‌و فشار جلومی‌رود، با معامله‌ای مهم مواجه خواهد شد، که باید انجام شود. پایان اغتشاش، نشانه‌ی شروع نظم است. راه آسمان بدینگونه است.

رفع پوسیدگی با موفقیت‌همراه‌است، و به‌دست‌آوردن سلامتی توصیه شده، اما برای این کـار کوششی عظیم لازمست، مانند کوششی که برای عبور از آب بزرگ به‌عمل می‌آید. ارزیابی محتاطانه‌ی موقعیت، قبل از عمل لازمست، تا عمل به خوبی و سلامت‌انجام شود، و هوشیاری و بیـداری پس از عمل توصیه می‌شود، تا از تکرار مشکلات جلوگیری کند.

تصـویــر : باد (سون) زیر کوه (کن). مرد برتر به مردم الهام می‌دهد و به فضایل آنها نیرو و استحکام می‌بخشد.

خطــوط :

یکــم ـ ٦ : پسر درگیر مشکلات است، مشکلاتی که پدرش مسبب آنهاست. اگر او صلاحیت و کفایت داشته بـاشد، پدر از تمام گناهان مبری می‌شود. خطر وجود دارد، اما سرانجام بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیــر : برای وضعیت پوسیدگی، حتی اگر پیشرفته باشد، هنوز جای مرمت هست. یک کار دقیق می‌تواند آنچه از دست شده است، اصلاح و ترمیم کند.

دوم ـ ٩ : پسر درگیر مشکلاتی است که مادرش مسبب‌آنهاست.

او نباید کار خود را با اینهمه پشتکار دنبال کند.

تفسیـــر : پسر باید وقتی اشتباهات مادرش را تصحیح می‌کند، به آرامی اقدام کند. پوسیدگی و زوالی که ناشی از ضعف شخص دیگریست تنها وقتـی مرمت و جبران می‌شود که به‌آهستگی و با حساسیت بسیار عمل شود.

سـوم ـ ۹ : پسر درگیر مشکلاتی است که پدرش‌مسبب آنهاست. ممکن است اوقاتی کوتاه از پشیمانی به وجود آید، اما خطایی عظیم صورت نمی‌گیرد.

تفسیـــر : پسر درگیر مشکلاتی است‌که پدر مسبب آنهاست. معهذا ممکن است در کمال قدرت اقدام کند. البته‌در این لحظه کوششی بسیار، بهتر از کـوششی اندک است. ممکن است ضایعه‌یی مختصر روی دهـد، اما امری مشخص و چشمگیر نیست.

چهارم ـ ٦ : او با تن‌آسانی، به مشکلاتی کـه پـدرش سبب شده می‌نگرد. اگر او به این روش ادامه دهد، جای تأسف و پشمیانی خواهد بود.

تفسیـــر : مساهله‌یی زیاده از حد، نسبت به وضعیت پوسیدگی و زوال، شخص را بیش از پیش گرفتار می‌سازد.

پنجـم ـ ٦ : او درگیر گـرفتاریهایـی است کـه پدرش مسبب آنهاست. او به خاطر کوششهایش تقدیس می‌شود.

تفسیـــر : از آنجاییکه او به اختیار خود درگیر مشکلاتی است که این مشکلات را افرادی سبب شده‌اند کـه دیگـر رفته‌اند، درنتیجه او تایید و تقدیس دریافت می‌کند.

ششـم ـ ۹ : او نه در خدمت امیر است و نه در خدمت اربابی

اما با روحیه‌یی والا و رفیع به‌مسایل خود می‌پردازد.

تفسیــــر : بدون اینکه فاسد شود، در راه خود پیش می‌رود. از آنجاییکه انگیزه‌های او خالص هستند، او می‌تواند این کار را بی‌آنکه دچار اشتباه شود، به انجام‌رساند.

شش خطی
۱۹



臨

LIN

لین

سه خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

نزدیک شدن

حکم : نزدیک شدن. پیشرفت و موفقیتی عظیم در پیش است. صحت عملی دایمی مفید فایده است. در ماه هشتم بلا و نکبت خواهد بود.

توضیح : در اینجا خطوط قوی به تدریج افزون می‌شوند و پیش می‌روند. «سه‌خطی پایینی» به معنی للت و «سه خطی» بالا به معنی اجابت است. خطی قوی در مرکز سه‌خطی پایینی است، و خطوط دیگر بدان جواب می‌گویند. پیشرفتی عظیم همراه با صحت عمل راه آسمانها را روشن می‌سازد، اما این نیروی‌پیشرونده محرك خود را پس از مدتی از دست خواهد داد.

اقتدار نزدیك می‌شود، تا بررسی کند، تسهیل کند و حکمروائی نماید. یك چنین عملی، پرقدرت و موفقیت‌آمیز خواهد بود، اما باید در خاطر داشت که هر چیزی در مظان تغییر است، و اینکه پیشرفت سرانجام به زوال و پوسیدگی منجر خواهد شد. این مطلب را همواره هنگامی که نقشه‌یی را می‌خواهیم اجرا کنیم باید در مد نظر داشته باشیم .

تصویر : زمین (ك، اون) از زیر آب دریاچه (تویی) بالا می‌آید. مرد برتر در تعلیم دادن خستگی‌ناپذیراست. مردم‌را همواره اطعام می‌کند و از آنان‌حمایت‌می‌کند.

خطوط

یکم ـ ۹ : او در معیت دیگری پیش می‌رود. صحت عمل پابرجای او، بخت را با او مساعد می‌کند.

تفسیر : وقتی همراه با دیگری پیش می‌رود، قدرت او باید با احتیاط، و استفاده از کمکهای صحیح، همراه شود.

دوم ـ ۹ : او با گروهی پیش می‌رود. بخت مساعد است. یك چنین پیشرفتی از هر نظر مفید فایده خواهد بود.

تفسیـــــر : یاران او، تدبیر و سیاست او را تایید می‌کنند، و همه با هم چون یك فرد واحد پیش می‌روند. نتیجه‌ی بهم پیوستگی آنان بسیار مطلوب خواهد بود.

ســوم ـ ٦ : او از پیشروی خشنود است، امـا هیچ‌یك از جهات برایش امتیاز ندارد. اگر نگرانی نشان دهد، خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــــر : اگر به انگیزه‌ای ناگهانی برای‌پیشرفت راه دادهشود، نتیجه‌یی رضایت‌بخش به دست نخواهـد آمد. اگـر رنج‌ها و ناتوانی خود را به یاد آورد، و همانجا کـه هست بماند، ممکنست از اشتباهات احتراز کند.

چهارم ـ ٦ : او بـه سبك و روشی فاخر پیش می‌رود. خطایـی نخواهد بود.

تفسیـــــر : او بـه بهترین روش ممـکن، پیشرفت مـی‌کند، و همواره بر راه صحیح باقی می‌ماند.

پنجـم ـ ٦ : او در عین عقل پیش می‌رود، همانطوریکه شایسته‌ی یك فرمانرواست. بخت مساعدت دارد.

تفسیـــــر : با اقتداری عاقلانه، و با استخدام مجریان لایق منافع خود را افزون می‌کند.

ششـم ـ ٦ : او به ترتیبی شرافتمندانـه و سخاوتمندانـه پیش می‌رود. بخت مساعد است و خطایی نیست.

تفسیـــــر : سخاوتی مستقیم، پیشرفت را بیشتر می‌کند. بخت مساعد خواهد بود و از اشتباهات اجتناب می‌شود.

شش خطی
۲۰



觀

KUAN

کوان

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسخگو.

نظاره

حکـــــم : نظاره. دستها طبق آیین شسته شده، اما هنوز قربانی نکرده‌اند. صمیمیت و بردباری بسیار، احترام‌انگیز است.

توضیح : این «شش‌خطی» از سه‌خطی‌هایی تشکیل شده که نشانگر پذیرش و انعطاف هستند، و خط حاکم در مرکز «سه‌خطی» بالایی قرار گرفته. و از موقعیت برتر خود هرآنچه را در دنیای پایین رخ می‌دهد، نظاره می‌کند.
وقتی او با صمیمیت عمل می‌کند، و ظاهری شایسته دارد، هرآنچه درپایین قراردارد، به‌بالا می‌نگرد، از او پیروی می‌کند و مستحیل می‌شود. همه‌ی آنها طریقه‌ی آسمان‌ها را می‌نگرند و مشاهده می‌کنند که چگونه فصول مدار خود را بدون خطا، طی می‌کنند. عاقلان هماهنگ با طریقه‌ی آسمان‌ها، دستورات خود را صادر می‌کنند، و هرآنچه زیرآسمان‌هاست، بر این دستورات گردن می‌نهد.
مرد برتر نظم کیهان را نظاره‌می‌کند و گردش دایمی فصول را. اگر او بـه‌سان عاملی از بـرای قدرت آسمانها عمل کند، به عظمت نائل خواهد شد.

تصویر : باد (سون) در پهنه‌ی زمین (ک، اون) حرکت می‌کند. امیران قدیم از ایالات مختلف مملکت دیدار کردند. اوضاع مردم را مورد ملاحظه قرار دادند و تعلیمات آنان منتج از این ملاحظات است.

خطوط

یکم ـ ٦ : او به اشیاء به روش پسربچه‌یی می‌نگرد، این عمل برای مردی از سطح پایین جای گله و شکایت ندارد، اما برای افرادی از سطح بالاتر، جـای تاسف است.
تفسیر : نپختگی‌های کودکانه از مردان کوچکتر پذیـرفتنی است، اما نه از کسی که بزرگ است.

دوم ـ ۶ : او از دری سرك می‌کشد. چنین عملی اگر از زنی سر بزند مفید فایده است.

تفسیـــر : ملاحظه‌ی چیزها، بدانگونه که انگار از لای دری سرك کشیده باشیم رفتاری است پسندیده‌ی زنان، و با شخصیتی زنانه موافق است، اما یك چنین نظرگـاه محدودی، برای آنکسی که موقعیت و مقامی پراهمیت در دنیا دارد، شرم‌آورست.

ســوم ـ ۶ : او مسیر زندگی خود را می‌نگرد، و تصمیم می‌گیرد که آیا پیشروی کند یا که عقب بنشیند.

تفسیـــر : با مطالعه‌ی مسیر زندگی خود، آدمی قادرست قضاوت کند که پیشروی در چه زمانی مطمئن است، و عقب‌ـ نشینی در چه زمانی محتاطانه است.

چهارم ـ ۶ : او بر شکوه مملکت نظاره می‌کند. این امـر او را پیش می‌برد تا به حدی که مهمان امیر شود.

تفسیـــر : با ملاحظه‌ی وضعیت مملکت او قادرست بسنجد که آیا مفید است که با آن متحد شود یا نه. او باید موقعیت را با دقت مطالعه کند، پیش از آنکه اقدام به عملی کند.

پنجم ـ ۹ : او مسیر زندگی خـود را نظاره می‌کند. اگر مـردی برتر باشد، از ارتکاب به اشتباه احتراز می‌کند.

تفسیـــر : مرد برتر با مطالعه‌ی زندگی خود و زندگی کسانی که مادون او هستند، از ارتکاب بـه اشتباه احتراز می‌کند.

ششـــم ـ ۹ : او شخصیت خود را نظاره می‌کند، تا ببیند آیا واقعا
مردی برتر است یا نه. مرتکب اشتباه نخواهد شد.

تفسیـــر : بـا خودآزمایی بـه ترتیبی نقادانه، مـرد برتر، بر
تردیدهای خود فائق می‌آید.

شش خطی
۲۱



噬
嗑

shih ho

شیح هو

سه‌خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

گاز زدن

حکـــــــم : گاززدن. پیشرفتی موفقیت‌آمیز. اگـر حدود قانونی را رعایت کند، مفید فایــده خواهد بود.

توضیح : گاززدن یعنی موفقیت. در این «شش‌خطی» خطوط قوی و ضعیف به طور مساوی تقسیم شده‌اند. «سه‌خطی» پایینی نشانگر برانگیختگی، و «سه‌خطی» بالایی نشانگر آتش و درخشندگی است. رعد و برق با هم می‌شوند و تشعشع و درخشندگی را به‌وجود می‌آورند. خطوط ضعیف در مرکز هستند و به طرف بالا برمی‌خیزند. اگرچه این مسیر کامل نیست، اما اجرای قانون را تعمیم می‌دهد.

موانع، آرواره ها را از هم جدا نگه می‌دارد. اما آرواره ها با جویدن موانع به هم نزدیك می‌شود. این اصل را می‌توان برای امور مملکتی به‌کار گرفت. موانع‌را به‌اتحادیه‌های‌سیاسی‌و اجتماعی محول‌کرد، و بدین‌ترتیب، بالا و پایین به هم نزدیك می‌شوند و تفاهمی‌درست بینشان برقرار می‌شود. چگونه‌می‌توان بر چنین موانعی غالب شد؟ به‌طور قطع با نیروی قانون بر چنین مانعی، می‌توان غالب شد.

تصویر : رعد (چن) و برق (لی). امیران‌قدیم کیفر و مجازات خود را به گونه‌یی هوشیارانه مقرر می‌داشتند. سپس نظام‌نامه‌ی خود را تنظیم می‌کردند.

خطوط

یکم ـ ۹ : پاهایش بسته شده وانگشتان پایش را پنهان می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : از آنجا که نکبت در مراحل‌اولیه‌ی خویش است، چنین تنبیه سبکی کافی است تا آن را محدود کند.

دوم ـ ٦ : نخست گوشت نرم را گاز می‌گیرد، بعد ادامه می‌دهد،

تا وقتی که بینی را گاز بگیرد. خطایی نخواهد رفت.
تفسیــــر : برای مؤثر بودن مجازات، باید آن را تا به آخر انجام داد.

سـوم ـ ۶ : او گوشت خشك را می‌جود، و سهواً مسموم می‌شود. گاهی دچار پشیمانی می‌شود. اما خطایی نیست.
تفسیــــر : ازدیاد مجازات وقتی دیگر با احتیاجات روز تناسبی نداشته باشد او را مواجه با انتقاد خواهد کرد. اما بجاست که عدالت اجرا شود.

چهارم ـ ۹ : با گاززدن به گوشتی که بـر استخوان خشکیده، او به وظایف قانونی خود عمل می‌کند. او باید مشکلات وظیفه‌ی خود را تشخیص دهد، و محکم باشد. در این راه بخت مساعدت بسیار خواهد کرد.
تفسیــــر : او بایـد کاملا تشخیص دهد که بـا مساله‌ی آسانی روبرو نیست، و تنها با عمل کردن به ترتیبی محکم و درست می‌تواند به خوشبختی برسد.

پنجـم ـ ۶ : ضمن جویدن گوشت خشکیده، او قطعه‌یی طلا در آن پیدا می‌کند. اگـر صحیح‌العمل و باثبات باشد، و خطراتی را که در مقابلش قرار دارد، تشخیص دهد، خطایی نخواهد رفت.
تفسیــــر : پیدا کردن فلز در غذا، نشانگر موانع غیرمترقبه در پیش روست، امـا چـون فلز از طلاست، ممکنست آمرزشی باشد در جامه‌ی مانع!

ششـم ـ ۹ : او یـوغی چـوبـی بـر سر دارد که گـوشهایش را می‌پوشاند. بلا و نکبت خواهد بود.

تفسیـــــر : نسبت به تمام هشدارها کر است، و بی‌کله به‌رامخود
می‌رود، و از راه راست خـود، هـرلحظه منحرفتر
می‌شود.

شش خطی
۲۲



賁

pi

پی

سه‌خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: لی: آتش، پیوسته.

آراستگی

حکـــــــم : آراستگی. موفقیت. تعهدات کوچك، نافع است.

توضیح : در «سه‌خطی» پایینی، خط ضعیف، خطوط قوی را زینت کرده‌است، و نشانگر موفقیت است. اما در «سه‌خطی» بالا، خط قوی زینت خطوط ضعیف است، و نشانگر آنکه منافعی که به دست خواهدآمد، کوچك و حقیرند.
درخششی که از نیروهای ثبات نشات می‌گیرد، نمایانگر آراستگی اجتماع بشری است. الگوهای پیراسته‌ای در آسمان‌ها نشان داده می‌شود، که با مشاهده‌ی آنها به گشت فصول مطمئن می‌شویم، همچنین الگوهای پیراسته‌ای در جامعه نشان داده می‌شود که با مشاهده‌ی آنها، درك می‌کنیم که چگونه، مسیر تغییرات در همه‌جا کامل می‌گردد.
آراستگی‌های ظریف باید قسمتی از جامعه‌ی بشری را شکل دهند، به نحوی که انگار قسمتی از طبیعت هستند، اما باید همواره این آراستگی‌ها نسبت به آنچه در مرحله‌ی اول اهمیت قرار دارد، جای دوم را بگیرد، اگر اجازه دهیم آراستگی در اجتماع نقشی غالب برعهده گیرد، نفعی اندك در آن خواهد بود.

تصویر : آتش (لی) زیرکوه (کن). مرد برتر، وقتی در ارتباط با مسایل روزبه‌روز حکومت قرار می‌گیرد، به‌گونه‌یی بخردانه عمل می‌کند، اما وقتی در مورد مسایل قانونی تصمیم می‌گیرد، جرات ندارد اینچنین کند. در این‌حالت هشیاری و متانت توصیه می‌شود.
۱

خطوط

یکم ـ ۹ : او پاهایش را می‌آراید. ارابه را رها می‌کند، و پیاده به پیش می‌رود.
تفسیر : اعتماد به آینده، به او اجازه می‌دهد که نیرنگهای

قدرت‌مداری را دفع کند.

دوم ـ ٦ : او محاسن خود را می‌آراید.
تفسیـــر : امری ممکن است پوچ و بیهوده تلقی شود، لکن اگـر همان امر به عنوان یك مقدمه بر تعهدی مهم مطرح شود، مفهومی عمیق‌تر می‌یابد. آن امر در این حالت نشان‌دهنده‌ی وقار و احترام آن موقعیت خواهد بود.

ســوم ـ ٩ : آراسته، باشکوه تمام می‌درخشد، انگار از شبنم تازه پوشیده شده، پافشاری شدید خوشبختی او را تضمین می‌کند.
تفسیـــر : خوشبختی او تضمین خواهد شد، اگر او با اعتقاد عمل کند، چنانکه در گـذشته نیز اتفاق افتاده، و در کوشش‌های خود بیدار و هوشیار مانده.

چهارم ـ ٦ : او کاملا با سفید تزیین‌شده، و بر اسب بالداری سوار شده، و تحت تعقیب است، نه مثل یك دزد، بلکه مثل یك ملتزم رکاب.
تفسیـــر : انگیزه‌های‌او، اگرچه کاملا شرافتمندانه‌اند، ممکنست مورد سوءظن قرار گیرد. چیزی مستحکم‌تر از قول و پیمان، یا ظاهری زیبا و پسندیـده لازمست تا بـر اوضاع مسلط شود.

پنجـم ـ ٦ : با وقار در ارتفاعات و باغها گردش می‌کند، امـا توپ ابریشمی را که به عنوان پیشکشی حمل‌می‌کند، کوچك است و درشت‌باف. اگر بخواهـد خساست و طمعکاری نشان دهد، توهین و خواری در پیش است، اما سرانجام بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیــــر : توخالی‌بودن خودنمایی‌هــای او، دارد آشکار می‌شود، اما توهینی که پس از آن روا می‌شود، موقتی است.

ششــم ـ ۹ : تزیینی ساده و سپید. خطایی نخواهد بود.

تفسیــــر : با کم‌کردن طرح‌هایش و آن را به سادگــی محض رساندن، او به یقین پذیرفته‌می‌شود. ارزشهای والای درونی بهتر از زیبایی‌های ظاهری است.

شش خطی
۲۳



剝

po

پو

سه‌خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

فروافتادگی

حکـــــــم : فروافتادگی. هیچ حرکتی در هیچ جهتی مفید فایده نیست.

توضیح : اینجا خطوط ضعیف برآنند که خط قوی را مثل خود کنند.
مردان کوچك نفوذ خود را افزون می‌کنند. مرد برتر ظاهر شرایط را، که در این «شش‌خطی» نشان داده شده، در مد نظر می‌گیرد، و از هر کوششی برای پیشروی دست برمیدارد، او مدارهای کاهش و افزایش، و مدارهای کمال و اضمحلال را آنطوری که در اجسام آسمانی ظاهر می‌شود، ارزیابی می‌کند. مردان کوچك، به‌تدریج جای‌مردان خوب‌را می‌گیرند، تا آنکه به غیر از یك تن باقی نمی‌ماند. نیرویی که بر علیه او به‌کار می‌افتد، نیرویی بس عظیم است و مقابله‌ی با آنان بس مشکل. اما این رسم زندگی سیاسی از بین خواهد رفت، و اگر صبر کند، به‌زودی به‌نحو احسن تغییر خواهد کرد.

تصویر : کوه (کن) بر روی زمین (ك، اون) می‌ایستد. آنانی که در مقامی برتر هستند، برآنند که کسانی را که مادونشان هستند، تقویت کنند. و از این طریق آرامش و استواری خود را تامین کنند.

خطوط :

یکم ـ ٦ : پایه‌های تخت با اره کاملا قطع می‌شود. راستی و درستی دارد ضایع می‌شود، نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : موقعیت او به‌تدریج خراب می‌شود، کسی که تخت را در تصرف دارد، پاهایش با اره قطع می‌شود. تنها کاری که از دستش برمی‌آید انتظار است، انتظار نتیجه‌یی دردناك.

دوم ـ ٦ : دوره‌ی تخت شکسته است. حسن‌اخلاق دارد از بین می‌رود، و نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : بدبختی و فلاکت نزدیك می‌شود. درستی و امانت ذاتی او در خطر است.

سوم ـ ٦ : او کمك می‌کند تا تخت واژگون شود، خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : با استفاده از قدرت و فضایل برتر خود، به رخدادن وقایع کمك می‌کند، و در نتیجه از نابودی به دست این وقایع اجتناب می‌کند.

چهارم ـ ٦ : تخت واژگون شده، و کسی که تخت را در تصرف دارد، در معرض خطر دشمن قرار گرفته. نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیر : خطر نزدیك می‌شود، و او بی‌پناه است.

پنجم ـ ٦ : او مطالب خود را مثل ماهیهایی که به نخ کشیده باشند، ردیف می‌کند. و عنایت امیر را نسبت به آنها جلب می‌کند. هر نفعی ممکنست در پی بیاید، و هیچ خطایی رخ نخواهد داد.
تفسیر : مردان کوچك در کمال‌میل به اقتدار کسی‌که بالاتر از آنهاست، تسلیم می‌شوند، به کسی که بهترین نیتها را در قلب دارد. آن کسی که مسئولیت رهبری‌دیگران را به عهده می‌گیرد، لازم نیست از نتیجه‌ی اعمال‌خود بهراسد.

ششم ـ ۹ : او مثل میوه‌ی درشتی است که خورده نشده. او در مقابل مردم به گونه‌یی می‌رود که انگار در ارابه‌یی

فاتح می‌راند. در این حال، مردان فرودست خود را نابود می‌کنند.

تفسیـــر : او نجات می‌یابـد. و از ادبـار و فلاکت فعلی خـود صدمه‌ای نمی‌بینند. حمایت عمومی، جـاه‌طلبی او را تقویت خواهد کرد، و رقیب خود را در کمال‌موفقیت شکست خواهد داد.

شش خطی
۲٤



復

FU

فو

سه‌خطی بالایی: ك، اون: زمین، پاسخگو.
سه‌خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

بازگشت

حکـــــــم : بازگشت. آزادی و پیشرفت در پیش رو هستند. مرد برتر می‌تواند بیاید و برود، بدون اینکه مورد مخالفت قرار گیرد. دوستان به دیدن او می‌آیند، و

پس از هفت روز، بدون اینکه اشتباهی شود، باز خواهد گشت. حرکت در هر جهتی که باشد، نافع است.

توضیح : اینجا خط قوی در پایین «شش‌خطی» است و اشاره به بازگشتی تدریجی دارد. اینك نظم طبیعی در خدمت پیشرفت است، ازینرو می‌تواند آزادانه بیاید و برود. تمام اعمال او با خواسته‌ی آسمانها هماهنگ است، و اکنون می‌تواند در کمال موفقیت پیش رود، چرا که خطوط قوی پیش می‌روند.
آیا در اینجا هوش‌متغیرآسمانها و زمین را نمی‌بینیم؟ تغییر، قانون‌طبیعت و اجتماع‌است، وقتی زوال و خرابی به اوج خود می‌رسد، باید ترمیمی‌صورت‌گیرد درخشندگی، روز به روز، و ماه به ماه، افزون می‌شود.

تصویر : تندر (چن) از درون زمین (ك، اون). امیران قدیم، گذرگاههای میان استانها را در روز تحویل زمستان می‌بستند. و آنگاه بازرگانان مسافر نمی‌توانستند سفر خود را ادامه دهند، و امیرزادگان نمی‌توانستند از استانهای خود طبق‌معمول بازدید به عمل آورند.

خطوط

یکم ـ ۹ : او پس از انحرافی کوچك به راه حقیقی خود باز می‌گردد. او دلیلی برای تاسف خوردن ندارد. و بخت مساعدت تمام خواهد کرد.
تفسیر : انضباط فردی توصیه می‌شود، تا وقتی خطر برطرف شود.

دوم ـ ٦ : او بازگشتی تحسین‌انگیز انجام‌می‌دهد. بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیـــر : این امر، با دستگیری و کمك مردی خیرخـواه انجام می‌پذیرد.

ســوم ـ ٦ : او دایـم می‌رود و بازمی‌گردد. بـا اینکه مـوقعیت خطرناك است، خطایی نمی‌رود.

تفسیـــر : می‌تـوان جلوی نکبت و بلا را، بـا تشخیص خطر و احتیاط بسیار، گرفت.

چهارم ـ ٦ : او به همراهی چندتن می‌رود، اما تنها بازمی‌گردد.

تفسیـــر : این کار، فرخنده و مبارك است، چرا که برای او در این‌زمان رفتن از جاده‌یی‌تنها، درست‌ترین‌کارهاست.

پنجـم ـ ٦ : او به ترتیبی شریف و مستقیم بازمی‌گردد. دلیلی برای انابه و توبه نیست.

تفسیـــر : آگاهی نسبت به‌ناکامی‌هایش، و میل به برطرف‌کردن آنها او را از بی‌حیثیتی نجات می‌دهد.

ششـم ـ ٦ : او به‌ترتیبی نامنظم و درهم‌ریخته بازمی‌گردد. نکبت، اشتباه و حتی بیچارگی و تهیدستی پیش می‌آید. اگر کوشش او بــه گسیل سپاه منجر شود، نتیجه‌یی جــز شکستی عظیم نخواهد داشت. حتی‌حاکم درگیر خواهد شد، حتی زمـانی ده ساله، برای جبران ایــن فاجعه کافی نیست.

تفسیـــر : او در لحظه‌یی بازمی‌گردد، که تمام‌حرکات و تغییرات نامیمون و نامبارك است، و نقطه‌نظرهای اشتباه او منجر به خطری کلی و عدم ثبات و تزلزل خواهد شد.

اگر عقاید او، همراهان او را به خطر اندازد، دچار شکستی عظیم خواهد شد. چنین فاجعه و فلاکتی را نمی‌توان به سهولت برطرف کرد، حتی در ده سال نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

شش خطی
۲۵



无妄

WU WANG

وو، وانگ

سه‌خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه‌خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

درستی محض

حکـــــــم : درستی محض. پیشرفت و موفقیت عظیم. ثبات قدم مفید است. اگر به درستی عمل نکند، گرفتار اشتباه خواهدشد. و در هیچ‌جهتی امکان‌حرکت‌نخواهدیافت.

تـوضیـــح : در اینجا خط قوی اولی از «سه‌خطی» بالایی فـرود می‌آید و ارباب «سه‌خطی» پایینی می‌شود، و حرکت‌را به قدرت پیوند می‌دهد. خط قوی پنجم از خط ضعیف دوم جواب می‌گیرد، که نشانگر پیشرفتی است که از پیروی شدید از قانون آسمانها ناشی است.

کسی‌که به ترتیبی صحیح عمل نمی‌کند، دچار اشتباه خواهد شد، و چیزی وجود ندارد که اهداف او را به ثمر رساند. چگونه ممکنست کسی که بدینگونه عمل می‌کند، و با اینهمه خودرا به‌دور از اشتباه می‌داند، پیشرفت کند؟ آیا کسی کـه خواسته‌ی خود را بـا خواسته‌ی آسمانها تطبیق نمی‌دهد، می‌تواند چیزی را با موفقیت به پایان برد؟

اگر اعمال او توأم با درستی و امانت نباشد، مرتکب اشتباهات فاحش خواهد شد، و در ایـن حالت هیچ حرکت دیگری نمی‌توانـد این اشتباهـات را جبران کند. هرچه به آرزوهای خود بـا صداقت و درستی بیشتری نـزدیك شود همانقدر تـأثیر و موفقیتش بیشتر خواهـد شد. درستی محض، صفت مشخصه‌ی آسمانهاست و نیز مشخصه‌ی والاتـریـن دسته از انسانها. مرد برتر هرگز از صحیح رفتار کـردن و درست بودن، طفره نمی‌رود.

تصـویــر : تندر (چن) زیر آسمان (چ،ین) می‌غرد. همه‌چیز بـه طبیعت واقعی خود رجوع‌می‌کند. و از هر ناپاکی رها مـی‌شود. امیران قـدیم، با فصول مطابقت کـامل داشته‌اند و همه‌ی موجودات را اطعام می‌کردند.

خطــوط

یکـــم ـ ۹ : او از هر عدم صمیمیتی به دور است، و پیشرفت او

با مساعدت بخت همراه است.

تفسیـــر : با روی آوردن به درستی و امـانت، همه‌ی اعمال او مطلوب خواهد بود.

دوم ـ ٦ : او بی‌آنکه شخم زده بـاشد، درو می‌کند، او محصول سال سوم را از مزارع خود جمع می‌کند، بی‌که در سال اول کشتی کرده باشد. این فضیلت اوست که به هر چیز اقدام می‌کند، فایده می‌برد.

تفسیـــر : کاملا بـه دور از انگیزه‌های خودخواهانـه، جـاده‌ی پاکدامنی و خوبی را، تنها برای پاك بودن و خوبی کردن طی می‌کند، ازینرو همه‌ی‌اعمالش موفقیت‌آمیز خواهد بود.

سـوم ـ ٦ : بدبختی و فاجعه حتی برای آن کسی که از ناپـاکی به دور است رخ‌می‌دهد. رهگذری، گاو نر مهارشده‌یی را می‌دزدد، و همسایگان آن دهقان، متهم بـه دزدی می‌شوند.

تفسیـــر : او حتی وقتی خودش با درستی و امانت عمل می‌کند، باید از امکان وجود شر و نکبت آگاه باشد.

چهارم ـ ٩ : اگر بتواند ثابت‌قدم و صحیح‌العمل بماند، اشتباهی نخواهد رفت.

تفسیـــر : پافشاری زیاد، و شهامت باورداشتن به پاکـدامنی و فضایل خود، در این زمان ضروری است.

پنجـم ـ ٩ : اگـرچـه درست و امین است، امـا بیمار می‌شود. نگذارید از دوا استفاده کند، تا فرصت شادمانی و مسرت را بیابد.

تفسیــــر : لازم نیست نگران باشد، بدون‌کوششی، جاده‌ی‌مطمئن و امن او در میان مشکلات متداول، پدیـدار خواهد شد.

ششـم ـ ۹ : اگرچه از همه‌ی ناپاکی‌ها به دورست، معهذا مطمئن است که اگر اقدام بـه پیشروی کند، مرتکب اشتباه خواهد شد.

تفسیــــر : هیچ نوع حرکتی مفید فایـده نیست. در این زمـان شخص باید درجا بماند و در موقعیت‌فعلی خود مستقر باشد.

شش خطی
۲۶



大畜

TA Ch'u

تا، چ، او

سه‌خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

ذخیره اندوختن از طریق خویشتن‌داری

حکـــــم : ذخیره اندوختن از طریق خویشتن‌داری. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است. اگر او استعداد و هوش خود را فقط به نفع طبقه‌ی خود ذخیره نکند. بلکه

خود را در خـدمت امیر قرار دهـد، بخت مساعدت خواهد کرد. و او را به حدی خواهد رساند که از آب بزرگ عبور کند.

تـوضیـح : در اینجا ما خواص قدرت‌زیاد و ثبات‌قدم را می‌بینیم، که اشعه‌یی درخشان در اطراف ساطع می‌کند، و هـر روزه فضایلی تازه بروز می‌دهد. خط قوی بالاترین جای را اشغال کـرده، و نشانگر ارزشهای هوش و پاکدامنی است. بخت مساعد برای آنکس مقدر شده است که به‌دنبال آن نیست‌که ثروتهایش را درطبقه‌ی خود نگاه دارد، بلکه‌به همه‌ی‌انسانها منفعت‌می‌رساند. عبور از آب بزرگ در این زمان، به‌خواسته‌ی‌آسمانها اگر باشد، مطلوب و مناسب خواهد بود.
اگر به خدمت سازمان‌های عمومی‌درآید، و از مواهب امیر بهره‌مند شود، می‌تواند مشکلترین امور را بـه عهده گیرد.

تصـویـر : آسمانها (چ، ین) درمیان‌کوه (کن). مرد برتر گفته‌ها و اعمال مردان دوران قدیم را به ذهن می‌سپرد، و بدینترتیب بر فضایل خود می‌افزاید.

خطـوط :

یکـم ـ ۹ : او در موقعیتی خطرناك قرار می‌گیرد. عاقلانـه است اگر پیشروی نکند.
تفسیـر : موانع بسیار بر سر راهند.

دوم ـ ۹ : چوبه‌ی مهار ارابه از جا دررفته.

تفسیــــر : خطر افـزون می‌شود. پیشروی او را بــه مخاطره‌یی سهمگین دچار خواهد کرد.

ســوم ـ ۹ : او به سرعت پیشروی می‌کند، و اسبان‌قوی ارابه‌اش را پیش می‌رانند. اگر او مشکلاتی را که در مقابلش هستند تشخیص دهــد، خــود را آماده سازد، و بــا مآل‌اندیشی اقدام کند، به موفقیت نائل خواهد شد.
تفسیــــر : اما همچنان محدودیتی محتاطانه لازم است.

چهارم ـ ٦ : بر سر گاو نر جــوان، قطعه‌چوبــی بسته شده. بخت مساعد خواهد بود.
تفسیــــر : درست از همان لحظه‌ی شروع، محدودیتی محطاطانــه توصیه می‌شود، حتی قبل از اینکه هیچ لزومی برای آن حس شود، مثل آن کسی که پالهنگی بر شاخ گاو نر تازه‌سالی می‌گذارد، گاوی که هنوز به رشد کامل خود نرسیده است.

پنجـم ـ ٦ : دندانهای یک‌گراز می‌افتد. بخت‌مساعدت‌خواهدکرد.
تفسیــــر : اگر گــرازی قــوی اخته شده است، پس دیگر تمایل چندانی به استفاده از دندانهایش ندارد. با محصور کردن شر و بلا در سرچشمه‌ی خود، قدرت آن خنثی می‌شود، و ممکن است نیکی غالب گردد.

ششـم ـ ۹ : او به راه آسمانها دست یافته. پیشرفتی عظیم خواهد بــود.
تفسیــــر : دوره‌ی‌محدودیت‌های لازم سرآمده، به‌خاطر فضایلش، گویی تحت فرمان آسمانهاست. پیشرفت او شکست ندارد.

شش خطی
۲۷



頤

i

ای

سه‌خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

اطعام

حکـــــــم : اطعام. با صحت‌عمل کامل، بخت مساعدت‌خواهدکرد. روشی را که افراد اتخاذ می‌کنند، تا دیگران را اطعام کنند، مورد ملاحظه قرار دهید. و همچنین دقت کنید

که این افراد، برای طعام خودشان به دنبال چه‌چیز هستند.

توضیح : وقتی طعام از نوع درست و خوب آنست، پافشاری شدید منجر به مساعدت بخت می‌شود. ما باید به آنهایی بنگریم که آرزو داریم اطعام‌کنیم، و همچنین متوجه طعام خود باشیم. آسمانها و زمین همه‌چیز را اطعام می‌کنند، و عاقلان و ریش‌سپیدان، مردان با استعداد و پرهیزگار را اطعام‌می‌کنند، مردانی را که شاید از تمامی دنیا نگاهداری‌می‌کنند. اثرات اطعامی به موقع و به‌جا، بسیار عالی است!
مرد برتر بدن و مغز خود را اطعام می‌کند، خود و دیگران را اطعام می‌کند. با کمك فضایل‌خود در مورد نوع و میزان غذایی که باید مصرف کرد، تصمیم خواهد گرفت. اگر بخواهیم طعام مؤثر باشد، باید هماهنگ و درست باشد.

تصویر : تندر (چن) در دامنه‌ی کوه (کن). مرد برتر با دقت مواظب سخنانی است که می‌گوید، و غذا و آشامیدنی خود را تنظیم می‌کند.

خطوط :

یکم ـ ۹ : شما لاك‌پشت جادویی خود را رها می‌کنید، و بر من می‌نگرید تا آرواره‌ی تحتانی‌تان به‌پایین آویخته شود. نکبت و بلا پیش خواهد آمد.
تفسیر : اگرچه قادرست بدون کاری طاقت‌فرسا تغذیه کند، مانند لاك‌پشتی مقدس که از هوا تغذیه می‌کند، او با حسرت و با دهان باز، به دیگری خیره شده. هیچ

خیری از این عمل زاییده نمی‌شود.

دوم ـ ٦ : او در جستجوی غذا، به ترتیبی نیمه‌کاره بـه پایین می‌نگرد، یا که در ارتفاعات بالا به دنبال‌آن می‌گردد. اگر اصرار کند، شر و نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیـــر : او در بالا و پـایین بـه دنبال غـذاست، و در مـورد موقعیت خود مسامحه می‌کند. پیشروی چه بـه سمت بالا و چه به سمت پایین نامطلوب است.

سـوم ـ ٦ : او در عین تمایل بـه غذا، از گـرفتن آن خودداری می‌کند. هر کاری‌که بکند، نکبت و بلا به‌همراه دارد. به مدت ده سال هر کاری که به عهده می‌گیرد، برای او نفعی در بر نخواهد داشت.

تفسیـــر : او که خود را کاملا خودکفا می‌داند، همه‌ی ملاقاتهای پرثمر را رد می‌کند، و ذخایر فضیلت‌های خـود را خالی می‌کند.

چهارم ـ ٦ : او برای اطعام کردن دیگران، به پایین می‌نگرد. او با نگاه بدون لرزش یك ببر، خیره می‌نگرد، انگارآنهایی را که در پایین هستند می‌آزماید.

تفسیـــر : از آنجاییکه علاقه و نگرانی او برای آسایش دیگران است، و نه بـرای پیشرفت خودش، ازینرو اعمالش قابل خرده‌گیری نیست.

پنجـم ـ ٦ : او برخلاف آنچه عادی و کامل است عمل می‌کند، اما اگر ثبات قدم داشته باشد، بخت مساعدت خواهدکرد. در این زمان او نباید از آب بزرگ عبور کند.

تفسیـــر : او بـرای تکالیف مقام بالایی کـه به او محول شده،

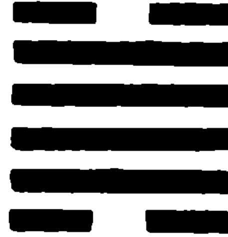
مناسب و شایسته نیست، اما اگر بتوانــد به مافوق عاقلی اطمینان کند، و ازو اندرز بپذیرد، ممکن‌است همچنان خوشبختی از آن او بماند. اما نباید تعهدات عظیم برعهده گیرد.

ششــم ـ ۹ : او منبع غذاست. اگرچه موقعیت او مخاطره‌آمیزست، معهذا بخت مساعدت خواهد کرد. عبور از آب‌بزرگ به نفع اوست.

تفسیــر : او معلمی بزرگ است، او مقسم غذای تمام افــرادی است که در زیر آسمان‌ها زندگی می‌کنند. وظیفه‌ی‌او سخت است و مسئولیت او عظیم، اما چون بــر آنها آگاه است، خود را شایسته‌ی آنها نشان می‌دهد.

شش خطی

۲۸



大過

TA KUO

تا، کواو

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

فزونی

حکـــــــم : فـزونی. تیر سقف از وسط خم شده، نزدیک است بشکند. هر حرکتی ممکنست مناسب باشد. موفقیت وجود خواهد داشت.

توضیح : در اینجا نیروی ترکیبی خطوط قوی، رویهمرفته بسیار زیاد است. خطوط بالایی و پایینی هر دو ضعیفند. و «شش‌خطی» به‌طور کلی به سقفی شکسته می‌ماند که باری سنگین بر پشت می‌کشد. اگرچه، خطوط قوی در مرکز «سه‌خطی»ها واقعند، با اینحال ممکنست موفقیتی به دست آید. به راستی، کاری که در زمان وخیم به انجام می‌رسد، کاری عظیم است.
وقتی که تیر اصلی سقف یك خانه باید باری زیاده از حد سنگین بکشد، فروریختن‌آن امری‌قریب‌الوقوع است. این وضعیت وخیم نمی‌تواند چندان دوام بیاورد، اما می‌توان از فاجعه، با عملی سریع اجتناب کرد.
در زمانهای خارق‌العاده، باید رهبری امور را به‌دست کسی‌سپرد که از استعدادی‌استثنائی برخوردار باشد. احساس خطر بخاطر افزونی و افراط، و در پی آن حرکتی سریع و حساس برای رفع این خطر، مثمرثمر خواهد بود.

تصویر : درخت (سون) پنهان در پشت آبهای دریاچه (تویی). مرد برتر به‌تنهایی می‌ایستد، و ترسی ندارد. او از دنیا بی هیچ تاسفی کناره می‌گیرد.

خطوط

یکم ـ ۶ : او، زیر اشیایی که بر زمین پراکنده‌اند، حصیری از نی بوریای سپید پهن می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : نی بوریای سپید نادر است، و استفاده از آنها به صورت حصیر نشان می‌دهد که او زحمت کشیده‌است تا آن را ببافد. یك‌چنین توجه‌باریك‌بینانه‌یی نسبت به جزییات، منتهی به موفقیت خواهد شد.

دوم ـ ۹ : یك درخت بید در حال پوسیدگی، جوانه می‌زند، یك شوهر پیر، همسر جوان را تصاحب می‌کند. به هر صورت مفید فایده خواهد بود.

تفسیر : از آنجاییکه یك مرد پیر هنوز هم می‌تواند از زنی جوان فرزند به وجود آورد، به این ترتیب می‌توان با پذیرفتن عقاید جدید، شکستی محتمل را به موفقیت تبدیل کرد.

سوم ـ ۹ : تیر اصلی‌سقف به‌طرز خطرناکی کج‌می‌شود. بدبیاری از دنبال می‌آید.

تفسیر : برداشتن باری سنگین، برخلاف نصیحت دوستان، موجب است که حمایت آنان را از دست بدهد، و شکستی جدید پیش آید.

چهارم ـ ۹ : تیر اصلی سقف حمایت می‌شود. بخت مساعد خواهد بود. اما اعتماد به کمك‌کنندگان ضعیف، به بدبختی منتهی می‌شود.

تفسیر : به دلیل حمایت دیگران خطر مرتفع می‌شود، اما اگر به این حمایت بیش از حد متکی شود، موفقیت چندان نخواهد پایید.

پنجم ـ ۹ : بید در درحال‌پوسیدگی، فقط گل‌می‌دهد، نه‌جوانه‌های تازه. همسری پیر، فرزندی به وجود نخواهد آورد. نه گناهی هست و نه برکت و آمرزشی.

تفسیر : تخصیص‌دادن نیرو به یك هدف قدیمی نه به موفقیت می‌رسد نه به شکست، تنها ممکنست موجب رکود شود.

ششـــم ـ ٦ : هنگام عبور از رودخانه، آب از سرش فرا می‌گذرد. بدبیاری و ناکامی است. اما گناهش برکسی نیست.

تفسیـــر : وقتی شخصی در جریـان یك عمل صحیح مسئولیتی بـه عهده می‌گیرد، به خاطر شرایط ناجـور درهم می‌شکند، در اینجـا بـدبیاری نهفته است، امـا از آنجاییکـه نیت او پاك است، لزومی نـدارد کـه از عیبجویی و انتقاد بترسد.

یـادداشت : هر هشت «سه‌خطی» چندین خاصیت دارند، که مهمترین این خواص، به «شش‌خطی‌ها» مفهوم داده است. گاهی‌مفاهیم‌دیگر «سه‌خطی‌ها» در متن دیده‌می‌شود. به‌ویژه، «سه‌خطی» «سون» علاوه بر خواص اصلی خود «باد» و «آرام»، می‌تواند نشانگر «چوب» یا «درخت» هم باشد. و این مفهوم دیگر در همین «شش‌خطی» (۲۸) جلوه‌گر است.

شش خطی
۲۹



坎

K'AN

ك، ان

سه‌خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه‌خطی پایینی: ك، ان: آب، خطرناك.

گودال هول‌انگیز

حکـــــم : گودال هول‌انگیز. صداقت و هوشیاری‌ذهنی، موفقیت را تثبیت می‌کند. عمل راسخ مفید فایده خواهدبود.

توضیح : یك گودال، گودالی دیگر را به‌دنبال دارد. آب لاینقطع جریان دارد، و حتی هنگامی که در یك گودال‌خطرناك جاری است، باز هم طبیعت واقعی خود را حفظ می‌کند. آنکسی که ذهنی راسخ دارد، می‌تواند این درس را درك کند، و نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز کوششهای خود را ببیند. این امر توسط خط قوی مرکزی «سه‌خطی» پایین نشانداده شده. عملی با ثبات مفید فایده است، به دنبال پیشروی موفقیت خواهد آمد. بر خطراتی که منتج از آسمانهاست، نمی‌توان فائق شد، اما بزرگترین مشکلات زمین، صرفاً کوهها، رودخانه‌ها، تپه‌ها و تخته‌سنگها هستند. امیران و امیرزادگان ازین واقعه‌های طبیعی استفاده می‌کنند، تا سرزمین خود را حمایت و نگاهداری کنند. به راستی که این درس در باب زمان خطر، درسی عظیم و مهم است!
خطر بر سر راه است، چون گودالی هول‌انگیز که از آبی طغیانگر پر شده. اگر بخواهیم علیرغم یك‌چنین موانعی، پیشرفت کنیم، باید با آن در کمال صداقتی شرافتمندانه برخورد کنیم، با ذهنیتی که تیز، درخشان و راسخ است. اگر این شرایط را فراهم آوردیم، نتیجه‌ی آن کامیابی خواهد بود.

تصویر : آب (ك، ان) مدام جاری است. مرد برتر، به شدت امانت درونی خود را حفظ می‌کند، و با پاکدامنی رفتار می‌کند. و به آموزشهای خود به دیگران ادامه می‌دهد.

خطوط

یکم ـ ٦ : در عمق گودال، وارد غاری می‌شود. نکبت و بدبختی

خواهد بود.

تفسیر : او بدون‌امید گم‌شده، و قادر نیست راه خود را بیابد. هیچکس نمی‌تواند به او کمك کند، و خود او با کوشش شخصی، تنها خود را عمیقتر درگیر این خطر خواهد کرد.

دوم ـ ۹ : او در عمق گودال هول‌انگیز است. تنها در مسایل کوچك موفقیتی نصیب او خواهد شد.

تفسیر : او قادر به فرار ازین خطر نیست. حداقل بیشتر خود را درگیر این خطر نمی‌کند.

سوم ـ ٦ : گودال در گودال. او چه بالا رود، چه پایین، درگیر گودال است. ترس او را فراگرفته، و نمی‌تواند آرام گیرد. جد و جهدش در گریز ازین خطر او را بیش از پیش به درون چاله می‌کشاند. ازین طریق نباید عملی انجام داد، تنها باید منتظر ماند.

تفسیر : او در موقعیتی شدیداً خطرناك است. هر نوع عملی خطرناك است. صبر امری حیاتی است.

چهارم ـ ٦ : تنها پیمانه‌ای از اشربه، سبدی برنج، و کماج‌ها. او به فرمانروای خود به بهترین وجه ممکن، آموزش می‌دهد. در آخر اشتباهی مرتکب نشده است.

تفسیر : خودنمایی در زمان بزرگترین خطرها، لازم نیست. سادگی واقعی می‌تواند هرآنچه لازم است، به دست آورد. چون کسی که جشنی ساده می‌گیرد، تنها مقدار کمی از اشربه و برنج و ظروف گلی دارد، اما با همین ادا، مافوق او به او گوش فرا می‌دهد. هیچ اشتباهی از آن ناشی نخواهد شد، اگرچه در نتیجه‌ی حاصله تاخیر شود.

پنجـم ـ ۹ : هنوز گودال آنقدر پر نیست که سرریزکند. گودال فقط تا لبه پر شده[1]. اشتباهی نخواهد رفت.

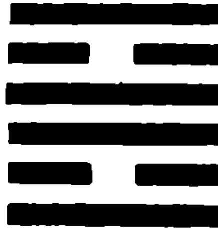
تفسیـــر : اگرچه گـودال هنوز از آب پـر نشده، اما بـه‌زودی سرریز خواهد کرد و به اطراف خواهدریخت. در این راه خطر در مدت کوتاهی برطـرف می‌شود. و نظم دوباره برقرار می‌گردد.

ششـم ـ ٦: او به وسیله‌ی طنابهای ضخیم‌بسته‌شده، و باخارهای بیشه‌زار محصور شده. مـدت سه سال راهی بـرای گریز نمی‌یابد. نکبت و بدبختی خواهد بود.

تفسیـــر : او امید ندارد که از ایـن وضع نامساعد برهد. تنها کاری که می‌تواند بکند انتظار است.

۱ـ این دو جمله در دو متن ویلهلم و داگلاس تفاوتی‌اساسی‌داشت. و جمله‌ی داگلاس چنین بود: «هنوز گودال پر نیست، اما به‌زودی نظم برقرار می‌شود.»

شش خطی
۳۰



離

Li

لی

سه‌خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

زیبایی درخشنده.

حکـــــم : زیبایی درخشنده. پافشاری و ابرام در راه صحیح، آزادی و مـوفقیت را موجب می‌شود. اهمیت‌دادن بـه گاوها، خوشبختی می‌آورد.

توضیح : لی نشانگر وابستگی است. آفتاب و ماه وابسته‌ی آسمانها هستند، همه‌ی دانه‌ها، نباتات، درختان وابسته‌ی زمین هستند، درخشش آتشینی که توسط ایندو «سه‌خطی» تولید شده‌اند، به ترتیبی صحیح با هم جمع می‌آیند، و در نتیجه هرآنچه را زیر آسمان است تغییر می‌دهند و کامل می‌کنند.
موجودیت انسان وابسته‌ی بسیاری چیزهاست. تنها از طریق باورداشتن راه کهکشان می‌توان به‌موفقیت رسید. تنها از طریق وابستگی کامل به نظم طبیعی می‌توان جهان را بهتر کرد. این امر را به وسیله‌ی تصویر گاوی خشنود و مطیع نشان می‌دهند، که با تسلیم شدن در مقابل نیرویی بالاتر، خوشحالی خود را باز می‌یابد.

تصویر : درخشندگی (لی) مکرر. مرد برتر زیبایی درخشنده‌ی وجود حقیقی خود را هویدا می‌سازد، و ازین طریق چهار گوشه‌ی جهان را منور می‌کند.

خطوط

یکم ــ ۹ : او آماده‌ی حرکت است، اما با قدمهای نامرتب. اگر با مراقبت و وقار راه برود، اشتباهی رخ نخواهدداد.
تفسیر : راه مقابلش روشن نیست. پیشروی با احتیاط تمام، تمرکز برای حل کردن هر مساله‌یی که پیش می‌آید، به موفقیت منتهی خواهد شد.

دوم ــ ٦ : نور زرد. مساعدت کامل بخت.
تفسیر : زرد، رنگ نور آفتاب سر ظهر است، و نشانگر میانه‌ی راه است. مسیری درست در هر عمل. مسیری

که میان افراط و تفریط واقع است. پیشروی در یك چنین جاده‌یی به خوشبختی منجر می‌شود.

سوم ـ ۹ : در نور آفتاب‌غروب‌کننده، مردان‌جوان روی‌کاسه‌های غذای خود ضرب می‌گیرند و می‌خوانند، حال اینکه پیرمردان ناله می‌کنند و شیون می‌کنند. نکبت و بلا خواهد بود.

تفسیر : موفقیت یکباره‌ی او نخواهد پایید. نه فعالیتی پرشور و هیجان، و نه نومیدی عقیم‌کننده، به مساله کمکی خواهد کرد. بهترین راه آنست که در سکوت آماده‌ی مقابله با مشکلات آینده شود.

چهارم ـ ۹ : آمدنش ناگهانی است. به همان نسبت به سرعت می‌میرد و گم می‌شود. چه ناگهانی طرد می‌شود!

تفسیر : عملی که زیاده شتابزده است، نمی‌تواند اثری پایا داشته باشد. خوشبختی غیرمترقبه نخواهد پائید.

پنجم ـ ٦ : سیلاب اشك، ناله‌های دردبار، آههای‌رنجبار. معهذا خوشبختی خواهد بود.

تفسیر : شرایط مخاطره‌آمیز، نگرانی و تشویش تولیدمی‌کند، اما بروزات درد و ناراحتی، به خودی خود ثابت می‌کند که راهی درست دنبال می‌شود. بخت مساعدت خواهد کرد.

ششم ـ ۹ : امیر در تنبیه شورشگران پیش می‌رود. او رؤسا را نابود می‌کند و پیروان آنها را فنا می‌کند. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : نظم و انتظامات، چه برای یك نفر، چه برای‌دیگران،

از طریق نابود کردن ریشه‌ی ناراحتی به دست‌می‌آید.
اما اجرای حکم وقتی زیاده خشن باشد هـدف اصلی خود را از دست می‌دهد و شکست‌می‌خورد. اعمال‌دقیق و محتاطانه، موفقیت را تضمین می‌کند.

شش خطی
۳۱



咸

hsien
هسین

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

کشش دوجانبه

حکم : کشش دوجانبه. صحت‌عملی با ثبات به موفقیت می‌انجامد. ازدواج با دختری‌جوان سودمند است. بخت مساعدت خواهد کرد.

توضیح : در اینجا «سه‌خطی» ضعیف، بالا، و «سه‌خطی» قوی، پایین قرار دارد. تاثیرات آنها متقابلا گیرنده است، ازینرو آنها می‌توانند با هم شوند، ساکن و شادان متحدمی‌شوند. مذکر زیر مؤنث قرارمی‌گیرد، ازینرو بخت مساعدت خواهد کرد.

آسمان و زمین هم‌دیگر را جذب می‌کنند، و دگرگونی و خلقت همه‌چیز، نتیجه‌ی آنست. عاقلان ذهن مردان را به طرف خود جذب می‌کنند، و هماهنگی کیهانی و صلح و آرامش از پی آن می‌آید.

اگر ما به سرشت این کشش دوجانبه بنگریم، خصلت واقعی آسمانها و زمین و همه‌چیز می‌تواند دیده‌شود. کششی دوجانبه موجب می‌شود که مرد خود را به دختری ضعیفتر تسلیم کند. به همان ترتیب مرد برتر، بدون خودخواهی به تاثیرات کیهانی تسلیم می‌شود، و آسمانها او را تقدیر می‌کنند.

تصویر : دریاچه (تویی) روی کوه قرارگرفته (کن). مرد برتر ذهن خود را از همه‌ی اشتغالات خالی می‌دارد، و آماده‌ی‌پذیرایی‌ازهرآن‌کسی‌است‌که‌به‌اونزدیک‌می‌شود.

خطوط

یکم ـ ٦ : او انگشتان پایش را می‌جنباند.

تفسیر : هرچه یك مرد انگشتان پایش را بجنباند، این کار او را قادر به رامرفتن نخواهد کرد. نیت کافی نیست، عمل باید به دنبال آن بیاید.

دوم ـ ٦ : او ماهیچه‌ی ساق پایش را تکان می‌دهد. نکبت نزدیك می‌شود. اگر بتواند از تکان‌دادن آن خودداری کند. باز هم ممکنست بخت مساعدت کند.

تفسیـــر : اگرچه مشتاق پیشروی است. اما اینك زمان اقــدام فرا نرسیده. صبر توصیه می‌شود.

سـوم ـ ۹ : او رانش را بدون وقفه حرکت می‌دهد، و نمی‌تواند از آن کسانـی کـه تحسین می‌کنند، دنبالـه‌روی نکند. یك چنین عدم تسلطی بر نفس، به پشیمانی می‌انجامد.

تفسیـــر : تحت تاثیرآن‌کسانی واقع شدن کـه ارزش احترام ندارند، او را درگیر خطری غیرلازم می‌کند.

چهارم ـ ۹ : او با استحکام تمام عمل‌می‌کند. چنین نظم و انتظامی به کامروائی می‌انجامد، و جلوی هرگونه پشیمانی و ندامتی را می‌گیرد. اگر او ناآرام و بی‌نظم است، فقط دوستان نزدیکش او را جدی خواهند گرفت.

تفسیـــر : او باید به اثرات خارجی غیرلازم راه ندهد و از آنها برحذر باشد. اگر با استواری در راه درست برود، حامیان باارزشی متوجه مساله‌ی او می‌شوند.

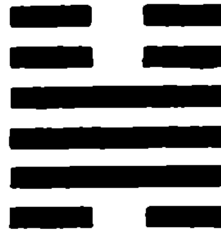
پنجـم ـ ۹ : او پوستی را که ستون فقرات او را پوشانده، تکان میدهد. جایی برای پشیمانی نخواهد بود.

تفسیـــر : چنین حرکتی نمی‌تواند اعمال او را تحت تاثیر قرار دهد، در نتیجه مخاطره‌یی در راه پیشرفت او نخواهد بود. این نکته می‌رساند که حرکاتی با منظور معین، توصیه نمی‌شود.

ششـم ـ ٦ : او بی‌وقفه گلو و آروارەی خود را به‌کار می‌گیرد.

تفسیــــر : او این عمل را انجام می‌دهد، فقط برای آنکه دیگران را از طریق گپهای مبتذل و چاپلوسی‌های عوامانه بیازماید، و تحت تاثیر قرار دهـد. نتیجه نکبتبار خواهد بود.

شش خطی
۳۲



恒

HENG

هنگ

سه‌خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

بقا

حکـــــــم : بقا. پیشرفتی موفق وبدون خطا. صحت‌عمل و ثبات قدم مفید فایده است. حرکت در هر جهتی کامروا خواهد بود.

تــوضیــــح : در اینجا «سه‌خطی» قوی در بالا و «سه‌خطی» ضعیف در پایین قرار دارد.
تندر و باد متحد شده‌اند، ترکیبی است از آرامش و حرکتی فعالانه، که در آن همه‌ی خطوط به یکدیگر جواب می‌گویند.
راه آسمانها و زمین بدون وقفه، مدتی مدید به‌طول می‌انجامد، وقتی نیروی انگیزاننده به انتها رسید، دوباره ایجاد خواهـد شد. پیروی از راه آسمانها، موجب است‌که خورشید و ماه، درخشش خود را دایمی کنند. چهارفصل، با تغییرات و دگرگونی‌های خود، خلقت هر چیزی را ابدی می‌کنند. عاقلان در مسیر خود، مدتی مدید پافشاری می‌کنند، و همه‌چیز زیر آسمان کامل می‌شود. هنگامی که دلیل بقای آنان را بــررسی می‌کنیم، طبیعت واقعی آسمانها، زمین و همه‌ی چیزها را می‌بینیم.

تصــویــــر : تندر (چن) و باد (سون). مرد برتر ثابت می‌ایستد و به خود اجازه نمی‌دهد که در نوسان باشد.

خطــوط

یکــم ـ ٦ : وضع‌او بستگی‌به‌تحمل‌و بردباری‌او دارد. حتی‌اگر به درستی عمل کند، نکبتبار خواهد بود. هیچ نفعی به او روی نخواهد کرد.

تفسیــــر : حتی اگر به‌شدت‌پایداری‌کند، چون‌کوششهایش به‌راه غلط بوده، تنها نتیجه شکست خواهد بود. پر کردن مغز با افکاری در مورد دوام‌آوردن و تحمل‌کردن، جایی برای حصول کامیابی نخواهد گذاشت.

دوم ـ ۹ : هیچ دلیلی برای تاسف نمی‌ماند.
تفسیـــر : این امر، به این دلیل است که او می‌تواند خود را در محدوده‌های منطقی جای دهد.

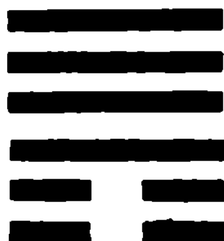
ســوم ـ ۹ : او عفت و پرهیزگاری خود را بـدون لغزش، و بی نوسان حفظ نمی‌کند، و بدینترتیب خود را درمعرض رسوائـی و خفت قرار می‌دهـد. هرچقدر مستحکم و بالبات عمل کند، باز هم دلیلی برتاسف خواهدداشت.
تفسیـــر : اگرچه سعی می‌کند کـه جاده‌یی واقعی را دنبال کند، معهذا شرایط بـرعلیه او کار می‌کنند و او تـاب نمی‌آورد.

چهارم ـ ۹ : هیچ شکاری در مرغزار نیست.
تفسیـــر : اگر مرغـزار خالی باشد، هرچقدر شکارچـی مصمم باشد و پایداری کند، شکاری به‌دست نخواهد آمد.

پنجـم ـ ٦ : او در عین پاکدامنی، وفای سنتی ازدواج را رعایت می‌کند. در زنان یك چنین پاکدامنی کامرواست، و در شوهران نکبتبار.
تفسیـــر : یك زن، آگـاه از ضعف خود، بایـد در عین اطاعت تسلیم باشد. اما شوهر باید خود را آزاد کند وقانونی را رعایت کند که درست است.

ششـم ـ ٦ : او مـدام، بـه روشی هیجـانزده، عمل مـی‌کند. نکبت وجود خواهد داشت.
تفسیـــر : بـه زودی نیروی او مضمحل می‌شود و کوششهـای خشونت‌بـارش تنها ممکنست به شکست بینجامـد. خویشتن‌داری کامل الزامی است.

شش خطی
۳۳



遯

TUN

تون

سه‌خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه‌خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

عقب‌نشینی

حکـــــــم : عقب‌نشینی. موفقیت. اگر در مسایل کوچك پافشاری شود، مفید فایده است.

توضیح : این «شش‌خطی» نشان می‌دهد که حتی عقب‌نشینی، ممکنست عاقبتی موفقیت‌آمیز داشته باشد. خط قوی در مرحله‌ی پنجم است، و مطابق با احتیاجات زمان عمل می‌کند.
«پافشاری در مسائل کوچک» یعنی تمایلات مترقیانه عقب می‌نشیند، و تنها مسائل کوچك بار می‌دهد.
وقتی مردان کوچك زیاد می‌شوند و قدرتشان افزون می‌شود، اجبار زمانه موجب می‌شود که مردان برتر از مقابل آنها عقب بنشینند. با صحت عمل و ثبات قدم، نکبت تهدیدکننده ممکنست به حدی مختصر برسد.
در صورتی عقب‌نشینی با نظم و ترتیب و در امن و امان خواهد بود، که اهمیت خاص زمان آن درك‌شود.

تصویر : کوه (کن) زیر آسمان (چ، ین). مرد برتر، مردان کوچك را دور نگاه می‌دارد، نه با نشان‌دادن خشم، بلکه با حفظ کمال احتیاط.

خطوط

یکم ـ ٦ : عقب‌نشستن از طرف دم. خطر وجود دارد، پیشروی نباید کرد.
تفسیر : او به انتهای گروه عقب می‌نشیند. موقعیت در دو انتها خطرناك است، و به هیچ حرکتی نباید اقدام کرد. اگر با عجله فرار کنیم فقط نکبت و بلا را تشدید کرده‌ایم.

دوم ـ ٦ : اومحکم‌به‌هدف‌خودچسبیده، انگار بابندهای‌ناگسستنی از پوست گاو نر زرد به آن بسته شده است.
تفسیر : چنین پایداری‌یی درهدف، نشان‌می‌دهد، که آن‌هنگامی

عقب‌نشینی لازم است که شدیدا توصیه شده باشد.

سـوم ـ ۹ : او مجبور به عقب‌نشینی است، گویی گرفتار نومیدی و ترس خویش است. اگر او با کسانی که محدودش می‌کنند، بـه گونـه‌یی رفتار کند کـه گویی آنهـا مستخدمین او هستند، نتیجه موافقتر خواهد بود.

تفسیـــر : اگر او در ارتباط با مردان کوچك، آشنایی‌کمتری از خود نشان بدهد، قادر خواهد بود در مذاکره با آنان برتری خود را حفظ کند. در وضعیت فعلی، آنها مانع حرکت او خواهند شد.

چهارم ـ ۹ : او عقب می‌نشیند و چاره‌یی دیگر ندارد. مرد برتر، همچنان اقبال پیدا می‌کند، اما غیرممکنست‌که اقبالی به مرد کوچك روی کند.

تفسیـــر : مرد برتر تسلیم می‌شود، با این آگاهی کـه در فصل مقتضی بخت به او روی خواهد کرد. مرد کوچك به یك‌چنین درجه‌یی از آگاهی نرسیده است.

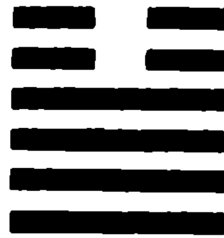
پنجـم ـ ۹ : او به نحوی تحسین‌انگیز عقب می‌نشیند. در صورت صحت عملی پایدار، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیـــر : اگر کسی تصمیم به عقب‌نشینی بگیرد، پیش از آنکه مجبور شود، عقب‌نشینی می‌تواند به گونـه‌یی تحت نظارت و تسلط باشد، و موفقیت‌آتی پایه‌گذاری‌شود.

ششـم ـ ۹ : او به گونه‌یی پـر افتخار عقب می‌نشیند. این امر از هر نظر مفید فایده خواهد بود.

تفسیـــر : او نیروی خود را حفظ می‌کند، و با خوشحالی کاری را که باید انجام دهد، به انجام می‌رساند.

شش خطی
۳٤



大壯

TA CHUANG

تا، چوانگ

سه‌خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

نیروی شدید

حکـــــم : نیروی شدید. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده‌اند.

توضیح : در اینجا می‌بینیم که شخص بزرگ قوی می‌شود. آن سه‌خطی که به‌معنی نیرو است، سه‌خطی دیگر را که به معنی حرکت است، توجیه می‌کند. منفعتی که حاصل می‌شود، در پی رفتاری همراه با صحت عمل و ثبات قدم است، زیرا آنچه بزرگ است، می‌باید صحیح هم باشد. هنگامی که صحت عمل و بزرگی ترکیب می‌شوند، خصلتها و خواستهای آسمانها و زمین ظاهر خواهند شد.
نیروی شدید باید در عین استواری و عزم راسخ پرورش یابد، اما به‌تنهایی کافی نیست، تا در مسایل، رهبری امور را برعهده گیرد. قدرت باید به عقیده‌ی درست ملحق شود، و تنها در هماهنگی با آن اعمال شود. درک چنین حقیقتی، منتهی می‌شود به باز شدن چشم باطن و درک مفاهیم همه‌چیز.

تصویر : تندر (چن) در آسمان (چ، ین). مرد برتر به هیچ‌روی قدمی برنمی‌دارد، که به نحوی امکان دارد قدمی نادرست باشد.

خطوط :

یکم ـ ۹ : او قدرت راتنها در انگشتان پای خود ظاهر می‌سازد. پیشرفت منجر به نکبت خواهد شد.
تفسیر : او در موقعیتی نیست که بتواند راه خود را با اعمال زور پیش ببرد.

دوم ـ ۹ : پافشاری به مساعدت بخت منتهی خواهد شد.
تفسیر : دورنمای آینده‌ی او خوبست.

سـوم ـ ۹ : مرد کوچك انگیخته شده تا تمام نیروی خود را به‌کار برد. اگرچه موقعیت او مخاطره‌آمیزست. مـرد برتر کف‌نفس و خویشتن‌داری را تمرین می‌کند، اگرچه که حتی خواسته‌های نفسی او هم عظیمند. اگر او به خواسته‌های نفسی خود راه بدهد به مانند بزی خواهد شد که‌به‌پرچینی شاخ می‌زند، تا بدانحد که شاخهایش در آن گیر می‌کند.

تفسیــر : احتیاط بسیار تــوصیه می‌شود. در وضعیتــی وخیم. استفاده از قدرت موازنه را ترمیم نمی‌کند. بدینگونه تسلیم نفس شدن فقط مسایل را بدتر خواهد کرد.

چهارم ـ ۹ : پافشاری شدید به مساعدت بخت منتهی خواهد شد، و امکان تاسفی نمی‌ماند. اگر با احتیاط پیشروی کند، قدرت او اثرات خوبی ایجاد خواهد کرد. شاخهایش از گیر پرچین می‌رهند. نیروی او مثل نیرویی است که در محور یك ارابه‌ی بزرگ وجود دارد.

تفسیــر : پیشروی محتاطانه، به فائق شدن بر موانع و مشکلات می‌انجامد. نیروی واقعی‌او نباید به‌طور واضح‌آشکار شود. بلکــه باید به‌طــور پنهان ذخیره شود؛ مانند نیروی عظیمی که در محور یك ارابه‌ی سنگین نهفته. قدرتی پنهان اما عظیم.

پنجـم ـ ٦ : او قوچ را بــه آسانی قربانی می‌کند. او تــاسفی نخواهد داشت.

تفسیــر : چون در موقعیتی امن قرار می‌گیرد، استراحت می‌کند و هوشیاری و زیرکی قوچ‌وار خودرا از دست‌می‌دهد. علیرغم این نکته، دلیلی بــرای پشیمانی وجــود ندارد. اما کسی که در موضع قــدرت قــرار دارد، می‌تواند استراحت کند.

ششم ـ ٦ : قوچی به پرچینی شاخ می‌زند، و قادر نیست که پیشروی کند، یا که عقب بنشیند. هیچ‌چیز مفیدفایده نیست. معهذا چنین مشکلی خوش‌اقبالی می‌آورد.

تفسیر : او چون قوچی است که‌بیهوده بر پرچینی شاخ‌می‌زند. هیچ عملی ازو برنمی‌آید که بتواند او را به هدفش برساند، معهذا اگر مخمصه‌یی که در آن گرفتار شده موجب آگاهی‌یی شود که نیاز به کف‌نفس را درك کند، ممکنست بخت مساعدت کند.

شش خطی
۳۵



chin

چین

سه‌خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: ك، اون: زمین، پاسخگو.

پیشرفت

حکـــــــم : پیشرفت. بـه دلیل خدمات امیرزاده بـه کشورش، اسبهای زیادی به او پیشکش می‌شود، و سه‌بار در یك روز، امیر به او بار می‌دهد.

توضیح : این «شش‌خطی» نشانگر آفتاب درخشان بر روی زمین است. نماد پاسخگویی درعین‌اطاعت، به‌نماد درخششی عظیم‌پیوسته؛ خط ضعیف‌پیشرفت‌می‌کند و به‌موقعیتی می‌رسد که حاکم بر «شش‌خطی» است (خط پنجم). تمامی اینها، نشانگر امیرزاده‌یی کامیار است که اسبهای متعدد به او پیشکش شده وامیر سه‌بار در یکروز به او بار داده است.
پیشرفت‌او چون‌پیشرفت‌خورشیداست، بادرخششی‌که هرلحظه افزون می‌شود، تا به ظهر برسد.

تصویر : آفتاب درخشان (لی) بر بالای زمین (ك، اون) پیش می‌آید. مرد برتر هم، با درخشش تمام می‌تابد، و این به خاطر فضایل درخشان اوست.

خطوط

یکم ـ ٦ : او به دنبال پیشروی است، اما عقب نگاهداشته می‌شود. اگر ثابت‌قدم و راسخ باشد، کامیاب خواهد شد. اگر مورد اعتماد نباشد، باید در روابط خود دست و دل‌باز و سخاوتمند باقی بماند، وبدینترتیب از خطا اجتناب خواهد کرد.

تفسیر : او امید به پیشروی دارد، اما از آنجاییکه مافوق او هنوز اعتمادی به او ندارد، او محدود و مقید شده شده است. او باید راه بردباری و آرامش ذهن را در پیش گیرد و ادامه دهد.

دوم ـ ٦ : به نظر می‌رسد که پیشروی می‌کند، اماهمچنان متاثر

است. اگر ثابت‌قدم و صحیح‌العمل باشد، بـه خوش اقبالی نائل خواهد شد. این برکت از طرف جده‌اش به او می‌رسد.

تفسیـــر : کامروایی او به‌خاطر کوشش و کـار شخصی صاحب قدرت است که مهری مادروار به او دارد.

ســوم ـ ٦ : به او همه‌ی اطرافیانش اعتماد کرده‌اند. هیچ علتی وجود ندارد که او را متاسف سازد.

تفسیـــر : جو اعتمادی دوسویه، و هدفی مشترك، آنها را به هم نزدیك می‌کند.

چهارم ـ ۹ : او چون جانور جونده‌ی کوچکی، به سرعت حـرکت می‌کند. اگر به این بی‌پروائی اصرار داشته باشد، خود را به خطر خواهد انداخت.

تفسیـــر : حرکتی تند و سریع به اطراف، به ترتیبی بدون‌وقار و آشفته، پیشرفتی حقیقی به وجود نخواهد آورد. اگر او در این حرکات نازیبا و نـاشایست اصرار ورزد، نتیجه‌ی آن همراه با بداقبالی خواهد بود.

پنجـم ـ ٦ : دیگر دلیلی بـرای تاسف وجود نـدارد. او دیگر لازم نیست نگران موفقیت یا عدم موفقیت خود باشد. پیشروی موجب مساعدت بخت، و از هر جهت مطلوب است.

تفسیـــر : او با استحکام بر مسیر صحیح‌خویش‌می‌رود، و نسبت به نتیجه‌ی آن بی‌تفاوت است. اما وقایع به گونه‌یی مقدر شده، که او در حال و آینده موفق خواهد بود.

ششـم ـ ۹ : او با شاخهای کشیده به قصد تنبیه شورشگران پیش

می‌رود. چنین اعمال قدرتی بر نزدیکان و اقوام مخاطره‌آمیز است، و هرچند ممکن است صحیح عمل کند، اما دقایقی تاسف‌بار خواهد داشت.

تفسیر : اگر به دنبال مساعدت کامل بخت هستید، باید خویشتن‌داری بسیار از خود نشان دهید.

کند، و موانع را از سر راه خود دور کند. او خود را با این‌موانع تطبیق می‌دهد، و محرومیتی‌را که سرنوشت بر او تحمیل کرده، می‌پذیرد. اما افرادی که دور و بر او هستند، تنها می‌توانند او را به‌خاطر اینکه به هدف خود نائل نشده، مورد انتقاد قرار دهند.

دوم ـ ٦ : اگرچه رانش زخمی شده، اما بر اسبی بادپای سوار می‌شود، و خود را نجات می‌دهد، و در هدف خود پابرجا می‌ماند.

تفسیر : اگرچه حرکت او توام با ناراحتی است، اما او را بی‌قدرت نساخته، و او به راه خود ادامه می‌دهد.

سوم ـ ٩ : در حین شکار درجنوب، رئیس دشمنان‌خود را دستگیر می‌کند. اما چندان شایق نیست، که همه چیز را بلافاصله درست کند، و قادرست از ارتکاب به اعمال پیش از وقت و ناکامل خودداری کند.

تفسیر : خوش‌اقبالی و کامروائی غیرمنتظره‌یی درپیش است، اما شخص نباید بگذارد که به خاطر عمل صحیح و قضاوت درستش دچار باد غرور و نخوت شود. در این لحظه‌ی خاص نمی‌توان اشتباهات محرز را تصحیح کرد.

چهارم ـ ٦ : او وارد قلمرو دشمن خود می‌شود، انگار وارد قسمت چپ شکم مردی شده باشد، و در آنجا حاکم را، به صورت یك قلب سیاه می‌بیند. درحالیکه هویت خود را مخفی داشته، می‌تواند پیش از اینکه شناسائی شود بگریزد.

تفسیر : به او فرصت داده شده تا طبیعت حقیقی کسانی که

با او ضدیت می‌کنند، ببینند، بدون اینکه در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار گیرد.

پنجـم ـ ٦ : او بـه مانند شاهـزاده «چـی» عمل می‌کند، او حتی اگـر گرفتار و زخمی می‌شد اصرار داشت در مسیر صحیح اقدام کند. نور پنهان‌شده‌ی فضایل او همچنان پابرجاست.

تفسیــر : در هنگام خطری عظیم، اگـر کسی می‌خواهـد نجات پیدا کند، ثبات قدم بسیار تـوصیه می‌شود. شخص باید چون چراغی باشد که در تاریکی روشن است.

ششـم ـ ٦ : نوری نیست، و فقط تـاریکی است. او بـه آسمان صعود کرده است، حال بر زمین فرود خواهد آمد.

تفسیــر : این سرنوشت فرمانروایی است که با وزیر ضدیت می‌کند، با کسی که می‌خواهد به او خدمتی درست و هوشمندانه کند. به‌جای آنکه مثل خورشیدی باشد که از موضع‌رفیع‌خود در آسمان برهمه‌چیز نور می‌پاشد، او مثل خورشیدی است که پشت زمین پنهان شده.

۱ـ شاهزاده چی CHI در دربار شاهی مستبد و شرور به نام چو هسین CHOU HSIN می‌زیسته. شاهزاده چی منسوب این شاه مستبدبوده و نمی‌توانسته از دربار کناره‌بگیرد، در نتیجه احساسات واقعی خـود را مخفی، و تظاهر بـه دیوانگی کرد. اگرچه او را به بردگی گرفتند، اما اجازه نداد بدبختی و ادبار بیرونی موجب شود که از اعتقادات خود منحرف شود.

این مثال به آندسته از مردم آموزش می‌دهد که نمی‌توانند در وقت ظلمت و تاریکی از مقام خود کناره‌گیری کنند. به جای گریز از خطر، آنان باید در روح خود ثبات‌قدمی رسوخ‌ناپذیر داشته‌باشند، و در ارتباط با دنیا احتیاط را دو برابر کنند.

شش خطی
۳۶



明夷

MING I

مینگ ای

سه‌خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه‌خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

تاریکی گرفتن نور

حکـــــم : تاریکی گرفتن نور. در زمان سختی، اگر در اعمال خود ثابت‌قدم و صحیح‌العمل بماند، مفیدفایده است.

تـوضیـــح : دراینجا درخشندگی(لی)وارد زمین می‌شود (ك،اون).
«سه‌خطی»پایینی نشانگرکسی‌است‌که مستعد و فاضل و خبره‌است و «سه‌خطی»بالایی‌نشانگر کسی‌که‌آرام و تسلیم است. چنین کسی «شاهون» است، کـه ایـن کیفیات را حتی وقتی درگیر مشکلات بـود، حفظ می‌کرد.
کسی‌که می‌خواهد ادبار و مصیبت را به بهترین وجه از خود دور کند، باید کیفیت‌های درخشان خود را پنهان کند. موردی که در نظر است، مورد شاهزاده «چــی»[1] است، کـه در میان مشکلات خانه‌ی خود، قادر بود خواسته‌ی حقیقی خود را حفظ کند.
وزیری خوب و باهوش، در خدمت به مملکت خویش پیش می‌رود، علیرغم اینکه تخت را حاکمی ضعیف و دوست‌نداشتنی غصب کرده باشد. تحت چنین‌شرایطی مرد برتر فضایل خود را پنهان می‌کند، درحالیکه در درون خود نسبت به این فضایل وفادار مانده است.

تصـویـــر : نور (لی) در درون زمین (ك، اون) پنهان شده. مرد برتر وقتی بر مردمان حکم می‌راند، عقل خود را علناً نشان نمی‌دهد، و به اینترتیب است که آن را ظاهر می‌کند.

خطـــوط

یکـــم ـ ۹ : او پرواز می‌کند، اما بـا بالهای فروافتاده. او با ثبات قدم به دنبال مسیر حقیقی خود، سه روز روزه می‌گیرد، بدون اینکه درآن تردید کند. مردم درباره‌ی او با تمسخر و استهزاء سخن می‌گویند.

تفسیـــر : او به محض اینکه شروع به حرکت می‌کند، به‌طور جدی مواجه با مانع می‌شود. بایـد مدتی عقب‌نشینی

شش خطی
۳۷



家人

CHIA JEN

چیاجن

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

خانواده

حکـــــــم : خانواده. مهمترین قانون در زندگی خانوادگی آنست که زن در تمام افعالش ثابت‌قدم و صحیح‌العمل باشد.

تــوضيـــح : در اینجا زن جای خاص خود را در «سه‌خطی» پایینی اشغال کرده، و مرد جای صحیح خود را در «سه‌خطی» بالایی. وقتی زن و مرد جای درست خـود را اشغال می‌کنند، موقعیت‌های صحیح آسمان و زمین‌را منعکس می‌کنند. در این «شش‌خطی» فرمانروایی مقتدر دیده می‌شود که با اقتداری پدرسالارانه نشانداده شده.
بایدکه پدر به‌راستی پدر باشد، پسر به‌راستی پسر، برادربزرگتر واقعا برادربزرگتر، و برادر کوچکتر واقعابرادرکوچکتر، بایدکه‌شوهربه‌راستی‌شوهرباشدو زن بـه‌راستی زن، آنگـاه خـانـواده در وضعیت کامل خود قرار خواهد گرفت. اگر خانواده به این وضع باشد، آنگـاه همه‌چیز زیـر آسمانها و فلك، مستقر خواهد شد.
انتظامات کامل خانواده، عمدتاً تحت تاثیر همکاری میان شوهر و زن، در حیطه‌ی خصوصی آنهاست. اگر چنین انتظاماتی از نقطه‌نظر حکومت برکشور درنظر گرفته شود، بدین معنی است که میان فرمانـروا و مردمش ارتباطی حسنه وجـود دارد. پس بـه یقین امنیت کامل برقرار است.

تصـویـــر : باد (سون) برآمده از آتش (لی). مرد برتر حقیقت چیزها را هنگـام سخن‌گفتن در نظـر می‌گیرد، و در اندیشه‌ی خود پابرجاست.

خطــوط

یکـــم ـ ۹ : او در خانه‌ی خود نظم را برقرار می‌کند. تاسف و پشیمانی محو می‌شود.
تفسیـــر : قـوانین سخت در اداره‌ی خانـواده لازمست. نظامات باید برقرار شوند، و بنیانگزاران این قوانین باید

به‌شدت به اجرای آن اصرار ورزند.

دوم ـ ٦ : زن هیچ‌چیز برای خود برنمی‌دارد، اما جای خود را اشغال می‌کند، و به فراهم کردن غذا می‌پردازد. با صحت عمل و ثبات قـدم او، بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیـــر : شخص بایـد خود را بـر وظایف فعلی خـود متمرکز کند، و مسایـل عظیم‌تر را بـرای زمانی مساعدتر بگذارد.

ســوم ـ ۹ : او با افراد خانواده‌ی خود در کمال جدیت و سختی رفتار می‌کند. مواقعی تاسف‌بار وجود خواهد داشت، و حتی ترس. اما مواقعی از خوش‌اقبالی نیز خواهد بود. غیرطبیعی و مصنوعی‌بودن زن و فرزندان بـه پشیمانی و تاسف منجر خواهد شد.

تفسیـــر : زیاده جدی و سختگیر بودن بهتر است از سهل‌انگار و ولخرج بودن.

چهارم ـ ٦ : زن خانــواده را غنی می‌کند. بخت مساعـدت بسیار خواهد کرد.

تفسیـــر : زن، مسایل خدمتکاران را اداره می‌کند و با مدیریت دقیق خود، ثروت را به خانواده‌ی خود می‌آورد.

پنجـم ـ ۹ : نفوذ امیر تا بـه خانواده‌اش توسعه یـافته، جای دلنگرانی نیست، کامروائی و خـوش‌اقبالی در راه است.

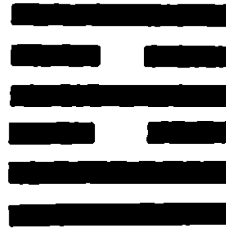
تفسیـــر : فرمانروا قدرت خود را محدود می‌کند و نیروی خود را عاقلانه به خاطر تمام اهل و اتباع خـود به‌کار

می‌برد.

ششـــم ـ ۹ : او صمیمی است و مثل یك امیر می‌نماید. در پایان بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیـــر : صمیمیت، بـه او جلـوه‌ی موقر امیران را می‌دهـد. هرگونه سوءاستفاده‌یی از نیرویش او را به‌استفاده‌ی نادرست از سختگیری خشونت‌آمیز سوق می‌دهد، اما تسلط بـر نفس و رفتار صحیح می‌توانـد نتیجه‌ی مساعد ببار آورد.

شش خطی
۳۸



睽

kuei

کویی

سه‌خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

مخالفان

حکم : مخالفان. اگرچه شرایط تضاد حاکم‌است، و اختلافی عظیم در کار است، اما در امور کوچك، موفقیت وجود خواهد داشت.

توضیح : در اینجا ما آتشی داریم که بالا می‌رود، و آب که به پایین می‌آید. ایندو مثل دو خواهرند که باهم زندگی می‌کنند، اما خواسته‌هایشان دریك جهت نیست. «سه‌خطی» پایینی نشانگر رضایتی هماهنگ است و به «سه‌خطی» بالایی که هوشی درخشان را نشان می‌دهد، وابسته است. خط ضعیف پیش می‌رود تا حدی که موضع میانی را در «سه‌خطی» بالایی اشغال می‌کند، و از آنجا به خطوط پایینی جواب می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که در امور کوچك بخت مساعدت خواهد کرد.
آسمان و زمین از هم جدا هستند، اما کاری که انجام می‌دهند آنها را متحد می‌کند. مرد و زن از هم جدا هستند، اما هدف مشترکشان آنها را به هم نزدیك می‌کند. اختلاف و تفرقه‌یی عظیم میان موجودات وجود دارد، اما آنها از طریق اعمال خود به‌هم مرتبط می‌شوند. نتیجه‌ی چنین جدایی به راستی که عظیم است.
تفرقه، سوءتفاهم و عدم‌باور تمام کشور را پوشانده، و مردان از یکدیگر بیگانه شده‌اند. اما یك چنین فاجعه‌ی عظیمی را هم می‌توان از راههای آسان تصحیح کرد، و بدین‌ترتیب راه را برای نجات تمامی مردم هموار کرد.

تصویر : آتش (لی) مافوق دریاچه (تویی). مرد برتر، حتی وقتی بقیه با هم سازش می‌کنند و مثل یك نفر عمل می‌کنند، باز هم خود را به‌خاطر درستی و راستی‌اش از آنها دور نگاه می‌دارد.

خطوط

یکم ـ ۹ : دیگر دلیلی برای تاسف و حسرت وجود نخواهدداشت.

او اسبهای خود را از دست داده است، اما بگویید به دنبال آنها نباشد، آنها به میل خود باز خواهند گشت. اگرچه با مردان ناباب اختلاط می‌کند، لیکن بر او تالیری نمی‌گذارند.

تفسیـــر : آنچه را که از دست شده است، نمی‌توان با فشار به دست آورد. او باید صبور باشد، و منتظرآنها باشد، تـا زمانی بازگردنـد، و بـه همان ترتیب شخص نمی‌تواند مردان شرور را بـا فشار بـه راه راست آورد، بلکه با فرصت دادن، ممکن است خوبی بر بدی چیره شود، و حداقل کمك می‌کند که آنها از بدگویی و رجزخوانی دست بردارند.

دوم ـ ۹ : او ارباب خود را، به‌طرزی غیرمنتظره، درکوره‌راهی می‌بیند. اشتباهی نخواهد رفت.

تفسیـــر : یك‌چنین دیـدار اتفاقی بـا مخالفان و اضداد، ممکن است ارزشمند باشد، و ممکنست به مبادله‌ی نظرات و حسن تفاهم بیشتری بیانجامد.

ســوم ـ ٦ : ارابه‌ی او به سختی عقب‌کشیده‌می‌شود، گـاو نرش از جاده‌پرت‌شده، به‌عقب رانده‌می‌شود. به‌زور مویش را می‌تراشند و بینی‌اش را قطع می‌کنند،۱ این امر شروعی مناسب نیست، اما پایانی خوب خواهدداشت.

تفسیـــر : مشکلات او اگرچه به‌شدت وخیم است، اما پایان بدی نخواهد داشت.

چهارم ـ ۹ : در ابتدا او به تنهایی میان مخالفان غالب می‌ایستد تنها، در میان نفاق و تفرقه. اما بـا مردی خوب ملاقات می‌کند، و آنان اهداف صمیمانه‌ی خود را به

هم می‌پیوندند. موقعیت آنان مخاطره‌آمیز است، اما اشتباهی رخ نمی‌دهد.

تفسیـــر : تفاهم و علاقه‌ی دوجانبه کمك می‌کند که ضدیت از بین برود. اگرچه خطر از همه‌سوی تهدید می‌کند، معهذا شروع مبارك بوده است.

پنجـم ـ ٦ : جایی از برای تأسف نیست، یاور او، حجاب را پاره می‌کند. وقتی نزد چنین یاوری می‌رود، چه اشتباهی ممکن است رخ دهد.

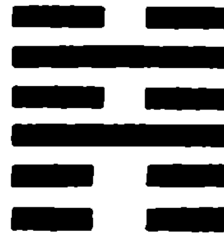
تفسیـــر : با کمك فضایل درونی خـود، او مشکلات خـود را مرتفع می‌کند، بدان گونه که انگار حجابی را پاره کـرده است. وقتی او در درون خـود بـه این شیوه به وحدت رسیده، چگونه ممکنست مرتکب اشتباهی شود؟

ششـم ـ ٩ : او به‌تنهایی درمیان جدایی و تفرقه‌ی‌غالب‌می‌ایستد. به نظر می‌رسد که خوکی آغشته به گل می‌بیند، آنگاه ارابه‌یی پر از ارواح، او کمانش را می‌کشد، سپس آن را پایین می‌آورد، چرا که در مقابل خود دشمنی نمی‌بیند، بلکه یاوری نزدیك را می‌بیند. وقتی پیش می‌رود، بارانی آرام درمی‌گیرد، کـه کامروایی و خوش‌اقبالی به دنبال آنست.

تفسیـــر : منابع درونیش او را در میان وحشت‌ها و تضادهایی که در برابرند راهنمایی می‌کند، تا وقتی کـه این تضادها از بین می‌روند و او بر جاده‌یی امن به‌سوی خوشبختی می‌رود.

۱ـ تراشیدن مو و قطع بینی مجازاتی شدید و خفت‌آور بود.

شش خطی
۳۹



蹇

CHIEN

چی‌ین

سه‌خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه‌خطی پایینی: کـن: کوه، ساکن.

موانع

حکـــــــم : موانع. در جنوب و غرب منفعتی به دست می‌آید، نه در شمال و شرق. ملاقات مرد بزرگ مطلوب است. پافشاری‌شدید موجب‌خوش‌اقبالی وکامیابی‌خواهدشد.

تـوضیـــح : این «شش‌خطی» نشانگـر مشکلات است. «سه‌خطی» بالا نشانگر خطر است. اگر او بتواند خطر را ببیند و پیشروی به جانب آن را متوقف کند، راستی که عاقل است.
موفقیت در جنوب و غرب یافت می‌شود چرا که خط محکم، پنجمی از پایین است. و موفقیتی در شمال و شرق نخواهد بود، چون نیروی این جهات فرسوده است. پیشروی برای ملاقات با مرد بزرگ، منجر به کامیابی خواهد شد.
ازآنجاکه خطوط (مگر خط‌اول) درموضع‌مناسب‌خود هستند، پس‌صحت‌عملی‌بالبات، کامیابی‌به‌بارمی‌آوردو مشکلات مملکت را حل می‌کند. به‌راستی کاری که در این زمان انجام شود، عظیم‌است.
اگر موانع برای آن هستند که راهی از برای کامیابی بگشایند، توصیه می‌شود کـه در زمان بـدبختی و فلاکت کوششی سخت روا دارند. در مورد مرد برتر چنین مشکلاتی ممکنست به استفاده‌یی خوب تبدیل شود. فشارهای خارجی کمك می‌کند تـا ضعفها ظاهر شود، ضعفهایی که در غیراینصورت لاعلاج می‌ماندند.

تصــویـــر : آب (ك، ان) روی کــوه (کن). مــرد برتر خــود را می‌آزماید، و خــود را بــا فضائل درونی پــرورش می‌دهد.

خطــوط

یکـــم ـ ٦ : پیشروی بـه مشکلات بیشتری می‌انجامـد. سکون، موجب برکت و آمرزش خواهد شد.
تفسیــر : اگــر پیشروی کند، مــوفق نمی‌شود تــا از عهده‌ی مشکلاتش برآید، بلکه مغلوب خواهد شد. باید منتظر

وقتی مناسبتر باشد.

دوم ـ ٦ : وزیر امیر با مشکلاتی مبارزه می‌کند، که هیچیك ازین مشکلات، تقصیر خود او نیست، و دراین‌مبارزه اصلا به فکر منفعت شخصی نیست.

تفسیـــر : او مـوظف است کـه مسیر خـود را دنبال کند، و نمی‌تواند تاخیر کند. او باید مستقیم حرکت کند و پیش رود و کوشش کند که بر موانع فائق شود.

ســوم ـ ٩ : او پیش می‌رود، اما تنها خود را گرفتار مشکلات بیشتری می‌کند. او مجبور به سکون می‌شود، سپس باید بازگردد.

تفسیـــر : در اینجا از مبارزه‌یی‌جسورانه، هیچ استفاده‌یی بـه دست نمی‌آید. او با عقب‌نشینی، بهتر به مقصود خود می‌رسد.

چهارم ـ ٦ : او پیش می‌رود، اما دچار مشکلات بزرگتری می‌شود. توقف و درنگ، مفید فایده است.

تفسیـــر : او ضعیف‌تر از آنست که به تنهایی موفق شود، پس وابستگی وفادارانه‌ی خود را نسبت به امیر توسعه می‌دهد، و به انتظار زمانی می‌ماند کـه عملی ازو درخواست شود. خویشتن‌داری از جانب او موجب می‌شود که در جایی مناسب حمایت شود.

پنجـم ـ ٩ : وقتی با بزرگترین‌مشکلات مبارزمی‌کند، دوستانش برای کمك می‌رسند.

تفسیـــر : افراد می‌بینند که او به تنهایی بـه بزرگترین مانع حمله کرده است، و آنها برای کمك بـه او تعجیل

می‌کنند. یک‌چنین کوششهای هماهنگی بـه موفقیت منتهی خواهد شد.

ششـم ـ ٦ : پیشروی، تنها به موانع می‌انجامد. مکث کردن به خوش‌اقبالی و کامیابی عظیم. توصیه می‌شود به‌دیدار مرد بزرگ بروید.

تفسیـــر : ساکن ماندن، درحالیکه به دنبال اندرزهای عاقلانه‌ی مرد بزرگ است، موجب می‌شود که دوستانی نیرومند برای کمک بیابد.

شش خطی
۴۰



解

hsieh

هسیه

سه‌خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی، ک، ان: آب، خطرناک.

خلاصی

حکـــــــم : خلاصی. در جنوب و غرب منفعتی به‌دست می‌آید. اگر سفری دیگر لازم نباشد، بازگشت به منزل کامیابی و بختیاری را موجب خواهد شد. اما اگر لازم باشد،

تسریع بهترین کار است.

توضیـــح : در اینجا «سه‌خطی» نشانگر خطر، مقابل «سه‌خطی» دیگر است، که نشانگر حرکت و قیام است. در اینجا حرکت در حکم خلاصی از خطر خواهد بود.
حرکت به جانب جنوب و غرب، موجب است که هر کسی به مقصد خود برسد. بازگشت به منزل موجب می‌گردد که یك بار دیگر راهی متوازن و هموار دنبال شود. انجام سریع وظایف فوری، موفقیت را تضمین می‌کند.
هنگامی که آسمان و زمین از چنگ زمستان رها شده باشند، تندر وباران آغازمی‌شود. درنتیجه شکوفه‌های گیاهان و درختان که میوه‌های گوناگون بـه بـار می‌آورد، به شکفتن آغاز می‌کند.
به راستی که فرارسیدن این زمان مبارك است! اگر امور هرچه زودتر به مجرای قدیمی خود بازگردد، بهتر است. رؤسای جدید کشور نباید زیاده نگران باشند و تمام روشها و آداب قدیمی را تغییر دهند.

تصـــویـــر : تندر (چن) و باران (ك، ان) موجب رهایی است. مرد برتر خطاها را عفو می‌کند و با آرامش، گناهان را می‌بخشد.

خطـــوط

یکـــم ـ ٦ : مرتکب هیچ اشتباهی نمی‌شود.
تفسیـــر : مشکلاتش حل می‌شود، دیگـر هیچ کشمکشی وجود نخواهد داشت.

دوم ـ ۹ : وقتی به شکار رفته، سه روباه را با یك پیکان زرد می‌کشد. صحت‌عملی همراه با ثبات‌قدم به کامیابی می‌انجامد.

تفسیـــر : او با پافشاری عاقلانه‌یی، به آسانی بـر حریف خود غلبه می‌کند.

ســوم ـ ٦ : او در ارابه‌یی، همراه بـا باربری کـه چمدانش را حمل می‌کند، سفـر می‌کند. چنین رفتاری دزدان را تحریك‌می‌کندتا به‌اوحمله‌کنند. هرچقدرسعی می‌کند صحیح‌العمل‌وثابت‌قدم‌باشد، بازامکان‌تاسف‌وپشیمانی وجود خواهد داشت.

تفسیـــر : او نه می‌تواند از خـود مراقبت کند و نه می‌توانـد کاری باارزش را به انجام برساند. خودنمایی نالازم، موجب نزدیك‌شدن خطر است.

چهارم ـ ۹ : انگشتان پایتان را تکـان دهید. پس از آن دوستانی که مورد اعتماد شما هستند، نزدیك خواهند شد.

تفسیـــر : او افراد مفتخور را از جمع‌دوستان می‌راند، و بدین ترتیب دوستان نزدیك می‌شوند و مـورد اعتماد او واقع می‌شوند.

پنجـم ـ ٦ : مرد برتر موانـع مزاحم را، که مخالف صلح و نظم کشور هستند، دور می‌کند، و بـدیـن‌تـرتیب حتی اعتماد مردان کوچك را هم جلب می‌کند. کامیابی و بختیاری وجود خواهد داشت.

تفسیـــر : اگر بخواهیم چنین اعمالی بـه موفقیت برسد، باید از ساده‌دلی و بی‌ریایی محض برخوردار باشیم.

ششـــم ـ ٦ : امیرزاده با کمانش تیری می‌اندازد، و شاهینی را زخمی می‌کند، که بر بالای دیواری نشسته. اثرات این عمل از هر نظر مفید فایده است.

تفسیـــر : او قدرتمندترین دشمنانش را دور می‌کند و از انقیاد آنان می‌گریزد.

شش خطی
٤١



損

SUN

سون

سه‌خطی بالایی: کـن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

کاهش

حکـــــــم : کاهش. اگر از آنچه در حـد افـراط است، در عین صمیمیت کاسته شود، کامیابی به دست خواهد آمد. نتیجه، دور شدن از خطا، و صحت عملی بالثبات است

که می‌توانـد دوام کند. در ضمن اقـدام بـه هر عملی، مفید فایده خواهد بود. در چه شرایطی باید این کاهش پربـار را عملی ساخت؟ حتی وقتی بـه آسمان‌ها قربانی تقدیم‌می‌کنیم؛ دو سبد جو برای نذر و نیاز بهتر است، از بذل و بخششی بدون‌صمیمیت.

تـوضیـــح : در اینجا سه‌خطی پایینی کاهش می‌یابد، و سه‌خطی بالایی افزوده می‌گردد. قدرت «شش‌خطی» به‌سوی‌بالا حرکت‌می‌کند. زمانی می‌رسد که قوی باید کم‌نیرو شود و ضعیف قوی‌گردد. کاهش و ازدیاد، پر و خالی بودن، تمامی‌اینهاهماهنگ‌باشرایطزمان‌وقوع‌می‌یابد. کاهش هرآنچه که درحد افراط است، آن را بادرستی و منطق تطبیق می‌دهد. باید که در کاهش، صمیمیتی وجود داشته باشد، تا به نتایج شادتری بیانجامـد. کاهش در کارهای عظیم بـه موفقیت منجر می‌شود. حتی اگر کاهش بسیار اندك باشد، بازهم مورد قبول واقع‌خواهد شد، همانطور که درقربانیهای مرسومی ، اگر کاهشی صورت گیرد، باز هم مورد قبول واقع می‌شود.

تصـــویـــر : دریاچه (تویی) در دامنه‌ی کوه (کن). مرد برتر خشم خود را فرو می‌خورد، و امیال حیوانی خود را تحت تسلط می‌گیرد.

خطـــوط

یکـــم ـ ۹ : او امور و کارهای خود را رها می‌کند، و به تعجیل می‌خواهد به دیگران کمك کند. اگر تشخیص بدهد که در کمك به دیگران چه چیز را از دست خواهـد

داد، مرتکب اشتباهی نخواهد شد.

تفسیـــــر : قبل از چنین فـداکـاریِ‌یی، تامل و بـــررسی دقیق توصیه می‌شود.

دوم ـ ۹ : بــرای استفاده ازیــن موقعیت، او باید ثابت‌قــدم و صحیح‌العمل باشد؛ حرکتی عجولانه، از طــرف او، به نکبت منتهی خواهد شد. او می‌تواند برای دیگری ایثار کند، بدون اینکه از حق خود بگذرد.

تفسیـــــر : تامل و بررسی تدریجی توصیه می‌شود.

ســوم ـ ٦ : وقتی سه نفر با هم راه می‌روند، ممکن است منافع آنها تصادم کند، و او باید برود. وقتی تنها راه می‌رود، ممکنست رفیق راهی پیدا کند کــه بــا او دچار کشمکش نشود.

تفسیـــــر : در آغاز بهتر است مسافرت به تنهائی انجام شود. وصلت و نزدیکی در این زمان مطلوب نخواهد بود.

چهارم ـ ٦ : او از میزان اشتباهــاتی کــه او را آزرده می‌سازد، می‌کاهد و بدین‌ترتیب دیگران امکان می‌یابند به او کمك کنند، و او بــه خوشحالــی و سرور می‌رسد. خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــــر : او باید از خطاهایش آگاه باشد، و عزم خود را جزم کند، تا این خطاهــا را ریشه‌کن‌سازد، و پس از آن می‌تواند منتظر پیشنهاد کمك از طرف دیگران باشد.

پنجــم ـ ٦ : کسی به او تعداد بیشماری لاك سنگ‌پشت می‌دهد، و او نمی‌تواند این هدیه را رد کند. بخت مساعدت بسیار خواهد کرد.

تفسیــــر : چنین خوش‌اقبالی و کامروایی بــه هیچوجــه کاهش نمی‌یابد، این موهبتی از جانب بالاست.

ششــم ـ ۹ : او به دیگران ترفیع و ترقی می‌دهد، بدون اینکه از منابع خود بکاهــد. خطایی نخواهــد رفت. اگر او پایداری شدید نشان دهد، در هر حرکتی که می‌کند کامیاب، و بختیار خواهد شد، و استفاده خواهدبرد. وزرای بیشمار خواهند آمد تا به او خدمت کننـد.

تفسیــــر : کامیابی بسیار! این بهره‌ها نه‌تنها برای او که آنها را دریافت می‌کند، بلکه برای تمامی مردم مطلوب خواهد بود.

شش خطی
۴۲



益

i

ای

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: چــن: تندر، برانگیختگی.

افزایش

حکــــــــم : افزایش. در هر اقدامی فایده‌یی است. حتی عبور از آب بزرگ، مفید فایده است.

توضیـــح : در اینجا «سه‌خطی» بالا کم شده است و «سه‌خطی» پایین افزایش یافته است. در نتیجـه‌ی این امـر، رضایت مردم بی‌حد است. آنچه از بالا نازل می‌شود بـه پایین‌تـرین قسمت می‌رسد، و چـه بـزرگ و درخشان است فضایل آن.
در موضع مرکزی هریك از «سه‌خطی‌هـا»، خطی درست واقع شده، و نشانگر برکتی‌است که‌ذکر شد.
موقعیت محکم «سه‌خطی» بالا، عبور از آب بزرگ را توصیه می‌کند.
می‌توان هر روزه، با بکار بردن خاصیت‌های حرکت و سکون، بینهایت پیش رفت. آسمان سخاوت خود را پخش می‌کند، و زمین میوه‌های خود را با گشاده‌دستی نامحدودی به بار می‌آورد.
اگر حاکمی در حفظ منافع مردم کوشا باشد و سعادت و ثروت عمومی را افزایش دهد، در مقابل، مردم به او وفادار خواهند بود. بدین‌ترتیب قادر خواهد بود که کارهای بزرگ انجام دهد.

تصـویـــر : باد (سون) و تندر (چن). مرد برتر وقتی می‌بیند چیزی نیك است، به سوی آن می‌رود، و وقتی ملاحظه می‌کند چیزی بد است از آن روی‌می‌گرداند.

خطـــوط

یکـــم ـ ۹ : برای او مفید خواهد بود که با اعتماد به نفس زیاد به جلو حرکت کند. موفقیت او، شتابهای اولیه‌ی او را جبران خواهد کرد. و اشتباهی رخ نخواهد داد.
تفسیـــر : اینك زمانی مناسب است برای معامله‌های عظیم.

دوم ـ ۶ : شخصی که مصر است بذل و بخشش‌کند، تعدادزیادی لاك سنگ‌پشت به او داده است. اگر او در صحت‌عمل و لبات‌قدم پافشاری کند، کامیاب خواهد شد. امیری که هدایای خود را به‌گونه‌یی سخاوتمندانـه تقدیم آسمان می‌کند، موجب افزایش کامیابی همگان خواهد شد.

تفسیـــر : زمـانی مناسب بـرای بخششهای آسمان است. امـا شخص باید آرامش و تعادل خود را، حتی در یك‌چنین شرایط سرورانگیزی حفظ کند.

ســوم ـ ۶ : او از طریقه‌های مشکوك بر لروت خود می‌افزاید، اما از آنجاییکه ازین اشتباه آگاه نیست، مورد ملامت قرار نمی‌گیرد. اگر او صمیمی باشد و در راه باریك راستی گام بردارد، به‌طـور یقین ارزشهای حقیقی خود را خواهد شناساند، مانند کسی که بـا بستن حمایل و نشان، خود را به امیرزاده معرفی می‌کند.

تفسیـــر : رفتار او انتقادپذیـر است، امـا از آنجاییکه او بـا معصومیت عمل می‌کند، و بدون حیله و تزویـر، از انتقاد و سرزنش مصون می‌ماند.

چهارم ـ ۶ : او مسیر صحیح رویدادها را دنبال می‌کند و درنتیجه توجه امیرزاده را جلب می‌کند. وظایف مهمی به او محول می‌شود که همه به خاطر باور و اطمینان بـر اوست. حتی وظیفه‌ی تعیین محل پایتخت امپراطوری به او محول شده است!

تفسیـــر : اعمال او اعتماد صاحب‌قـدرتان مافـوق او را جلب می‌کند.

پنجـم ـ ۹ : با قلبی صاف بدنبال جلب منفعت برای زیـردستان

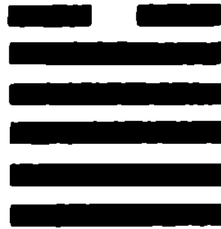
خود است. بدون شک، نتیجه در نهایت موجب‌کامیابی خواهد شد. همه‌ی زیردستان، با قلب‌صاف، از خوبی او قدردانی خواهند کرد.

تفسیـــر : او از موضع قدرت عمل‌می‌کند و جهان ازو پشتیبانی می‌کند. پس شکست نخواهد خورد.

ششـم ـ ۹ : او نیروهای خود را متمرکز می‌کند تا چیزی بر خود بیفزاید، درحالیکه در ذهن می‌خواهد به زیردستان خود نفع برسانـد. بنابـراین هیچ‌چیز ازو حمایت نمی‌کند و بسیاری قصد دارند به او حمله کنند. او هیچ قانون درستی را برای رسیدن به نیت قلبی خود رعایت نمی‌کند، نکبت خواهد آمد.

تفسیـــر : با سوءاستفاده از فـرصتی که بـه او داده شده، او منافع آنان را ضایع می‌کند، و به آنان خسارت وارد می‌آورد، درحالیکه نیتش خوب بوده است.

شش خطی
٤٣



夬

KUAI

کوای

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: چ، ین: آسمان، فعال.

پیشروی دیگرباره

حکـــــــم : پیشروی دیگرباره. آن کسی که برای پیشرفت، عزم خود را جزم‌کرده، باید نخست جرم‌مجرم‌را در دادگاه روشن کند، و به ترتیبی صادقانه وصمیمانه تقاضای

بخشش کند. در عین‌حال او باید از مخاطره‌ای که در اثر اعمالش دچار آنها می‌شود، آگاه باشد. به‌علاوه او باید باپیروانش و بـا مردم شهر صحبت کند، و به آنها موضوع‌را بفهماند که چقدر بی‌رغبت‌است به اینکه اسلحـه بـردارد و وارد جنگ شود. و بعـد پیشروی کند، آنگاه پیشروی او همراه با کامیابی و بختیاری خواهد بود.

تـوضیـــح : در اینجا قوی جای ضعیف را می‌گیرد. قدرتی که با شادمانی پیوند خورده، موجب جابجایی خوش‌آیندی خواهد شد.

صحنه‌ی دادگاه را تنها خط ضعیفی که روی پنج خط قوی دیگرست نشان می‌دهد. اگر به‌خطرموجود اهمیت بدهد، موفقیت او بیش از پیش درخشان می‌شود.

اگر او با آمادگی زیاده از حد اسلحه بردارد و وارد جنگ شود، ذخیره‌ی‌اعمال‌نیکش چندان نخواهدپایید.

هنگامی که پیشروی خطوط‌قوی کامل شد، رشد و پیشرفت به‌پایان می‌رسد.

او باید خطاکار را معرفی کند، و کوشش کند کـه همدردی عمومی را نسبت به علت دعوا برانگیزد. و در عین حال به کارهای خود ادامه دهد، و کـاملا از مشکلات و خطرات آن آگاه باشد. او باید بیشتر به وسیله‌ی قدرت شخصیت خود به اهدافش نائل شود، تا از طریق اعمال‌زور.

تصـویـــر : دریاچه (تویی) تا آسمان (چ، ین) صعود می‌کند. مرد برتر ثروتها را به افراد فرودست‌تر از خود می‌بخشد و نمی‌گـذارد ثروتش بی‌استفاده اندوخته شود.

خطـــوط :

یکـــم ـ ۹ : او با غرور شروع می‌کند، و بدون آمادگی لازم، به جلو می‌رود، اما موفق نخواهد شد. او نمی‌تواند از اتهام متقابل اجتناب کند.

تفسیـــر : در این زمان پیشروی، نتیجه‌یی‌مطلوب نخواهدداشت.

دوم ـ ۹ : او ضمـــن اینکـــه تقاضای کمك می‌کنـــد، زیـــرك و داناست. ممکنست حرکاتی خصمانه در طول شب بر علیه او بشود، اما او لازم نیست در مورد این حرکات نگران شود.

تفسیـــر : از آنجاییکه او مسلح و آماده برای هر اتفاق ناگهانی است، بنابراین می‌تواند امنیت‌خاطر خودرا فراهم‌کند.

ســـوم ـ ۹ : او به روشی قـــوی و مصمم پیشروی می‌کند. اما از آنجاییکه نیت خود را علنا ابراز می‌دارد، نکبت پیش خواهد آمد. اما مرد برتر که مصمم است مجـــرم را سرکوب کند به تنهائی خواهد رفت، به ترتیبی آرام، در میان بارانی که بر او می‌بارد، تـــا جاییکه حتی یاران او گمان می‌کنند که بـــا دشمن همدست شده است. سر آخر هیچ خطایی بر او نخواهند نوشت.

تفسیـــر : شرایط ترتیبی است که حمله‌یی مستقیم بـــه نیروی شر و بلا موفق نخواهد بود. اگر بخواهد پیشروی‌کند حـــرکتهای محتاطـــانـــه و سیاستمدارانـــه تـــوصیه می‌شود. کسی‌که یك‌چنین مسیر مشکل و مهجوری را دنبال می‌کند، مطمئن است که مورد سوءتفاهم واقع خواهد شد، اما چون اعمالش درست بوده است، در پایان نشان داده خواهد شد که او حق داشته و درست رفتار کرده.

چهارم ـ ۹ : او به آهستگی و بـا اشکال راه می‌رود چـون سخت مورد سرزنش قرار گرفته است. اگر او می‌توانست مثل گوسفند رفتار کند، و تحمل آورد، که به‌توسط همراهش رهبری شود، ممکن بود کاری را بـه انجام رساند. اما به اندرز گوش فرا نمی‌دهد، و به‌تنهایی هیچکاری نمی‌تواند بکند.

تفسیـــر : اگرچه از اشتباهات گذشته در رنج است، باز هم به اندرزهای عاقلانه گوش نخواهدداد، و رغبتی ندارد که از مسیر قبلی خود بازگردد.

پنجـم ـ ۹ : او راه منتخب خود را بـا عزمی جزم دنبال می‌کند، مثل گیاهان خزنده در مسیر خود، که گرچه تــرد و شکننده‌اند، معهذازنده‌می‌مانند، اوبه‌خاطرسرسختی‌یی که دارد، اعمالش بــه هیچ خطا و تقصیری منجـر نخواهد شد.

تفسیـــر : با مخالفت و تضادی شدید درگیر خواهد شد، معهذا تصمیم قاطع او را به مقصد خواهد رساند.

ششـم ـ ٦ : او خود را در مــوقعیتی آسیب‌پذیر می‌یابد، بـدون هرگونه کمکی که بتواند از آن استعانت جوید. پایان او نکبت‌بار خواهد بود.

تفسیـــر : عدم احتیاط لازم، و عدم آمادگی مورد نیاز، موجب بدبیاری و بدبختی او خواهدشد، شخص‌باید از وجود شر آگاه باشد، حتی وقتی شر به‌گونه‌ای علنی پیدا نیست.

شش خطی
٤٤



姤

kou

کو

سه‌خطی بالایی: چ، ین: آسمان، فعال.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

برخورد ناگهانی

حکـــــــم : برخورد ناگهانی. زن جسور و نیرومندی در صحنه ظاهر می‌شود. نباید با یک چنین زنی عقد ازدواج بست.

تــوضیـــح : در اینجا خط ضعیف، به ناگهان با خطوط قوی برخورد می‌کنـد. ازدواجی که در این زمــان انجام شود، چندان نخواهد پایید.
بــرخــوردی میان آسمان و زمین صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی‌آن، خلقت همه‌ی چیزهای طبیعی‌است. وقتی خطوط قوی در موضع مرکزی و درست قرار دارند، حکومتی درست بـر سراسر دنیا حکمفرمـا می‌شود. به‌راستی اهمیت آنچه باید در این زمان انجام شود، عظیم است!
مرد کوچك و بی‌ارزش، کوشش می‌کند خـود را در حکومت مملکت داخل کند. اگر نفوذ او تحت نظارت نباشد گسترش خواهد یافت؛ مردان خوب را یکی بعد از دیگری بیرون می‌کند، تا اینکه می‌تواند جـاهـای خالی را با افرادی نظیر خود پر کند.
باید در مقابل نفوذ چنین مردانی مقاومت کرد.

تصـویـــر : باد (سون) زیر آسمان (چ، ین) می‌وزد. حاکم فرامین خود را صادر می‌کند، و آنها را در چهار گوشه‌ی کشور اعلام می‌نماید.

خطـــوط

یکـــم ـ ٦ : باید عقب نگاهداشته شود، گـویی ارابـه‌ایست که ایستانده شده، در این زمان صحت‌عملی بـا ثبات، کامیابی و بختیاری می‌آورد، اگر مجاز باشد که از هر جهتی حرکت کند، شر و نکبت ظاهر خواهدشد. او مانند خوك لاغر و خطرنــاکی خواهـد بود کـه مطمئنا در اطراف و اکناف جست‌وخیز می‌کند.
تفسیـــر : اگر بتوان او را عقب نگاهــداشت، ممکنست حکومتی ثابت و نظم برقرار شود. اما برای بازایستاندنش،

باید محدودیتهای شدید بـر او تحمیل شوند.

دوم ـ ۹ : مردان فرودست، مانند ماهی در مخزن محدودشده‌اند، ازین جهت به استقبال هـر خطری می‌روند، درست نیست یك چنین ماهی‌یی را به مهمانان خود بدهیم!

تفسیـــر : دشمنانش زیر قدرت او هستند، اما باید آنها را بـا احتیاط نگاه دارد.

سـوم ـ ۹ : او با سختی پیش می‌رود، مثل کسی که سخت مورد انتقاد بوده. موقعیت او مملـو از خطر است، امـا علیرغم آن مرتکب خطایی عظیم نمی‌شود.

تفسیـــر : اگرچه او به خاطر مانعی بزرگ در رنج بوده، امـا موفق می‌شود به آهستگی در جاده‌ی صحیح پیش‌برود.

چهارم ـ ۹ : مردان فرودست از موانع گریخته‌اند، مانند ماهی از مخزن. این امر موجب بروز نکبت می‌شود.

تفسیـــر : نکبت به علت عدم هوشیاری ایجاد می‌شود. یك‌چنین عدم توجهی به آسانی تصحیح نمی‌شود.

پنجـم ـ ۹ : کدو زیر برگهایی که به دورش پیچیده‌اند، پنهان شده. آنگاه می‌افتد، انگار از آسمان افتاده.

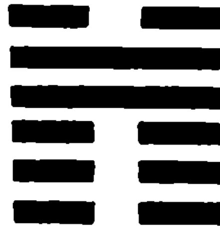
تفسیـــر : می‌توان منتظر آمرزش و برکتی غیرمترقبه بود. اگر مرد برتر کیفیت‌ها و حالات درخشان خود را پنهان کند، به خاطر کف‌نفس پس از زمانی طولانی مورد تشویق قرار خواهد گرفت.

ششـم ـ ۹ : وقتی آنها نـزدیك می‌شونـد، شاخهایش را پـایین

می‌آورد، و آنها را بیرون می‌راند. امکان تأسف و پشیمانی وجود خواهد داشت، اما خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : اگرچه محصور است، و قادر نیست کاری با الری خوب انجام دهد، معهذا موفق می‌شود خود را از مردان فرودست که او را احاطه کرده‌اند، دور و محفوظ نگاه دارد.

شش خطی
۴۵



萃

TS’UI

تس اویی

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: ک، اون: زمین، پاسخگو.

گردهم‌آمدن

حکـــــــم : گردهم آمدن. امیر به معبد نیاکان نـزدیک می‌شود. دیدن مرد بزرگ مفیدفایده‌است. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت. اما اگر می‌خواهید ازین زمان

متبرك بیشترین استفاده را ببرید، پافشاری شدید توصیه می‌شود. قربانیهای زیاد به کامیابی منتهی می‌شود؛ حرکت در هر جهتی مفید فاینده خواهد بود.

تـوضیـــح : در اینجا، اطاعتی همراه با آرامش، رضایتی همراه‌با شادمانی وجود دارد. خط وسط «سه‌خطی» بالائی را خطی قوی اشغال کرده، و نشانگر گردهم آمدن است. امیر بـه معبد نیاکـان خـود پناه می‌بـرد و در آنجا هدایای خود را در نهایت تقوی تقدیم می‌دارد.
ملاقات با مرد بزرگ موجب گردآمدن‌نیروها می‌شود، تا بر آنچه درست و کامل است، راه بگشاید.
با تقدیم کردن قربانی‌های عظیم، و با حرکت کردن در هر جهتی، او مطابق با خـواسته‌ی آسمانها عمل خواهد کرد.
با مشاهده‌ی چگونگی گـردهم آمـدن، ما می‌تـوانیم کارهای درونی آسمانها و زمین و همه‌ی چیزهـا را ببینیم.
وقتی اتحادی کامل میان امیر و وزیرانش، میان بالا و پایین وجود دارد، کامیابی حاصل خواهد شد. اگر ادامه‌ی چنین وضعیتی مورد نظر بـاشد، تشریفات مذهبی باید رعایت گردد. و «حکیم» باید تخت‌آسمان را اشغال‌کند.

تصــویـــر : دریاچه (تویی) بر زمین (ك، اون) قیام می‌کند. مرد برتر مراقب است که سلاحهایش همواره در وضعیتی خوب باشند، تا برای مسایل پیش‌بینی نشده آمـاده باشد.

خطـــوط :

یکـــم ـ ٦ : او صمیمانه میل به اتحاد دارد، اما نمی‌تواند به آن نایل شود، به خاطر بی‌نظمی که او را احاطه کرده است. اگر فریاد کمك بلند کند، به جای اشکهایش لبخند خواهد نشست. به مشکلات‌زودگذر نبایداهمیت داد، اگر پیشروی کند خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــر : اگرچه آینده‌ی او به نظر تیره می‌رسد، اما کمك در دسترس است. تنها کاری که باید بکند تقاضای کمك است.

دوم ـ ٦ : او در مسیر جاده‌یی درست رهبری می‌شود. خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت، و خطایی نخواهد رفت. به دلیل صمیمیتی که دارد، حتی قربانی کوچکی نظیر همان قربانی که برای نذر بهارانه تقدیم می‌شود، پذیرفته خواهد شد.

تفسیـــر : نوساناتی پنهان در امور او مؤثر است، اگر او خود را در اختیار آن بگذارد، به کامیابی خواهد رسید.

ســوم ـ ٦ : او برای به دست آوردن اتحاد، کوشش می‌کند، اما غمگینانه موفق نمی‌شود بدان نایل شود. اگر او به کوشش خود ادامه دهد، دچار خطا نخواهد شد، امـا ممکن است دلایل کوچکی بـرای تاسف و پشیمانی وجود داشته باشد.

تفسیـــر : او به مقصد خود خواهد رسید، اما باسختی و اشکال.

چهارم ـ ٩ : کامیابی نزدیك است، و او نمی‌باید از هیچ اتهامی بترسد.

تفسیـــر : اما همچنان احتیاط توصیه می‌شود.

پنجـم ـ ۹ : او در کمال موفقیت، بدون اینکـه اشتباهی مرتکب شود، افراد فرودست خود را متحد می‌کند. اما بـا اینهمه هنوز همگان به او اعتماد ندارنـد، پس او باید با رفتار پرهیزگارانه‌ی خود اصرار ورزد تا بر تردید آنان فائق شود.

تفسیـــر : او به اهداف خود نایل می‌شود، اما، قبل ازینکـه او بتواند پیروزی خود را به‌دست‌آمده و وظیفه‌ی خـود را انجام‌شده تلقی کند، کوشش‌های‌بیشتری موردنیاز است.

ششـم ـ ٦ : او آه می‌کشد و می‌گرید. اما خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــر : او در موقعیتی تنهاست، قادر نیست سیاست خود را برای گردهم‌آمدن تعمیم دهد. اما از آنجاییکه در طول خطوط درست کـار می‌کند، از افتـادن در اشتباه، مصون می‌ماند.

شش خطی
٤٦



升

SHENG

شنگ

سه‌خطی بالایی: ک، اون: زمین، پاسخگو.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

صعود

حکـــم : صعود. پیشرفت و موفقیت عظیم. او نباید ازنگرانی رنج ببرد، وقتی بـه دنبال مصاحبه با مرد بـزرگ است. پیشروی بـه سمت جنوب بـه مساعـدت بخت

می‌انجامد.

توضیـــح : در اینجا ما خطوط ضعیف را می‌بینیم که در زمانی مناسب صعود می‌کند. «سه‌خطی» نشانگر انعطاف، به «سه‌خطی» نشانگر آرامش و اطاعت متصل شده‌است خط مرکزی «سه‌خطی» پایینی را خطی قــوی اشغال کرده‌است، و نشان‌می‌دهدکه‌پیشرفتی‌عظیم و موفقیتی بزرگ وجود خواهد داشت. اگر او به دنبال دیدار با مرد بزرگ باشد زمینه‌یی برای تبرك و آمرزش می‌یابد. با پیشروی به سمت جنوب به‌هدف‌خود خواهد رسید.
عروج نشانگر آنست که افسری باارزش بــه جای بارزی خواهد رسید. او به موضع والای خود خواهد رسید، چرا که قدرتمندی او رنگی از تواضع دارد. اینك زمان برای پیشروی مطلوب است. آنانی که در مقامی برتر هستند، بــا مساعدت بــه او خــواهند نگریست. جنوب جایگاه گرما و فعالیتهای شادی‌آور است، و او را به مقصود می‌رساند.

تصـــویـــر : درختان و نباتــات (سون) از زمین (ك، اون) بــالا می‌روند. مرد برتر فضایل خــود را تعمیم می‌دهــد، منافع کــوچکــی ذخیره می‌کند، تــا موفق می‌شود شایستگی لازم را برای والایی و عظمت به‌دست‌آورد.

خطـــوط

یکـــم ـ ٦ : او به مقامی نایل می‌شود که کسانی که بالاتر ازویند به او خوشامد می‌گویند. بخت مساعدت خواهدکرد.
تفسیـــر : موانع پیشرفت او برطــرف خواهد شد، چرا کــه

با نظر مساعد بر او می‌نگرند.

دوم ـ ۹ : صمیمیت او به‌گونه‌یی است که حتی وقتی نذری کوچك می‌کند، مانند نذر بهارانه، پذیرفته می‌شود. و خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : افسری نیرومند در خدمت حاکمی ضعیف است، او نمی‌تواند در خدمت این حاکم بماند، مگر اینکه صمیمی باشد، و جان‌نثارانه وفادار.

سوم ـ ۹ : او بالا می‌رود، انگار در شهری بزرگ باشد.
تفسیر : او بدون ترس پیش می‌رود. تواضع بیشتر ایجاد نظم می‌کند.

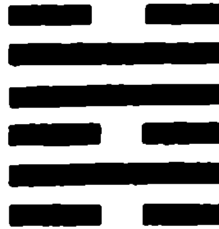
چهارم ـ ٦ : از جانب امیر او نیازهایی بر کوه «چی» صرف می‌کند. کامیابی وجود خواهد داشت، و خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : امیر به وزیر خود اعتماد می‌کند، و او را تا به مقامی رفیع می‌رساند، مقامی چون مقام یك ارباب. جاه‌طلبی او برآورده شده‌است.

پنجم ـ ٦ : او به روشی تشریفاتی، قدم به قدم تا به قله صعود می‌کند. اگر می‌خواهد به بالاترین نقطه‌ی سروری برسد، صحت عملی کامل لازم است. آنگاه بخت مساعدت خواهد کرد.
تفسیر : او نباید بگذارد که صعود سریع او را متزلزل و گیج کند. اگر او می‌خواهد ازین فرصت به بهترین نحو استفاده برد، پیشرفتی آرام و توجهی دقیق به جزییات، همچنان توصیه می‌شود.

ششـــم ـ ٦ : او چشم‌بسته به سوی بالا می‌رود. برای او مفیدفایده خواهد بود که پافشاری شدید خود را حفظ کند.

تفسیـــر : صعود او همراه با بی‌مبالاتی و احمقانه است. اعمال زوری که برای او موفقیت آورده‌است، نزدیك است که او را درگیر شکست کند. فقط درك دقیق مفهوم تـواضع می‌توانـد او را از نتایج اعمال زیـاده جسارت‌آمیزش حفظ کند.

شش خطی
٤٧



困

K'UN

ک، اون

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناک.

محدودیتی فرساینده

حکـــــم : محدودیتی فـرساینده. هنوز ممکن است پیشرفت و موفقیت وجود داشته‌باشد. برای یک‌مرد واقعا بزرگ کامیابی وجـود خواهد داشت. او دچـار اشتباهی

نخواهد شد. اما تنها سخن‌گفتن، کمکی به فایق شدن بر مشکلات نخواهد کرد.

توضیح : در اینجا خطوط قوی به‌وسیله‌ی خطوط ضعیف پوشیده و تاریك شده‌اند. آنچه‌خطرناك است، به آنچه شادان است چسبیده. کسی که، با وجود درگیری با مشکلات عظیم، معهذا موفق می‌شود هدف خود را دنبال کند، به راستی مردی برتر است.
کامیابی مرد برتر توسط خطوط قوی واقع در مرکز هر دو «سه‌خطی» نشان داده شده است. متکی بودن به بحث و جدل یا برهان نمایی و محاجه، بدبختی و فاجعه را پرورش می‌دهد.
وقتی کامیابی و خوش‌اقبالی از دست می‌شود، تنها کاری که می‌توان کرد تسلیم‌شدن است و سر فرود آوردن. اما اگر صداقت و پاکی، و خوش‌بینی خود را از دست ندهیم، ممکن است زیربنای موفقیت آینده، ریخته شود. تنها یك مرد واقعا بزرگ قادرست این کار را بدون اشتباه انجام دهد، و موقعیت او شبیه درختی است که مجاز نبوده شاخه‌هایش را بگستراند. علیرغم همه‌ی اینها، کوشش او، کامیابی غایی او را تضمین می‌کند.

تصویر : آبی (ك، ان) در دریاچه (تویی) نیست. مرد برتر حتی زندگی خود را فدا خواهد کرد تا به هدف خود برسد.

خطوط

یکم ـ ٦ : او توسط شاخه‌های یك درخت سترون محصور شده است. او وارد دره‌یی تاریك می‌شود، و تا به سه سال هیچ امیدی به نجات ندارد.

تفسیـــر : اثرات فرسایندهی شرایط ناسازگار، ممکن است به جادهی تاریك نومیدی منتهی شود. اگر بخواهیم از یك عقب‌نشینی جدی اجتناب کنیم، بایـد در مراحل اولیه با این شرایط مقابله کنیم.

دوم ـ ۹ : او به‌خاطر افراط در خوردن و آشامیدن دچـار ناراحتی شده. یکی از اشراف، که زانوبندی قرمز دارد، نزدیك می‌شود، بجاست که قربانیهای مناسبی تقدیمش کنیم. فعالیتهای اوبه کژبختی و ناکـامی منتهی می‌شود، اگرچه از اتهام مصون می‌ماند.

تفسیـــر : هوشیاری زیاده از حـد به خطا منجر می‌شود. بـرای جلب کمکی مؤثر، انضباط‌شخصی لازم‌است. پیشروی زیاده سریع، حتی اگر با روحیه‌یی درست انجام‌شود، کمکی به مسایل نخواهد کرد. بایدصمیمیت و آرامش را در خود پرورش دهد، آنگاه همه‌چیز درست خواهد شد.

سـوم ـ ٦ : او به‌صخره‌های‌سخت برمی‌خورد، و تنهامی‌تواند بر دسته‌های خاری‌که آنجاهست بیاویزد، به‌خانه‌اش‌وارد می‌شود. نمی‌تواند همسرش را پیدا کند. نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیـــر : موانع غیرقابل رفع، جلـوی پیشرفت او را می‌گیرد. امیدهای او به نظر دروغ می‌آیند. و تمام موجودیت او در مرحله‌ی تزلزل و خطر است.

چهارم ـ ۹ : او به آهستگـی پیش می‌رود، ارابه‌ای طلایی مـانع حرکت او می‌شود. مواقعی تاسف‌بار پیش‌می‌آید، اما پایان کار خوب خواهد بود.

تفسیـــر : به‌جمع مال و منال علاقه‌بستن، دراین‌زمان ممکنست

موجب تاخیر در پیشرفت شود، و نه اینکه پیشرفت را یاری دهد.

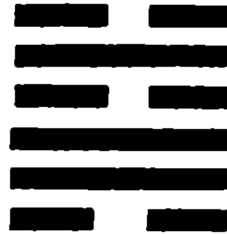
پنجم ـ ۹ : بینی و پاهایش را قطع کرده‌اند. او توسط وزیری که زانوبندهای زرشکی به خود بسته، عقب نگاهداشته می‌شود. اگر می‌خواهد به رضایت برسد، خوبست که صمیمانه قربانی تقدیم کند.

تفسیر : او نباید منتظر هیچ‌کمکی از هیچ‌گوشه‌یی، از بالا یا پایین، باشد. کسانی که کمکی از دستشان می‌آید، کمکی نخواهند کرد، حتی ممکنست به او زخم‌زبان بزنند. فروتنی، و رفتار درست، برای رسیدن به آینده‌یی بهتر، لازمست.

ششم ـ ٦ : انگار گیاهی خزنده به دورش پیچیده باشد، محصور شده، یا انگار در موقعیتی خطرناك از بالا آویزان شده باشد. او لرزان و نامطمئن‌می‌جنبد، اما به خود می‌گوید: «اگربجنبم، پشیمان خواهم‌شد». اگر تأسفی واقعی حس شود، راه برای رسیدن به کامیابی هموار خواهد شد.

تفسیر : اگر واقعاً چگونگی اشتباهاتش را تشخیص‌دهد، برای تصحیح این اشتباهات راهی گشوده می‌شود.

شش خطی
۴۸



井

CHING

چینگ

سه‌خطی بالایی: ک، ان: آب، خطرناک.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

چاه

حکـــــــم : چاه. ممکن است محل شهر عوض شود، اما چاه آن را نمی‌توان حرکت داد. این چاه هرگز خشک نمی‌شود. اگرچه مردم می‌آیند، آب می‌کشند و از آن بهره‌مند

می‌شوند. با این همه، سطح آب تقریباً ثابت‌می‌ماند.
اما اگر طناب زیاده کوتاه باشد، یا سطل آب شکسته
باشد، نکبت پیش خواهد آمد.

تـوضیـــح : سطلی در آب گذاشته می‌شود و آب بالاکشیده‌می‌شود، اینست طبیعت چاه. چاه، آبخوردن فراهم می‌کند بدون اینکه خودش خشك شود.
ثبات چاه ــ که حتی وقتی شهر تغییرمکان می‌دهد، چاه بر جای خود می‌ماند ــ با جای گرفتن خطوط‌قوی در مرکز هر دو «سه‌خطی» نشانداده می‌شود.
کوتاه بودن احتمالی طناب نشانگر آنست که اهداف شخص شاید زیاده جاه‌طلبانه است، شکستن سطل‌آب، شکست قطعی را نشان می‌دهد.
رابطه‌ی میان چاه و کسانی که در اطراف آن زندگی می‌کنند، مثل رابطهٔ حکومتی خوب و اتباع آنست. چاه، طی همه‌ی تغییرات اجتماع، بی‌تغییر می‌ماند، و می‌توان به چاه، چه از نظر آب خوراکی، و چه از نظر استفاده برای کشاورزی متکی بود. ارزش چاه متناسب است با مقدار آبی که می‌توان از آن کشید. اگر حاکمان می‌توانستند چاه را سرمشق قرار دهند، می‌توانستند هم به‌خودشان و هم‌به‌مردم سودبرسانند. دولت باید قوانینی داشته باشد که مردم بتوانند، بدون ناراحتی و مزاحمت به بیت‌المال خود دسترسی داشته باشند. در غیر اینصورت شبیه کسی خـواهند بود که سر چاه می‌رود و تنها طنابی زیاده کوتاه یا دلوی شکسته پیدا می‌کند.

تصـــویـــر : آب (ك، ان) بالای چوب (سون). مرد برتر به مـــردم رفاه می‌دهد و به آنها می‌آموزد که به همدیگر کمك کنند.

خطـــوط

یکـــم ـ ٦ : چاه سخت گل‌آلود است، به‌طوری کـه آدمیان از آن نخواهند نوشید. یك‌چاه قدیمی نه پرندگان را جلب می‌کند و نه حیوانات را.

تفسیـــر : بسیار افراد که در مقام ریاست هستند، مثل یك‌چنین چاهی هستند: فاسد، بی‌مصرف و مردود.

دوم ـ ٩ : چاه شکافی باز کرده، و باعث شده که آب و ماهیهایی که در آن بودند، بیرون بریزنـد. سطل شکسته آب پس می‌دهد.

تفسیـــر : وزرای کشور باید بتوانند و مایل باشند که برکشور به ترتیبی درست ریاست کنند، اما استعدادهای آنها اغلب به غلط به‌کار افتاده، یااینکه درواقع هرزرفته است.

ســوم ـ ٩ : چاه تمیز شده، اما تحت استفاده قرار نگرفته. این مرحله‌یی غم‌آور است. فقط اگر امیر عاقلتر بود، همه‌چیز ممکن بود نافع باشد.

تفسیـــر : هنگامی که بـه مردم مستعد بـی‌تـوجهی می‌شود، تاسف و اندوه پیش خواهد آمد.

چهارم ـ ٦ : دیواره‌ی چاه محکم است و خوب بنا شده. خطایـی نخواهد رفت.

تفسیـــر : او را نباید متهم و محکوم کرد، اما مورد ستایش و تشویق نیز قرار نمی‌گیرد. او مراقب خودش است، اما هنوز برای دیگران کاری نمی‌کند.

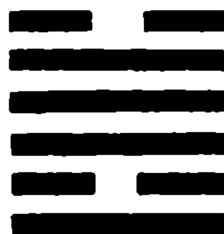
پنجـم ـ ۹ : آب چاه خنك است و زلال، مثل آب خنك چشمه‌یی، گواراست.

تفسیـــر : از آن آب می‌کشند و کــاربــردی مفید دارد. حاکمی خوب هم، به همین تــرتیب، به مردم خــود خــدمت می‌کند.

ششـم ـ ٦ : آب به بالای چاه کشیده شده، و در چــاه پــوشیده نیست، و بــه روی همه بــاز است. ایــن مطلب را می‌توان به صمیمیتی واقعی تشبیه کرد که منجر به کامیابی عظیم می‌شود.

تفسیـــر : موفقیتهای عظیم در اینجا نشان داده می‌شود.

شش خطی
۴۹



革

KO

کو

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: لـی: آتش، پیوسته.

انقلاب

حکـــــــم : انقلاب. تنها وقتی که انقلاب باور می‌شود که به وقوع پیوسته باشد. پیشرفت و موفقیتی عظیم خواهد بود. ثبات قدم و صحت عمل مفیدفایده خواهد

بود، و هر امکانی را از برای تاسف و پشیمانی نابود خواهد کرد.

توضیح : در اینجا آب و آتش یکدیگر را خنثی می‌کنند، مثل دو دختر که با هم منزل دارند، اما در کمال دشمنی و و عدم توافق. پس از اینجاست که این «شش‌خطی» نام انقلاب گرفته. انقلاب باید وقوع یابد، پیش از آنکه نیاز به آن به گونه‌ی گسترده‌ای حس شود. خردی پرورش‌یافته بنیان رضایتی شادی‌آور است، و منتهی به پیشرفتی عظیم، و موفقیتی بزرگ می‌شود. هنگامی که انقلاب در زمانی مناسب رخ‌دهد، تاسف و پشیمانی را خاتمه می‌دهد.
آسمان و زمین دستخوش تغییرات می‌شوند، و چهار فصل انقلاب خود را کامل می‌کند. «ت، انگ»۱ و «وو»۲ بنا بر خواستهٔ آسمانها، و در جواب به آرزوی آدمیان، قیام را رهبری کردند. به راستی که اهمیت چنین زمانی، چشم‌گیر است.
مردم هر نوع تغییری را معمولا با سوءظن و بی‌رغبتی می‌نگرند. بنابراین انقلاب باید به تدریج برانگیخته شود. لزوم تغییر، تنها وقتی موردتایید واقع‌می‌شود، که عملکرد آن دیده شود. شرایطی که طی آن انقلابها می‌توانند با موفقیت اجرا شوند آنست که قبل‌از وقوع انقلاب نیاز به آن ثابت شود، و در طول انقلاب صحت عملی بالثبات وجود داشته باشد.

تصویر : آتش (لی) در میانه‌ی دریاچه(تویی). مرد برتر تقویم را تنظیم می‌کند و فصول و زمانها را مشخص می‌سازد.

یکـــم ـ ۹ : او، مثل گاو نر زردی که با تسمه بسته شده، محصور است.
تفسیـــر : انقـلاب خیلـی زود شروع شده، و او قـادر نیست همکاری مورد احتیاج را به دست آورد.

دوم ـ ٦ : او پس از گذشت کامل زمان، تغییرات را به وجـود می‌آورد. چنین عملی کامروا خواهـد شد، و نبایـد هراسی از خطا به دل راه دهد.
تفسیـــر : کف‌نفس فکورانه کامیابی او را تضمین می‌کند.

سـوم ـ ۹ : اعمال او به‌نکبت منتهی‌می‌شود. حتی‌اگر ثابت‌قدم و صحیح‌العمل باشد، باز هم مخاطره وجـود خواهـد داشت. اگر او اعمال مورد نظر خود را قبل از اقدام به‌طور کامل بـا همکارانش مطـرح کند، اعتماد و حمایت مورد نیاز را به دست خواهد آورد.
تفسیـــر : شرایط غالب او را برمی‌انگیزدکه با بی‌پروایی عمل کند، و تغییرات خشونت‌آمیز ایجاد کند. احتیاط و برنامه‌ریزی دقیق توصیه می‌شود.

چهارم ـ ۹ : تاسف زایل می‌شود. او اعتماد اطرافیان خود را جلب کرده است، و تغییراتی که اکنون به وجود می‌آورد، نتیجه‌یی موفق خواهد داشت.
تفسیـــر : حال که اعتماد عمومی را جلب کرده‌است، می‌توانـد پیشروی کند.

پنجـم ـ ۹ : مرد بزرگ تغییراتی به وجود می‌آورد، بـه روش

ببری که خطوط پوست خود را تغییرمی‌دهد. او ابتدا با کتاب تقدیرات استخاره می‌کند. انگاه اقدام‌می‌کند. و به صحت انچه انجام می‌دهد اعتقاد دارد.

تفسیـــر : نتیجه‌ی اعمال او را می‌توان به خطوط‌براق تن ببری تشبیه کرد که پوست عوض کرده است.

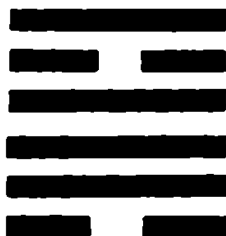
شتـــم ـ ٦ : مرد برتر تغییراتی به وجود می‌اورد، مثل یوزپلنگی که خالهای خود را تغییر می‌دهد. در حالی که مردان کوچك چهره عوض می‌کنند و اطاعت نشان می‌دهند. پیشروی به نکبت منجر می‌شود؛ ساکن مانـــدن، در عین صحت‌عمل و ثبات قدم، کامیابی می‌آورد.

تفسیـــر : اگرچه مرد برتر می‌تواند تغییرات‌را به روشی‌طبیعی ایجاد کند، بـــدون ایجاد نـــاراحتی، مثل یوزپلنگی که به‌آرامی خالهای خـــود را تغییر می‌دهد. اما بـــه مردان فرودست تـــوصیه می‌شود از اقدام بـــه عمل خودداری کنند. آنان باید خود را بـــا شرایط زمان وفق دهند.

۱ـ ت، انگ T'ang : چنگ ت، انگ، اولین‌فرمانروای‌شنگ Shang که می‌گویند حکومت او در ١٧٦٦ قبل از میلاد شروع شده.

۲ـ وو Wu : وو وانگ Wu Wang پسر شاه ون.

شش خطی
۵۰



鼎

TİNG
تینگ

سه‌خطی بالایی: لـی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

دیگ

حکـــــــم : دیگ. پیشرفت و موفقیت بسیار.

توضیح : این «شش‌خطی» نشانه‌ی دیگ است. «سه‌خطی»یی که نشانه‌ی چوب است وارد «سه‌خطی»ی نشانه‌ی آتش می‌شود. این مطلب یادآور طباخی است. حکیمان قبل از تقدیم نذورات خود به رب‌السموات، آنها را طبخ کردند، و جشنی آماده کردند تا عقلا و فضلا را اطعام کنند.

در اینجا نماد اطاعتی همراه با آرامش اضافه شده است بر نمادی که نشانه‌ی دقیق شنیدن و روشن‌دیدن است. در سه‌خطی بالایی خط ضعیف به موضع‌مرکزی صعود کرده و خطوط محکم پاسخگویش هستند؛ این امر نشانه‌ی پیشرفت و موفقیت بسیار است.

دیگ برای طباخی مصرف می‌شود ،و نشانه‌ی اطعام است. بنابراین موفقیت را تعمیم می‌دهد. اطعام‌مردان اهل فضل و خرد، به پیشرفتی عظیم در کشور می‌انجامد. مرد برتر می‌کوشد تا به مانند محتوای دیگ شود، خود را فدا می‌کند تا شاید کیفیتهای نیکویش دیگران را اطعام و تقویت کند.

تصویر : آتش (لی) روی‌چوب (سون). مرد برتر موضع‌مستحکم خود را حفظ می‌کند، و فرامین آسمان را اطاعت می‌کند.

خطوط

یکم ـ ٦ : دیگ وارونه شده، تا مواد فاسد خالی شود. عیبی ندارد اگرصیغه‌ای‌دست‌وپاکند.چون‌پسری‌خواهدآورد.

تفسیر : شرایطافراطی گاهی‌اعمالی‌ناصحیح‌را ایجاب‌می‌کند، فقط بر جاده‌ی قراردادی پرهیزکاری طی‌طریق‌کردن، کافی نیست. وارونه کردن دیگ یا صیغه گرفتن را می‌توان گفت که سزاوار سرزنش است، اما بعضی مواقع چنین اعمالی لازمند.

دوم ـ ۹ : دیگ پر از غذاست. دشمنان خنثی شده‌اند و نمی‌توانند صدمه‌یی بر او وارد کنند. مساعدت‌بخت.

تفسیر : او در موقعیتی محکم است. مخالفان‌خنثی‌شده‌اند، و پیشرفت مداوم او تضمین شده است.

سوم ـ ۹ : دسته‌های دیگ را برداشته‌اند، ازینرو حرکت کردن در مسیر زندگی مشکل است.[1] گوشت چرب قرقاول خورده نشده، اما باریدن باران تاسف‌را خواهد زدود، و در آخر کامیابی و خوش‌اقبالی خواهد آورد.

تفسیر : اشتباهی قابل احتراز، موجب تاخیر خواهد شد، و به ازدست دادن فرصتی خوب منتهی می‌شود. خوشبختانه این عقب‌نشینی اثری درازمدت ندارد. و سرانجام موفقیت به دست خواهد آمد.

چهارم ـ ۹ : پایه‌های دیگ شکسته است. غذای امیرزاده ریخته و هیکلش را آلوده. ناکامی و بداقبالی پیش خواهد آمد.

تفسیر : به شخصی وظیفه‌یی محول شده،که قادر به انجامش نیست، و در قضاوت اشتباهی عظیم مرتکب می‌شود. سرزنش و زحمت نتایج آن خواهد بود.

پنجم ـ ٦ : دیگ دارای دسته‌های زرد با حلقه‌های‌طلایی چسبیده به آنست. ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است.

تفسیر : حاکم، قدرت و فضایل خود را به زیردستان خود هبه می‌کند. چنین همکاری‌یی به نتیجه‌یی مسرت‌بخش می‌انجامد، اما پافشاری همچنان مورد نیازست.

ششم ـ ۹ : دیگ حلقه‌هایی از سنگ یشم دارد. کامیابی و خوش

اقبالی عظیمی وجود خواهد داشت، و هر عملی مفید فایده است.

تفسیـــــر : یشم بسیار سخت است، با اینهمه نرمی خاص خودش دارد. اگر او این کیفیت‌ها را در درون خود ترکیب کند، کامیابـــی بسیار نصیبش می‌شود، و همه‌چیز خوب خواهد بود.

۱ـ این جمله در دو متن ویلهلم و داگلاس تفاوتی اساسی داشت، و جمله‌ی ویلهلم انتخاب شد. جمله‌ی داگلاس چنین بود: «از اینرو حرکت‌دادن ظرف به سختی انجام می‌شود.»

شش خطی
۵۱



震

CHEN

چن

سه‌خطی بالایی: چن :تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی: چن: تندر، برانگیختگی.

تندر

حکـــــــم : تندر. تندر نشانه‌ی حرکت و موفقیت است. وقتی صاعقه فرود می‌آید، او را پیدا خواهیم کرد که بر صاعقه با بیم و هراس می‌نگرد، با این همه،

لبخند می‌زند و با خوشحالی سخن می‌گوید. وقتی صدای صاعقه همه‌کس را تا فاصله‌ی صدهافرسنگ می‌ترساند، او برآشفته نمی‌شود، و با جام اشربه‌ی مقدس که در دستانش سالم نگاه داشته به‌معبد نزدیك می‌شود.

توضیح : تندر نشانه‌ی پیشرفتی موفقیت‌آمیز است، احساس ترس و وحشتی که ایجاد می‌کند، به خوشحالی می‌انجامد، زیرا تغییرناگهانی و ترسناك‌آن، مقدمه‌ی وضعیتی آرام است.
غرش صاعقه، تا فاصله‌یی بعید را تکان می‌دهد، و کسانی را که همان نزدیکیها هستند می‌ترساند، جام اشربه‌ی مقدس سالم می‌ماند، چرا که یك نفر که قادرست معبد نیاکان و محراب خدایان جزیره‌را حفظ کند، ظاهر می‌شود، و اداره‌ی امور تمام نذورات را برعهده می‌گیرد.
مرد برتر از خطر این زمان آگاه است، و با احتیاط و تنظیم دقیق اعمال‌خود، بر این‌خطرها چیره‌می‌شود. تسلط بر خود و تمرکز صمیمانه بر آنچه حقیقتا مهم است، سلامت و موفقیت او را تضمین می‌کند.

تصویر : تندر مکرر (چن). مرد برتر هراسان و بیمناك است. فضیلت خود را تعمیم می‌دهد و اشتباهات خودرا مورد بررسی قرار می‌دهد.

خطوط

یکم ــ ۹ : صاعقه نزدیك می‌شود. او با احتیاط به دور و اطراف می‌نگرد، آنگاه لبخند می‌زند و خوشحالانه

سخن می‌گوید.

تفسیـــر : کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

دوم ـ ٦ : صاعقه قریب‌الوقوع‌است، و او در موقعیتی هراسان. پس از بررسی‌دقیقی، او چیزهای‌قیمتی‌خودرا از خود دور می‌کند و به‌جایی رفیع می‌رود. او نیاز ندارد به‌جستجوی چیزهایی که از دست داده است باشد، در عرض هفت روز آنها را خواهد یافت.۱

تفسیـــر : اگر هنگام تهدید خطر او بتواند از مقامی که بـه سختی کسب کرده، کناره‌گیری کند و به جایی امن پناه ببرد، و به دنبال حفظ چیزهایی که با قیمت گران به دست آورده نباشد، همه‌ی آنها را، وقتی خطر برطرف شده، بـدون هیچ کوششی، بـه دست خواهد آورد.

سـوم ـ ٦ : صاعقـه او را غـافلگیر می‌کند، و او پـریشان و مغشوش به‌جای می‌ماند. اما‌اگر صاعقه او را تحریک به انجام عملی صاعقه‌آسا کند، از آندسته اعمالی که خاص خـود اوست، او از ارتکـاب اشتباه اجتناب خواهد کرد.

تفسیـــر : او باید کوشش‌کند تا آرامش‌خود را به حد کافی به دست آورد، تا اقدام به عملی مقتضی و بازدارنده کند. شرایط خشن، چاره‌یی با شدت عمل ایجاب می‌کند.

چهارم ـ ۹ : هراسیده از صاعقه، در گل‌ولای لیز می‌خورد.

تفسیـــر : خطـری پیش‌بینی نشده، مـوجب می‌شود کـه او در قضاوت اشتباهی عظیم مرتکب شود.

پنجـم ـ ٦ : او در میان غرشهای رعد، می‌آید و می‌رود، همواره در ترس. اما ممکنست از خطر اجتناب کند و کـار مهم خود را به انجام رساند.

تفسیــر : اگرچه موقعیت او آسیب‌پذیر است، اما ممکن است به اهداف خود برسد.

ششـم ـ ٦ : او، همانطور که رعد می‌غرد و می‌پیچد، با تـرسی نفس‌گیر به اطراف نگاه می‌کند، هـراسیده و لرزان به همه‌جا می‌نگرد. اگر اقدام به عملی کند، نکبت‌بار خواهد بود. اگر می‌خواست پیشگیری کند، وقتی رعد هنوز نزدیك نبود، ممکن بود از خطر دور شود، اگرچه همکاران او باز هم او را مـورد انتقاد قـرار می‌دادند.

تفسیــر : او باید به این واقعیت تسلیم شود که کناره‌گیری، اجتناب‌ناپذیر است. پیش‌گیری قبل‌از وقوع، کمك می‌کند که اثرات خطر کمتر شود، اما او نمی‌تواند بکلی از توبیخ و سرزنش اجتناب کند.

۱ـ نام این شش‌خطی در ترجمه‌ی ویلهلم «هول و تکان» است. و خط دوم چنین است:

هول و تکان پیش می‌آید و خطر ایجاد می‌کند.
صد هزار بار
تو گنجهایت را از دست می‌دهی
و می‌باید از نه تپه بالا روی.
به جستجوی آنها مباش،
پس از هفت روز خواهی‌شان یافت.

شش خطی
۵۲



艮

KEN

کن

سه‌خطی بالایی: کن: کوه، ساکن.
سه‌خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

سکون

حکـــــــــم : سکون. پشت خود را کاملا بی‌حرکت می‌گیرد، و تمام بدنش بی‌حس می‌شود. او در حیاط خود گردش می‌کند، اما به مردمی که آنجاهستند توجهی نمی‌کند.

خطایی نخواهد رفت.

توضیح : این «شش‌خطی» به معنای رسیدن به توقف است. استراحت، در زمان استراحت و عمل‌کردن در زمان عمل. وقتی همه‌ی استراحتها و کارها در زمان‌مناسب انجام شود، آنگاه پیشرفت او درخشان خواهد بود.
در اینجا، سکون در جای صحیح خود اتفاق می‌افتد. «سه‌خطی» بالا و پایین با هم مرتبطند اما بر روی هم اثر نمی‌گذارند، به این جهت گفته شده که تمام بدنش بی‌حس می‌شود.
قسمتهای گوناگون بدن همگی کاربردی خارج از خودشان دارند. فقط پشت هیچ کاربردخارجی‌ندارد. مثل یك کوه، آنچه باید بکند آن است که در جای‌خود بماند ومستقیم‌ومحکم‌بایستد. مابایدمانند پشت‌ساکن بمانیم، به دور از فضولی افکار خودخواهانه، و وابستگی‌های بیرونی. آن کسی که به این سکون می‌رسد به خود اجازه نمی‌دهد که از تفکر و رعایت اصول اصلی دور شود. اما او یك گوشه‌نشین منزوی نیست که خود را از دیگران دور نگاه‌می‌دارد، درون‌نگری او آنقدر عمیق است که چه تنها باشد و چه در جمع فرقی نمی‌کند.

تصویر : کوهها (کن) روی کوهها (کن). مرد برتر به‌افکارش اجازه نمی‌دهد که مغشوش شود، و به چیزی جز موقعیت کنونی‌اش توجه کند.

خطوط :

یکم ـ ٦ : او انگشتان پایش را ساکن نگاه می‌دارد. خطایی

نخواهد رفت، اما برای او مفیدفایده خواهد بود که با پشتکار، ثابت‌قدم و صحیح‌العمل باشد.

تفسیـــر : احتیاط بسیار توصیه می‌شود.

دوم ـ ٦ : او ساقهای پایش را ساکن نگاه می‌دارد. او از کسی پیروی می‌کند، اما نمی‌تواند بــه او کمك کند، و از اینکه اهدافش‌خنثی‌شده، در عین راحتی ناخوش است.

تفسیـــر : علیرغم تحریکات شدید، او باید از اقدام به اعمال ناپخته خودداری کند.

ســوم ـ ٩ : او کمر خود را بی‌حرکت نگاه می‌دارد، و قلب خود را از امیال جسمی دور می‌کند. با این همه هنوز هم در مــوقعیتی خطرنــاك است، و قلبش از هیجانــی سرکوفته در التهاب است.

تفسیـــر : سکونی که توسط مغز، قبل از آمادگی بدن، بر بدن تحمیل شود، منتهی به بی‌نظمی و اغتشاش روانــی می‌شود. اگر شخصی بخواهد از عدم توازن اجتناب جوید باید تمام وجوهش، همزمان بــه سوی سکون رهبری شود.

چهارم ـ ٦ : او بدنش را در حال استراحت نگاه می‌دارد. مرتکب اشتباه نخواهد شد.

تفسیـــر : چون با موفقیت تمام بخشهای وجود خــود را تعلیم داده است، در تمام سطوح بدنش می‌تواند به سکون برسد.

پنجــم ـ ٦ : او آروارههایش را ساکن می‌کند، با مراقبت کلمات

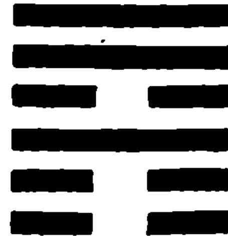
خود را منظم می‌کند، امکان تاسف به وجود نخواهد آمد.

تفسیـــر : انضباط مغزی و تعلیم بدنی، هر دو لازم است.

ششـم ـ ۹ : با علاقه، سکونی را کـه بـه آن رسیده است حفظ می‌کند. کامیابی وجود خواهد داشت.

تفسیـــر : او وقتی به هدف خود می‌رسد، خود را رها نمی‌کند، بلکه نظم و انضباط مراقبت‌آمیز خود را به گونه‌یی حفظ می‌کند که انگار به هدف خود نرسیده باشد، و بدین ترتیب تداوم این موقعیت سعادت‌بار را تضمین می‌کند.

شش خطی
۵۳



漸

chien

چی ان

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: کـن: کوه، ساکن.

پیشرفت تدریجی

حکـــــم : پیشرفت تدریجی. ازدواج دختری جوان موجب کامیابی خواهد شد. صحت عمل و ثبات قدم، مفید فایده است.

توضیح : پیشرفتی که در اینجا مطرح شده، مانند ازدواج کامروای بانویی جوان است. خطوط به سوی محل صحیح خود پیش می‌روند، و نشانگر موفقیتی چشمگیر هستند.
ازآنجاییکه او به‌درستی پیش می‌رود، قادر است در کشورش شرایط را به‌وجه احسن تغییر دهد. این امر با خطی قوی نشان داده می‌شود که خط وسط «سه‌خطی» بالا را اشغال کرده است.
از به هم پیوستن آرامش (سون) و ثبات (کن)، شروع حرکت خستگی‌ناپذیری به سمت جلو مشخص می‌شود.
ازدواج بانویی جوان به آهستگی انجام می‌شود، یعنی بعد از طی مراحل مقدماتی بسیار، که از تمامی این مراحل می‌بایست به روشی منظم و صحیح گذشت. با این روش است که یك فرد به‌تدریج در خدمت دولت ترقی می‌کند. مثل غازی وحشی که همراه با دسته‌ی پرندگان در جای معین‌شده‌اش رو به‌سوی آفتاب پرواز می‌کند، او هم بر جاده‌ی مقدرشده‌اش حرکت می‌کند.

تصویر : یك درخت (سون) روی کوه (کن). مرد برتر ابتدا فضایل بدون عیب و نقصش را به دست می‌آورد، و آنگاه در نگاهداشتن آنها پایداری می‌کند، و مردم را در راه به سوی نیکی، راهنمایی می‌کند.

خطوط :

یکم ـ ٦ : غاز وحشی به تدریج به ساحل نزدیك می‌شود. مرد جوان در خطر است، و بر علیه او صحبت خواهد شد. اما خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : دنبال کردن مسیر صحیحی در اعمال، او را درگیر انتقاد خواهد کرد. با اینهمه باید در طول این مسیر برود.

دوم ـ ٦ : غاز به تدریج به صخره‌های عظیم نزدیك می‌شود، و با حالی شادمان می‌خورد و می‌آشامد. بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیـــر : او به محل برتر امنی می‌رسد، و ممکن است در کمال آرامش استراحت کند.

ســوم ـ ٩ : غاز به‌جانب‌سرزمینهای‌خشك‌پیش‌می‌رود. بدبیاری و کج‌بختی وجود خواهد داشت. مثل موقعی که شوهری به لشکرکشی گسیل می‌شود، و باز نمی‌گردد، یا زنی حامله است اما فرزندش را دوست نمی‌دارد. مقاومت در مقابل دشمنان مفید فایده است.

تفسیـــر : پیشروی تهورآمیز، بدون درنظر گرفتن احساسات دیگران، به نکبت خواهد انجامید. اما استفاده از قدرت، برای حمایت از دیگران، نتیجه‌یی کامــروا خواهد داشت.

چهارم ـ ٦ : غازها به طرف درختان می‌روند، و به دنبال شاخه‌ی پهنی هستند که بر آن بیارامند. خطایی‌نخواهدرفت.

تفسیـــر : با مراقبت پیش می‌رود، و بــه دنبال جایی بــرای استراحت می‌گردد. او از محدودیتهایش آگاه است، و کوششهای متواضعانــه‌اش، او را از خطا مصون می‌دارد.

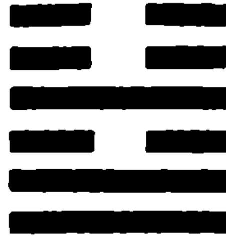
پنجـم ـ ٩ : غاز به تدریج به طرف زمینهای مرتفع پیش می‌رود. بخت مساعدت خواهدکرد، مثل زنی که تــا سه سال حامله نمی‌شود. بعد حامله می‌شود.

تفسیـــر : انکاری مصرانه، در موقع مقتضی، به‌موفقیتی عظیم راه خواهد داد.

ششم ـ ۹ : غاز به تدریج بـه سوی بلندیهای بالادست حـرکت
می‌کند. از پرهای او می‌توان در جشنها استفاده‌کرد،
و این امر کامیابی را تضمین می‌کند.

تفسیـر : حال که به هدف خود رسیده است، می‌تواند پیشروی
را متوقف کند. و در عوض می‌تواند ازاندوخته‌های
ذهنی‌اش برای خیر همگان استفاده کند.

شش خطی
۵٤



歸妹

KUEI MEI

کوای‌می

سه‌خطی بالایی: چــن: تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

عروس‌خانم

حکـــــــم : عروس‌خانم. جنبش و حرکت نکبت‌بار خواهد بود.
هیچ استفاده‌یی از آن به دست نمی‌آید.

توضیح : در اینجا ارتباطی عظیم و درست میان آسمان و زمین نشان داده می‌شود. اگر آسمان و زمین نمی‌بایست ارتباطی داشته باشند، چیزها بدانگونه که رشد می‌کنند، رشد نمی‌کردند و بارور نمی‌شدند. ازدواج عروس‌خانم، نشاندهنده‌ی پایان دختری و شروع مادری است.
این «شش‌خطی» ترکیبی از شادی و حرکت است، و نشانگر ازدواج دختری جوان. جنبش و حرکت نکبت خواهد آورد، چرا که همه‌ی خطوط در جای مناسب واقع نشده‌اند. هیچ استفاده‌یی به دست نخواهد آمد، چرا که خطوط ضعیف بر خطوط قوی سوارند. بدانگونه است که انگار ازدواجی توسط یك دختر تنظیم شده است. این دختر به‌سوی منزل شوهر آینده‌اش پیش می‌رود، به جای آنکه منتظر شوهرش بماند که به خانه‌ی او بیاید. آسمان به ازدواج‌های دنیایی با نظر مساعد می‌نگرد و آن را دنبال‌کننده‌ی دستورات الهی می‌داند، اما وقتی ضعیف، سرور قوی می‌شود، فقط کج‌بختی و ناکامی پیش می‌آید. برای داشتن موفقیتی درازمدت باید از اشتباه در شروع کار، اجتناب کند.

تصویر : تندر (چن) روی آبها (تویی). مرد برتر، درحالیکه چشمانش به آینده‌ی دور است، نسبت به اشتباهاتی که ممکن است در حال حاضر صورت گیرد آگاه‌است.

خطوط :

یکم ـ ۹ : دختر با مردی ازدواج می‌کند که هم‌اکنون همسری دارد.[۱] اگرچه او صرفاً یك زن دوم می‌شود، با اینحال مثل شخصی است که یك پا دارد اما همچنان موفق

می‌شود به جلو حرکت کند. این پیشرفت همراه با کامیابی است.

تفسیــــر : علیرغم‌محدودیت‌ها، اهداف‌شخص‌کاملامحدود نخواهد شد.

دوم ـ ۹ : اگرچه یکی‌از چشمان این‌زن کور است، اما به حد کافی می‌بیند. اگر با ساده‌دلی یك راهب عمل کنیم، مفید فایده است.

تفسیــــر : پافشاری نسبت به هدف اولیه، علیرغم بدبیاریهای عظیم، پیشرفتی مناسب را تضمین می‌کند.

ســوم ـ ٦ : او نقشه ی ازدواج کشیده، اما چون پیشخدمتی فقیر بیش نیست، به خاطر شرایط مجبور می‌شود موافقت کند که صیغه‌ی کسی بشود.

تفسیــــر : پس از شکست در یك جاه‌طلبی عظیم، توقعات خودرا به سطحی واقعی‌تر می‌رسانــد، و در نتیجه امکــان موفقیت به دست می‌آورد.

چهارم ـ ۹ : اگرچه این زن در سن ازدواج است، اما خود را از ازدواج دور نگاه می‌دارد. و اگرچه بدین‌ترتیب در ازدواجش تاخیر می‌شود، اما در زمان‌خود، رخ‌خواهد داد.

تفسیــــر : صبر و خویشتن‌داری، کامیابی و خوش‌اقبالی را در موقع مناسب تضمین می‌کند.

پنجــم ـ ٦ : وقتی دختر امپراطــور ازدواج می‌کــرد، زینت لباس بلندش کمتر از زینت لباس ساقدوشش بــود. مــاه تقریبا بدر است. بخت مساعدت خواهد کرد.

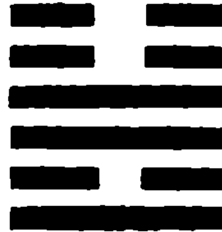
تفسیـــر : کف‌نفس و عدم خودنمایی، به کامیابـی در آینده‌ی نزدیك منتهی می‌شود.

ششـم ـ ٦ : زن جوان سبدی خالی حمل می‌کند، مرد، گوسفندی را ذبح می‌کند، و خون جریان نمی‌یابد. از هیچ جهت استفاده‌یی وجود نخواهد داشت.

تفسیـــر : طالع نامتبرك‌است. به هر عملی کـه مبادرت شود، هیچ خیری به دست نمی‌آید.

۱ـ در چین، طبق قوانین رسمی، هر مرد فقط یك زن شرعی می‌توانست داشته باشد.

شش خطی
۵۵



豐

FENG
فنگ

سه‌خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی: لی: آتش، پیوستگی.

سعادت بسیار

حکــــــــم : سعادت بسیار. پیشرفت و مــوفقیت. وقتی امیر بــه اهدافش نایل شد، نبایداز تغییرات نامساعدی که به‌یقین در پی خواهد آمــد، بترسد. برعکس باید کــه مثل

آفتاب سرظهر باشد.

توضیح : در اینجا فراوانی وجود دارد. «سه‌خطی» نشانگر حرکت (چن) به «سه‌خطی» نشانگر درخشندگی (لی) پیوند دارد.
وقتی امیر به این مرحله رسید، هنوز باید پیشتر برود. او بایددرخشندگی خودرا وادار(تا بر هرآنچه زیر آسمان است پرتوافشانی کند. وقتی آفتاب به مسقط‌الرأس خود رسید، شروع به افول می‌کند.
وقتی ماه کامل شد، از بدر به هلال می‌رسد.
جریان داخلی آسمان و زمین در ابتدا شدید و بسیار است، سپس کم و بطئی است، و مطابق با فصول شدید و ضعیف می‌شود. و همین امر با شدت بیشتری در مورد انسانها و خدایان صورت می‌گیرد.
سعادت بسیار، اغلب راهی به آدمیان می‌دهد تا با شرایط مخالفت کنند. حاکمی که هم نیرومند و هم باهوش است، قادرست که سعادت را در کشورش برقرار سازد، و دستخوش نگرانی نمی‌شود. او در حفظ مقام خود و فراوانی کشور شکست نمی‌خورد و اشتباه نمی‌کند. او به مانند آفتاب سر ظهر است، گرما و نور خود را به همه‌طرف می‌پاشد.

تصویر : رعد (چن) و برق (لی) با هم. مرد برتر هنگامی که مجادله و منازعه بالا می‌گیرد، حکمیت می‌کند، و تنبیهی مناسب انتخاب می‌کند.

خطوط

یکم ـ ۹ : او امیری را ملاقات می‌کند که از لحاظ شان با او

برابر است. اگرچه آنها از نظر خوی و خصلت‌مشابه هستند، اما هیچ برخورد شخصیتی میانشان به وجود نمی‌آید. پیشروی همراه با اتحاد، مورد قبول خواهد بـود.

تفسیـــر : همکاری میان آنهایی کـه سعادتمند هستند، سعادت آنان را تثبیت می‌کند.

دوم ـ ٦ : پرده‌های عظیمی او را دربر گرفته است. این پرده‌ها بر آسمان سایه می‌اندازند، تا حدی کـه او حتی سر ظهر می‌تواند ستاره‌ها را ببیند. اگر او کوشش کند مافوق خود را راهنمایی کند، فقط موجب سوءظن و عدم باور نسبت به خود می‌شود. اگر او تحت ایـن شرایط ناساز، پایداری کند، و با اخلاصی‌صمیمانه به کارش بپردازد، ممکن است به کامیابی برسد.

تفسیـــر : اگرچه آینده بـه نظر تـاریك می‌رسد، امـا شرایط بهتر می‌شود. ولی او نباید در این زمان به جستجوی کمك باشد.

سـوم ـ ۹ : بیرقی عظیم در مقابلش، جلوی دیدش را می‌گیرد، اما از لای آن، یك لحظه ستاره‌ی کوچکـی را در سر ظهر رؤیت می‌کند. قادر نیست روبرو را به روشنی ببیند، و بازوی راستش می‌شکند، اما از خطا مصون می‌ماند.

تفسیـــر : شرایط غالب، به کج‌بختی و ناکامی غیرقابل‌اجتنابی منتهی می‌شود، اما نگاهی‌به‌زمانهای امیدبخش‌آینده، او را از اشتباهی که ناشی از نومیدی باشد، مصون خواهد داشت.

چهارم ـ ۹ : او خود را پشت پرده‌یی می‌یابد که این پرده از چنان

جنس ضخیمی درست شده که سر ظهر، آفتاب از خلال آن مثل ستاره‌یی کوچك می‌نماید. اما در آنجا مافوق خود را ملاقات می‌کند، که به او علاقه‌دارد. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.

تفسیر : آینده تاریك به‌نظرمی‌رسد و تعیین وضعیت آن مشکل است، اما او تنها نیست، متفقین نیرومند به‌او کمك خواهند داد، تا به آرزوهایش برسد.

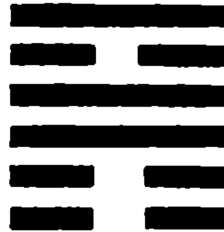
پنجم ـ ٦ : او مردان اهل‌خرد و قادر را به‌دورخویش جمع‌می‌کند. فرصتی برای تبریك و تهنیت پیش می‌آید. کامیابی و خوش‌اقبالی.

تفسیر : همکاری میان مردان قادر و خوش‌نیت، سعادت‌فراوان او را تضمین می‌کند.

ششم ـ ٦ : خانه‌ی بزرگش، منعکس‌کننده‌ی سعادت اوست. اما وقتی از در سرك می‌کشد، همه‌چیز ساکن است و هیچکس در آن اطراف نیست. تا سه سال هیچکس نزدیك نمی‌شود. نکبت خواهد بود.

تفسیر : خودنمایی‌اش او را از همه بیگانه می‌کند. فراوانی و ثروتی که این‌چنین مورد سوءاستفاده بوده، تنها ممکن است ناکامی به‌بار آورد.

شش خطی
۵۶



旅

Lü

لو

سه‌خطی بالایی: لی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

غریبه‌ی مسافر

حکـــــــم : غریبه‌ی مسافـر. پیشرفت و مـوفقیت در چیزهای کوچك وجود خواهد داشت. اگر مسافر ثبات‌قـدم و صحت‌عمل در رفتـارش داشته بـاشد، کـامیابـی و

خوش‌اقبالی از پی خواهد آمد.

توضیح : در اینجا خطی ضعیف در مرکز «سه‌خطی» بالا می‌نشیند، و به خطوط قوی در هر دو سوی جواب می‌گوید، این امر نشانگر موفقیت در امور کوچك است.
در اینجا سکون به درخشندگی آتشین اضافه شده، و نشانگر پیشرفت در مسایل کوچك است، و کامیابی برای مسافری که راسخ و جدی است.
به راستی که اهمیت اعمالی که درین زمان عملی می‌شود بسیار زیاد است! غریبه‌های مسافر بایدحالت تواضع و درستی را در خود پرورش دهند، درنتیجه‌از آزار خواهند گریخت و موفقیتی در مسایل کوچك خواهند داشت. مردی در حال حرکت قادر نیست به چیزهای بزرگ نائل شود.

تصویر : آتش (لی) روی کوه (کن). مرد برتر وقتی دستور تنبیه می‌دهد، عقل مدبرانه‌ی خود را اعمال می‌کند، و اجازه نمی‌دهد که دعوا و مرافعه به درازا کشد.

خطوط :

یکم ـ ۶ : مسافر کم‌مغز است و درگیر مسایل مبتذل است. او خود را گرفتار بلا و نکبت خواهد کرد.
تفسیر : دخالت بیجا در امور بی‌اهمیت، که مربوط به حرفه‌ی واقعی شخص نیست به ناکامی منتهی خواهد شد.

دوم ـ ۶ : غریبه با اشیاء قیمتی‌اش در مسافرخانه‌ی خود سلامت

و در امان است. او مستخدمینی خوب و قابل اعتماد دارد.

تفسیــــر : گرچه در موقعیتی آسیب‌پذیر قــرار گــرفته، معهذا اشیاء باارزش خود را حفظ‌می‌کند و همراهانی باوفا دارد.

ســوم ـ ۹ : به‌خاطر بی‌مبالاتی و بی‌توجهی او، مسافـرخـانه آتش می‌گیرد و می‌سوزد، و او خــدمتکارانش را از دست می‌دهد. هرچند کوشش می‌کند به درستی عمل کند، اما خطر اجتناب‌ناپذیر است.

تفسیــــر : به‌خاطر اعمال خود او، موقعیتش به خطر می‌افتد، و وفاداری حامیان قدیمش را از دست می‌دهد. هرچند سخت می‌کوشد تــا اصلاحاتی به وجــود آورد، اما صدمه‌یی که رسیده است، عظیم است و او نمی‌تواند از خطری که خود را در معرض آن قرار داده، اجتناب کند.

چهارم ـ ۹ : او برای استراحت پناهگاهی یــافته است، و اشیاء قیمتی‌اش را باخود دارد، به اضافه‌ی تبری بــرای محافظت از خود، اما نمی‌تواند آرام‌بگیرد و استراحت کند.

تفسیــــر : اگرچه مــوقعیت او به‌طــور موقت امن است، امــا نمی‌تواند دوام آورد.

پنجــم ـ ٦ : او بر قرقاولی تیری رها می‌کند، اما به هنگام این کارخدنگش‌را گم‌می‌کند.۱ در پایان مورد تایید واقع می‌شود، و مسئولیتی به او واگذار خواهد شد.

تفسیــــر : یك عقب‌نشینی کوچك، به زودی پیشرفتی بزرگ را ممکن می‌سازد.

ششـم ـ ۹ : پرنـده‌یی آشیانـه‌ی خود را می‌سوزانـد. او ابتدا می‌خندد، اما بعدمی‌گرید. او آرامش گاووارش را به آسانی از دست‌می‌دهد.۲ نکبت پیش خواهد آمد.

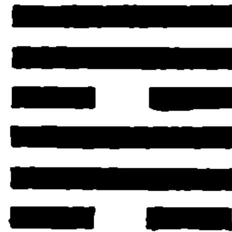
تفسیـــر : او از ناکامی و بدبیاری دیگری شادی می‌کند، آنگاه درمی‌یابد که خود او درگیر بلا و فـاجعه است. یك چنین عدم متانتی به انحطاط او منجر خواهد شد.

۱ـ در ترجمه‌ی ویلهلم آمده: «قرقاول به تیر اول می‌افتد.»

۲ـ در ترجمه‌ی ویلهلم چنین است:

آشیانه‌ی پرنده می‌سوزد.
دوره‌گرد [غریبه‌ی مسافر] ابتدا می‌خندد،
آنگاه می‌باید بگرید و زاری کند.
از روی بی‌مبالاتی گاوش را گم می‌کند.
نکبت.

شش خطی
۵۷



巽

SUN

سون

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: سون: باد، آرام.

رسوخی آرام

حکـــــــم : رسوخی آرام. اکتساب چیزهای نــاچیز، و پیشرفت در آنها. حرکت در هر جهتی مفید فایــده است، و همچنین ملاقاتی با مرد بزرگ.

توضیح : این «شش‌خطی» نشان می‌دهد که چگونه باید فرامین دولت را اجرا کرد. خطی قوی در مرکز «سه‌خطی» بالایی واقع شده، و خواسته‌ی او شدیداً اطاعت می‌شود. هر دو خط ضعیف در اینجا تابع خطوط قوی مستقر در بالای خویشند. ازینرو گفته شده که پیشرفتی در مسایل ناچیز وجود خواهد داشت، و هر نوع حرکتی مفید فایده خواهد بود، و ملاقات با مرد بزرگ هم مفید فایده است.
الر رسوخ‌آرام، انقلاب‌یا بازسازی‌نیست، بلکه تنها تصحیح و پیشرفت‌است. چنین تصحیح ظریفی در صورتی مؤثر است که شخص تحت راهنمایی مرد بزرگ قرار گیرد.

تصویر : بادها (سون) به دنبال هم می‌آیند. مرد برتر فرامین خود را به مادون خود تاکید می‌کند، و بدین ترتیب امور خود را به انجام می‌رساند.

خطوط

یکم ـ ٦ : ابتدا پیش می‌رود، سپس عقب می‌نشیند. اگر او انضباط شدید یك سرباز را می‌داشت، به نفعش تمام می‌شد.
تفسیر : به‌خاطر عدم وجود شدت و قاطعیت، متزلزل است.

دوم ـ ٩ : زیر تختی چمباتمه می‌زند، او از غیبگویان و جن‌گیران، به‌ترتیبی مغشوش و مخدوش کمك‌می‌خواهد. بخت مساعدت خواهد کرد، و خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : اگرچه ضعیف، و بی‌خودی مطیع و سربزیر است، معهذا کوشش او در جهتی درست است و نتیجه‌یی

کامروا خواهد داشت.

سوم ـ ۹ : تنها با کوششی خشونت‌آمیز و مکرر، ممکن است رسوخ کند. مواقعی وجود خواهد داشت که او بر اعمالش تاسف خواهد خورد.

تفسیر : تمام کوششهای او بی‌اثر خواهد بود.

چهارم ـ ٦ : بهنگام شکار سه‌نوع جانور شکاری می‌گیرد. جایی برای ندامت وجود نخواهد داشت.

تفسیر : پیروزی بر مخالفین تضمین شده است.

پنجم ـ ۹ : پافشاری موجب مساعدت بخت خواهد شد. تاسف و پشیمانی موردی ندارد و همه‌ی اعمال او مفید فایده خواهد بود. ممکن است شروع خوبی نباشد، اما پایانی خوب خواهد بود. بگذارید سه روز قبل از وقوع تغییر و همچنین سه روز بعد از آن را در نظر بگیرد، و درباره‌ی آن تعمق کند. چنین حرکتی کامیابی و خوش‌اقبالی خواهد آورد.

تفسیر : او سیاست رسوخی آرام را اتخاذ می‌کند، در نتیجه مشکلات فعلی او ثمره‌ای خوش خواهد داشت.

ششم ـ ۹ : او زیر تختی قوز می‌کند، و نیروی خود را برای تصمیم گرفتن از دست داده است.[1] هراندازه‌هم شدید عمل کند، ناکامی وجود خواهد داشت.

تفسیر : رسوخ آرام، وقتی به افراط باشد، منجر به از دست دادن اقتدار می‌شود، و به آسانی قابل جبران‌نیست.

۱ـ در ترجمه‌ی ویلهلم چنین آمده:
او زیر تختی فرو می‌شود.
دارایی و تبرش را گم می‌کند.

شش خطی
۵۸



兌

TUi
تویی

سه‌خطی بالایی: تویی: دریاچه، شادان.
سه‌خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

شادی

حکـــــم : شادی. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت. ثبات قدم و پافشاری مفید فایده است.

توضیح : این «شش‌خطی» نشانگر رضایتی شادی‌آور است. در مرکز هر «سه‌خطی» خطی قوی قرار دارد، و در رأس هر «سه‌خطی» یك خط ضعیف، که نشانگر آنست که عمل کردن با ثبات‌قدم و صحت‌عمل فایده‌یی شادی‌آور در بر دارد.
وقتی منظره‌ی چنین لذتی در مقابل مردم قرار می‌گیرد، با اشاره‌یی آنان را فرا می‌خواند، و آنان سنگینی کارشان را فراموش می‌کنند، وقتی به آنان الهام می‌دهد که بر مشکلاتشان فایق شوند، آنان خطر مرگ را از یاد می‌برند. چقدر نیروی آن عظیم است که می‌تواند مردم را به این‌ترتیب‌به‌هیجان‌آورد! وقتی در افراد حالت انعطاف و هماهنگی غالب می‌شود، بدون اینکه صداقتی واقعی وجود داشته باشد، تا بر آنان نظارت کند، و بدانان انضباط دهد، آنان فاسد می‌شوند. اگر بخواهیم شادی موجب خوش‌اقبالی و کامیابی شود، نیرویی بنیانی توصیه می‌شود.

تصویر : دو دریاچه (تویی) با هم. مرد برتر به‌صحبت دوستان می‌پیوندد و به فعالیتهای هیجان‌آورشان ملحق می‌شود.

خطوط :

یکم ـ ۹ : لذت هماهنگی درونی. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت.
تفسیر : اومستغنی‌وبی‌نیازاست‌وکامیابی‌را به‌خودجلب‌می‌کند.

دوم ـ ۹ : لذت از صمیمیتی درونی برمی‌خیزد. بخت مساعدت

خواهد کرد و جایی برای تاسف باقی نمی‌ماند.

تفسیـــر : امانت او تضمین می‌کند که مشکلات او مرتفع‌شود.

ســوم ـ ٦ : او عمداً خود را در چیزهای لذتبخش محصورمی‌کند. نکبت پیش خواهد آمد.

تفسیـــر : اهمیت‌دادن به لذات بیرونی موجب است که آرامش درونی خود را از دست بدهد.

چهارم ـ ۹ : او برای انتخاب میان لذات مختلف در تردید است، و نمی‌تواند آرام بگیرد. او نـزدیك است تصمیمی غلط اتخاذ کند، اما منصرف می‌شود. نتیجه شادی‌آور است.

تفسیـــر : با تعمدی آگاهانه و با خودآموزی، بر تردیدهای خود فایق می‌شود.

پنجـم ـ ۹ : او به کسی اعتقاد دارد که ممکن است به او صدمه بزند. موقعیت او خطرناك است.

تفسیـــر : اتکای به دیگران، به‌جای اتکای به نفس، جای خیانت را باز می‌گذارد.

ششـم ـ ٦ : او از رهنمایی به دیگران و جلب کردن آنان به سوی خود، لذت می‌برد.

تفسیـــر : چشیدن طعم شادی، از طریق قدرت‌نمایی بر دیگران، فقط لذت مردان کوچك است.

شش خطی
۵۹



渙

HUAN

هوان

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: ك، ان: آب، خطرناك.

پراکندگی

حکم : پراکندگی. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت. امیر از معبد نیاکان خود دیدن می‌کند. عبور از آب بزرگ مفید فایده است، و همچنین پایدار بودن در

عمل مفید خواهد بود.

توضیح : پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت چرا که در مرکز «سه‌خطی» پایینی، خطی‌قوی‌نشسته و در موضع قدرت است، و همچنین خط ضعیف تحتانی در «سه‌خطی» بالایی به‌خط قوی بالای خود جوابگوست. ازینرو امیر به معبد نیاکان خود با ساده‌دلی و بدون تزویر روی می‌آورد.
او ممکنست در امنیت کامل از آب بزرگ عبور کند، چرا که بر روی آبها (ك، ان)، در قایقی چوبی (سون) حرکت می‌کند.
پراکندگی هنگامی رخ می‌دهد که ذهن آدمیان از آنچه درست و خوب است جدا شده. چنین جریانی ممکن است تا به حدی پیش رود که یك مملکت را در بر گیرد. اگر تقوایی راستین بر قلب‌آدمیان حاکم‌باشد، پراکندگی رخ نخواهد داد. تعهدات عظیمی که به ترتیبی منضبط بر عهده گرفته شود، با موفقیت به انجام خواهد رسید. اما آنچه انجام می‌شود، باید با توجه کامل نسبت به آنچه درست است باشد.

تصویر : باد (سون) بر روی آب (ك، ان) می‌وزد. شاهان قدیم، نیازها و نذورات‌خودرا‌تقدیم رب‌السموات‌می‌نمودند، و معابد را بنا می‌نهادند.

خطوط :

یکم ـ ٦ : او با کمك یك اسب قوی دیگران را از شر و نکبتی که تهدیدشان می‌کند، نجات می‌دهد. کامیابی و خوش‌اقبالی وجود خواهد داشت

تفسیـــر : با کمك آنهایی که مادون او هستند، او قادرست خطر را مرتفع کند.

دوم ـ ۹ : در میان پراکندگی‌های افزون‌شونده، باشتاب می‌کوشد تا در پشت محراب خود پناه بگیرد. دلیلی برای توبه و ندامت نیست.
تفسیـــر : در زمانهای بحرانی، بازگشت به سرچشمه‌های عرفانی درونی‌اش، به او کمك خواهد کرد تا تعادل خود را حفظ کند.

سـوم ـ ٦ : همه‌ی افکار خود را نادیـده می‌گیرد. دلیلی بـرای تاسف و پشیمانی وجود نخواهد داشت.
تفسیـــر : دفع تمام افکاری کـه خواسته‌ی نفسانـی است، از درگیری او در فساد کلی جلوگیری می‌کند.

چهارم ـ ٦ : او کسانی را که در اطراف او گرد آمده‌اند، پراکنده می‌کند، و حلقه‌ی جدیـدی از یاری‌دهندگان انتخاب می‌کند. مردان عادی فکر نمی‌کنند که ممکن است از طریق پراکنده ساختن بازسازی بهتری به‌وجود آید.
تفسیـــر : روشنی ذهن توصیه می‌شود، تا در یك چنین موقعیت مغشوشی، افـراد اساسی انتخاب شونـد. یك چنین کیفیتی در مردان کوچك وجود ندارد.

پنجـم ـ ۹ : او خبرهایـی پخش می‌کند. عرق از بـدنش بیرون می‌زند، گویی بدن او هم سهمی دراین پراکندگی کلی داشته است. او ذخایر انبار غله‌ی سلطنتی را پخش می‌کند. خطایی نخواهد رفت.
تفسیـــر : مقابله‌ی جسورانه با یك نوع پراکندگـی منفی، به وسیله‌ی پراکندگی مثبت (در این مورد غلات) سزاوار

و قابل ستایش است.

ششـم ـ ۹ : او از خـونـریـزی اجتناب می‌کند، و خـود را از سرچشمه‌ی ترسش دور می‌سازد. خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــر : ازهم پاشیدن مراکـزی کـه احتمالا بـاعث خطر و آزارند، بهیچ‌وجه قابل سرزنش نیست.

شش خطی
٦٠



節

chieh

چیه

سه‌خطی بالایی: ك، ان: آب، خطرناك.
سه‌خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

مقررات

حکـــــــم : مقررات. پیشرفت و موفقیت وجود خواهدداشت. اما اگر قانون زیاده سختگیرانه و مشکل باشد، الــرات خوب آن چندان نخواهد پایید.

توضیح : در اینجا، پیشرفت و دلبستگی نشان داده شده، زیرا خطوط قوی و ضعیف به‌طور مساوی تقسیم شده است، و خطوط قوی بر وسط «شش‌خطی» مستقرند. اگر مقررات زیاده سختگیرانه باشد، عمل‌کردن بدان اجباراً به رکود می‌رسد. اگر درشرایطی‌مخاطره‌آمیز، مسیری در کمال موفقیت دنبال شود، احساسی از لذت و رضایت به دست می‌آید. وقتی مقررات کاملا تحت نظارت اولیای امور باشد شخص‌قادرست در یك چارچوب مشخص، آزادانه عمل کند.

آسمانها و زمین کارآیی‌های خود را تنظیم می‌کنند، و چهار فصل مطابق با یکدیگر حرکت دورانی خود را کامل می‌کنند. اگر حکام، مقرراتخود را برمبنای یك چنین الگویی تنظیم کنند، ذخایر دولت خالی نخواهد شد، و مردم زجر و آزار ومزاحمتی نخواهند دید.

این قوانین را می‌توان در بندهای نی و در مفاصل بدن انسان دید. مشابه با آنها فصول سال هم‌دارای مقررات است، و مقررات دنیایی توسط دولت، و به منظور نظارت و اداره در موقع لازم، و راهنمایی مردم برقرار شده. اما اگر بخواهد موفق شود، مقررات می‌بایست با وضعیت غالب و روزمره هماهنگ شود. نه اینکه همواره سختگیرانه و جدی باشد.

تصویر : آب (ك، ان) در طول دریاچه (تویی). مرد برتر روشهای‌شماره‌کردن و اندازه‌گیری‌را متحول می‌کند، ودربارهٔ نکات پرهیزگاری و تقوی و سلوك صحیح بحث می‌کند.

خطوط

یکـــم ـ ۹ : او حیاط اندرونی را ترک نمی‌گوید. مرتکب‌اشتباهی نمی‌شود.
تفسیـــر : در این زمان خویشتن‌داری و کف‌نفس توصیه‌می‌شود.

دوم ـ ۹ : او حیاط بیرونی خانه‌اش را ترک نمی‌گوید. نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیـــر : وقتی فرصتی وجود دارد، خویشتن‌داری و تحدید غیرلازم‌است، و هرگزنمی‌تواند نتیجه‌یی مساعدبه‌بار آورد.

ســوم ـ ٦ : او مقررات درست وبه‌جا را نادیده می‌گیرد، و کمی بعد افسوس می‌خــورد، و دچار انــدوه می‌شود. اما هیچکس جز خود را نمی‌تواند مقصر بداند.
تفسیـــر : مقرراتی مؤثر خواهد بود که در زمانی مناسب اجرا بشود.

چهارم ـ ٦ : با سکوت و به‌طــور طبیعی تمام مقررات را رعایت می‌کند. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت.
تفسیـــر : احترام نسبت به قدرتی که‌به‌طور کامل برقرار شده، منجر به موفقیت خواهد شد.

پنجـم ـ ۹ : او با میل به مقرراتی که خودش مقرر داشته، گردن می‌نهد. کامیابــی وجود خواهــد داشت، و نتیجه‌ی ارزیابی‌های او موجب می‌شود که مورد تحسین قرار گیرد.
تفسیـــر : مردم به مقرراتی که او مقرر داشته، سر می‌نهند، و ازینطریق به این مقررات قدرت می‌بخشند، و موجب پذیرش آنها می‌شوند.

ششـم ـ ۶ : او برای حفظ مقرراتی که هم‌سختگیرانه و هم مشکل است فشار می‌آورد. حتی زمانی که این مقررات بـه درستی مورد اطاعت است، باز هم نکبت وجود خواهد داشت. دلایلی برای افسوس هست، اما مرتفع خواهد شد.

تفسیـــر : سختگیری زیاده از حد، موجب نکبت بیش از اندازه خواهد شد، اما حداقل بهتر از سهل‌انگاری زیاده از حد است. عواقب نکبت‌بار مقررات سختگیرانه ممکن است در طول زمان ترمیم یابد.

شش خطی
۶۱



中孚

CHUNG FU

چونگ، فو

سه‌خطی بالایی: سون: باد، آرام.
سه‌خطی پایینی: تویی: دریاچه، شادان.

صمیمیت بی‌اندازه

حکـــــــم : صمیمیت بی‌اندازه. کامیابی. حتی خوکها و ماهی‌ها تحت تاثیر صمیمیت بی‌اندازه واقع می‌شوند.
عبور از آب بزرگ ، ثبات قدم و صحت عمل مفید

فایده است.

تــوضیـــح : در مرکز این «سه‌خطی»، دو خط ضعیف نشسته‌است و خطوط قوی در مرکز هریك از «سه‌خطی»ها واقع شده‌اند. در اینجا شادی و آرامش را با هم داریم، که گویای صمیمیتی بی‌اندازه‌اند. یك‌چنین‌صمیمیتی می‌تواند یك کشور را متحول کند.
صمیمیت‌حتی‌به‌خوکها و ماهی‌هاهم‌می‌رسدوآنان‌راتحت تاثیر قرار می‌دهد. عبور از آب بزرگ مفید فایده است، چرا که نشانه‌ها می‌گویند که او روی دریاچه (تویی) در قایقی از چوب (سون) حرکت می‌کند.
وقتی صحت‌عملی دایمی را با عقیده و ایمان اعمال می‌کنیم، عکس‌العمل انسان را درمقابل تاثیرآسمانها می‌بینیم.
صمیمیت بی‌اندازه، بالاترین سجیه‌یی است که برای انسان وجود دارد، و او را نسبت به‌موجودات‌معنوی، نسبت به دیگر آدمیان، و نسبت به مخلوقات پایین‌تر قدرتمند می‌کند. برای به دست آوردن این مرحله قلب باید از خود بی‌خود باشد، و منیت نداشته‌باشد. منیت نداشتن منتهی به پرهیزگاری و تقوایی راسخ می‌شود. که بدون خدشه است، و بهیچ‌رو غیرواقعی نیست. مردی که از چنین موهبتی برخوردارست در مشکلترین امور موفق می‌شود. با این همه حتی او باید با ثبات‌قدم و به ترتیبی صحیح رفتار کند.

تصـــویـــر : باد (سون) بر دریاچه (تویی) می‌وزد. مرد برتر با دقت به دعویهای جنایی فکر می‌کند و پیش‌ازینکه محکوم به‌مرگ کند، تامل می‌کند.

یکــم ـ ۹ : او در درون خود باقی می‌ماند، کامیابی وجود خواهد داشت. اگر او بخواهـد بیرون از خــودش چیزی را جستجو کند، موفق نخواهد شد.

تفسیـــر : تکیه بر فضایل درونی، منجر به کامیابی و خـوش‌اقبالی می‌شود.

دوم ـ ۹ : درنای ماده از آشیانه‌ی پنهانی خود، صدا درمی‌دهد، و جوجه‌هایش پاسخ می‌گویند. این درست مثل آنست که کسی بگوید «من پیاله‌یی از می ناب دارم و آن‌را با تو شریك خواهم شد.»

تفسیـــر : یك‌چنین صمیمیت بی‌خدشه‌یی، پاسخی گرم را موجب می‌شود.

ســوم ـ ٦ : او دیگری را می‌بیند. او بر طبلی به‌تناوب می‌کوبد، و یك بار می‌گرید و یك‌بار می‌خواند.

تفسیـــر : او برای اطمینان‌خاطر، بیرون از خودش را می‌نگرد، به‌جای آنکه به درونش بنگرد، و نمی‌تواندبه‌وضعیتی آرام و آسوده برسد.

چهارم ـ ٦ : در شبی که ماه تقریباً کـامل است، از جفتی اسب، یکی ناپدید می‌شود. دیگری را وا می‌گـذارد تا به تنهایی ارابه را بکشد. خطایی نخواهد رفت.

تفسیـــر : حتی اگر کسانی که او به آنها وابسته‌است، تنهایش بگـذارنـد، درست وقتی لحظه‌ی مناسب فـرارسد، صمیمیت بی‌انـدازه‌ی او، بـه نحوی است کـه او می‌تواند برنامه‌هایش را با موفقیت، بدون‌وجود آنها به انجام رساند.

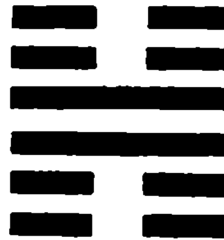
پنجم ـ ۹ : او کاملا صمیمی است، و پیوند او با دیگران به وحدت کامل می‌رسد. خطایی نخواهد رفت.

تفسیر : صمیمیت فراوان او، همه‌کس را بسته‌ی او می‌کند.

ششم ـ ۹ : او مثل خروسی است که با بانگ خود می‌خواهد به آسمانها برسد. حتی اگر او با ثبات و درستی عمل کند، باز هم نکبت وجود خواهد داشت.

تفسیر : کامیابی فعلی او، موجب می‌شود که او از حد خود زیاده‌روی کند، اگر او صمیمیتی واقعی را در خود پرورش داده بود، این امر اتفاق نمی‌افتاد.

شش خطی
۶۲



小過

hsiAO kuo

هسیائو کوئو

سه‌خطی بالایی: چن: تندر، برانگیختگی.
سه‌خطی پایینی: کن: کوه، ساکن.

موفقیت‌های ناچیز

حکـــــم : موفقیت‌های ناچیز. پیشرفت و موفقیت وجود خواهد داشت، اما ثبات قدم مفید فایده است. موفقیت در موارد ناچیز وجود خواهد داشت، اما نـه در مسایل

مهم. بـرای پرندگان کـوچك بهتر است به جای اینکه زیاده بلند بپرنـد، پایین پـرواز کنند، تـا آوازشان شنیده شود. در این صورت خوش‌اقبالـی و کامیابی وجود خواهد داشت.

تـوضیـــح : در اینجـا خطوط ضعیف که از خطوط قـوی پیشی می‌گیرنـد، پیشرفت و مـوفقیت آنهـا را مشخص می‌کنند. اما این موفقیت فقط باید در موعد مقرر صورت گیرد. مرکز هر«سه‌خطی» توسط خطی‌ضعیف اشغال شده، بنابراین، در مسایل‌ناچیز موفقیت‌به‌دست می‌آید و خوش‌اقبالی روی می‌دهد.

هیچ‌یك‌از خطوط قوی در موضع قدرت‌نیستند، بدین جهت موفقیتی که‌به دست می‌آید، موفقیتی کـوچك است، نه موفقیتی بزرگ.

قطعه‌یی که در مورد پرنده‌ی کوچك گفته شده، نشان می‌دهد که در این زمان صعود درست نیست و فرود هم بایـد بیشتر مطـابق با زمـان بـاشد. شخص بـایـد تمیز دهـد میـان آنچـه اساسی است و آنچـه غیر اساسی. از راهـی کـه کلا آن را صحیح دانسته‌اند، راهی که مربوط به موضوعات حقیقت است، هرگز نباید منحرف شد، اما انحراف از راهی که مربوط به مسایل قراردادی یـا تشریفاتی است در بعضی مواقع مجاز است. می‌توان شکل خارجی را حذف کرد، اما حقیقت درونی باید حفظ شود.

حتی از انحرافی جزیی، باید با احتیاط چشم‌پوشی کرد، آنهم در صورتی که فقط در مورد مسایل‌ناچیز بوده. و در عین تواضع و احترام رخ داده باشد. یك چنین تواضعی در مورد پرنده‌ی‌کوچك نشان داده‌شده که مواظب است خیلی بلند نپرد.

تصـــویـــــر : تندر (چن) روی کوه (کن). مرد برتر در رفتار خود به‌شدت متواضع است، و در عزاداری و سوگواری به شدت مغموم، و در مخارج خود، بسیار صرفه‌جو.

خطـــوط

یکـــم ـ ٦ : پرنده به سمت بالا می‌پرد. نکبت‌بار خواهد بود.
تفسیـــــر : اعتماد بـــه نفس زیاده‌ازحـــد، به ناکامی و بـــداقبالی غیرقابل‌اجتنابی می‌انجامد.

دوم ـ ٦ : از کنار نیاکان خـــود می‌گذرد، و با مادرش ملاقات می‌کند. او قادر نیست به حاکم برسد، اما با یکی از وزیران او ملاقات می‌کند. خطایی نخواهد رفت.
تفسیـــــر : او نمی‌تواند به آن درجه‌یـــی از موفقیت بـــرسد که آرزویش را داشته، اما از موفقیتی ناچیز هم نباید شرمگین باشد.

ســـوم ـ ٩ : او در مقابل خطر هیچ احتیاطی نمی‌کند. و درنتیجه کسی پایین‌تـــر از او فرصت می‌یابد، بـــه او صدمه بزند. نکبت پیش خواهد آمد.
تفسیـــــر : اتکای بیش از حد به قدرت مقامش، راه‌را بازمی‌کند تا او از کسی که حقیر می‌شمرد، صدمه ببیند.

چهارم ـ ٩ : او از طریق خویشتن‌داری، بـــا نکبت و بلا مخالفت می‌کند و از آنها اجتناب می‌کند. هر پیشرفتی بـــه خطر می‌انجامد. و احتیاط توصیه می‌شود. عاقلانه نیست که روش اعمال زور را در هر شرایطی بکار بریم.

تفسیــــر : شناختن‌وقت‌اجرای هر عمل یا خودداری از انجام آن، کلید موفقیتهای ناچیز در زمان فاجعه و نکبت‌است.

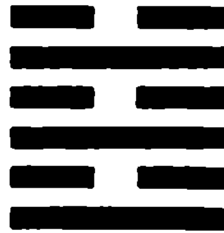
پنجـم ـ ٦ : ابرهای متراکم از سواحل غربی نزدیك می‌شونــد، اما بارانی نمی‌بارد. امیرزاده تیری رها می‌کند، و تیر به پرنده‌یی در غاری می‌خورد.

تفسیــــر : وقتی آرزوهــای کسی زیــاده از حــد شود، نومیدی نتیجه‌ی آنست، انتظارات کمتر برآورده خواهد شد.

ششـم ـ ٦ : قادر به خویشتن‌داری نیست، و از حد خود زیاده‌روی می‌کند، مانند پرنده‌یی که در آسمانها زیــاده بلند می‌پرد. نکبت پیش خواهد آمد. بیچارگی و فلاکت را خودش موجب شده.

تفسیــــر : جاه‌طلبی زیــاده، در زمانی غلط اعمال شده، و بــه فلاکت خواهد انجامید.

شش خطی
۶۳



既濟

chi chi

چی‌چی

سه‌خطی بالایی: ک، ان: آب، خطرناک.
سه‌خطی پایینی: لـــی: آتش، پیوستگی.

پس از تکامل

حکــــــــم : پس‌از تکامل. پیشرفت و موفقیت در مسایل ناچیز.
ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است. خوش‌اقبالی
و کامیابی اولیه، بــه بی‌نظمی در آخــر کــار ختم

می‌شود.

توضیح : ثبات قدم و صحت عمل مفید فایده است، چرا که خطوط قوی و ضعیف به‌خوبی تنظیم شده‌اند، و به درستی جای گرفته‌اند.
موقعیت خط ضعیف در مرکز «سه‌خطی» پایینی نشانگر کامیابی است، اما در آخر نظم برهم‌می‌خورد. کشور سرانجام در صلح است، عبور از آب بزرگ به سلامت انجام شده. بی‌عدالتی برطرف شده، و شورشگران سرکوب شده‌اند. اما هنوز چیزهای کوچکی هستند که باید انجام شوند. آنچه انجام شده باید تحکیم و تقویت شود. حاکم باید به آهستگی در کامل کردن آنچه شروع شده، پیشروی کند، به روش ثابت و صحیح عمل کند، و همواره از تزلزل درونی مسائل بشری آگاه باشد.

تصویر : آب (ك، ان) روی آتش (لی). مرد برتر امکان نکبت آینده را در نظر می‌گیرد، اقداماتی احتیاط‌آمیز در مقابل آن انجام می‌دهد.

خطوط

یکم ـ ۹ : او چوبه‌ی بازدارنده‌یی بر چرخ ارابه‌ی‌خودمی‌گذارد. او در موقعیت روباهی است که وقتی از رودخانه عبور می‌کند، سهواً دمش خیس می‌شود. خطایی نخواهد رفت.
تفسیر : اینك زمان پیشرفتی سریع سپری شده. او باید به تفال توجه کند و ازین‌کار دست بردارد. نوعی زیان ظاهری محتمل است. اما ناچیز خواهد بود.

دوم ــ ۶ : زن پرده‌ی دریچه‌ی هودجش را گم می‌کند. نباید به دنبال آن بگردد، در هفت‌روز به‌او بازگردانده خواهد شد.

تفسیــــر : اعمال شدید در این موقع، مناسب نیست. خویشتن‌ـ داری مــوجب می‌شود کــه شرایط در وقت مقتضی، درست شود.

ســوم ــ ۹ : نیای مشهور، امپراطــور «وو تینگ»، در جزیره‌ی شیاطین جنگید، اما سه سال به طول کشید تا آن را مطیع کرد. مردان کوچك را نباید در معاملات بزرگ استخدام کرد.

تفسیــــر : به‌اتمام رساندن یك معامله‌ی عظیم، غیرممکن‌نیست، اما آنقدر طولانی خواهد شد کــه شخص را خسته خواهد کرد.

چهارم ــ ۶ : او تمام روز کهنه‌پــارچــه و لته جمع می‌کند، تــا سوراخ قایقش را بگیرد،[۱] و تمام روز به نگاهبانــی می‌پردازد.

تفسیــــر : او در مقابل نکبتی که در شرف وقــوع است احتیاط و مراقبت می‌کند.

پنجــم ــ ۹ : همسایه‌یی در شرق گاو نری را بــرای قربانــی سر می‌برد، اما نذر بهارانه‌ی کوچکی که همسایه‌ی‌غربی می‌کند، تبرك و پذیرفته می‌شود.

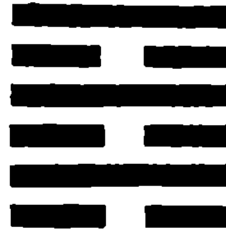
تفسیــــر : نذری همراه با صمیمیت، در مــوقع مناسب، بیشتر ارزش‌دارد تا نذری زیاد کــه در لحظه‌یی نــامناسب انجام شده باشد.

ششـــم ـ ٦ : حتی سرش هم زیــر آب فــرو رفته. موقعیت او
مخاطره‌آمیز است.

تفسیـــر : اعمال همراه با بی‌پروایی، درموقعی‌نامناسب، او را
درگیر خطرات بزرگ خواهد کرد.

۱ـ در ترجمه‌ی ویلهلم چنین است:
«زیباترین پارچه‌ها به لته بدل می‌شود.»

شش خطی
٦٤



未濟

wei chi

ویی چی

سه‌خطی بالایی: لـــی: آتش، پیوستگی.
سه‌خطی پایینی: ک، ان: آب، خطرناك.

پیش از تکامل

حکـــــم : پیش از تکامل. پیشرفت‌و موفقیت. روباه تقریبا از رود رد شده، که دمش خیس می‌شود. هیچ پیشرفتی در هیچ جهتی نخواهد بود.

توضیح : در اینجا پیشرفت و موفقیت مطرح شده، چرا که خط وسط «سه‌خطی» بالایی را خطی ضعیف اشغال کرده.
گفته می‌شود که روباه تقریبا از رودخانه رد شده، که نشان می‌دهد او هنوز کاملا از خطر نرسته‌است. روباه دمش را خیس می‌کند، و هیچ موفقیتی به‌دست نمی‌آورد، چون موفقیتی که در ابتدا نشان داده شده، تا به انتها ادامه نمی‌یابد. اگرچه خطوط در جای مناسب خود قرار نگرفته‌اند، معهذا خطوط قوی و ضعیف جوابگوی هم هستند.
همانطور که فصول سال به‌طور مداوم عوض می‌شود و گشت بدون‌وقفه‌اش را دنبال می‌کند، مراحل اجتماع هم به همان حال است. نظم سرانجام به دست می‌آید، سپس می‌گذرد. به این جهت تقلایی شروع می‌شود تا دوباره این نظم به دست آید. روباه نشانگر کسی است که در این زمانها کوشش می‌کند بی‌نظمی عمومی را درست کند. کوشش او نمی‌تواند موفق باشد، و او تنها خود را درگیر مشکلات و خطر می‌سازد. اگر چیزها را به نوعی‌دیگر برعهده‌گیریم، موفقیت حاصل خواهد شد.

تصویر : آتش (لی) روی آب (ك، ان). مرد برتر، قبل ازینکه چیزها را در موقعیت طبیعی آن‌ها قرار دهد، آنها را از هم مجزا و تفکیك می‌کند.

خطوط :

یکم ـ ٦ : روباه دمش را خیس می‌کند. ناکامی و بداقبالی پیش خواهد آمد.
تفسیر : سوءقضاوتی جدی، او را درگیر اشتباه و حتی

بی‌حیثیتی می‌کند.

دوم ـ ۹ : او چوبه‌ی بازدارنده‌ای بر چرخ ارابه‌اش می‌گذارد. ثبات و صحت عمل کامیابی را موجب خواهد شد.
تفسیر : خویشتن داری شدید نتیجه‌یی خوش به بار خواهد آورد.

سوم ـ ٦ : او کوشش می‌کند جلوتر رود، و مسایل غیرمبهم را را تمام‌نشده رها می‌کند. این امر منجر به ناکامی است. اما همچنان کوشش برای عبور از آب بزرگ مفید است.
تفسیر : در زمان فعلی خویشتن‌داری مورد نیازست، اما شخص باید هدف خود را در ذهن خود حفظ کند.

چهارم ـ ۹ : با ثبات‌قدم و صحت‌عمل به کامیابی خواهد رسید و امکان تاسف به‌وجود نمی‌آید. بگذارید نیروهایش را جمع کند، بدانگونه که بخواهد به جزیره‌ی شیاطین هجوم ببرد! پس از سه سالی تقلا، او و یارانش به شدت مورد تشویق قرار می‌گیرند.
تفسیر : وارد شدن در معامله‌یی عظیم، در این زمان منجر به تقلایی خسته‌کننده و طولانی خواهد شد، اما اگر او تصمیم بگیرد تا آخر ادامه دهد، نتیجه به شدت موفقیت‌آمیز خواهد بود.

پنجم ـ ٦ : صحت‌عمل و ثبات‌قدم، موجب می‌شود که او به کامیابی برسد، و دلیلی برای تاسف و پشیمانی نداشته باشد. او از صمیمیتی‌درونی‌برخوردار است، و روشنی و ذکاوت مرد برتر را از خود نشان‌می‌دهد.

بخت مساعدت خواهد کرد.

تفسیــــر : ایــن تفال مبشر موفقیت و پیروزی بزرگی است.

۳۳۵

ششـم ـ ۹ : با اعتماد به‌نفس کامل، او بی‌سروصدا با دوستانش جشن می‌گیرد. خطایی نخواهد رفت. امااگر دراعتماد به‌نفس خود زیاده‌روی کند، مثل روباهی است کـه وقتی از رودخانه عبور می‌کند، می‌گـذارد سرش در آب فرو رود، آنگاه شکست او حتمی خواهد بود.

تفسیــــر : شخص حق دارد از بـر آورده شدن جاه‌طلبی‌هـایش شادمان شود. اما حتی در این لحظه هم اگر خواهـان تداوم موفقیت است، خویشتن‌داری و کف‌نفس‌توصیه می‌شود.

ضمیمه

وجوه ریاضی یی چینگ

چینی‌های قدیم کهکشان را بسته و محدود می‌دانستند، آن را کروی می‌پنداشتند، و نه مسطح. و اعداد، نشانه‌هایی بودند برای دسته‌بندی زمان و مکان.

شماره‌ی ۱، عدد اول نبود که تا بینهایت ادامه می‌یابد، بلکه نشانه‌ی قلب جهان بود. اعداد ساده‌ی یك‌رقمی ۲، ۳، ٤ و ٥، نزدیك به مرکز و علامت اولین و نیرومندترین جریان تغییر بودند.

اعداد پیام‌آوران آسمانها بودند، و ارتباطی مشخص، میان پدیده‌های ظاهراً نامتجانس به وجود می‌آوردند، و نشانگر تغییراتی بودند که انتظار می‌رفت در این پدیده‌های نامتجانس رخ دهد.

ازینرو در چین همواره به گونه‌یی خاص ارتباط نزدیك میان ریاضیات و طالع‌بینی وجودداشت. واژه‌ی «سوان»[1] که‌برای حساب‌کردن به کار می‌رود، بسیار نزدیك است به واژه‌یی که برای وحی الهی به کار می‌رود. این نکته ممکنست به اغتشاش در ترجمه‌ی متنی قدیمی منجر شود، زیرا به سادگی نمی‌توان گفت که آیا نویسنده در مورد حساب سخن می‌گوید یا در مورد طالع‌بینی.

ازدورترین زمانها به‌کار گرفتن اعداد را به صورت نشانه و نماد، بهترین روش می‌دانستند که از طریق آن می‌توان به وضعیت ارتباطی مدارهای اصلی طبیعت دست یافت. کهکشان ابتدا به دو

1— Suan.

اصل متضاد اما مکمل آسمان و زمین تقسیم شد (که بعدها موسوم به یانگ و ین شد).

آسمان با شماره‌ی ۱، و زمین با شماره‌ی ۲ نشانه‌گذاری شدند. اما از آنجائیکه شماره‌ی ۱ را در جریان تغییر، زیاده منتزع و مجرد، و زیاده آرمانی دیدند، آن رامعرف تمامیت هستی قرار دادند، و آسمان به عنوان یك اصل فعال با شماره‌ی ۳ نشانه‌گذاری شد. انتخاب این شماره برای آسمان کاملا پذیرفتنی بود، چرا که آسمان(۳) به طور واضح دربر گیرنده‌ی زمین (۲) می‌شد.

به دنبال این روش استدلال، همه‌ی اعداد جفت منسوب به زمین. و تمام اعداد فرد منسوب به آسمان شدند.

بنا بر شرحی که بر حکم‌های یی‌چینگ نوشته شده (هسی تزو چوان)۲:

«شماره‌ی ۱ متعلق به آسمان، شماره‌ی ۲ متعلق به زمین است، همینطور، شماره ۳ به آسمان، شماره ٤ به زمین، شماره ۵ به آسمان، شماره ٦ به زمین، شماره ۷ به آسمان، شماره ۸ به زمین، شماره ۹ به آسمان، و شماره‌ی ۱۰ به زمین.

رویهم پنج عدد متعلق به آسمان، و پنج عدد متعلق به زمین است. هر دو دسته‌ی این اعداد به هم مربوطند، و هر عددی همتای خود را در دسته‌ی دیگر دارد. اعداد آسمان تا به شماره‌ی ۲۵ می‌رسند، و اعداد زمین تا به شماره‌ی ۳۰. کل اعداد آسمان و زمین رویهمرفته ۵۵ هستند، و از طریق این اعداد است که تغییر و تبدیلات کامل می‌شوند، و خدایان و ارواح در حرکت می‌مانند.»

پس از آن شرح بر حکم‌های یی‌چینگ به اختصار ادامه می‌یابد و مسیر سؤال را جواب می‌دهد. و مفهوم اعدادی را که به دست می‌آیند، از نظر تمثیلی توضیح می‌دهد.

«کل تعداد چوبهای بومادران ۵۰ عدد هستند، که ٤۹ عدد آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، این ٤۹ عدد به دو دسته تقسیم می‌شوند که نماینده‌ی زمین و آسمان هستند. بعد

2— Hsi Tz'u chuan.

یك چوب (ازدسته‌چوبهای دست‌راستی) برداشته می‌شود، تا نشانه‌ی نیروهای سه‌گانه (آسمان، زمین، و انسان) باشد. سپس ایندو دسته چوب به چهار دسته تقسیم می‌شوند، تا نشانگر چهارفصل باشد. باقیمانده نشانگر ماه کبیسه است. زیرا در هر پنج سال دو ماه کبیسه وجود دارد. آنگاه تمام ماجرا تکرار می‌شود.»

این مطالب بخصوص از آن نظر جالب است که نشان‌دهنده‌ی نوع تفکری است که دنیای مجرد را با دنیای ملموس پدیده‌های طبیعت پیوند می‌دهد.

در آن دوره چینی‌ها از تقویم قمری استفاده می‌کردند، که لازم بود هر پنج سال یکبار دو ماه بر آن بیفزایند، تا آن را همردیف سال شمسی کنند. شاید انتخاب ۵۰ چوب بومادران. از مدار پنج‌ساله ناشی شده باشد، اگرچه این گفته کاملا مورد یقین نیست. پژوهشگری که بخواهد در این زمینه‌ی خاص مطالعه و آن را کشف کند، خیلی زود متوجه می‌شود که به بن‌بست می‌رسد، چرا که مفهوم اعداد صحیح در نظر چینیان قدیم، ابداً روشن نیست.

۲ و ۳ اعداد اولیه‌ی زمین و آسمان هستند، اما ٤ و ٥ نشانگر «محل مخصوص» آنها هستند، که مسیر تغییر از این محل امکان وجود پیدا می‌کند. چهار عدد بعدی، ٦، ۷، ۸ و ۹، عملا نکات اصلی را در مدار پدیده نشان می‌دهند. این چهار عدد، همان چهار «عدد آئینی» هستند که در تفال با «یی‌چینگ» به دست می‌آیند.

۷، حرکت آسمان را در مراحل اولیه نشان می‌دهد، یعنی‌هنگامی که «یانگ جوان» است. هرچه مدار بیشتر بچرخد، تبدیل به «یانگ پیر» می‌شود، با عدد ۹ نشان داده می‌شود.

۸، نشانگر زمین است، در نقطه‌یی نزدیك به شروع مدار، و «ین جوان» خوانده می‌شود، درحالیکه ٦ نشانگر «ین پیر» است، و در هر عملی اصل منفی آنست.

۷ به ۹ پیش می‌رود، و ۸ به ٦ عقب می‌نشیند.

وقتی به روش چوبهای بومادران از یی‌چینگ تفال می‌زنیم می‌بینیم که ممکنست خطوط یانگ جوان و ین جوان از سه‌مجموعه‌ی عددی به دست آیند، حال اینکه خطوط یانگ پیر و ین پیر، هر یك فقط با یك مجموعه‌ی عددی نشان داده‌می‌شوند.

بنابراین احتمال کمتری دارد که در «شش‌خطی» خطوط متغیر (پیر) به دست آید، تا خطوط ساکن (جوان)، پس هنگامی که خطی متحرك به‌دست می‌آید، از مفهومی خاص برخوردارست. و باید گفته‌های امیر چو را در باره‌ی این خطوط (متغیر) مطالعه کرد.

جریان کنار گذاردن چهارتا چهارتای چوبهای بومادران، یك گروه از اعداد به دست می‌دهد (مثلا ٤ + ٨ + ٩ یا ٨ + ٤ + ٥) که مربوط به اعداد آئینی هستند به ترتیب زیر عمل می‌کنند:

در شمارش اول، آن چوبی که بین انگشت کوچك و انگشت چهارم (بنصر) قرار گرفته و چوب اول است، به حساب نمی‌آید، بدینترتیب مجموعه‌ی ۹تایی ۸تا شمرده می‌شود، و مجموعه‌ی پنج‌تایی به چهارتا شمرده می‌شود.

شماره ٤ به عنوان یك عدد فرد محسوب می‌شود، و منسوب به آسمان است که شماره‌ی آسمان ۳ است.

شماره‌ی ۸ به عنوان عدد زوج محسوب شده، و منسوب به زمین است، که شماره‌ی زمین ۲ است.

در شمارش بار دوم و سوم چوبها، همان مسیر کم‌کردن اجرا شده، ٤ به عنوان ۳ شمرده می‌شود، و ۸ به عنوان ۲.

حال اگر این اعداد کاسته شده، با هم جمع شوند، شماره‌های آئینی مناسب به دست می‌آیند، به عنوان مثال :

خط ین جوان —— —— ۸ = (۲)۸ + (۳)٤ + (۳)٥

خط ین پیر ——X—— ٦ = (۲)۸ + (۲)۸ + (۲)۹

«لایب‌نیتز»[3] و «یی چینگ»

حسابی که امروزه به طور معمول مورد استفاده‌ی ماست، حساب دهدهی است، با اضافه کردن یك صفر به هر عددی، آن را ضربدر ده کرده‌ایم. «لایب‌نیتز» ریاضی‌دان (۱۷۱٦ـ۱٦٤٦) اولین کسی است

3— Leibniz.

که حساب دو دویی را پیدا کرد. در عددنویسی با مقیاس دودویی که مقیاس مضاعف خوانده می‌شود، وقتی صفر به‌هرعددی اضافه‌می‌گردد، آن را ضرب‌در دو می‌کند.

مثلا، اولین ده عدد مقیاس دهدهی ما، در مقیاس مضاعف به صورت زیر درمی‌آید:

۱ = ۱	٦ = ۱۱۰
۲ = ۱۰	۷ = ۱۱۱
۳ = ۱۱	۸ = ۱۰۰۰
٤ = ۱۰۰	۹ = ۱۰۰۱
٥ = ۱۰۱	۱۰ = ۱۰۱۰

لایب‌نیتز ابتدا قاعده‌ی مضاعف[۴] را در رساله‌یی به‌نام «تصاعد مضاعف»[۵] در ۱٦۷۹ توضیح داد. بین‌سالهای ۱٦۹۷ و۱۷۰۲ لایب‌نیتز با یکی از مبلغان مسیحی در چین به نام پدر «یواخیم بووه»[۶] مربوط شد، و در ۱٦۹۸ پدر بووه «شش‌خطی»های یی‌چینگ را به لایب‌نیتز نشان داد، تا تشابه عجیب میان یی‌چینگ و قاعده‌ی مضاعف را به او خاطرنشان کند.

لایب‌نیتز نسخه‌یی قدیمی از نمودارها به دست آورد که «شش‌خطی»ها را به‌صورت‌مربع‌ودایره (سرلوحه‌ی‌کتاب‌حاضر) نشان‌می‌داد. اوکشف کردکه‌اگر یك صفر به جای هر خط منفصل، و عدد یك به جای هر خط ممتد بگذارد، «شش‌خطی‌ها»، قاعده‌ی مضاعف خود را، از شماره‌ی صفر تا شماره‌ی ٦۳ به دست خواهد آورد.

مثلا، «شش‌خطی» «پو»[۷] (دومی از چپ روی ردیف بالای مربع، و تقریباً در ته دایره) در قاعده‌ی مضاعف شماره‌ی ۱ است، اگر از صفرهای قبل از یك صرفنظر کنیم، «شش‌خطی» «پی»[۸]، که در سمت راست پو واقع است، شماره‌ی ۲ می‌شود (که در مقیاس مضاعف‌شماره‌ی ۱۰ را نشان می‌دهد)، الی آخر.

اگر بخواهید آنچه گفته شد شخصاً بیازمایید، ساده‌ترین راه

4— Binary System
5— De Progressione Dyadica.
6— Joachim Bouvet.
7— Po.
8— Pi.

شروع با شماره‌یی در مقیاس دهدهی است، که بعد آن را به مقیاس مضاعف تبدیل کنید. برای اینکار شماره را بر عدد ۲ تقسیم می‌کنیم. خارج قسمت را روی خط بعدی می‌نویسیم، و باقیمانده را در کنار آن می‌نویسیم. سپس خارج‌قسمت را تقسیم بر ۲ می‌کنیم، و باقیمانده را در کنارش می‌نویسیم. این کار را ادامه می‌دهیم تا خارج قسمت مساوی صفر شود. ستون باقیمانده‌ها که در کنار نوشته‌ایم عددی است که با آن شروع می‌کنیم و در مقیاس مضاعف توضیح شده.

برای تبدیل آن به «شش‌خطی»، یك خط منفصل برای هر صفر ترسیم می‌کنیم، و یك خط ممتد برای هر عدد یك. شکلی که به دست می‌آید، «شش‌خطی»یی است مطابق با عدد اول ستون باقیمانده‌ها. در اینجا مثالی می‌بینیم. «شش‌خطی» شماره‌ی پنجاه به‌ترتیب‌زیر به‌دست می‌آید:

مقسوم‌علیه	مقسوم و خارج قسمت	باقیمانده	
۲	۵۰		
۲	۲۵	۰	—— ——
۲	۱۲	۱	————
۲	۶	۰	—— ——
۲	۳	۰	—— ——
۲	۱	۱	————
	۰	۱	————

(چیه) شش‌خطی ۵۰ در جدول قدیمی (لوحه‌ی آغاز کتاب حاضر)

در جدول فعلی این شش‌خطی شماره‌ی ۶۰ است.

اگر دیدید که نتیجه‌ی به دست آمده از شش خط مورد نیاز، کم دارد، به تعداد خطوط مورد نیاز به انتهای عدد صفر اضافه کنید تا «شش‌خطی» مطلوب به‌دست آید. مثلا:

مقسوم‌علیه	مقسوم و خارج قسمت	باقیمانده
۲	۹	
۲	۴	۱
۲	۲	۰
۲	۱	۰
	۰	۱
		۰
		۰

(کن) شش‌خطی ۹ در جدول قدیمی
در جدول فعلی این شش‌خطی شماره‌ی ۵۲ است.

ترتیب «شش‌خطی»هایی که در جدول راهنما داده شده، مطابق با ترتیب داده شده در متن نیست، و به نظر می‌رسد کـه مبدع آن فیلسوفی از اهالی «سونگ»۹ به نام «شائو یونگ»۱۰ حدود ۱۰۶۰ میلادی بوده است.

لایب‌نیتز قاعده‌ی ریاضی پی را که به مدت حداقل ۶۰۰ سال مفقود شده بود، دوباره کشف کرد. البته قابل اثبات نیست که آیـا مبدعان «شش‌خطی»ها در سلسله‌ی «چو»، مفهوم ریاضی کار خود را تشخیص داده بودند، یا نه. به هر حال ترتیب تنظیم «شش خطی»ها در کتاب، هیچ نشانه‌یی از مقیاس مضاعف را نشان نمی‌دهد.

معهذا، یی‌چینگ هم، مانند مقیاس مضاعف، بر مبنای تقلیب دو رقم یا دو کمیت است. امروزه کامپیوتر الکترونیك بر همین روش عمل می‌کند، که دریچه‌های اطمینان (سوپاپ) با بار الکتریکی، یا کلیدهای الکترونیکی دارد (و جریان فیلیپ فلاپ۱۱ خوانده می‌شود) که دارای دو وضعیت است. وضعیتی که جریان را روشن می‌کند، و وضعیت دیگر که آن را خاموش می‌کند. ایندو وضعیت با عدد ۱ و صفر نشان داده می‌شوند. عدد ۱ به علامت روشن، و عدد صفر به

9— Sung. 10— Shao Yung.
11— Flip Flop.

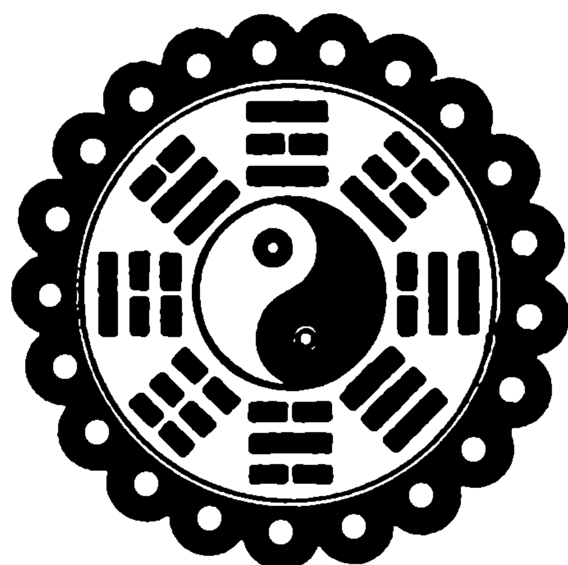
علامت خاموش.

یك دسته از این کلیدهای متصل به هم، می‌توانند عددی را در مقیاس مضاعف، و همچنین در «شش‌خطی»ها تشکیل دهد.

در خاتمه، کشف شده است که سلول‌های عصبی دستگاه عصبی انسان، و حیوانات از رده‌ی بالاتر، از همین قانون تبعیت می‌کنند. آنها یا «روشن» هستند، یا «خاموش». یعنی بدون ارتباط با نیروی محرك یا طبیعت محرك، یا کاملا منفعل و یا کاملا فعال هستند.

هنگامی که نگاهی به پیشرفتهای جدید می‌اندازیم، دیگر سنتی که مبدعان یی‌چینگ به وجود آورده‌اند، و این شصت و چهار «شش خطی» که طبیعت درونی همه‌ی پدیده‌ها را منعکس می‌کند، چندان بعید و بیهوده به نظر نمی‌رسد.

شاید عصر کامپیوتر الکترونیك، و همچنین علوم تخصصی از قبیل عصب‌شناسی، با بیانی مغایر، از یی‌چینگ قدردانی کنند.



فهرست

ضمیمه

اگر چند سال بر زندگی من افزوده می‌شد، من پنجاه سال آن را به مطالعه‌ی «یی‌چینگ» اختصاص می‌دادم. و بدین ترتیب ممکن بود از ارتکاب اشتباهات فاحش خودداری کنم.

کنفوسیوس

من بیشتر از خرد چین الهام گرفته‌ام. تا از «اوپانیشاد»های «ودانتا». «یی‌چینک» می‌تواند زندگی را دگرگون کند.

هرمان هسه

من ساعتها می‌نشستم، و با دقت در نتیجه‌ی تفأل، و تقابل سؤال‌ها و جواب‌ها، شیوه‌ی «یی‌چینک» را تمرین می‌کردم. نتایج شاخصی که به دست می‌آمد، ارتباطی پرمعنا با جریان افکارم برقرار می‌کرد. براستی که شیوه‌ی «یی‌چینک» کیفیت‌های خاصه‌ی پنهان را در اشیاء و آدمیان می‌شناسد، و ناخودآگاه آدمی را می‌بیند.

کارل گوستاو یونگ